





ان شاء الله تعالى  
علم من لا يدري الا الله تعالى  
ابن جعفر خطيب التيسار  
عبد الممنون







# کتاب ر التنظیم

جدول اهل تحقیق و قسمت بطالع کواکب و طایع					جدول اهل تکسیر و قسمت بطالع کواکب و طایع				
کواکب	نار	هوا	ماء	تراب	کواکب	نار	هوا	ماء	تراب
زحل	ا	ب	ج	د	زحل	ا	ب	ج	د
مشتری	ه	و	ز	ح	مشتری	و	ز	ح	د
میرخ	ط	ی	ک	ل	میرخ	ی	ک	ل	غ
شمس	م	ن	س	ع	شمس	ل	س	ث	ظ
زهرة	ف	ص	ق	ر	زهرة	م	ف	ذ	غ
عطارد	ش	ت	ث	خ	عطارد	ن	ت	ص	ض
قمر	ذ	ض	ظ	ع	قمر	ع	ح	ط	ق

جدول حکماء و علماء و قسمت بطالع کواکب و طایع					جدول عرب و قسمت بطالع کواکب و طایع				
کواکب	نار	هوا	ماء	تراب	کواکب	نار	هوا	ماء	تراب
زحل	ع	ش	ن	د	زحل	ا	ب	ج	د
مشتری	ض	ق	ل	ه	مشتری	ع	ی	ل	م
میرخ	ح	ف	ی	ج	میرخ	ه	ص	ر	ز
شمس	ت	س	ح	ا	شمس	ط	غ	ث	ب
زهرة	ظ	ز	م	و	زهرة	ح	ظ	ن	غ
عطارد	ذ	ص	ر	ک	عطارد	ف	ک	ی	ع
قمر	ث	ع	ط	ب	قمر	ش	ض	ط	ق







جدول اهل تحقیق و قسمت بطالع کواکب و طبایع

کواکب	نار	هواء	ماء	تراب
زحل	ا'	ب	ج	د
مشتری	ه'	و	ز	ح
مریخ	ط'	ی	ک	ل
شمس	م'	ن	س	ع
زهره	ف'	ص	ق	ر
عطارد	ش'	ت	ث	خ
قمر	ذ'	ض	ظ	ع'

جدول عرب و قسمت بطالع کواکب و طبایع

کواکب	نار	هواء	ماء	تراب
زحل	ع'	ش	ن	د
مشتری	ض'	ق	ل	ه'
مریخ	ح'	ف	ی	ج'
شمس	ت'	س	ح	ا'
زهره	ظ'	ز	م	و
عطارد	ذ'	ص	ر	ک'
قمر	ث'	ع	ط	ب'

جدول اهل تکسیر و قسمت بطالع کواکب و طبایع

کواکب	نار	هواء	ماء	تراب
زحل	ا'	ب	ه'	ب'
مشتری	و'	ز	ر	د'
مریخ	ی'	ک	ش	ح'
شمس	ل'	س	ث	ظ'
زهره	م'	ف	ذ	ع'
عطارد	ن'	ت	ص	ض'
قمر	ع'	ح	ط	ق'

جدول حکما و علما و قسمت بطالع کواکب و طبایع

کواکب	نار	هواء	ماء	تراب
زحل	ا'	ق	س	ج'
مشتری	ع'	ی	ل	م'
مریخ	ه'	ص	ر	ز'
شمس	ط'	غ	ث	ب'
زهره	ح'	ظ	ن	ح'
عطارد	ف'	ک	و	ت'
قمر	ش'	ض	د	د'



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل در قواعد قرائت سوره یس مبارک است و بعضی از خواص آن که بعد  
از استخاره از آن واحد ائمه های دین که مستخرجان علم جعفرند مرقوم رقم بند <sup>ضعیف</sup>  
سعد الدین محمد محمود کشته تا سالکان طریق الهی در اقدام این بمنتهای مراد خود  
واصل شوند و لله الموفق والمعين بدانکه سوره یس را خواص بسیار است  
حضرت رسول صلی الله علیه و آله او را قلب القرآن خوانده است و اکثر علمای جعفر  
بر آنند که اسم اعظم در این سوره است و مرویست که بعد از نماز بامداد یس را  
بخواند بشرایط کفاره هفتاد ساله گناه صغیره او گردد و در آن روز بخورد و اگر بخورد  
توفیق خواندن نیافته باشد و شرط خواندن این سوره آنست که با طهارت و روی  
بقبله باشد و در جای پاکیزه و لباس پاک و بحضور قلب بخواندن مشغول شود  
و بدانکه در این سوره سوره موضع محل اشاره است بمقاصد که چون در وقت  
قرائت بدان محل رسد بصدق تمام و حضور دل مقصود بخوابد و گزارد که بيشك  
مراد وی حاصل شود و این مواضع را علمای این فن ظاهر ننوشته اند مگر برکن  
و ایما و اگر این اسرار را فاش کنند و خلایق بر این وقوف یا بند کارهای عظیم را  
پیش گرفته مأمور هیچ کسب و کار نشوند اشاره اول واقع است در میان  
دو کلمه که مجموع حروف هر دو بود ابواب بهشت است و کلمه اول او چهار حرف است

یا ایها الذین آمنوا  
یا ایها الذین آمنوا

هر یک بعد



هر یکی بعد از دیگری تکرار یافته است و کلمه دوم او غیر مکرر است اگر چه حرف  
اول از او در کلمه اول تکرار یافته و حرف ثانی او ثانی حرف اول از کلمه اول است  
در اعداد و حرف ثالث او باز از حرف اول از کلمه اول است و مرتب ثانیه از  
اعداد و حرف رابع مثل مجموع حرف اول و ثالث است والله اعلم

اشاره ثانی واقع است در سده کلمه که حروف مجموع این کلمات بود ابواب نیرانست  
و حروف اول و سابع متماثلند چنانکه ثانی و سادس و ثالث و خامس و حرف رابع  
حرکت است و او حرفیست که باز بر و بینات مطابق اسم اعظم است که اسم ذات  
عبارت از آنست و او حرفیست که ر و بته خاتم ولایت دارد و دایره حروف بدو  
منتهی شود و از بینات او آخر با اول پیوند و علامت دیگر آنست که الفعل که  
از وی آید وقت انضمام با کلمات از مغلوب و بی همان حاصل آید بغیر دیار و  
اشاره ثالث واقع است در پنج کلمه که مجموع حروف این کلمات بود تمام ابواب  
مذکور است یکی زیاده و حروف کلماتین که موقع اشاره اول است بقیها بر ترتیب  
کلمه اول و ثانیه غیر مرتب در این کلمات مندرج است و عدد نقطیات که در این کلمات  
جمع جهات را احاطه نموده نصف فوقانی و نصف تحتانی و ظاهر است که اسماء حسنا  
الهی در ایشان جلوه مینماید یکی در اول و دو در آخر تسطیر و بی دو اسم باتفاق جمیع  
علماء اندراج یافته که اسم اعظم است و اسمی دیگر از ایشان استنباط میتوان نمود که  
بعضی از آن مثل البائر و المؤمن و الحليم است و باقی علی هذا القیاس  
و زیاده از این فن افشای این را از نگرده اند و تجویز نفرموده اند و از این روشن تر کسی

۱۰۰  
۱۰۱  
۱۰۲

۱۰۳  
۱۰۴  
۱۰۵



تاغایت بیان نکرده با وجود اینکه هنوز از تصریح دور است و کم بردل این پیمانه مستوی<sup>ست</sup>  
 ایفرزند عزیز اگر نه علت قابلیت تو باعث گشته این راز دگر بقلم پیوسته باید دلسر  
 بصیقل خلاص منور نموده تا حال این اسرار بر تو جلوه نماید والله المعین و  
 بعد از دانستن مواضع مذکوره هر چه خواهی از منافع و مضار بر حصول آن قدرت  
 یابی انشاء الله و از اکابر این فن مرویست که در این سوره هفت مبین<sup>ست</sup>  
 دو را در حساب نگیرند و آن عدو مبین است و خصیم مبین است و پنج دیگر  
 از خضرای خود از دست راست ابتدا کنند و بهر لفظ مبین انگشتی عقد کرده بر آنها  
 خم کند و در کشودن از ابهام عقد بکشاید پس از خضرا پس از وسطی پس از آن بنصیر  
 و بر مسجحه خم نماید و در کشودن فاتحه و آیه الکرسی بخواند و گفته اند که بعد از  
 قرائت لیس مبارک این کلمات را بخواند که سریع الاجابة است **سُبْحَانَ الْمَفْرُجِ  
 عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ سُبْحَانَ الْمُنْفَسِّ عَنْ كُلِّ مَدْيُونٍ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَ عَلَيْهِ  
 وَقُدْرَتِهِ بَيْنَ الْكَافِ وَالْمُؤْمِنِ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ  
 فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ** و سه بار بگوید  
**يَا مُفَرِّجُ الْهَمِّ فَرِّجْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ** فصل طریق دیگر  
 بدانکه چون کسی بجهت حاجت سوره کبریه<sup>لیس</sup> را بدین طریق بخواند البته  
 آن حاجت بر آید باید که در اول دو رکعت نماز حاجت بگذارد و جبهه بقبله نموده  
 صد مرتبه صلوات بفرستد و لیس مبارک را بخواند تا آخر و در میان باکستی سخن  
 نگوید و در این سوره سه وقف لازم است و هفت مبین بهر یکی که برسد انگشتی  
 عقد کند



عقلا کند و عقود عشره را بوقف عشره آیه الکرسی بخواند تا آخر که وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ  
باشد و چون بایه سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ برسد که اسم اعظم در او مندرج است  
و این آیه چهارده حرف است توقف کند و حاجت خود را در دل بگذراند و ۱۴ بار  
تکبیر یا اللَّهُ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ این چهار کلمه را اسم اعظم گفته اند  
و چون سوره را تمام کند اختتام بطریق دیگر که ذکر کرده شد بخواند و این فقیر نام را در  
بندهای خیر یاد کند باب دیگر چون خواهند که دعوت سوره کُنْ مَبْرُکًا  
کنند و نتوانند که بسیار بخوانند در هر روزی یکبار بخوانند اما در هر مُبَیِّن  
بایستد و سوره فاتحه را تا ب نستعین بخواند و بایستد و مطلوب را در دل  
خود بگذراند و فاتحه را تمام بخواند و در سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ و بعد از  
اختلاف مختار شانزده نوبت است و در هر مَبَیِّن انکشتی فرو گیرند و چون سوره  
شریفه را تمام کند هفت بار سوره فاتحه را بخواند و بهر نوبت انکشتی بکشد  
و در فاتحه آخر بعد از کلمه نستعین سه مرتبه سوره اخلاص را بخواند و  
دعا کند و فاتحه را تمام کند البتّه مستجاب گردد و اهل کشف بر تحقیق این مبالغه نموده  
اند البتّه مؤثر است و الله اعلم بالصواب و السیر المرجع والمعالی

و السلام تمت

از جمله ختم معتبره مجرب ختم آیه الکرسی است اما وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ بعد از لفظ کرسی که  
است بخوانند و بزرگان و اکابر گفته اند که اگر کسی بعد از نام خود بخواند ابواب فتوحات  
بر روی او گشاده میشود و سعادت باور و میاورد و فقر و فاقه از وی دور میگردد



و از برای تحجیب شرعی اگر بعد د اسم طالب و مطلوب خوانده شود اثر عجیب دارد و  
در کتب علماء اثنا عشریه و در بعضی از تفاسیر تشیع وارد شده است که در آیه شریفه  
مبارکه 'ایة الکرسی' ده وقف است هر که در وقت خواندن وقف را بعمل آورد بعد  
از آن دعا کند انشاء الله تعالی دعای او مستجاب است و هر مطلبی که از خداوند قادر مختار  
بخواهد بسبب حرمت و برکت این آیه شریفه میسر و محصل گردد و قاعده وقف اینست  
که ابتدا از انگشت کوچک دست راست کند که او را خنصر گویند و بهر وقتی انگشتی عقد  
کند و ختم با انگشت ابهام دست چپ کند و در میان دو عین یشفع عنده هر چه  
بخواهد از عمل خیر طلب کند و در میان دو میم یعلم ما بین ایدیهیم اید آنچه دفع شر باشد  
طلب نماید و چون ده عقد تمام شود سوره بار سورۃ الم نشرح و سوره بار قل هو  
الله احد را و سوره بار صلوات بفرستد و بعد ده مرتبه سورۃ حمد را بخواند و بعد  
از اتمام سورۃ حمد یک انگشتی از انگشتان معقوده واکند و در باز نمودن انگشتان ابتدا  
کند از انگشت ابهام دست چپ تا انگشت خنصر دست راست که از او عقد کرده بود  
و بعد از فتح همه انگشتان نظریسوی آسمان کند و بد مذ و حاجت خود را بخواهد و در  
بعضی از نسخ چنین وارد شده است که بعد از اتمام عقد ها سورۃ الم نشرح و قل  
هو الله و سوره بار صلوات بخواند و نظریسوی آسمان کند و بد مذ و حاجت بخواهد و بعد  
از آن ابتدا فتح از ابهام دست چپ نماید و در این متعرض نشده که وقت کشادن  
انگشتان فاتحه بخواند و اگر عمل بهر دو طریق نماید بهتر خواهد بود و در بعضی از  
کتابها طریقه اول را تا چهل روز ذکر کرده اند و گفته اند که مداومت باین طریق تا



از جهت قضاء حوائج تخلف ندارد وقف باین طریق است وقف اول اینست  
 اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ دَوِّمَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ سِتِّمَ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ  
 چهارم لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ بِحَسْبِ مِنْ ذَا الْعَرْشِ يَشْفَعُ عِنْدَهُ  
 إِلَّا بِإِذْنِهِ ششم يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ هفتم  
 وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ هشتم وَسِعَ كُرْسِيُّهُ  
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ نهم وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا دهم  
 وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

$  \begin{array}{r}  5995 \\  11990 \\  \hline  45920 \\  2391 \\  \hline  335620 \\  235620 \\  \hline  55 \\  21 \\  \hline  266 \\  252 \\  \hline  252 \\  252 \\  \hline  252  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  5995 \\  35970 \\  \hline  29965 \\  335620 \\  \hline  21 \\  11990 \\  \hline  45920 \\  2391 \\  \hline  335620  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  5995 \\  23910 \\  \hline  45920 \\  2391 \\  \hline  335620  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  14 \\  14 \\  \hline  56 \\  14 \\  \hline  194 \\  14 \\  \hline  184  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  14 \\  14 \\  \hline  56 \\  14 \\  \hline  224 \\  56 \\  \hline  184  \end{array}  $
$  \begin{array}{r}  335620 \\  11 \\  \hline  55 \\  21 \\  \hline  266 \\  252 \\  \hline  252 \\  252 \\  \hline  252  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  5995 \\  29965 \\  \hline  45920 \\  2391 \\  \hline  335620  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  30520 \\  11 \\  \hline  3052 \\  3052 \\  \hline  335620  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  545 \\  11 \\  \hline  545 \\  545 \\  \hline  5995  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  1199 \\  5995 \\  \hline  5995  \end{array}  $
$  \begin{array}{r}  5995 \\  5995 \\  \hline  29965 \\  53955 \\  \hline  29965 \\  35939025  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  335620 \\  55 \\  \hline  22 \\  22 \\  \hline  22  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  110 \\  3052 \\  \hline  110 \\  3052 \\  \hline  335620  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  693 \\  21 \\  \hline  5544 \\  1386 \\  \hline  19404  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  693 \\  21 \\  \hline  1316 \\  21 \\  \hline  11011  \end{array}  $
$  \begin{array}{r}  5302 \\  1064 \\  \hline  14142 \\  2120112 \\  \hline  296932  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  5302 \\  142416 \\  \hline  14142 \\  30520 \\  \hline  30520 \\  335620  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  693 \\  21 \\  \hline  1316 \\  21 \\  \hline  11011  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  693 \\  21 \\  \hline  1316 \\  21 \\  \hline  11011  \end{array}  $	$  \begin{array}{r}  693 \\  21 \\  \hline  1316 \\  21 \\  \hline  11011  \end{array}  $



بدانکه اسماء الله را بحروف ابجدی بسط داده اند و این اسماء در بسیاری از اعمال مستجابست  
و بهر اعلای که خوانند و بکار دارند اثرهای عظیم دارد و الله اعلم این است

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
یا الله	یا رحمن	یا رحیم	یا ملک	یا قدوس	یا سلام	یا مؤمن	یا مهین	یا عزیز	یا جبار	یا متکبر	یا خالق	یا باری	یا مصور
۶۶	۲۹۱	۲۵۱	۹۰	۱۷۰	۱۳۱	۱۳۷	۱۴۵	۹۴	۲۰۶	۶۶۲	۱۳۱	۲۱۴	۳۳۶

س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	ج	ذ	ض	ظ	ع
یا غفار	یا قهار	یا وهاب	یا رزاق	یا فتاح	یا علیم	یا قاض	یا باسط	یا حافظ	یا رافع	یا معز	یا مدلل	یا سمیع	یا بصیر
۱۲۸۱	۳۰۶	۱۴	۳۰۱	۴۸۹	۱۵۰	۹۰۳	۷۲	۹۸۹	۳۵۱	۱۱۷	۷۷۰	۱۸۰	۳۰۲

اول باید بگیری هر حرفی را که در اسم مطلوب داشته باشی و اسماء اعظم را در تلاوت  
در او بری که در سوره شب میسر گردد و این دعوت مجرب و از موده است مثال  
خواستیم که خضر نبی را مسخر کردیم و اسماء اعظم حروف اسم او را گرفته تلاوت نمودیم

خ	ض	ر	ن	ب	ی
ی	ح	ب	ض	ن	ر
ر	ی	ن	ح	ض	ب
ب	ر	ض	ی	ح	ن
ن	ب	ح	ر	ی	ض
ض	ن	ی	ب	ر	ح

بدین گونه تکبیر نمودیم تا زمام باز آمد خ ض ر ن ب ی  
و ملفوظی حروفات این است خا ضاد را نون با یا عدد ۱۷۲۷  
و این عدد را بشش ضرب کردیم که حاصل شش سطر تکبیر است

$$\frac{1727}{10362}$$

آمد این است ۱۰۳۶۲ و اسم اعظم را از روی این حروفات مطلوب بردارند  
خ ض ر ن ب ی از جدول مذکور بدین طریق یا رافع یا مدلل یا علیم یا مصور  
یا رحمن یا جبار و سه شب متعاقب این اسماء را باین عدد هر شب بخواند ۱۰۳۶۲  
که بلا شک مقصود حاصل است ان شاء الله  
بر جهت تسخیر القلوب مثلا اسم شخصی که  
اراده تسخیر او را داری حسین است و عدد حروف اسم حسین در جل صغیر چنین است

حسین



ح بی بی و اسماء الهی بهمین عدد قرار میباید داد و هر حرفی را بدین عدد عنوان گیرد  
 ح حمید حبیب حلیم حکیم حامد حفیظ حی حافظ س سید سند  
 سمیع سریع سلام سامع ی یوه ن نور نافع ناعم ناصر نصر  
 و کلمات را بدین طریق باید خواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَمْدِ  
 حَلِیْمِکَ یَا حَمِیدُ یَا حَبِیبُ یَا حَلِیْمُ یَا حَکِیْمُ یَا حَامِدُ یَا حَفِیْظُ یَا حَیُّ یَا حَافِظُ اَنْ  
 تُسَخِّرَ لِیْ حُسَیْنِ ابْنِ فُلَانٍ بِحَقِّ اَسْمَائِکَ وَ اَسْئَلُکَ بِسَیْنِ سُلْطَنِکَ یَا سَیِّدُ  
 یَا سَیِّدُ یَا سَمِیعُ یَا سَرِیعُ یَا سَلامُ یَا سَامِعُ اَنْ تُسَخِّرَ لِیْ قَلْبَ حُسَیْنِ ابْنِ فُلَانٍ بِحَقِّ  
 اَسْمَائِکَ وَ اَسْئَلُکَ بِیَاءِ قَیُّوْمِیَّتِکَ یَا یُوْه اَنْ تُسَخِّرَ لِیْ قَلْبَ حُسَیْنِ ابْنِ فُلَانٍ  
 بِحَقِّ اَسْمَائِکَ وَ اَسْئَلُکَ بِنُورِ نُوْرِکَ یَا نُورُ یَا نَافِعُ یَا نَاعِمُ یَا نَاصِرُ  
 یَا نَصِیرُ اَنْ تُسَخِّرَ لِیْ قَلْبَ حُسَیْنِ ابْنِ فُلَانٍ بِحَقِّ اَسْمَائِکَ یَا اللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیْمُ  
 یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ و این کلمات را بعد از اسم آن شخص باید خواند و چهار مرتبه و  
 تکرار عمل کند زیرا که اسم آن شخص چهار حرف است و بعد از هر نماز باید خواند و بخور  
 لایق باید سوخت و عدد اسماء را و عدد اسم طالب با مادرش و عدد اسم مطلوب با مادرش  
 جمع باید کرد و در مرتبه و فقی باید نهاد که با خود دارد که باندک وقتی مستحضر شد است  
 والسلام

در نسخه دیگر بنظر رسید این بیست و هشت اسم بزرگوار که مقابل ۲۸ حرف ابجد نوشته  
 شده است چنین نوشته بود که اگر خواهی سلاطین جن و انس را مستحضر خود گردانی این



بجهت مسکن نمودن در شهری نمنه کثکول از بعضی ائمه منقولست که هرگاه اراده نماید  
در بلده یا شهری یا قریه ساکن گردد پس حساب کن اسم مادر خود را و اسم خود را  
و اسم انجا را که میخواهی ساکن شوی و نام مادر شهرها که مکه معظمه است بحساب  
اجد بگیر حساب کن و بعد از آن چهار و چهار طرح کن اگر يك بماند مادر تو در انجا بتعب  
خواهد گذشت و رفتن از انجا اولیست و اگر دو بماند مادر تو در انجا متوسط خواهد گذشت  
و اگر سه بماند رزق تو در انجا فراوان و نفس تو در آن مطمئن و شادمان خواهد بود و  
اگر چهار بماند سعادت تو در انجا و دوست تو در انجا مقام خواهد بود عدد ۱۱۲۰ مع غنمه

وَاللّٰهُ اَعْلَمُ وَالسَّلَامُ

مناجات فتحیه روایت است با سند های صحیح از حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین  
اسد الله الغالب غالب کل غالب علی بن ابي طالب علیه السلام فرمود که هر روزی با حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله نشسته بودم که ناگاه جبرئیل امین علیه السلام از نزد  
حضرت رب العالمین جلّ عزّ و جلال رسید با طبعی از نور و عرض کرد یا محمد ص حققت سلا  
میرساند و بعد از سلام و درود بسیار میفرماید که از برای تو هدیه فرستادم که بهیچ  
پیغمبری نفرستادم و این دعائیست که بمناجات فتحیه موسوم گشته حضرت رسول از روی  
ادب و تعظیم دستار از روی طبق برداشت نورانی سبز ظاهر شد و شعله زد کن گرفت  
چنانچه عالم روشن شد جبرئیل عرض کرد یا محمد ص اگر کسی را مهمّ عظیم پیشاید  
که هیچکس نتواند حلّ کند باید که در شب جمعه غسل کند و جامه پاک پوشد و در رکعت  
نماز بگذارد و در هر رکعت اول یکبار الحمد را بخواند و قل یا ایها الکافرون هفت بار بخواند  
و در هر رکعت



و در رکعت ثانی الحمد یکبار و سوره توحید پست بار بخواند چون از نماز فارغ شود  
بر تو که محمد ص صد بار صلوات بفرستد آنکه سجد کند و در سجود ایند عار بخواند  
و مناجات بحضرت باری تعالی و تقدس عرضه دارد که اگر همه عالم را آب گیرد و  
جمع خلایق با او دشمنی کنند یکسر موی بصاحب این مناجات الم و رنج و اسپیدی تر  
و نتوانند رسانند یا محمد ص هرگز رنجی رسیده باشد یا رخت و مشقت قوی  
داشته باشد چنانکه اطبا از معالجه آن عاجز آمده باشند این مناجات را بر طبقی از  
چینی بمشک و زعفران و کلاب بنویسند و بد و بد دهند تا بخورد شفا یابد یعنی بعد  
از شستن با آب ابر بخورد و اگر هفت بار بخواند بر خاک و بد مد و بطرف دشمن اند  
و این مناجات را بخواند فتح شود و هرگز این مناجات را بر کاسه چینی نویسند و بشو  
و بخورد هر چه بشنود یاد گیرد یا محمد ص هر که ایند عار بنویسد و بامیت در قبر نهاد  
آن میت هرگز نپوسد و عذاب قبر نبیند و سؤال نکیرین بروی اسان شود و هر کس  
بنویسد با خود دارد از آفات دیو و پری و شر شیطان و جور ظالمان و بلای ناکهان  
و از فتنه آخر الزمان در پناه خدا باشد یا محمد ص اگر همه عالم و عالمیان خواهند  
شرح ایند عاء معظم بیان باشد نتوانند اما مختصری از آن بیان شد که خواننده و  
و نویسند را ملال نکند و میباید که این را با طهارت نگاهدارند و شك نیاورند این  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ أَلْفِ الْأَلَمِ وَأَبَاءِ بَقَائِكَ  
وَأَبَاءِ تَوْفِيقِكَ وَأَبَاءِ ثَوَابِكَ وَجَمِيعِ جَمَالِكَ وَخَاءِ حِلْمِكَ وَخَاءِ خَيْرِكَ وَذَالِ  
دَوَائِكَ وَذَالِ ذِكْرِكَ وَرَاءِ رُبُوبِيَّتِكَ وَرَاءِ زُلْفَتِكَ وَسِينَ سُلْطَانِكَ



وَشَيْئِ شُكْرِكَ وَضَادِ صَدَائِنِيَّتِكَ وَضَادِ ضِيَائِكَ وَظَائِ طَوْلِكَ وَظَائِ  
 ظُهُورِكَ وَغَيْنِ غَرَّتِكَ وَغَيْنِ غُفْرَانِكَ وَفَاءِ فَرْدَائِنِيَّتِكَ وَقَافِ قَضِيَّتِكَ  
 وَكَافِ كِبَرِيَّائِكَ وَلَامِ لُطْفِكَ وَمِيمِ مُلْكِكَ وَنُونِ نُصْرَتِكَ وَوَاوِ  
 وَحْيِكَ وَهَاءِ هَيْبَتِكَ وَيَاءِ يُسْرِكَ أَقْضِ حَاجَتِي بِحَقِّ هَذِهِ السَّمَاءِ الْبَرِّ  
 رَةِ وَالْكَرَامِ السَّفَرَةِ وَحِفْظِ صَاحِبِ هَذِهِ الدَّعَوَاتِ مِنْ جَمِيعِ الْأَقَاتِ وَالْعَمَ  
 هَاتِ وَالْبَلِيَّاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ  
 يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ بِحَقِّ هَذِهِ الْمُنَاجَاتِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ  
 هَرَمِينَ الْمُعْصُومِينَ ع

روایت است از چند راویان معتبر که حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم فرمودند که  
 آنشب که مرا بعراج بردند چون بسدر سرة المنتهی رسیدم فرشتگان را دیدم که این دعا  
 میخواندند از حضرت جبرئیل علیه السلام سؤال کردم که یا اخی جبرئیل این چه دعای  
 که جملة فرشتگان میخوانند گفت یا رسول الله با آنخدایی که تو را براسقی و در رستی بخلق  
 فرستاده است که این دعایست که اگر همه فرشتگان نویسند کردند و همه درختان قلم  
 کردند و همه دریاها مرکب و هفت طبقه آسمان و زمین کاغذ کردند و جمیع خلق  
 عالم از زمان حضرت آدم علیه السلام تا نفخ صور نویسند کردند چنانکه همه آسمانها  
 و زمین ها سیاه کرد و همه فرشتگان مانده شوند و همه دریاها خشک گردد و از آدم  
 تا خاتم دیو و پری و آدمیان نویسند کردند شرح و شواب این دعا را از هزار جبرو یک  
 نتوانند نوشت یا رسول الله با آنخدایی که تو را براسقی و در رستی بخلق فرستاده است

که این دعا ایست



۱۳۵  
۱۳۴  
که آیند عایست که آسمان از برکت این دعا معلق ایستاده است و نباتات در زمین ببرکت این  
این دعا پرو و رید شود و آفتاب ببرکت آیند ها میتابد و فردوس اعلی از برکت این نامها  
اراسته است و انجی عزرائیل ۴ ببرکت آیند عاجان افریده کان قبض کند و انجی  
اسرافیل ۴ ببرکت این نامها صور را در مد یارسول الله بدرستی که ادر صفی الله علیه  
السلام چون آیند عاجخواند شرف توبه یافت و حضرت نوح علیه السلام چون آیند  
مخواند از طوفان نجات یافت و حضرت ابراهیم علیه السلام چون آیند عاجخواند  
آتش نمرودیان بر وی کلمستان شد و حضرت موسی علیه السلام چون این  
دعا بخواند از بلای فرعون و قبطیان امان یافت و حضرت عیسی علیه السلام  
چون آیند عاجخواند نجات یافت و اگر کسی بر عمر خود یکبار بخواند یا از خواننده بشنود و بنویسد  
با خود نگاهدارد یا در میان سجاده بگذارد و یا بر کفن ببندد که برای سفر آخرت ثواب  
صابران و شهیدان در نامه اعمال او نویسد و بحساب آن بند را از عرصه محشر  
در آورند و در کنار حوض کوثر جام شربت از دست ساقی کوثر نوش کنند یارسول الله  
بدان خدائی که شمار براسستی بخلق فرستاده است که هر که آیند عا را بخواند ثواب و چنان  
بود که چهل هزار بار ختم قرآن کرده باشد و ثواب چندان بوده باشد که چهل هزار بار  
غزاکرده باشد و چهل هزار حج کرده باشد یارسول الله بدان خدائی که تو را براسستی و  
درستی بخلق فرستاده است که هر که آیند عا را با خلوص و اعتقاد تمام در ماه مبارک  
رمضان بخواند ثوابش چندان بود که چهل هزار شب قدر را در یافته و چهل هزار  
مسکین را طعام داده باشد و چهل هزار مسجد بنا کرده باشد و چهل هزار نماز حجت



و نماز جمعه دریافت باشد و چهل هزار مرده کفن کرده باشد و چهل هزار سال مؤذنی کرده <sup>شد</sup>  
 و چهل هزار سال چهار کتاب الهی را که تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و  
 فرقان تو که محمد صی خواند باشد یا رسول الله هر که بخواند و یا با خود داشته باشد <sup>حق</sup>  
 تعالی آن بنده را از شر شیطان و از فتنه اعدای زمان و از قحط و طاعون و زلزله و  
 بادهای کوناگون و از مَرَك مفاجات و از شکستگی و بستی و از صرع و دیوانگی و از کوفت و  
 و عقرب و از آفات ابغرق شدن دران و از آتش و دزد و خرابی و زخم درندگان و  
 از بلای ناکهان ایمن بدارد و همه کارها بر او شود یا رسول الله هر که این دعا بخواند  
 یا با خود دارد از فقر و فاقه و از سختیهای دنیا و شرّ اعدای و رنج و غنا ایمن باشد یا  
 رسول الله اگر این دعا را بر بالین هر بیمار یا بخواند شفا یابد و اگر بنیت کار خود بخواند  
 و یا با خود دارد در فتح و نصرت بدیشان روی نماید و حق تعالی وسعت رزق باو عطا فرماید  
 یا رسول الله خواننده و دارندگان این دعا با عزت و حرمت باشد و جمیع کارها بر او شود  
 و بهر حاجتی که بخواند از برکت آیند عام و اکرم و اگر کاهل نماز بخواند یا در میان سجاده  
 بگذارد الله تعالی دلش را بنور معرفت روشن گرداند یا رسول الله بدانند که توفیق  
 بر استی بخلق فرستاده است که هر که این دعا را بخواند و یا با خود دارد به هیچ کاری فرو  
 نماند و اگر او را قرصی باشد از خزانه غیب گذارده گرداند و بستی در کار وی نشود  
 و اگر در سفر بخواند یا با خود دارد فرشتگان بامر خدای تعالی یا بر او مدد کار او باشند  
 و بسلامت بمنزل ملد خود باز رسد اگر سفر معصیت نباشد یا رسول الله هر که این دعا را بخواند  
 و یا بنویسد و در کفن ببندد برای سحر اضرّت آن بنده با ایمان از دنیا برود و سکران موت بر او



آسان گردد و چون غسل دهند فرشتگان هفت آسمان بر جنازه وی نماز کنند و چون او را  
 در قبر برآورند هفتاد هزار طبق نور بگور آن بنده فروزاورند و بدرستی که فرشتگان  
 رحمت در قبر او را مونس باشند تا روز قیامت یا رسول الله ثواب این دعا پایان ندارد  
 هر که پیشتر بخواند قدر او بیشتر باشد و هر که با عزت و حرمت نگاهدارد حق تعالی او را  
 در دنیا و آخرت عزیز گرداند و ذلیل و محتاج نکرد و هر که شک آورد با اسماء الله تبارک  
 و تعالی کافر گردد و مبراد نرسد و در عقوبت و چهل بماند و الله اعلم دعای مبارک معراج  
 ایست **بِسْمِ اللَّهِ . الرَّحْمَنِ . الرَّحِيمِ . يَا سَيِّدُ يَا سَنَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَهُ التَّسَدُّدُ .**  
**اجْعَلْنِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا لِمَا أَنَا فِيهِ . وَكَفِّنِي وَأَعُوذُ بِكَ بِسْمِ اللَّهِ التَّائِمَاتِ الْمُطَهَّرَاتِ**  
**الْوَاكِياتِ . يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ . يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ**  
**يَا رَحِيمُ . يَا خَالِقُ يَا بَارِئُ يَا رَزَقُ . يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا رَبُّهُ . يَا وَا**  
**حْدُ يَا غَافِرُ يَا صَادِقُ يَا صَابِرُ يَا تَوَّابُ يَا وَهَّابُ يَا قَهَّارُ يَا سَتَّارُ يَا غَفَّارُ . يَا**  
**سَمِيعُ يَا بَصِيرُ يَا حَكِيمُ يَا عَلِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ . يَا كَافِي يَا شَافِي يَا شَاكِرُ يَا شَكُورُ**  
**يَا فَرْدُ يَا وَدُودُ يَا سَوُّفُ يَا صَابِرُ يَا دِقُ يَا صَبُورُ يَا جَلِيلُ . يَا جَمِيلُ يَا وَكِيلُ يَا**  
**دَلِيلُ يَا هَادِي يَا عَلِيُّ يَا وَفِيُّ يَا زَكِيُّ يَا غَنِيُّ . يَا مُجِبِي يَا مُعْطِي . يَا مُجِيبُ**  
**يَا مُنِيبُ يَا مُنِيبُ يَا حَبِيبُ يَا طَيْفُ يَا رَقِيبُ يَا قَدِيرُ . يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ**  
**يَا دَيَّانُ يَا بَرُّهُانُ يَا سُبْحَانَ يَا سُلْطَانُ يَا مُسْتَعَانَ يَا آمِينَ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُنُ . يَا**  
**عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ . سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . يَا اللَّهُ .**  
**خَيْرُ النَّاصِرِينَ . يَا اللَّهُ خَيْرُ الْغَافِرِينَ . يَا اللَّهُ خَيْرُ الْمُحْسِنِينَ . يَا اللَّهُ خَيْرُ الْمُنِيبِينَ**



جامع يوها بص  
١١٤ ١١٤

اللَّهُ رَحْمَنُ رَحِيمٍ  
ع ٢٩٨ ٢٥٨  
٤٢٢

يُوحَيْدُ  
٤٢٢

يَا اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ • يَا اللَّهُ خَيْرُ الذَّاكِرِينَ • يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ • يَا اللَّهُ يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ  
 يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ • يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ • يَا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ • يَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ •  
 يَا عَظِيمَ الْبَرَكَاتِ • يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ • يَا كَافِيَ الْمُهْمَاتِ • يَا غَافِرَ الْخَطِيئَاتِ • يَا وَاهِبَ  
 الْعَطِيَّاتِ • يَا دَافِعَ الْبَلِيَّاتِ • يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ • يَا إِلَهَ يَوْمِ الدِّينِ • اغْفِرْ لِي  
 ذُنُوبِي يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ • يَا سَتَارَ الْعُيُوبِ • يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ • يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ •  
 يَا صَادِقَ الْوَعِيدِ • يَا إِلَهَ الْآلَمَاتِ • احْفَظْنِي مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا عَزِيزُ  
 يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ لَا تَسِّرْ لِي أَهْرَاجَ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ • إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَعَقْلِي  
 مَغْلُوبٌ وَنَفْسِي مَغْيُوبٌ • وَلِسَانِي مُقَرَّرٌ بِالذُّنُوبِ يَا كَرِيمُ يَا رَحِيمُ • إِلَهِي سَلِّمْ فِي نَفْسِي  
 فِي الْعَافِيَةِ وَالْخَيْرِ • وَالتَّلَامَةِ بِحَقِّ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ • وَبِحَقِّ  
 كَهْلَيْعَصَ • وَحَمَّاسَ • وَطَلَهَ • وَطَسَ • وَطَسَمَ • اللَّهُمَّ احْفَظْنَا مِنْ شَرِّ  
 الشَّيْطَانِ • وَالْغَاوَةِ • وَالطَّاعُونَ • وَالْقَحِطِ • وَالْوَبَاءِ • وَالْقَجَا • وَشَرِّ السُّلْطَانِ جَائِرٍ  
 وَالْخَصِمِ • وَشَرِّ الْأَعْدَاءِ • وَالْخَوْفِ • وَالْعَيْنِ • وَالنَّصْرِ • وَالْأَمْرَاضِ • وَالْعِلَلِ عَلَى ضَاحِرٍ  
 هَذِهِ الدُّعَاءُ وَآهِيَّتُهُ وَأَفَاتِ اللَّهِ بِجَرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ	يَا رَحْمَنُ	يَا رَحِيمُ	يَا أَحَدُ
يَا صَدِّقُ	يَا فَرْدُ	يَا وَتَرُ	يَا حَيُّ
يَا قَيُّومُ	يَا فَتَّاحُ	يَا رَزَّاقُ	يَا عَزِيزُ
يَا حَفِيظُ	يَا وَكِيلُ	يَا عَلِيمُ	يَا حَكِيمُ

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
والسلام

نَعْتَرُ مِنَ اللَّهِ وَقَعْتُ قَرِيبٌ وَبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ  
يَا عَزِيزُ خَيْرُ الْبَشَرِ



لَمَّا صَحَّفَهُ كَامِلَهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمَطِيعُ الدَّائِبُ السَّيْرُ الْمُرْتَدُّ  
 فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ الْمُتَصَرِّفِ فِي فَلَكِ التَّذْيِيرِ اصْنُتْ بِمَنْ تَوَكَّلَ بِكَ الظُّلْمَ وَأَوْ  
 ضَحْ بِكَ الْبُهْمَ وَجَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ وَعَلَامَةً مِنْ عِلَامَاتِ سُلْطَانِهِ  
 وَأَمْتَحَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ وَالطُّلُوعِ وَالْأُفُولِ وَالْإِنْسَارَةِ وَالْكَسُوفِ فِي  
 كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ وَإِلَى إِرَادَتِهِ سَيْرٌ سُبْحَانَهُ مَا تَعْجَبُ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ  
 وَالْطَّفَ مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ وَجَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرِ حَادِثٍ لِأَمْرِ حَادِثٍ فَاسْأَلِ  
 اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكَ وَخَالِقِي وَخَالِقَكَ وَمُقَدِّرِي وَمُقَدِّرَكَ وَمُصَوِّرِي  
 وَمُصَوِّرَكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالًا بَرَكَةً لَا يَحْقُقُهَا إِلَّا يَوْمُ  
 وَطْهَارَةٍ لَا تُدْنَسُهَا إِلَّا ثَامُ هِلَالٍ آمِنٍ مِنَ الْآفَاتِ وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ  
 هِلَالٍ سَعْدٍ لَا تَحْسُ فِيهِ وَيَمِينٍ لَا تُكَدُّ مَعَهُ وَيُسِرُّ لَا يُمَارِجُهُ عُسْرٌ وَخَيْرٌ لَا يَشُو  
 بِهِ شَرٌّ هِلَالٍ آمِنٍ وَإِيمَانٍ وَنِعْمَةٍ وَإِحْسَانٍ وَسَلَامَةٍ وَسَلَامٍ اللَّهُمَّ صَلِّ  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَأَزْكَى مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ  
 وَأَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ وَأَعِصْمْنَا فِيهِ مِنَ الْخُوبَةِ  
 وَاحْفَظْنَا مِنْ مُبَاشَرَةِ مَعْصِيَتِكَ وَأَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَالْبِسْنَا فِيهِ  
 جَنْنَ الْعَافِيَةِ وَارْتِمِ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ  
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْعَلِيِّينَ الطَّاهِرِينَ

سروایت است که روزی حضرت رسول پیغمبر احرار الومان صلی الله علیه و آله در وقت  
 چاشتگاه در مسجد نشسته بودند که حضرات جبرئیل از نزد ملک جلیل درآمد



و عرض کرد یا محمد صلی الله علیه و آله بحق اتخذا بی کتوب را برستی بخلق فرستاده است که هر که  
 ایند عالم در همه عمر خویش یکبار بخواند اگر غمگین بود مبدل بسرویر گردد و اگر قرض دلی  
 بود قرض او کنان برده شود و اگر بیماری بخواند شفا یابد و خوانند و دارند ایند عالم  
 هفتصد هزار شهرستان در بهشت حق جل و علا او را کرامت فرماید و در هر شهری  
 هفتصد هزار کوشک و در هر کوشکی هفتصد هزار تخت و در هر تختی هفتصد  
 هزار بستر در بهشت حق تعالی بر او عطاء فرماید یا محمد ص هر مؤمن و مؤمنه را  
 که حاجتی باشد بنیت بر آمدن حاجت ایند عالم بخوانند بر آورده گردد و هر کس  
 نتواند بخواند بنویسد و یا خود دارد این همه فضیلت و مرتبت و منزلت را بیابد  
 هر که خواهد حضرت رسول ص در خواب ببیند این دعا را نوشته بر بالین خود بگذارد  
 و بنماز حریص گردد حضرت را در خواب زیارت کند پیشک و در هر خانه که ایند عالم  
 اتخانه محفوظ باشد و هر که خواهد در میان مرد و عریز و مکر و محترم باشد ایند عالم  
 هر روز بخواند و یا با خود دارد و خوانند و دارند این دعا هرگز ذلیل و خوار  
 نگردد و فضیلت و شرح ایند عالم بسیار است بدین قرار آگفا نمودیم که تا خوانند و  
 نویسند را ملال نباشد این است **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ .**  
**أَبَدًا أَبَدًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . إِيْمَانًا وَصِدْقًا . لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ .**  
**تَلَطُّفًا وَرِفْقًا . لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . تَعَبُّدًا وَرِقًّا . لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . أَقْرَارًا بِرُبُوبِيَّتِهِ .**  
**بِسْمِ اللَّهِ . وَاعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ . وَالْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ . وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ .**  
**مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ . اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ**



رَبِّ أَحَدٍ وَلَا تُؤْتِي الْحَسَنَاتُ إِلَّا بِاللَّهِ . وَلَا تَصْرِفُ السِّئَاتِ إِلَّا بِاللَّهِ . وَمَا يَكُمُ  
 مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْ اللَّهِ . وَأَنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ . وَاسْتَكَفَى بِاللَّهِ الَّذِي يُلَاحِظُهُ وَلَا  
 إِلَهَ إِلَّا الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ . إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ  
 سُبْحَانَ اللَّهِ لَا يَأْتِي الْإِلَهُهُ سُبْحَانَ اللَّهِ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ . سُبْحَانَ  
 اللَّهِ وَمَا يَكُمُ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْ اللَّهِ . لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . سُبْحَانَ  
 اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . سُبْحَانَ اللَّهِ لَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ . وَلَا يَغْفِرُ إِلَّا ذُنُوبَ اللَّهِ .  
 وَلَا يَقْضِي الْحَاجَةَ إِلَّا اللَّهُ . وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

والسلام

۱۴۰

فایده بدانکه شیخ ابوالعباس نووی رحمه الله در رساله عدد ۱۳ ۲۹۱ ۱۳۷ ۲۵۶

الله	جَمِيلُ	رَحْمَنُ	مُؤْمِنُ	نُورُ
۲۵۸	۱۹۷	۲۵۶	۱۲۹	۴۰
۲۷۹	۸۶		۳۱۸	۱۵۷
۶۰	۲۷۸	۲۲۰	۲۳۶	۴۶
۱۷۷	۱۹۶	۱۰۶	۲۰	۳۴۱

خود از خواص اسماء اعظم الهی آورده است که اصل  
 در حرف عربی این پنج حرف میباشد اج سامن  
 مرجع کل حروف است و منشأ اسم اعظم این پنج حرف  
 است این پنج حرف را اگر در شرف افتاب برنکین اکثر  
 از طالع نقش کنند و با خود دارند خواصهای کلی بظهور آید

و این پنج اسم اعظم از این پنج حرف مستخرج است یا الله یا جمیل یا رحمن یا مؤمن یا نور

والسلام

در حال الغیب در ماه قمری در هر روز در طریقی باشند اگر خواهند که از اسرار و احایشان استمداد  
 طلب نمایند و باید که در هر روزی که بان سمت باشند دست بر سینه با نظریه بایستد







۲۱  
 احکام الرؤیا بدانکه حکماء بنای تعبیر خواب را بر بیست و هشت حروف ابجدی بترتیب داده  
 شده چنانچه هر که در خواب بپند که براسب سوار است حرف اول او را که الف است ملاحظه کند  
 و احکام مقابل را بخواند با خبر گردد و چنین است

ا	دلیل است بر یافتن مراد	س	دلیل است بر شرف و بلندی
ب	دلیل است بر بلا و رنج	ع	دلیل است بر خوشی و سعادت
ج	دلیل است بر شادی و فرح	ف	دلیل است بر پریشانی و ستم
د	دلیل است بر بزرگی	ص	دلیل است بر بزرگی احوال
ه	دلیل است بر خوشنودی	ق	دلیل است بر صدق و امانت
و	دلیل است بر یافتن مطالب	ر	دلیل است بر خوشی و مسرت
ز	دلیل است بر بزرگی حال	ش	دلیل است بر راستی و امانت
ح	دلیل است بر دشواری کارها	ت	دلیل است بر تلف شدن مال
ط	دلیل است بر سفر و راهی	ث	دلیل است از کسی دلتنگ شدن
ی	دلیل است بر جمعیت و اتفاق	خ	دلیل است بر خوبی حال
ک	دلیل است بر اخبار اراجیف	ذ	دلیل است بر زیادتی منصب
ل	دلیل است بر بیرون آمدن از غم	ض	دلیل است بر تباهی احوال
م	دلیل است بر راست آمدن کارها	ظ	دلیل است بر قوت و دولت
ن	دلیل است بر بیرون آمدن از ضعف	ع	دلیل است بر خیر و امانت

والسلام

در احکام غالب و مغلوب که حکیم ارسطو و زراسکند، سلام الله از برای اوضاع کرده است  
 و بعضی از علماء ارسطو را پیغمبر میدانند و با هر کس سکند، داور بی داشته یا سرطاری  
 بولایتی میفرستاده ظفر و غلبه او را از این حساب استنباط میکردند چون میان دو قوت







۲ و ۹ نه غالب است ۲ و ۱ دو غالب است ۲ و ۷ هفت غالب است ۲ و ۶  
 دو غالب است ۲ و ۵ پنج غالب است ۲ و ۴ دو غالب است ۲ و ۳ سه غالب است  
 ۲ و ۲ مطلوب غالب است ۲ و ۱ دو غالب است الثالث ۳ و ۹ نه غالب است  
 ۳ و ۱ هشت غالب است ۳ و ۷ سه غالب است ۳ و ۶ شش غالب است ۳ و ۵  
 سه غالب است ۳ و ۴ چهار غالب است ۳ و ۳ طالب غالب است ۳ و ۲ <sup>لبا</sup>سه غالب است  
 ۳ و ۱ يك غالب است الرابع ۴ و ۹ نه غالب است ۴ و ۱ چهار غالب است  
 ۴ و ۷ هفت غالب است ۴ و ۶ چهار غالب است ۴ و ۵ پنج غالب است ۴ و ۴  
 مطلوب غالب است ۴ و ۳ چهار غالب است ۴ و ۲ دو غالب است ۴ و ۱ <sup>لبا</sup>چهار غالب است  
 الخامس ۵ و ۹ پنج غالب است ۵ و ۱ هشت غالب است ۵ و ۷ پنج غالب است  
 ۵ و ۶ شش غالب است ۵ و ۵ طالب غالب است ۵ و ۴ پنج غالب است ۵ و ۳ سه  
 غالب است ۵ و ۲ دو غالب است ۵ و ۱ يك غالب است السادس ۶ و ۹ نه غالب است  
 ۶ و ۱ هشت غالب است ۶ و ۷ هفت غالب است ۶ و ۶ شش غالب است ۶ و ۵  
 پنج غالب است ۶ و ۴ چهار غالب است ۶ و ۳ شش غالب است ۶ و ۲ دو غالب است  
 ۶ و ۱ <sup>لبا</sup>هفت غالب است السابع ۷ و ۹ نه غالب است ۷ و ۱ هشت غالب است ۷ و ۷ هفت غالب است  
 ۷ و ۶ شش غالب است ۷ و ۵ پنج غالب است ۷ و ۴ چهار غالب است ۷ و ۳ سه غالب است  
 ۷ و ۲ دو غالب است ۷ و ۱ يك غالب است الثامن ۸ و ۹ نه غالب است ۸ و ۱  
 مطلوب غالب است ۸ و ۷ هشت غالب است ۸ و ۶ شش غالب است ۸ و ۵ پنج غالب است  
 ۸ و ۴ چهار غالب است ۸ و ۳ سه غالب است ۸ و ۲ دو غالب است ۸ و ۱ يك غالب است



۱ و ۳ هشت غالب است ۱ و ۲ دو غالب است ۱ و ۸ هشت غالب است التاسع  
 ۹ و ۹ طالب غالب است ۱ و ۹ نه غالب است ۷ و ۹ هفت غالب است ۹ و ۹ نه غالب است  
 ۵ و ۹ پنج غالب است ۴ و ۹ نه غالب است ۳ و ۹ سه غالب است ۲ و ۹ نه غالب است  
 ۱ و ۹ يك غالب است باقي والله اعلم والسلام

شروع و الاشتغال الجداول في ذكر اشياء متفرقة يحتاج اليها في كثير من الاوقات  
 هر روزي که اراده شروع در شغل و علم داشته باشي از روز نوروز گذشته  
 تا بافروز را بشمار و مکرر سی و شش از طرح کند تا هر چه بماند پس بجز عدد ديک منفي  
 شود ان عدد را در اين شکل پيدا کند اگر در دوازده خانه اول که جيد است يافت  
 شود البته در افروز شروع کند انکار که خير و سعادت بپيوند و در متوسط  
 مخير است و در ردييه البته انکار نکند که ضرر بپيوند و شکل اين است

البواقي الجيده			البواقي المتوسطه			البواقي الردييه		
۱	۲		۳	۵		۳	۶	
۷	۱۰		۸	۱۱		۹	۱۲	
۱۳	۱۶		۱۴	۱۸		۱۵	۱۸	
۱۹	۲۲		۲۰	۲۳		۲۱	۲۴	
۲۵	۲۸		۲۶	۲۹		۲۷	۳۰	
۳۱	۳۴		۳۲	۳۵		۳۳	۳۶	تام

التابع توابع معني ياد او ردن و نگاه داشتن در خاطر و نشان در هر امر عظيم  
 که و نمودی تا اینکه از غایت عظمت بر عالميان اشتباه نشود از برای ضبط معاتلات خود  
 بخاطر گیرند و سال و ماه خود را بان سنجند و اول تايرينی که در روی زمین گذارده شده

هبط آدم بر زمین



هبط ادم بود از بهشت بدینا و بعد از آن قتل هابیل بود و بعد از آن فوت ادم بود  
 زیرا که در روز فوت ادم علیه السلام هشتاد هزار کس از اولاد او موجود بودند که تغزیه  
 آنحضرت برایشان از همه مصائب عظیم تر بود و آن تا ریخ تا زمان نوح علیه السلام صید  
 اول بود و بعد از آن واقعه طوفان تا ریخ شد تا زمان اسکندر و بعد از آن  
 رفتن اسکندر بظلمات و انرا تا ریخ اسکندری کونید و نزد بعضی تا ریخ اسکندری  
 جلوس اسکندر است بر تخت سلطنت و بعد از آن غرق فرعون و نجات بنی اسرائیل  
 پیل تا ریخ شد و بعد از آن کشته شدن اصحاب فیل بدست ابابیل تا ریخ شد که  
 انرا تا ریخ عام الفیل کونید و آن نیز منسوخ شد بهجرت حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله و سلم از مکه بمدینه و انرا تا ریخ هجرت کونید که الحال متداول است و اگر  
 چه اول آن در ماه ربیع الاول بود اما چون که اول سال از محرم است بنای این تا ریخ  
 بر آن گذاشته شد و جمعی هم که اول سال را از رمضان دانند و بنای این تا ریخ از رمضان  
 اما حسابهای این کتاب در حیات و ممات ائمه و غیره بر اول محرم است چون که محرم  
 اصح و اشهر است تمام

کیفیت احوالات محمد ابن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم از ایام تولد الی وفات الی  
 جناب صاحب الامر صلوات الله علیه اول اسم مبارک آنحضرت محمد کنیه ابوالقاسم  
 لقب مصطفی مکان ولادت شعب ابوطالب ایام ولادت دوشنبه شهور رولد  
 ربیع الاول سنه ولادت عام الفیل ملوک وقت ولادت انوشیروان اسم امه  
 آمنه بنت وهب عدد الازواج پانزده عدد الاولاد هشت نفر مدت الاعمار شصت و سه



سال ایام وفات دوشنبه شهر وفات بقیتاً من صفر سنه وفات یازدهم  
 هجرت سبب الوفات مرض و قبض امکانه القبر مسجد الان ملوک وقت الوفات هجرت  
 امکانه الاوقات مدینه دوقم علی بن ابی طالب صلوات الله  
 علیه اسم مبارک علی کنیه ابوالحسن لقب مرتضی مکان ولادت خانه کعبه ایام  
 ولادت روز جمعه شهر ولادت سیزدهم رجب سنه ولادت ششم عام الفیل  
 ملوک وقت ولادت شهر یار اسم امه فاطمه بنت اسد نقش خواتم الملک لله  
 واحد القهار عدد ازواج دوازده عدد اولاد بیست و هفت نفر مدته الاعمار شصت و  
 سه ایام وفات دوشنبه شهر وفات بیست و یکم رمضان سنه وفات چهل و هجرت  
 سبب وفات مغویه امکانه وفات نجف کوفه اسماء لوانهم قبر سلمان فارسی  
 سیم فاطمه سلام الله علیها اسم مبارک فاطمه کنیه امراپیها القاب  
 زهراء مکان ولادت مکه ایام ولادت جمعه شهر ولادت هفتم جمادی الاول  
 سنه ولادت پنجم بعد از بعثت وقت الاولاد یزدجرد اسم امه خدیجه بنت خویلد  
 عدد ازواج علی علیه السلام عدد اولاد پنج نفر مدته الاعمار هشتاد و سه سال ایام وفات  
 دوشنبه شهر وفات سیم جمادی الاول سنه وفات سیزدهم هجرت سبب وفات  
 ضربت و اسقطت امکانه القبور فی الروضة ملوک وقت وفات ابوبکر امکانه الوفا  
 المدینه اسماء لوانهم فضه چهارم امام حسن علیه السلام  
 اسم مبارک حسن کنیه ابومحمد لقب زکی مکان ولاده مدینه ایام ولادت  
 سه شنبه شهر ولادت پانزدهم رمضان سنه ولادت سیم بعد از هجرت

ملوک الوقت



فانك الوقت الولادة يزجر اسم امته فاطمة الزهراء عليها سلام نقش خواتم العزة  
 لله تعالى عدد ازواج شصت و چهار عدد اولاد پانزده مدّة الاغما  
 چهل و هشت ايام وفات پنجمه شهر وفات صفر سنه وفات چهل هجرت سبب وفات  
 جعد سيم امكنه القبور في البقيع خلاصه اين نسخه صحيح نبود بنده تمام نكرده همين جا باند  
 والسلام

ابا حضرت رسول صلي الله عليه واله عبد الله شيبه الحمد مشهور بعبد المطلب  
 عمر مشهور بهاشم مغير مشهور بعبد مناف زيد مشهور بغضاء كلاب  
 سال ولادت ان حضرت ۱۰۲۱ از تاريخ اسكندريه و بقولي در عام الفيل بعد از  
 آمدن اصحاب فيل و كشته شدن جميع بدست ابا بيل بد و ماه و شش روز  
 ابرحه  
 والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم از فرموده سلطان المحققين نصير الملة والدين است بدانكه  
 مشهور ترين كواكب ستاره كه در اعوام پروين كويند وقت طلوع او ستاره روشني سُرُخ  
 رنگ از جانب شمال با او طلوع كند چنانچه ميانه هر دو تخميناً دوازده باشد او را عيوق كويند  
 چون پروين يك نيزه بالا ايد در عقب ان ستاره سُرُخ رنگي براي بطرف جنوب  
 و چهار ستاره ديگر از اين تار يكثر مثل دال باشد ان روشني را على الثور كويند و انرا  
 منزل دبران كويند بعد از ان صورت جوزا براي كه عوام ترازو كويند و ان صورت  
 مردى بود كه شمشير در مكر و در است نشسته و بالاى او ستاره كوكب كه مكر است نه ستاره  
 باشد روشن انكه بر دست راست باشد يد الجوزاء يميني كويند و انكه در ميز مكر و شمشير او



و پای چپ او باشد روشن تر باشد رجلا الجوزا علی الیسری خوانند و در میان او از طرف بالا  
در دست ستاره کوب باشد خور و بهم پیوسته مانند ستاره نقطه که بر طرف ث گذارند این را  
رأس الجبار خوانند و این را منزل مقعه گویند از منازل ماه و بر عقب جوزاء دو ستاره  
روشن و تیراک بود نزدیک به حجرة میان ایشان دو ستاره نیزه بود یکی بجنوب مایل و یکی شمال  
جنوبی و شتر و بزرگ تر بوده باشد و شمالی سرخ تر و کوچک تر دو ستاره در ربع فاصله و متناهی  
خور در شعرای یافنی گویند و بزرگتر جنوبی را شعرای شامی گویند و یمنی را هبور گویند و  
شامی را قمیضا گویند در تابستان آخر شب و در زمستان اول شب نمایانند و در مقابل  
شعرای شامی از جانب دو ستاره برانید در روشنی نزدیک یکدیگر انداخته ستاره مثل  
زنجیر گویند و عقب آن دو ستاره نیزه بالا چهار چهار کوب بر می آیند مقوس آنکه بر جنوب  
بزرگتر است قلب الاسد گویند و در جنب آن ستاره ایست تنها که در حوالی آن هیچ  
کوکی نیست آنرا فرد گویند و در عقب آن ستاره ایست روشن آنرا ظهر الاسد گویند  
و ستاره دیگر نزدیک با و مایل بجنوب بجانب مشرق اول زبره خوانند و در عقب آن ستاره  
ایست میان آنرا صرفه خوانند و در عقب آن مقدار دو نیزه ستاره ایست روشن تنها  
بطرف شمال و بزرگ است اول ساکن گویند مقابل لشر طائر و در عقب آن هفت  
ستاره بشکل دایره نام دارد که عوام کاسه شکسته گویند و منجمان فکه گویند و یکی از آنها روشن  
تر است نیر الفکر گویند چون فکه میان آسمان رسد از جانب جنوب ستارگان عقرب تر  
دیک رسد بنصف النهار دیگر ستاره روشن و سرخ است باد و ستاره دیگر تاریکتر  
آنرا قلب العقرب گویند و ستاره دیگر روشن تر بر میان آسمان گذرد باد و ستاره خور و



عوام انرا ديك پايد خوانند و در اخراستان باول شب بر سمت راس بود انرا نسر واقع گویند  
 و در مقابل ان از طرف مشرق و جنوب نزديك يكدم ستاره ايست روشن عوام انرا شاهين  
 ترازو گویند شرطین عبارت از اوست ستاره ايست ديكر از جانب مشرق و ان در میان  
 حجره انرا ذنب الدجاجه خوانند و بعد از ان چند كوكب روشن تر نزديك به يكديگر  
 ضهرت مشرقی و عوام انرا شتر گویند از ان ستاره كان يكي روشن تر است كف الخرب  
 نزديك حجره و از توابع ستاره های ذات الكرسی كه سينزده ستاره است و در طرف شمال  
 يك نيزه باشد نزديك ستاره جدی دو ستاره هست كه تقريب يكذرع فاصله دارند  
 طلوع و غروب ندارند مگر در اطراف جدی میکنند انهارا فرقدین گویند و پیرامون  
 جدی هفت ستاره است كه سه از بالا و سه از پائین بيك نسبت است و آنكه در میان  
 انهاست كوچك تر است كه جمله هفت ستاره گویند و همرا بنات النعش گویند اما  
 بدانكه فلك نهم فلك الافلاك و فلك اطلس هم گویند و حرکت شاندر وزي از ان است  
 و ستاره كان ثواب در فلك هشتم اند و هفت كواكب ستاره هريك در فلكی هستند  
 و حل در فلك هفتم و مشرقی در فلك ششم و مریخ در فلك پنجم و شمس در فلك چهارم  
 و زهره در فلك سیم و عطارد در فلك دقیم و قمر در فلك اول و حرکت هفت فلك  
 از جانب مغرب است بمشرق الافلاك نهم كه از مشرق است بمغرب و حرکت شاندر از او است  
 اما اقباب دوره يكسال تمام میکند و سیصد و شصت و پنج روز و شش ساعت  
 و در سال پنجم ۳۰۳ روز شود كه سال كپسه عبارت از اوست چنانكه  
 طی کردن برج حمل را در سبی روز پانزده ساعت طی كند و توقف او در ثور سی و يكروز



دو ساعت و در جوزاسی و یک روز و ده ساعت و در سرطان سی و یک روز و هشت ساعت  
 و در اسد سی و یک روز و هفت ساعت و در سنبله سی روز و نوزده ساعت و در میزان سی و  
 شش ساعت و در عقرب بیست و نه روز و نوزده ساعت و در قوس بیست و نه روز و چهارده  
 ساعت و در جدی بیست و نه روز و ده ساعت و در دلو بیست و نه روز و شانزده ساعت  
 و در حوت سی روز است این جمله سیصد و شصت و پنج روز و شش ساعت است  
 قمر دوره بیست و هفت روز و هشت ساعت طی میکند و از هر کواکب سریع السیرتر و در  
 دوره سی سال تمام کند و در هر دو از ده نیم راج باشد هریک دو سال و یکماه و نیم دوره  
 تمام کند و دو ماه نیم راج باشد و مشابیه دوره بد و از ده سال و هر برجی یکماه تمام کند  
 و در سینزده ماه چهار ماه راج باشد و زهره دوره یکسال تمام کند و برجی بیست و  
 هشت روز و یکماه نیم راج باشد عطارد دوره در یکسال تمام کند و برجی شانزده  
 روز و بیست و دو روز راج باشد و کواکب ثابته علی الاختلاف الاقوال دوره را بدین  
 چهار هزار سال تمام کند بدانکه دو کواکب که در مقارنه علی بعض الاقوال  
 باعث انخساف شمس و قمر میشوند آنها را ذنب و رأس میگویند که در اینها عکس کواکب است و  
 نوزده سال و برجی نوزده ماه و در جبه نوزده روز طی میکند قاعد هرگاه دو کواکب  
 دو برج فاصله دارند انفاصله را تسدیس گویند یعنی دوسدس از بروج دوازده گانه فاصله  
 دارند و اگر یک برج فاصله باشد انفاصله را تربیع گویند یعنی سه ربع از بروج دوازده  
 گانه فاصله دارند و اگر چهار برج فاصله باشد تثلیث گویند یعنی چهار ثلث بروج فاصله  
 دارند و مقارنه در یک برج و یک درجه باشند و مقابله هفت برج فاصله باشد

در زهره عطارد



و در عظام را با اقطاب تربیع و تسدیس و تثلیث نباشد اما احتراق و مقارنه  
 برآین و ذنب را مجاسلا گویند و زهره بیش از چهل هفت درجه از اقطاب جدا نشود و  
 عطارد بیش از بیست و هفت درجه چون کواکب متوجه باشند یکی از این نظر ها اتصالات  
 نامند و چون اتصال تمام شود منصرف گویند و تناظر دو کوب یکی در بیست درجه ثورا<sup>ست</sup>  
 و یکی در ده درجه اسد میان اینها ماسرطان چهل درجه است اگر نه این تناظر متصل بود  
 یکی دیگر شده یا استقامت کرده و نظر ها طل شده اشکاب گویند دیگر از کواکب کید است  
 و او خسل است سیر او عکس است مانند کواکب راج و دوری بصد و چهل و چهار سال و برجی  
 دو از ده سال تمام کند و بدانکه هر برجی را سی درجه فرض کرده اند و ساعتی را به  
 دقیقه و دقیقه را شصت ثانیه و ثانیه را شصت ثالثه و هكذا از بواقی در تقویم منجمین  
 سایر کواکب سته که با قمر اتصال دارند در صفحه تقویم مینویسند و تناظرات کواکب را  
 بایکدیگر در حاشیه تقویم مینویسند بدانکه تأثیری با اقطاب خد عطاء فرموده چون شرف<sup>ع</sup>  
 مینماید بغروب جمیع حیوانات و با استراحت میکنند و هر چه نزدیک بغروب بیشتر شود<sup>م</sup>  
 بیشتر میل با استراحتی میکنند و چون شروع بطلوع میکند همه بحرکت در می آیند و با موم<sup>م</sup>  
 خود متوجه میشوند و دیگر اختلاف مردم بسبب الوان و اخلاق و اجساد و سیرت اخلا<sup>ف</sup>  
 ان در فصول و حرکت مرکب است چنانکه آنها که در خط استوا هستند مانند ذبح  
 و حبشه باین سبب هیولای سیاه و مویشا بسوزد و آنها که نزدیک ممر سرطان باشند مثل  
 هند و یمن از حبشه سیاهی<sup>ن</sup> ایشکتر است از آنها و آنها که بسمت بنات النعش اکبرند  
 بواسطه آنکه اقطاب محاذی روی پس ایشان شود بسبب قمر است ایشان بمنطقه



البروج الوان ایشان متوسط باشد مثل اهل چین و ترك و خراسان و عراق و فارس و شام و غره  
 و دیگری یایم که تابستانی از تابستان دیگر گرم تر و زمستانی از زمستان دیگر سرد تر است  
 و چون از سبب آن تخص می کنیم میگویند که از تاثیر کواکب است اما میبینیم که اقباب مقام  
 کواکب حار است مثل مریخ و مشتری آن تابستان حار است و اگر زمستان باران  
 و مشتری و زهره اتصال دارد بی نظیر شود اگر بر ضد این بکار بد میشود و در نیمه  
 ماه بقوات بکارند بسیار خوب میشود و اگر قمر در ثور و سرطان و زهره در خرت  
 و یا زهره در ثور و یا قمر مقارن زهره و با ایشان نظیری نباشد نکاح و زفاف بسیار  
 و میان زن و شوهر موافقت و الفت پیدا شود و اگر زهره محترق یا در سنبله یا  
 حمل یا عقرب و مریخ در مقابله و تربع با زحل مقارن و مشتری ساقط و صیت کردن  
 در غایت بدی باشد و همچنین زهره و قمر مقارن باشند اگر مهمل بحسب عادت  
 خورده شود بیست مجلس نقل کند دیگر آنکه قمر در جدی یا دلو یا عقرب باشد  
 دهقان زحل از نظر مشتری اگر زرع کنند یا در ختی بکارند فایده چندان نکند  
 بدانکه در اخبار واقع است که از طلوع صبح تا طلوع اقباب یک ساعت باشد که شبانه  
 و زنی بیست و پنج ساعت حساب کرده اند و صدوق رحمه الله علیه باین قول قایل است  
 و مرحوم ملا فتح الله رحمه الله علیه منهم الصادقین میفرماید قطرا اقباب شش هزار  
 چهار صد و فرسخ است و ماهوار یا چنین گفته اند هفتصد و سی و یک فرسخ است  
 و نور اقباب که بر زمین تابید تا هفده فرسخ از او بالا میرود که روشن است بعد از آن  
 ظلمت است و موافق اخبار زمین کرده است و شبیه است بکاوپی که خوابیده باشد و یک



از زمان عهد اول تا زمان عهد آخر  
از زمان کانگه و نود و پنج تا زمان کانگه

دکست او دراز باشد و معظم معموره قطب شمال مرتفع است و جنوبی منخفض چون  
سمت شمال از کس و تیره حصفه بیرون رفته همه جای او بلند است نسبت بجنوب نمی بینی  
که اکثر نهرها مانند دجله و فرات از شمال بجنوب می رود و از حضرت امیر المومنین  
صلواته الله علیه و آله مذکور است که از آنجا که افتاب طلوع میکند تا بجایی که غروب میکند این است  
۲۲۷۱۵۰ فرسخ است ۵۱۰۰۰ فرسخ جای قولان است و پریان ۴۱۰۰۰  
فرسخ آبادانیست ۱۲۰۰۰ فرسخ هند و ستان و ۴۰۰۰ فرسخ ماوراء النهر است  
مثل ترکستان و رشت قیچان و خطاء و ختن و کاشغر و چین و ماچین و پروایتی  
مجموع ترکستان ۷۰۰۰ فرسخ است و بیابان قیچان ۷۰۰ فرسخ است و منتهی میشود  
بکوه البرز و ۷۰۰۰ فرسخ صحراست که در آن علامت چیزی نیست و ۳۰۰۰ فرسخ  
ولایت ارس است و ۸۰۰۰ هشترخان و چرکس و ۹۰۰۰ فرسخ ساوه است و  
۱۰۰۰ فرسخ فرنک است و ۱۰۰۰ فرسخ عراق عرب است مثل کوفه و بغداد و بصره  
و جزایر و موصل و یونانست که آب او را معمور کرده ۴۰۰۰ فرسخ شهر زنان است  
و ۲۰۰۰ فرسخ توابع اوست و دو هزار فرسخ جزیره یاقوت است در برابر چین اما  
زمین موافق کلام الهی هفت است و فاصله در میان هر یک باشد و خلق در آن  
هستند که عبادت الهی میکنند و موافق رای بعضی حکماء طبقه آتش تحت فلک قمر است  
و طبقه زهریر و باد طبقه سیاه آب و طبقه چهارم زمین و طبقه کل و طبقه خاک  
و در کتاب زبده مسطور است که زمین اول را مسکن آدمیان گردانیده است  
و زمین دوم را مکان باد گردانیده چنانکه در هنگام هلاک قوم عاد بقدر رخنه باد

اگر خاک قند از روی کجی  
از آن بر که از اسباب کجی

ده نفتم از نرفلت و هفت  
هفت اختر و از شش جهت این نام نوشت  
از پنج هواس و چهار ارکان و طهارت  
ایزدید و عالمی و یونیک تن نوشت



آمدند که بانها وارد شد و در زمین سیم خلقی افریده که روی ایشان را روی ایشان  
 و گوش های ایشان بگوش کاو و پا های ایشان پایا کوسفتند و موی ایشان موی بزر و در  
 عاصی خدا نشده اند و چون ما را رود باشد آنها را شب باشد و بر عکس زمین سنك  
 کبریت است و زمین چهار ما را نتد هر یکی بقدر مناسبتی و هر يك كوز دمی در  
 او یخته و زمین پنجم جای كوز دمان است هر يك مانند شتری و در آنها بقدر یتره  
 و در دهر هر يك ۳۰ قله زهر افریده که اگر از آنها قطره در دریای دنیا افتد همه  
 تلخ شود و اینها از برای منافقان است زمین ششم مسکن شیاطین است و زمین  
 هفتم خلقی افریده که بغیر از خدا وائمه هدا کسی بر احوال ایشان مطلع نیست و  
 بدانکه بهترین کونیند بعضی کسوف و خسوف بسبب رسیدن نیرین بستاره ذنب راس  
 منکسف میشود و بعضی هم گفته اند که کسوف و خسوف موافق احادیث و چون خلاق  
 عالم است پیغمبران سابق را بسبب عصیان ایشان نازل میفرمود و بجهت حرمت و عتبت  
 خاتم انبیاء ۳ بر امت مرحومه او رحم فرموده و اینها را نشان عصیان فرموده تا بنده کان  
 توبه و بازگشت نمایند از معاصی خود اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا وَاعْفِرْ لَنَا وَتَجْعَلْنَا بَحْرَمَةِ مُحَمَّدٍ  
 وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَام و سبب اجتماع نیرین که قمر روی خورشید را چون فلك با او  
 مقابل شود منکسف کند دلیل چنانکه روز ۲۱ و ۲۹ و ۳۰ منکسف میشوند و این  
 ضعیف است و ماه را زمین حایل میشود میان نور آفتاب با و نمیرسد و آفتاب  
 از جانب غربی منکسف و منجلی میشود و ماه از جانب شرقی اسامی  
 ساعات شبانه روزی چون که هر ساعتی اسم خاصی دارد اول ساعت روزی  
 اول شرق



اول شرق دویم بلو سیم غندو چهارم ضح پنجم هاجر ششظهر هفتم رواج  
 هشته عصر نهم قصر دهم اصل یازدهم عشاء دوازدهم مغرب  
 اول شب دویم شفق سیم غسق چهارم عتم پنجم سرفه ششم جهة هفتم  
 ذلة هشتم زلفه ولهم اللیل عبارت از اوست نهم بهرة دهم سحر  
 یازدهم صبح دوازدهم صباح دوازدهم اشتباه دارد که عشا باشد و بعد  
 کواکب سبعة سیارة قمر عطارد زهرة شمس مریخ مشتری زحل  
 وبعد بروج اسمان حمل بره ثور کوا جوزا کرکان سرطان خرچک  
 اسد شیر سنبله خوشه کندم میزان ترانز عقرب کوزهر قوس کمان جدی  
 بزغاله دلو دلوچاه حوت ماهی علامات بروج اسمان ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲  
 و زح ط ب یا و بعد ایام هفته یکشنبه دوشنبه سه شنبه  
 چهارشنبه پنجشنبه جمعه شنبه اتصالات مقابله مقارنه تسلسل  
 تثلیث ترکیع تحویل شروف هبوط خروج الشعاع تحت الشعاع  
 سنوات ترکیه

سیچقان بیل موث اودی بیل کار پارس بیل پلنک توشقان بیل خرکوش لوبیل  
 نیلان بیل مار یونت بیل اسب قو بیل کوفه بیچ بیل میمون تخاقو بیل مرغ ایت بیل  
 تنکوز بیل خوک وبعد شهر عربیه محرم الحرام صفر المظفر ربیع الاول ربیع  
 جمادی الاول جمادی الثانی رجب المرجب شعبان المعظم رمضان المبارک شوال المکرم  
 ذی قعدة الحرام ذی حجة الحرام  
 طريقة ستاره سکه یلدوز  
 از ماه های ترکیه گفتند که اگر روی بروی مسافر برآید در وقت بیرون رفتن از منزل البتة باید



گشته شود و معرفت آنرا خواجه

خواجه نصیر الدین علیه الرحمه بدین نحو قرار داده است تا اینکه حرکت آن ستاره معلوم شود این است  
 یکم و یازدهم و بیست و یکم در آن روزها با افتاب برآید چیزی بنا نباید گذاشت که زود خراب شود  
 دهم و دوازدهم و بیست و دهم در میان مشرق و جنوب برآید با زمان صحبت نباید داشت که اگر  
 فرزند بهم رسد نابینا شود سیم و سیزدهم و بیست و سیم در این روزها از جنوب برآید  
 در وقت زوال باب نباید رفت که علتها پیدا شود و باید در آن ببرد چهارم و چهارم و چهارم  
 و بیست و چهارم در این روزها از میان جنوب و مغرب برآید جامه نون پوشند که در آن  
 جامه محبوس میشود پنجم و پانزدهم و بیست و پنجم در این روزها از مغرب برآید مجامعت  
 نباید کرد ششم و شانزدهم و بیست و ششم در این روزها هر چه پنهان کنند آشکار شود  
 هفتم و هفدهم و بیست و هفتم در این روزها از شمال برآید زن شوهر نکند که جدا می  
 ایشان بهمرسد هشتم و هجدهم و بیست و هشتم در این روزها در میان مشرق و شمال  
 بود نزدیک ملوک و سلاطین نروند که مخاطره عظیم دارد نهم و نوزدهم و بیست و نهم در  
 این روزها در تحت الارض است بسفر نروند که مرکب ایشان لنگ شود و خود آن کم شود  
 یا گشته مگر اینکه خدا تعالی کشتن را از او بگرداند دهم و بیست و سیم در این روزها در  
 فوق السماء باشد خصومت نباید کرد و الله اعلم  
 در حمله باشد شانزدهم و هفدهم و بیست و هجدهم و در شور نصف سیزدهم و چهاردهم  
 و پانزدهم و در جوزاء یازدهم و دوازدهم و بیست و سیزدهم و در سرطان نصف هفتم  
 و نهم و دهم و در اسد ششم و هفتم و بیست و ششم و در سنبله نصف سیم و چهارم  
 و پنجم و در میزان اول دهم و بیست و سیم و در عقرب نصف بیست و هشتم و



و بیست و نهم و سی و در قوس بیست و ششم و بیست و هفتم نصف بیست و هشتم  
و در جدی نصف بیست و نهم و بیست و چهار و بیست و پنجم و در دلو نصف  
بیست و نهم و بیست و دهم و بیست و یکم و در حوت بیست و نوزدهم و نصف هجدهم  
و الله اعلم  
طریقه قمر در عقرب در هر ماه هر روزه ز ماه سیزده تعیین کن  
پس بیست و شش و اضافه و تخمین کن پس هر برجی ز خانه خورشیدی به میدان حرکات  
مرا بخسین کن طریقه قمر در عقرب هر چه از ماه میرود بشمار پنج دیگر فرای  
بر سر آن پس بهر پنج از آن ز خانه شمس گیر برچی و جای ماه بدان  
آنکه در هر ماهی چند روز نخورست و عذاب بر احم سابقه مثل طوفان نوح و طوفان  
هود و طوفان ابراهیم و ضربائی پست المقدس و غرق فرعون و قتل بنی اسرائیل در ایام  
منخورست و ساعت بد بوده لهذا اهل شرع و اهل نجوم تصدیق بر نخوست این ایام کرده  
اند هفت روز نخورست باشد در هر ماهی زان حظ کن تا نیایم هیچ رنج سده و پنج و سیزده  
باشان زده بیست و یک بیست و چهار و بیست و پنج و روز نهم محرم که تا سوعا باشد  
و روز عاشورا و روز سیزدهم و بیست و هشتم و نهم و آخر ماه صفر و چهارشنبه  
سورهای و نوزدهم و بیست و یکم ماه رمضان و روزهای که ماه در عقرب باشد یا اسد  
یا محاذی رأس القول یا در ذنب و رأس و محاق و محترقه یا محاذی ستاره قیقاوس  
و شلیاق باشد و از ایام دو شنبه و چهارشنبه است و از حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله منقول است که در سال ۲۴ روز نخورست هر ماهی ۲ روز که  
اگر بیمار شود امید شفا در او نباشد و اگر چنگ رود گذشته شود و اگر فرزندی متولد شود



شود نماید بدین دستور برای هیچ کاری خوب نیست <sup>۱۵</sup> محرم <sup>۱۰</sup> صفر  
 ربیع الاول <sup>۱۵</sup> ربیع الآخر <sup>۱۳</sup> رجب <sup>۱۴</sup> شعبان <sup>۲۰</sup> رمضان <sup>۱۳</sup> شوال <sup>۲۰</sup>  
 ذیقعده <sup>۱۰</sup> ذیحجه <sup>۱۰</sup> جمادی الاول <sup>۱۰</sup> جمادی الثانی <sup>۱۰</sup> و ششم و سیزدهم مبالغه بسیار  
 کرده اند که در این ایام از برای همه کارها بد است <sup>۱۰</sup> وَاللّٰهُ اَعْلَمُ <sup>۱۰</sup> راقم بروج  
 راقم برجها بین شناس از حساب جمل نهاده اساس از حمل صفر الف زئور  
 نشان به زجوزاء و جیم از سرطان از اسد دال دان و سنبله <sup>۱۰</sup> و او میزان <sup>۱۰</sup> شناس  
 عقرب زه قوس ح طه نشان جدی بدن دلوی یا الف باهی دان  
 ۱۰ ج د ه و ز ح ط با

۱۰ ج د ه و ز ح ط ی یا راقم کواکب

چون بدانستی از بروج راقم اختران بیاید صد آخرین حرف نام هر اختر راقم است  
 ایام هفته سین شمس و راقم

هست آغاز هفته یکشنبه بی تردد الف نشان نه و زدوشنبه علامت آمد با  
 همچنین تا رسد بشنبه زا الف است اول از م تقویم با د و مردان و سه نشان <sup>۲</sup> جیم  
 همچنین تا که رسد تمام اخیش کاف تا بود بالام

شرف کواکب

شرف افتاب داخل ثور مد را شرف شناس محل مرکز حل را شرف بود میزان  
 شرف مشتربیت در سرطان یا <sup>۱۰</sup> جدی هم شرف میزان <sup>۱۰</sup> همچو از حوت زهره را بد رام  
 تیر را سنبله است پیت شرف <sup>۱۰</sup> را سر سنبله بود ز سلف چون شرف کشت مر نور معلوم  
 در برابر بود هبوط بخوم

هبوط کواکب



هبوط کواکب جدی و مریخ چون بود سرطان اندر و مرد را هبوطش دان برج  
 ماهی هبوط تیر آمد عقرب و آن مه منیر آمد چون هبوط زحل بر برج حمل و آن  
 برجیت برج جدی مثل باز میزان هبوط خورشید است هابط برج خوشه نامید است  
 راس هابط شود چه شیر کمان هم هبوط ذنب بجوزا دان

در احکام بروج نزول قمر در بروج دوازده گانه و احکام آنها اول باید دانست که  
 هر کسی خواهد که کارها را بوقت و ساعت نیک بعل بیاورد اولاً باید بداند که افتاب  
 در کدام برج است و عدد ایام دخول ایام را نیز بداند بعد از آن ملاحظه نماید  
 که چند روز از ماه سافته است هر روز را سیزده بشمارد و بعد از آن عدد را با  
 سی و سی طرح کند و ملاحظه نماید که چند سی میشود و هر سی را یک طرح حساب  
 میشود یک برج حساب نماید بعد از آن افتاب که در هر برج منزل دارد آن منزل را  
 گذاشته از برجی دیگر برداشته حساب نماید تا اینکه عدد دطروح را طی نماید بعد از  
 آن معلوم نماید که نزول قمر در کدام برج است و قبل از این کفتم که سی سی طرح طرح  
 نماید و چون طرح نموده چند عدد که از طرح اضافه آمده آن اضافه ها را در جبهه حساب  
 و عدد هر روزی از شمس را یک رجه بدهد اگر کثر داشته باشد کثر آنرا از خانه  
 قمر بشمس باید داد و بالعکس تا در جبهه نیز معلوم شود و بروج دوازده گانه را در  
 ظهر و سق می نمایم و اما بدانکه کاف بمعنی نیک است و دال بمعنی بد است  
 و ها بمعنی میانه است باین صورت داده و دیگر طریق قمر در عقرب افتاب که در  
 در حمل باشد شانزدهم و هفدهم و نصف هجدهم قمر در عقرب است چنانکه پیش ذکر شد



منازل عقرب در دوازده برج شمس

شمس  
منازل عقرب در ۱۲ برج

عقرب

۱۶ ۱۷ نصف ۱۸

حَلّ					
دیدن ملوک	فصل کردن	حجامت کردن	نوبزیدن و پوشیدن	بخانه نورفتن	زراعت کردن
ذخاف کردن	سفر کردن	شراکت کردن	ختنه کردن	شروع در کارها	بنای نهادن
مسهل خوردن	خریدن چیزها	فروختن چیزها	نکاح	ابتدای تعلیم کتابت	علاج بیماری
بازداشتن از شیر	شیر دادن کودک	نفره کشیدن	دخول شهر شدن	محاسبه کردن	اجاره دادن
رسول فرستادن	نقل تحویل	بنده خریدن	حاجت خواستن	سواری کردن	زیارت احباب رفتن

عقرب

تخفه فرستادن

نصف ۱۳ ۱۴ ۱۵

شَوْر					دیدن ملوک
فصل کردن	حجامت	بُزیدن و پوشیدن	بخانه نوشدن	زراعت کردن	ذخاف
سفر کردن	شراکت کردن	ختنه کردن	شروع کارها	بنای نهادن	مسهل خوردن
خریدن چیزها	فروختن چیزها	نکاح	ابتدای تعلیم کتابت	علاج بیماری	بازداشتن از شیر
دادن شیر بکودک	نفره کشیدن	دخول در شهر	محاسبه نمودن	اجاره دادن	رسول فرستادن
نقل تحویل	بنده خریدن	حاجت خواستن	سواری کردن	زیارت احباب	تخفه فرستادن

عقرب

۱۱ ۱۲ نصف ۱۳

جَوْرَا					
دیدن ملوک	فصل کردن	حجامت	نوبزیدن و پوشیدن	بخانه نوشدن	زراعت کردن
ذخاف کردن	سفر کردن	شراکت کردن	ختنه کردن	شروع در کارها	بنای نهادن
مسهل خوردن	خریدن چیزها	فروختن چیزها	نکاح	ابتدای تعلیم کتابت	علاج بیماری
بازداشتن از شیر	شیر دادن کودک	نفره کشیدن	دخول در شهر	محاسبه کردن	اجاره دادن
رسول فرستادن	نقل و تحویل	بنده خریدن	حاجت خواستن	سواری کردن	زیارت احباب

تخفه فرستادن



عقرب

نصف ۹ ۱۰

تخفه فرستادن ك	سکرطان				دیدن ملوک ه
فصد کردن د	حجامت کردن د	بریدن و پوشیدن ك	بخانه نوشدن د	زراعت کردن ك	ذفاف کردن د
سفر کردن ه	شراکت کردن د	ختنه کردن ه	شروع در کارها ك	بنانها دادن د	مسهل خوردن ك
خریدن چیزها د	فروختن چیزها د	نکاح د	ابتدای کتابت تعلیم ه	علاج بیماری ك	بازداشتن از شیر ك
شیر دادن ك	نفره کشیدن ك	دخول در شهر د	محاسبه کردن ه	اجاره دادن ه	رسول فرستادن ه
نقل تحویل د	بنده خریدن د	حاجت خواستن ك	سواری کردن ك	زیارت احبّا ك	تخفه فرستادن ه

عقرب

نصف ۷ ۸

	اسکد				دیدن ملوک ك
فصد کردن ك	حجامت کردن ه	نوبریدن پوشیدن د	بخانه نوشدن دك	زراعت کردن د	ذفاف کردن ك
سفر کردن د	شراکت کردن د	ختنه کردن د	شروع در کارها ه	بنانها دادن ك	مسهل خوردن د
خریدن چیزها ك	فروختن چیزها د	نکاح ك	ابتدای تعلیم کتابت د	علاج بیماری د	بازداشتن از شیر د
دادن شیر کودک ه	نفره کشیدن د	دخول در شهر ك	محاسبه نمودن د	اجاره دادن زمین د	رسول فرستادن د
نقل تحویل ك	بنده خریدن ك	حاجت خواستن ك	سواری کردن د	زیارت احبّا ك	تخفه فرستادن ه

عقرب

نصف ۳ ۵

	سنبله				دیدن ملوک ه
فصد کردن د	حجامت د	نوبریدن پوشیدن ه	بخانه نوشدن ك	زراعت کردن ك	ذفاف کردن ه
سفر کردن ك	شراکت کردن ك	ختنه کردن ك	شروع در کارها ه	بنانها دادن ك	مسهل خوردن د
خریدن چیزها ك	فروختن چیزها ه	نکاح ه	ابتدای تعلیم کتابت ك	علاج بیماری ك	بازداشتن از شیر ك
شیر دادن کودک ك	نفره کشیدن ه	دخول در شهر ك	محاسبه کردن ه	اجاره دادن ك	رسول فرستادن ه
نقل تحویل ه	بنده خریدن ك	حاجت خواستن د	سواری کردن ه	زیارت احبّا د	



عقرب

۲۱ نصف ۳

میران					تخفه فرستادن
دیدن ملوک	فصل کردن	حجامت	نوبزیدن پوشیدن	بخانه نوشدن	زراعت کردن
ز قاف	سفر کردن	شراکت کردن	ختنه کردن	شروع در کارها	بنا نهادن
مُهل خوردن	خریدن چیزها	فروختن چیزها	نکاح	ابتدای تعلیم کتابت	علاج بیماری
بازداشتن ارشیر	شیر دادن	نفره کشیدن	دخول در شهر	محاسبه کردن	زمین اجاره دادن
رسول فرستادن	نقل و تحویل	بنده خریدن	حاجت خواستن	سواری کردن	زیارت احبّا

عقرب

۳۰ ۲۹ نصف ۲۸

عقرب					دیدن ملوک
فصل کردن	شروع در کارها	نوبزیدن پوشیدن	بخانه نوشدن	زراعت کردن	ز قاف کردن
سفر کردن	شراکت کردن	ختنه کردن	حجامت کردن	بنا نهادن	مُهل خوردن
خریدن چیزها	فروختن چیزها	نکاح	ابتدای تعلیم کتابت	علاج بیماری	بازداشتن ارشیر
شیر دادن طفل	نفره کشیدن	دخول در شهر	محاسبه کردن	زمین اجاره دادن	رسول فرستادن
نقل و تحویل	بنده خریدن	حاجت خواستن	سواری کردن	زیارت احبّا	فرستادن تخفه

عقرب

نصف ۲۸ ۲۷ ۲۶

قوس					دیدن ملوک
فصل کردن	حجامت	نوبزیدن پوشیدن	بخانه نوشدن	زراعت کردن	دیدن ملوک
سفر کردن	شراکت کردن	ختنه کردن	شروع در کارها	بنا نهادن	ز قاف
خریدن چیزها	فروختن چیزها	نکاح	ابتدای تعلیم کتابت	علاج بیماری	مُهل خوردن
شیر دادن کودک	نفره کشیدن	دخول در شهر	محاسبه کردن	زمین اجاره دادن	بازداشتن ارشیر
نقل و تحویل	بنده خریدن	حاجت خواستن	سواری کردن	زیارت احبّا	رسول فرستادن

فرستادن تخفه



عقرب

۲.۵ ۲.۴ نصف ۲.۳

فرستادن تحفه ك	جدی				دیدن ملوك
فصد کردن د	حجامت د	نوبریدن پوشیدن ه	بخانه نوشیدن د	زراعت کردن ك	زفاف کردن د
سفر کردن ك	شراکت کردن ك	ختنه کردن د	شروع در کارها ك	بنا نهادن د	مُسهل خوردن د
خریدن چیزها د	فروختن چیزها ك	نکاح د	ابتدای تعلیم کتابت د	علاج بیماری ه	بازداشتن از شیر ك
شیردادن کودک ك	نوره کشیدن ه	دُخول در شهر د	محاسبه کردن د	زمین اجاره دادن ك	رسول فرستادن د
نقل تحویل د	بند خریدن د	حاجت خواستن ه	سواری کردن ك	زیارت احبّا ه	تحفه فرستادن د

عقرب

نصف ۲.۳ ۲.۲ ۲.۱

دلو					دیدن ملوك ك
فصد کردن ك	حجامت ك	نوبریدن پوشیدن ه	خانه نوشیدن ك	زراعت کردن ه	زفاف د
سفر کردن د	شراکت کردن د	ختنه کردن ك	شروع در کارها ك	بنا نهادن ك	مُسهل خوردن ه
خریدن چیزها ه	فروختن چیزها ك	نکاح د	تعلیم کتابت ك	علاج بیماری ه	بازداشتن از شیر ه
شیردادن کودک د	نوره کشیدن د	دُخول در شهر ك	محاسبه کردن د	اجاره دادن د	رسول فرستادن د
نقل تحویل ك	بند خریدن ك	حاجت خواستن ك	سواری کردن د	زیارت احبّا ك	

عقرب

۲.۰ ۱.۹ نصف ۱.۸

فرستادن تحفه د	حوت				ملوك دیدن
فصد کردن د	حجامت ك	نوبریدن پوشیدن ك	بخانه نوشیدن ك	زراعت کردن ك	زفاف کردن ك
سفر کردن ك	شراکت کردن ك	ختنه کردن ه	شروع در کارها ك	بنا نهادن ه	مُسهل خوردن ك
خریدن چیزها د	فروختن چیزها ه	نکاح ك	تعلیم کتابت ك	علاج بیماری ك	بازداشتن از شیر ك
شیردادن کودک ك	نوره کشیدن ك	دُخول در شهر ك	محاسبه کردن ك	اجاره دادن ك	رسول فرستادن ك
نقل تحویل ك	بند خریدن د	حاجت خواستن د	سواری کردن ك	زیارت احبّا د	تحفه فرستادن ك




کواکب سبعه مطا



کواکب کعبه مطابق پست و هشت حرف ابجد است زحل اب ج د مشتری ه وزح  
 مریخ ط ی ک ل شمس من س ع زهره ف ص ق ر عطارد ش ت ش خ قو ذ ض ظ غ  
 فصل در دانستن ساعات نیک و بد ایام هفته باید که بدین لوح نظر نماید و نیک و  
 بد آنرا از لوح مذکور دریابد و اراده بهر شغلی که خواهد انشاء الله تعالی بحسب خواهش او کار تمام  
 رسد

احکام							
لیالی	ایام هفته	اول روز	قبل از زوال	زوال	بعد از زوال	هو الصلوة	عصر
شب شنبه مریخ	شنبه	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد
شب یکشنبه عطارد	یکشنبه	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری
شب دوشنبه مشتری	دوشنبه	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره
شب سه شنبه زهره	سه شنبه	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل
شب چهارشنبه زحل	چهارشنبه	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس
شب پنجشنبه شمس	پنجشنبه	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
شب جمعه قمر	جمعه	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ
شمس	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر

مثل روز می باشد که متعلق است بهر ستاره مثل جد و ل و ز است و بعد  
 چون ساعت بزحل رسد نیک است که خلایق و جوی کنند و زیارت و بحال نشاندن  
 و شاید دیدار دهاقین دیدن و حاجت خواستن و بیع و شراء و کارهای نهانی و طلسمات و  
 دشمنی نماید و تدبیر و مظاهرات و سفر و قصد و حجامت و معالجت و دار و خوردن و دیدار



ملوك و اشراف و نو بریدن و پوشیدن و هر فرزند یک در این ساعت متولد شود عمرش دراز باشد  
 و ازین بهره مند باشد چون ساعت بشارت رسد نیک باشد تزویج و مظاهرات و  
 طلب حاجات و حرکت و سفر و حجامت و دیدار سلاطین و وسیع و شراء و ابتدای کارهای بزرگ  
 و نو بریدن و پوشیدن و نشاید کارهای نهانی و الت حرب و کار فساد و دیدار مفسدان دیدن  
 و فرزند یک در این ساعت متولد شود مصلح باشد چون ساعت پیرنج رسد نیک باشد ایثار  
 حرب و سلاح و طلسم و دشمن و خون ریختن در بخار کردن و کار فساد و نشاید دیدار سلاطین  
 و اشراف و طلب حاجات و تجارت کردن و سفر و نو بریدن و پوشیدن و هر فرزند یک در این  
 ساعت متولد شود حریص بر مال خلق و خون ایشان باشد چون ساعت شمس رسد نیک  
 باشد کارهای معظم و دیدار ملوك و نشاید تجارت و حرکت نو بریدن و پوشیدن و  
 هر فرزند یک که متولد شود عمرش دراز باشد و اصحاب سلطان باشد با دولت و نعمت باشد  
 چون ساعت بزهره رسد نیک باشد کلاه و مظاهرات و دیدار سلاطین و طلسم الفتن  
 و اسباب لهو و لعب و فصد و حجامت و معالجت و دار و خوردن و نو بریدن و پوشیدن و  
 ارایش باغ و بستان و نشاید کودک به برستان و تعلیم و کارهای نهانی و کتابت و طلسم  
 و دشمنی و فرزند یک که متولد شود عشرت و طرب دوست باشد چون ساعت عطارد  
 رسد نیک باشد کارهای نهانی و کودک بد پر فرستادن و ابتداء تعلیم کردن و دیدار اصحاب  
 قلم و خصوص کردن کارهای با نیک و طلسم و نشاید فصد و حجامت و کارهای فساد و  
 تجارت و معالجت و دار و خوردن و فرزند یک در این ساعت متولد شود عالم و دانا و بزرگ  
 شود چون ساعت بقره رسد نیک باشد پیغام فرستادن و فصد و حجامت و معالجت



و در امور خوردن و اسباب زراعت و باغ بریدن چوب و بنای کار نیز و طلسم و الفت و خیرین  
ستور و نشاید کارهای نهانی و خویش و تزویج و هر فرزند یک متولد شود بسیار مال  
بدست او کرد اما جاسوس و راهزن باشد

زحل ستاره دهاقین و اسباب املاک است و نسبت بروز و برنک سیاهی و پرورش دهند  
اقليم اول و از فلزات سر برابری ربط است و طبعش سرد و خشك و نحس و نزد دوستی را نشا  
و مدت ملكت آن در هر برجی دو سال و نیم و مجموع دورش سی سال است مشتری ستاره  
اسباب صنعت و اهل اقليم دوم و سعد اکبر و طبعش گرم و تر و از رزاست نسبت آن از  
سایکها بگوید و از فلزات بقلع و هر برجی را سیزده ماه طی میکند مجموع دورش سیزده  
سال است مریخ ستاره سپاهیان و خوشخواران طبعش گرم و خشك و نحس و پرورشی  
و نسبتش از فلزات آهن دارد و از رنگها سرخی و تیرگی و باقلم سیاه و سیرش در هر  
برجی پنجاه روز و تمام دورش هجده ماه شمس ستاره پادشاهان و اسباب حکم طبعش  
گرم و خشك و روزی و نر و نحس در اجتماع و سعد دیگر نظرات نسبتش از رنگها بنری  
و شفاف و از فلزات بطلاء باقالم چهارم و مدت سیرش هر برجی یک ماه و تمام دورش یک سال  
زهره ستاره زنان و اکردان و سازنده کان و اهل طرب نسبتش باقلم پنجم و از رنگها  
سرخ و از فلزات بنی و طبعش سرد و ماده و مسی مدت سیرش در هر برجی پست و پنجره  
تمام دورش ده ماه عطارد ستاره وزراء و اهل قلم و علماء به رنگها مایل و سبز  
و نسبتش باقلم ششم و از فلزات برنیک و مدت سیرش در هر برجی پانزده روز و تمام دورش  
شش ماه قمر ستاره میاهان و قاصدان و شاطران و گرم و تر و ماده و سعد مدت سیرش



دو روز و نیم و دورش يك ماه است و از اقلیم هفتم است و از رنگها بسبزی  
والسلام

ساعات معوجه و متساویه اما معوجه است که هر يك از شب و روز ۱۲ ساعت داریم در فصلی  
از فصول اتم از ساعات قصیره یا طویل یا متساویه است که در قطر و طول با هم تفاوت نکنند بلکه  
قطر و طول شب و روز بر یاده شدن عدد ساعت و کم شدن آن و هر ساعتی از ساعات  
شب و روز هفته نسبت یکی از سبعة سیاره دارد بدین پنج که ساعت اول از روز یا شب مختص <sup>باین</sup>  
کوکی است که نسبت بان شب یا روز دارد و ساعت دویم آن کوکی که بعد از آنست در ترتیب  
شماره پنجمین و سیم بعد از آن تا هفتم و باز بهین پنج و تقسیم دیگر آنکه در روز یکشنبه  
از صبح تا نزدیک چاشت از شمس است و چاشت از زهره و نزدیک زوال از عطارد و وقت  
نماز پیشین از قمر و ما بین الصلوتین از زحل و عصر از مشتری و آخر روز از مریخ و شب  
اول روز از قمر و نیم چاشت زحل و نزدیک زوال مشتری و پیشین مریخ و بین الصلوتین  
شمس و عصر زهره و آخر روز عطارد سه شنبه بهین ترتیب از مریخ و شمس و زهره  
و عطارد و قمر و زحل و مشتری و چهارشنبه از عطارد و قمر و شمس و مریخ و زحل  
و زهره پنجشنبه از مشتری و مریخ و شمس و زهره و عطارد و قمر و زحل جمعه  
از زهره و عطارد و قمر و زحل و مشتری و مریخ و شمس شنبه زحل و مشتری  
و مریخ و شمس و زهره و عطارد و قمر است و ثوابت سواهی  
سبعة سیاره اند در فلک ثابته و حرکت خاصه ندارند و عدد شراخه دارند لیکن یک هزار و سیست  
در صد و نواورده اند که بزرگ ترین آنها دویست و سه برابر جرم زمین است و کوچک ترین آنها

بسیار کوچکتر



پست و سته برابر و هر چند ستاره را که اجتماع آنها بشکل حیوانی بنظر می آید برج بنام آن  
 حیوان خوانند و هر يك از ستاره را مادام در محاذات یکی از برجها باشد گویند بر  
 حمل و اسد و قوس مشرقیت و جوزاء و دلو و میزان مغربیت سرطان و عقرب  
 و حوت شمالی است ثور و سنبله و جدی جنوبیت و برجهای ثابت ثور و اسد  
 و عقرب و دلو منقلب حمل و سرطان و میزان و جدی ذوجسدين جوزا و سنبله  
 و قوس و حوت است حمل خانه شرف افتاب است و ثور خانه شرف ماه است و  
 میزان خانه شرف زحل و سرطان خانه شرف مشتری و جدی خانه شرف مریخ و حوت خان  
 شرف زهره و جوزا پیت الشرف راس و سنبله پیت الشرف عطارد و قوس پیت الشرف ذنب  
 و از حمل بجوت يك در میان ماه و حمل و اسد و قوس انشی است جوزا و میزان و دلو  
 با یکی است سرطان و عقرب و حوت اینی است ثور و سنبله و جدی خاکی است حمل و عقرب  
 خانه مریخ قوس و حوت خانه برجیس ثور و میزان خانه زهره اسد خانه افتاب  
 سرطان خانه قمر جوزاء و سنبله خانه عطارد و جدی دلو و زحل از حالات  
 طبایع این برجها استنبات سعادت و نحو سطر اشغال و اعمال کنند و کف الخرب چند  
 گوکب و نحو سطر بشکل ادبی برصند لی دست دراز کرده مثل دست خضاب کرده

بوسط اسمانند دعا مستجاب است

۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
حوت	دلو	جدی	قوس	عقرب	میزان	سنبله	اسد	سرطان	جوزا	ثور	حمل
نار	هواء	ماء	تراب	نار	هواء	ماء	تراب	نار	هواء	ماء	تراب
امرز	بنض	جسظ	رعغ	هوف	وص	زق	حر	طش	یت	كث	لخ



فصل در تحقیق رویت هلال شهر رمضان المبارک یعنی هر روز از روزهای هفت  
سال سابق اول ماه رمضان بوده باشد روز پنجم آن اول ماه رمضان امسال خواهد بود  
اگر مثلاً ماه رمضان سال سابق اولش یکشنبه باشد باید ماه رمضان آینده اولش  
روز پنجشنبه باشد و این در غیر سال کبیسه است و سال کبیسه را باید شش روز  
بشمارند و روز ششم اول ماه رمضان این سال خواهد بود و در غالب اوقات این حساب  
با رویت هلال موافق می افتد چنانکه در سده هزار و صد و هشت بود که پنجم آن روز  
یکشنبه بود اول ماه رمضان بود و این سال که سده هزار و صد و نود است چون سال  
کبیسه است ششم یکشنبه که روز جمعه است اول غرة رمضان و گاه بود که بحسب رویت  
تخلف و موافق نمی افتد و سرش است که اگر چه بحسب تجربه یافته اند که سده ماه متوالی  
ناقص میتواند شد و زیاده از سده نمیتواند شد و چهار ماه متوالی تمام میتواند شد و زیاده  
نمیتواند شد اما ماههای سال را که بر سر هم حساب میکنند در غیر سال کبیسه شش ماه  
پست و نهم میباشد و در سال کبیسه پنجاه ناقص و هفت ماه تمام میباشد و از غرایب  
حکمت حقیقی آنکه در سده ۱۰۰۰ هجری متعین اتفاق نموده در تقویم خود دو از ده ماه از بی  
کمیک نوشتند و تمام آن سال ماه های تمام بود پس در غیر سال کبیسه اگر اول ماه  
رمضان شنبه باشد چون بجای که مذکور شد از ماه های تمام است باید دو شنبه اول  
ماه شوال باشد و چون آن ناقص باشد باید که سده شنبه اول ماه ذی قعدة باشد و  
چون آن تمام است باید که پنجشنبه اول ذی حجه باشد و چون آن ناقص باشد باید که جمعه  
اول ماه محرم باشد و چون آن تمام است باید که یکشنبه اول ماه صفر باشد چون ناقص است

باید دو شنبه



باید دوشنبه اول ماه ربیع الاول باشد و چون تمام باید چهارشنبه اول ماه ربیع الثانی باشد  
 و چون ناقص است باید پنجشنبه اول ماه جمادی الاول باشد و چون تمام است باید شنبه اول  
 ماه جمادی الثانی باشد و چون ناقص است باید یکشنبه اول ماه رجب باشد و چون آن  
 تمام است باید سه شنبه اول ماه شعبان باشد و چون ناقص است باید چهارشنبه  
 اول ماه مبارک رمضان باشد و آن پنجشنبه است که اول ماه رمضان سابق بود و  
 و در سال کبیسه چون ماه ذی قعدة و ذی حجه را تمام هر دو را میگیرند اول رمضان آن سال  
 باید موافق ششم ماه رمضان سبقی باشد مثلاً فرضی که اول کردیم اگر در اول کبیسه باشد  
 و ذی الحجه را تمام میگیریم شنبه اول ماه محرم خواهد شد و بهمان نحو ماههای بعد را یکبار تمام  
 و یکبار ناقص میگیریم و ماه رمضان پنجشنبه خواهد بود و آن نسبت بشنبه که اول ماه  
 رمضان سابق است که ششم خواهد بود و احادیث بدین دستور بسیار است من جمله چنانچه  
 کلینی رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که ایام سال ۳۵۰ روز بود  
 حق تعالی دنیا را در شش روز خلق کرد و شش روز از سال بیرون کرد ۳۵۴ روز ماند  
 و ذی قعدة بی روز است زیرا که خدا فرموده است وعده دادیم موسی را بی شب و تمام کردیم  
 آن را بده شب دیگر پس تمام شد میقات پروردگار چهل شب و آن ذی قعدة بود و درگاه  
 روز ذی الحجه پس ذی قعدة را تمام گرفته خدا و ذی حجه را بیست و نه روز محرم بی روز است  
 پس همچنین بعد از آن یکماه تمام و یکماه ناقص و ابن بابویه علیه الرحمه باین حدیث عمل  
 کرده و سایر علماء موافق حدیث دیگر بنا بر این ماه گذاشته اند محمد ابن نوح بخند  
 امام علی النقی علیه السلام عریضه نوشت که از پدران شمار وایت کرده اند در حساب



روزه که پنج روز از اول ماه رمضان گذشته بشمارند حضرت در جواب نوشتند  
که صحیح است ولیکن در هر چهار سال پنج پنج بشمارد و در سال پنجم شش روز بشمارد  
پس حضرت فرمودند که این تفاوت از خمسة کیسه است و اصحاب ما حساب کرده اند  
و گفته اند که بحساب کیسه درست است

خاتم در احکام بست این بست در نزد هر مفسر و حکماء هندی بغایت مذموم است و این  
عات را احد اختیارات و ساعات بست خوانند و حکماء عرب این ساعت را محترقه خوانند  
و ابتداء این ساعت را از اجتماع نیرین گیرند و چو دو از ده ساعت تا هشتاد و چهار  
ساعت بگذرد و انگاه ابتداء در دویم باشد بر این ترتیب تا اجتماع دیگر و این در هر  
هفت قسمت کنند بعد دافلاک و هر کو کپی را دو از ده ساعت دهند و حصه هر  
کو کپی را بست آن گویند و بدترین بست افتاب است پس هرگاه در این بست  
کاری کنند در ثلث اول زیانش بچنان نرسد و در ثلث دویم بچاه و ثلث سیم بمال  
و در ثلث اخر مریخ است هیچ کاری بران نشاید و الله اعلم  
در سولان و اچیان و صحبت با عوام الناس در عطار دیدن اصحاب دیوان و  
بیع و شراء و تعلیم و تهریت و در زهره نیکست دیدن خواتین و مردان و شرکت و تر  
ویج و زفاف و در شمس مطلق هیچ کاری بران نشاید مگر بخلوت نشستن و از خانه بیرون نیا  
مدن در ساعت را اولیست و در مریخ در ثلث اول سوار بران نشاید و ثلث دویم خون  
که کمرکن را خوب است و ثلث سیم هیچ کاری بران نشاید و در مشتری نیک است طالب  
وزارت و امارت و صحبت و دیدن علماء و اشراف و در زحل نیک است دیدن

بست یا ساعت  
محمد  
که اینست اوقات اصحاب  
سیرت



مشایخ و دهاقین و رفتن بمزارات و قبور متبرک و عمارات و بس خاتم در احکام  
 ذوالذوالبه و قوس القزح این ستاره نخل است هر وقت که پید شود در عالم فتنه و شو  
 مرش پید شود و خون سیرش پدید آید و اکثر پادشاهان را زیان باشد بلکه بعضی تاج و تخت را  
 وداع کنند پیش از نیم شب از شرقی است و بعد از نیم شب مغربی است این است

قوس القزح	ذوالذوالبه
فی الطرف المغرب	فی الطرف المشرق
نعمت فراخ گردد	قتل در همه عالم بدید آید
بدی حال زنان باشد	اشوب در همه جا ظاهر شود
ضعف عمال باشد	تنگی بدید آید
فراخی بدید آید	فحطی بدید آید
ایمنی پید شود	غلبه دزدان بود
جیفه دزدان بود	بدی عوام الناس بود
خلاف زهاد بود	کثرت دزدان بود
فیض کامها بود	بلای رعیت بود
امن و سکون باشد	خونها ریخته شود
خلاف عوام الناس بود	افت مردم بود
افت عظیم باشد	قتل بدید آید
تکبت زهاد و عباد بود	کشتی غرق شود
فی الطرف المغرب	فی الطرف المغرب
در طرف مغرب فحط شود	بابل طراب شود
نعمت فراوان شود	بدی عوام الناس بود
وباء بدید آید	فساد بدید آید
بد حالی ملوک بود	مانع غله را تپاه کند
فراخی نعمت بود	بدی چهار پایان بود
وباء حادث گردد	زنا آشکارا گردد
حکمت امر زان شود	بدی رعیت بود
فراوانی غله باشد	عزت ملوک بود
نعمت فراوان شود	المرجیف پید شود
فراخی نعمت بود	فتنه بدید آید
فحط بدید آید	غوغا بدید آید
بیماری زنان باشد	قتل بدید آید

قوس اندر قوس القزح  
 و کفتن قوس و قزح خوب نیست زیرا که  
 قزح نام شیطان است از عکس و قوسی که هوا  
 که از بخار متصاعد شود در آسمان باشد  
 صاف و نهی بر آن عارض گردد آن  
 و بقول عکس کوه قاف است که آن  
 قلعه است یکی از جواهرات بزرگ آنهاست  
 پس اگر کسی غلبه غالب باشد دال بر آن زانی  
 و جنگ و اگر سبزی دال بر بیماری و اگر  
 و اگر زردی دال بر بیماری و اگر  
 سبزی دال بر بیماری و اگر  
 از بری کنند آفتاب جهه آنست که  
 نیم اول روز مشرقی است و نیم  
 ثانوی روز مغربی است و نیم  
 والسلام



قاعدۀ خمس خالی لوسط طریق شیخ محی الدین اعرابی و چنین ذکر کرده است که این لوح  
عزیز و مکرمه بدارید و از نا اهل مخفی و پوشیده در پرده ننگه بدارید و در خواص این  
شرح بسیار است همین قدر در کتب تعریف این لوح شریف بسو است که در تحبیب و یا  
در تبغیض شمشیر برنده و ستم گشنده است و احتیاج بساعت ندارد و هر وقت که  
میخواهی عدد اسم طالب و عدد اسم مطلوب را با عدد ایه مناسب مطلب جمع کن و عدد  
اسماء الهی که مناسب آن مطلب باشد بیا و همه این عددها را جمع کن ملاحظه کن که چه قدر  
میشود پس آن عدد را بر ۵ قسمت کن و برین چند ۵ میشود آن وقت هر ۵ عدد را  
یک حساب کن و آنکه از ۵ کمتر است باقی میماند آنرا کسر میگویند این کسر را با آن عدد  
که هر ۵ عدد را یک عدد گرفت جمع کن و در خانه که انشاء الله نموده میشود بگذار و بقرار  
نظم طبیعی خمس را تمام کن مثلاً طالب محمد ۹۲ مطلوب حسن ۱۱۸ ایه و الله يحب الخیر لشدید  
آن تمیلو امیلاً عظیماً و عدد بدو ۲۰ و عدد دودو ۲۰ و جمع همه عددها این است ۳۱۸۱ این عدد را بر ۵  
قسمت کردیم حاصل طرح این شد ۴۸ و کسر این شد ۱۶ بعد این دو عدد طرح و کسر را در خانه اول  
۳۱۸۱

درجات فلک

$$\begin{array}{r} ۱۲ \\ ۳۶ \\ \hline ۴۰ \\ ۱۴۴۰ \end{array}$$

$$\begin{array}{r} ۳۱۸۱ \\ ۲۶ \\ \hline ۵۸ \\ ۵۲ \\ \hline ۰۶۱ \end{array}$$

۱۶	۱۰	۵	۱۲	
۹	۲۱	۱۹	۱۳	۳
۱۵	۱۱		۱۴	۲۵
۵	۶	۲۳	۲۴	۷
۲۰	۱۷	۲۲	۲	۴

۷۶۸	۴۱۰	۱۰۹	۵۷۶	۱۲۴۸
۴۳۲	۱۰۰۸	۹۱۲	۶۲۴	۲۰۵
۷۲۰	۵۸۹		۶۷۲	۱۲۰۰
۲۴۰	۲۸۸	۱۱۰۴	۱۲۱۳	۳۳۶
۱۰۲۱	۸۱۶	۱۰۵۶	۹۶	۱۹۲

چنین شد



۱۰۹	ذ	ش	ف	م	ط	ه	ا	نار	عناصر بعد
۱۴۴۰	ض	ت	ص	ن	ی	و	ب	هواء	یعنی دایره
۱۵۴۹	ظ	ث	ق	س	ک	ز	ج	ماء	اهطی
۵۱	ع	ح	ر	غ	ل	ح	د	تراب	باشد
۱۴۹۸									

چنین شد و بعد عدد مفتاح که خائن اول است و این است ۱۰۹ جمع کردیم با عدد  
 ادوار الفلك که این باشد ۱۴۴۰ و عدد لفظ یئیل که این باشد ۵۱ از این  
 و عدد منها کردیم الباقی ماند ۱۴۹۸ باسم آوردیم شد حصه غائبیل و بعد  
 عدد مغلاق که این باشد ۱۲۴۸ جمع کردیم با عدد ادوار الفلك و عدد لفظ یئیل  
 منها کردیم شد ۲۶۳۷ باسم آوردیم شد زکخ غائبیل و بعد عدد ارکان  
 که چهار گوشه باشد و این است ۳۲۲۹ ایضا با عدد ادوار الفلك جمع کردیم  
 و این عدد را ۵۱ منها کردیم الباقی ۴۶۱۸ باسم آوردیم شد یخند غائبیل  
 و بعد عدد مساحت که عدد یک سطر باشد این است ۳۱۸۱ با عدد ادوار الفلك  
 جمع کردیم و ایضا عدد لفظ یئیل را منها کردیم الباقی ماند ۴۵۷۰ باسم آوردیم شد  
 عدل غائبیل و بعد ایضا عدد مساحت که همین است ۳۱۸۱ با عدد ادوار  
 الفلك و عدد اسم جبرائیل که این است ۲۴۷ این سه عدد را جمع کردیم و  
 و عدد لفظ یئیل را منها کردیم الباقی ماند ۴۸۱۷ باسم آوردیم شد زکض غائبیل  
 چنانچه در حاشیه مرقوم شده است و بعد اصل حروفات را باید بدایره اهطی  
 برده و ملاحظه کند که کدام عناصر غلبه دارد باید بان عنصر رفتار نماید مثال  
 م ر ح م د ح س ن و ا ن ه ل ح ب ا ل خ ی ر ل ش د ی د ا ن ت م ی ل و ا م  
 ی ل ا ع ظ ی م ا ب د و ح و د و د این شد اول ناری م م ا ه ل ا م ا م  
 ا م ا د ق یم هواء ن و ن ب ی ی ن ت ی و ی ب و و و س یم مائی  
 س ظ چهارم خاکی ح د ح ل ح ل خ ر ل د د ل ل ع د ح م د ملاحظه کردیم  
 ۹۶۰ ۱۰۷۶





دیدیم که عنصر خاک غلبه دارد عمل بخاک باید بشود و مخورات خاک و مدار خانه با  
 بشود و بعمل آید تا موافق بخواه باشد و عدد خاک ۱۰۷۶ است پس باین عدد با  
 بخواند و استمداد از موکلین بخواند و اگر عمل تبغیض و عداوت باشد خدای بخواند  
 بعوض عدد دئیل عدد لفظ طیش بگذارند این است ۳۱۹ و مخورات شروع عداوت  
 که معلوم است انشاء الله در نسخه بعد مظهر میشود و اگر عمل حب باشد عدد دئیل  
 داخل کند این است ۲۴۲ و اگر عمل رزق باشد عدد میکائیل ۱۱۲ و اگر دفع  
 شر باشد عدد اسرافیل ۳۱۲ و اگر مرض و موت باشد عدد عزرائیل ۳۱۹ و  
 کند و بعد از آن اسمائی که از لوح بیرون آوردی آنها را بدین قرار میبندی  
 و قرائت میکنی باین عدد ۱۰۷۶ عنصر که مذکور شد مثال **أَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ**  
**أَيُّهَا الْآرَوَاحُ الرُّوحَانِيُّونَ الطَّيِّبُونَ الظَّاهِرُونَ الْمَوْكُلُونَ النُّورَانِيَّةُ الْإِنْسَانِيَّةُ**  
**وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكَ يَا حُصَيْنَايِلَ بِحَقِّ الْحَاكِمِ عَلَيْكُمْ يَا زَنْبَعَايِلَ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ**  
**بِحَقِّ الْحَاكِمِ عَلَيْكُمْ يَا حَمْدُ غَايِلَ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ بِحَقِّ الْحَاكِمِ عَلَيْكُمْ يَا عَتَدُ غَايِلَ**  
**وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمَلَائِكَةُ الرُّوحَانِيُّونَ بِحَقِّ سَيِّدِكُمْ وَالْحَاكِمِ عَلَيْكُمْ زَيْضُ غَايِلَ**  
**أَجِيبُوا طَائِعِينَ مُسْرِعِينَ وَتَوَكَّلُوا بِجَلْبِ فُلَانٍ وَجَلْبِ فُلَانٍ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكَ أَيُّهَا**  
**الْقُطْبُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ وَالْآيَاتِهِ وَالْبَيْتِ صَلَّى اللَّهُ فِي عَظْفِ وَجَلْبِ سَرِيعَا طَبِيعَا وَ**  
**أَنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ** و عزایم ششم از این قرار است که ذکر شد و ملائکه  
 قطب مال خانه وسط محسوس است و آن چهار ملک دیگر چنانکه بترتیب نوشته شده است و  
 در وسط فوق محسوس و ثانی در یسار و ثالث در تحت و رابع در یمن و السلام



بدانکه علم تکسیر علم انبیا است و علم اولیا است و از سفر آدم علیه السلام یافته اند و بدان که  
 های بزرگ کرده اند و بمقاصد دینی و دنیاوی رسیده اند و سر چشمه همه علوم چون بنک  
 نظر کنی همین است و از او توان بهمهمه مطلوب رسیدن خصوص در پیک کردن اصطلاحات  
 که در عبارت آن بکار آید و بیاید دانست که بسیار جواهر و فل در جبه خوانند هر کجا که اشارت  
 بحروف است و سطر را جائی اسم خوانند و جائی زمام و جائی برج و جائی حصه پس از  
 این قبیل هر کجا یابی که بخوانی بدانکه غرض از وی سطر است باب را جائی بیت خوانند  
 و جائی سهم خوانند چون از این در جائی بینی بدانکه مقصود از وی باب است و در علم  
 تکسیر جائی گویند تکسیر کن و جائی گویند منصوب و جائی گویند مقلوب و جائی گویند  
 صدر مؤخر و جائی گویند حفظ و رفع پس از این صفت هر جای کتاب بینی بدانکه  
 از وی حروف حرف خوانند و اندر تکسیر و زمام باب آن سطر باشد که باب  
 از وی تکسیر کنند چون کرده باشی پس هر کجا زمام باب یا مخرج باب یا بدانکه کتاب از  
 روی آن سطر باشد که گفته اند و عبارت از سهم مقام افتاب است که در برجی بی  
 و آن دوازده سهم است اندر برابر دوازده برج این جمله بنیکو فهم کن

والسلام

زهره  
 در تقسیم دوازده برج بر کواکب سبعة سیاره حل عقرب میزان  
 قوس حوت مشتری جدی دلو زحل جوزا سنبله عطارد اسد شمس  
 سرطان قمر

قاعده از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مرویست که فرمودند نظر کنید



روز اول محرم را اگر یکشنبه باشد یک بگیرد ۱ و اگر دوشنبه باشد ۲ و اگر سهشنبه  
باشد ۳ و اگر چهارشنبه باشد ۴ و اگر پنجشنبه باشد ۵ و اگر جمعه باشد ۶  
و اگر شنبه باشد ۷ بگیرد پس اعداد را حفظ کند و عدد امامان خود که ۱۲ است  
بر آن بیفزاید مجموع را بگیرد و از آن ۷ و ۷ بیندازد اگر ۷ بماند شنبه اول <sup>است</sup>  
و اگر ۶ بماند جمعه است و اگر ۵ بماند پنجشنبه است و اگر ۴ بماند چهارشنبه <sup>است</sup>  
و اگر ۳ بماند سه شنبه است و اگر ۲ بماند دوشنبه است و اگر ۱ بماند یکشنبه <sup>است</sup>  
یعنی حساب خود را بر آن قاعده بگذارد که حق را خواهی یافت شاء الله تعالی  
والسلام

تاریخ جمادی الثانی  
 در سنه ۱۲۰۰  
 در یوم چهارشنبه هفتم  
 شهر حیدرآباد  
 دقیقہ از ظهر گذشتہ  
 جل شد یعنی شمس داخل  
 برج حمل شد کہ عید نوروز  
 والسلام

شرح تسبیح بزرگوار است و اینست از سلمان فارسی و از معاذ جبل رحمه الله علیه که گفت حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم در قبرستان بقیع بود و دست راست بر دوش من نهاد و فرمود  
ای معاذ تو را خبری دهم که در آن نفع حاصل شود تو را و جمله مؤمنان را بدانکه حق سبحانه و  
تعالی از قدرت خود در آسمان هفتم فرشته افریده است که او را هزار سراسر و بر هر سراسر  
هزار دهان و بر هر دهانی هزار زبان و بر هر زبانی هزار کانه تسبیح و تهلیل گوید  
خدا ی تعالی را و این فرشته را در خواطر گذشته که ایا حق تعالی را هیچ مخلوقی باشد که از  
من زیاد تر یاد نماید او را ندانم که ای فرشته مرا در روی زمین بنده هست در فلان موضع  
از تو عابد تر فرشته گفت الیها معبودا توئی قاضی الحاجات دستوری ده مرا تا بروم بر روی  
زمین و آن بنده را زیارت کنم و حاجت او را بدانم فرمان یافت و آن فرشته بفرمان حق تعالی  
بصورت انسان برآمد و بنزد آن بنده شد مردی را دید که در باغ گشت میکرد و بروی سلام  
کرد



جواب شنید و آن روز تا شب پیش او بود طاعتی زیاده ندید چون شب دگر آمد فرشته گفت  
 ای عزیز من امشب مهمان توام آن عزیز گفت از این بهتر چه خواهد بود پس فرشته را با خود بجا  
 آورد و مهمان کرد و بزبانی چند همزبانی کرد و بعد او را بخوابانید این فرشته همچنین سه شب  
 در پیش آن عزیز ماند و از او طاعتی زیاده ندید پس فرشته او را سوگند داد که تو در اینها  
 جدا از عالمی را چه طاعت کنی که حق سبحانه و تعالی تو را بر من فضیلت داده آن عزیز ساعتی را  
 بهشتی نشید و بعد گفت بنده کان را چه طاعت باشد که پسندید که حق تعالی باشد اما چون  
 سوگند برادر تو را بگویم بشرطیکه بگوئی چه کسی و از کجا آمد و فرشته گفت ای عزیز نیکو خصا  
 من یکی از فرشتگان آسمان هفتم و حق سبحانه و تعالی مرا هزار سر داده است و بر هر سری  
 هزار سر و داده است و بر هر روی هزار دهان و بر هر دهانی هزار زبان و هزار کانه  
 تسبیح و تهلیل میگویم با این همه اینزد تعالی تو را در جات از من بهتر و برتر از تو داده است  
 پس آن عزیز گفت که ای فرشته مراد در نهان تسبیح چیست که هر شبانه روزی بعد از نماز  
 میخوانم فرشته گفت بخوان تا بدانی آن عزیز خواند فرشته بسجده افتاد و سر از سجده بردا  
 ر گفت بخداوندی که جز او معبودی نیست که از این بزرگتر تسبیحی نیست این گفت و  
 یا معاذ هر بار که حلقه عرش این تسبیح را بگویند فرشتگان هفت آسمان در سجود آیند از  
 برکت و برتر کواسی این تسبیح یا معاذ بدان و آگاه باش بان خدایی که مرا برستی بخلاق فرستاده  
 که هر مؤمن و مؤمنه این تسبیح را روزی یکبار یا هفته یکبار یا ماهی یکبار یا در سال یکبار  
 یا در عمر خود یکبار بخواند و اگر نتواند بخواند از خواننده کان بشنود عرش بلرزه دگر آید و از  
 حق تعالی ندا آید که ای عرش ساکن باش عرش کوید چگونه ساکن باشم که هنوز خواننده این



تسبیح را نیاوردی ندانند که ای عرش تو چه میدانی که او را نیاوردی در سنی که او را از قبیل  
 او هفتاد کسرا بخشیدم و در قیامت از برکت این تسبیح هزار کسرا از کنه کاران امت محمد  
 می بخشم و در بهشت هفتاد هزار شهرستان بوی ابرو زانی نمایم یا معاذ خواننده و دارند  
 این تسبیح با ایمان از دنیا می رود و عزرا پیل از برکت این تسبیح بزرگوار بفرمان رب العالمین  
 سکرات مرکر ابروی اسان گرداند و چون او را غسل دهند حق تعالی جل جلاله فرمان دهد  
 که هزار فرشته از فرشتگان آسمان هفتم بر جنازه او نماز کنند و چون در کعبه بخوابند حورهای  
 با طبق های نور و حله های بهشت بکوی وی در آیند البشائر البشائر ای کوینده تسبیح  
 عظیم وای پسندیده خدا ما تبار و ز قیامت تو را در کعبه فراموش نخواهیم کرد و مونس تو خواهیم بود  
 تا روز قیامت یا معاذ شرح این تسبیح بسیار است اگر تمام عالم نویسنده شوند و در خان  
 قلم شود و در یاها مدام در دست نوشت پس مختصر کردید و الله اعلم بالصواب این است  
 هذا الدعاء بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا يَتَفَاضِلُ عَلَى كُلِّ تَسْبِيحٍ سَبَّحَ بِهِ  
 الْمُسْلِمُونَ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَتَفَاضِلُ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ بِهِ الْحَامِدُونَ  
 كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلٌ يَتَفَاضِلُ عَلَى كُلِّ تَهْلِيلٍ هَلَّلَ بِهِ  
 الْمُهَلِّلُونَ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرٌ يَتَفَاضِلُ عَلَى كُلِّ تَكْبِيرٍ كَبَّرَ بِهِ  
 الْمُكَبِّرُونَ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَعْظِيمٌ  
 يَتَفَاضِلُ عَلَى كُلِّ تَعْظِيمٍ عَظَّمَ بِهِ الْمُعْظِمُونَ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهُ اسْتَغْفَارًا  
 يَتَفَاضِلُ عَلَى كُلِّ اسْتَغْفَارٍ يَسْتَغْفِرُ بِهِ الْمُسْتَغْفِرِينَ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ صَلَوَاتُ  
 اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَحَمَلَةِ عَرْشِهِ وَجَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

عجب

والحمد لله



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ صَلَواتٍ صَلَّى بِهِ الْمُصَلُّونَ كَفَضَلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَزِنَةِ  
 الْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ وَعَدَدِ كَلِمَاتِ رَبِّي صِدْقًا وَعَدْلًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ  
 اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ اللَّهُمَّ بَارِكْ  
 لِي فِي لَمَوْتِ اللَّهِمَّ اعْنِي عَلَى سَكَرَاتِ الْمَوْتِ اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى غَسِّ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ  
 اعْنِي عَلَى ظُلْمَةِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ اللَّهُمَّ زَوِّجْنِي بِحُورٍ  
 يَمْلِكْنَ بِجَرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِرَحْمَتِكَ  
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مسم

دعاء بجهت بریدن در قبر بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ أَسْمَائِكَ الْمَكُونَةِ  
 عَلَى جَبِينِ عِبَادِكَ وَبِحَقِّ أَسْمَائِكَ الْمَكُونَةِ عَلَى جَبِينِ جِبْرِئِيلٍ وَبِحَقِّ أَسْمَائِكَ الْمَكُونَةِ  
 عَلَى بَابِ جَنَّتِكَ وَبِحَقِّ أَسْمَائِكَ الْمَكُونَةِ الْمَكُونَةِ عَلَى بَابِ رَحْمَتِكَ أَنْ تَسْهَلَ عَلَيَّ جَوَابُ  
 مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَتَرْزُقَنِي جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ مسم

دعاء عظیم القدر بجهت خواندن عید قدیر و هه او قالست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ تَعْلَمُ سِرِّي وَعَلَانِيَتِي فَأَقْبَلْ  
 مَعْدِنِي وَتَعْلَمُ حَاجَتِي فَأَعْطِنِي سُؤْلِي وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَيَقِينًا صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ  
 لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كُتِبَ لِي وَرَضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ  
 الرَّاحِمِينَ

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هرگاه کسی خواهد که او را از هر



امان بخشد باید که تسبیحی از تربت امام حسین علیه السلام ساخته باشند دیگر دستگیر  
 و سکه مرئوس این دعا را بخواند اگر در صبح چنین کند در امان خدا باشد تا شام و اگر تا  
 شام چنین کند در امان خدا باشد تا صبح و در شب بجای اَصْبَحْتُ اَمْسَيْتُ بگویند  
 و دیگر روایت دیگر منقول است که هر که از پادشاهی یا غیر او بترسد چون از خانه بیرون  
 آید چنین کند تا هر زی باشد او را از شر ایشان ایست **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**  
**اَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِي مَالِكٍ وَجَوَارِكِ الْمُنْبِيعِ الَّذِي لَا يُطَاوُلُ وَلَا يَحَاوُلُ**  
**مِنْ شَرِّ كُلِّ ظَالِمٍ وَغَاشِيَةٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَما خَلَقْتَ مِنْ زُجَّةٍ**  
**خَلَقْتَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ فِي جَنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلَبَّاسٍ سَابِغَةٍ حَصِينَةٍ**  
**وَعِيٍّ وَلَا آءِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مُحْتَجِرًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ**  
**لِي إِلَى أَذْيَةٍ بِجَدَارِ حَصِينٍ الْإِخْلَاصِ فِي الْإِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ**  
**بِحَبْلِهِمْ جَمِيعًا مُؤَقِّنًا بِأَنَّ لَكَ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ**  
**أُولَى مِنْ وَالْوَا وَاعَادِي مِنْ عَادُوا وَأُجَانِبُ مِنْ جَانَبُوا فَأَعِذْنِي اللَّهُمَّ**  
**بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اتَّقِيهِ إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ**  
**سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ** پس تسبیح را بیوسد و بر هر دو دست  
 بمالد و بگوید **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا**  
**وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَأَبِيهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَآخِيهِ وَبِحَقِّ وَلَدِهِ الطَّاهِرِينَ اجْعَلْهَا شِفَاءً**  
**مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ بِوَحْتِكَ يَا أَرْحَمَ**  
**الرَّاحِمِينَ**



[illegible]

در شب پنجم شعبان که شب پانزدهم باشد که مشهور بشب برات است بعد از نماز  
مغرب بدون حرکت و تکلم بپست و یک مرتبه این دعا را بخوانند این است اَللّهُمَّ  
اِنَّكَ حَلِيْمٌ ذُو اَنَانَةٍ وَّ لَا ظَاقَةَ لَنَا بِحُكْمِكَ يَا اَللّهُ يَا اَللّهُ يَا اَللّهُ اَلْاَمَانُ  
اَلْاَمَانُ مِنَ الطَّغْيَانِ وَالطَّاعُوْنَ وَالْوَبَاءِ وَمَوْتِ الْفَجَاةِ وَسُوءِ الْقَضَاءِ وَ  
شِمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ اِنَّا مُؤْمِنُوْنَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ  
الرَّاحِمِيْنَ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَادِ عَلِيًّا مظهر العجايب تجده عوناً لك في لتوايب  
 لي إلى الله حاجتي وعليه معولي كلما أمرته ولكل هم وغم سينجلي  
 بعظمتك يا الله يا الله يا الله بنوكتك يا محمد صلى الله عليه وآله بولايتك  
 يا علي يا علي يا علي أدركني بلطفك الخفي أنا من أعدائك بريء  
 بريء الله الصمد من عندك مددي وعليك معتمد ي بحق حُرمة  
 إياك تعبد وإياك تستعين يا أبا الغيث أغثنى يا علي أدركني يا قهار  
 تقهرت بالقهر في قهر قهرك يا قهار يا غياث المستغيثين أغثنى  
 يا أرحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين

اسم ٢٤ مشهور باسماء ادر پست دخلی بدعای فوق ندا مرد این است

يا حميد الفعال ذي لمن على جميع خلقه بلطفه عدد ٢٢١٠

٢٨٥ ١٨١ ٢٣٣ ٧٣٥ ١٢٤

يا حميد الفعال	يا حميد	يا حميد	يا حميد	يا حميد
١٨٤	٧٦٩	١٠١	١١٠٧	٤٩
٩٢٣	٣٢٥		٢١٨	٧٤٤
٣٤	١٩٣	١٥٤٤	١٤١	٢٧٤
٧٨٤	٩٢	٣١٠	٩	١٠١٥

يا الله يا واحد يا احد يا صمد  
 يا من لم يلد ولم يولد ولم  
 يكن له كفوا احد نجني  
 من الهم والغم برحمتك  
 يا ارحم الراحمين  
 يا سيدتي ويا مولاتي ويا  
 فاطمة الزهراء اغيثنى



طریقه استخاره ذات الرقاع شش رقعۀ کاغذ را در یکرویش بنویسد  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ و در یکرویش  
 اسم خود و اسم مادر خود را بنویسد و در سته رقعۀ اِفْعَلْ و سته رقعۀ  
 دیکر لَا تَفْعَلْ بنویسد و رقعۀ هار زیر سجاده گذاشته و دو رکعت نماز کند  
 و بعد بسجده رفته بگوید اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَ اخِرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي  
 فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ و بعد سر از سجده برداشته و یک یک از آن  
 رقعۀها بیرون آورد هرگاه سته اِفْعَلْ امد خوبیست و اگر سته لَا تَفْعَلْ  
 امد بد است و اگر دو اِفْعَلْ و یک لَا تَفْعَلْ امد میانۀ خوبیست و اگر دو  
 لَا تَفْعَلْ و یک اِفْعَلْ امد میانۀ بد است و السلام

صاحب دُرّ مکنون فرموده است که این حروف چهارگانہ را که نوشته شود  
 چهار اسم است مرکب باین ترکیب أَحَدٌ رَسَیْطٌ عَکْلٌ مَوْهَلٌ  
 هر کس این اسماء را کتابت کند در روز ۲۹ ماه یادر وقت خسوف و کسوف  
 بر صفحۀ سُرَب سیاه و انرا در زیر نگیں وضع کند و باخود نکاهدارد عقد  
 اللسان باشد و همة غمازان و حاسدان و مفسدان و بدگویان از غیبت و بهتان  
 نست بجامل آن زبان را کوتاه کنند و هیچکس را قوۀ آن نباشد که در حضور  
 و غیبتش با او برابری کنند و یا تهمت بی پروا بگوید یا اهانتی رسانند و تا آن  
 خاتم با اوست حال چنین و مقبول القول است و السلام در نسخۀ دیگر دیدم  
 اسماء را باین طریق نوشته بود أَحَدٌ رَسَیْطٌ طَعْلَمُو هَلَا



یاغیاث ۱۵۱۱				یا مغنی ۱۱۰۰				یا ثابت ۹۰۳			
۴	۴۴۴	۵	۴۴۴	۴	۴۴۴	۵	۴۴۴	۴	۴۴۴	۵	۴۴۴
۴۴۴	۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴	۴۴۴	۴۴۴
۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴
۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴
۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴
۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴
۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴
۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴
۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴	۴۴۴

۲۶۰											
۱۶	۲۵	۶۲	۱۷	۲۲	۵۱	۴۶	۱	۱۶	۲۵	۶۲	۱۷
۴۵	۲	۳۱	۵۴	۶۱	۱۸	۱۵	۲۶	۴۵	۲	۳۱	۵۴
۱۹	۶۴	۴۳	۱۴	۳	۴۸	۴۹	۳۰	۱۹	۶۴	۴۳	۱۴
۵۰	۲۹	۴	۴۷	۳۴	۱۳	۲۰	۶۳	۵۰	۲۹	۴	۴۷
۵۴	۲۵	۲۱	۵۸	۳۹	۱۲	۴۱	۲۳	۵۴	۲۵	۲۱	۵۸
۴۰	۱۱	۲۲	۵۷	۵۶	۲۷	۴۰	۲۳	۴۰	۱۱	۲۲	۵۷
۲۶	۵۳	۴۴	۷	۱۰	۳۷	۶۰	۲۳	۲۶	۵۳	۴۴	۷
۵۹	۲۴	۹	۳۱	۴۳	۸	۲۵	۵۴	۵۹	۲۴	۹	۳۱

۱ ۶ ۲ ۴  
۳ ۲ ۴ ۸  
۱ ۹ ۱ ۲  
۱ ۳ ۳ ۶  
۱ ۲ ۰  
۱ ۲ ۱ ۶

۱۹ ۱۲  
۱ ۶ ۲ ۴  
۰ ۲ ۸ ۸  
۳ ۴ ۸  
۶ ۴ ۰

۱۰۰  
۱۰۰  
۱۰۰

امم هاهم امم هاهم اذام اش ا ه و ف ا ا ع

ی بن ی و ت بن ت ن ی ب و ن ب و ی ن ن و ب و و ن ن بی

ک ج ک ج ج

ع ل س ر خ ج ح ل ل ل د ع ل ل ل د ع ر ل

يَا اللَّهُ يَا عَطُوفُ يَا وَدُودُ يَا خَنَّانُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

قاعدہ طالب و



۲ ۱ ۷ ۳ ۰  
 ۱ ۴ ۴  
 ۲ ۳ ۴ ۱ ۷  
 ۵ ۱  
 ۲ ۳ ۳ ۶ ۶

۱ ۲ ۲  
 ۱ ۴ ۴  
 ۱ ۵ ۶ ۲  
 ۵ ۱  
 ۱ ۵ ۱ ۱

۱ ۷ ۱ ۶  
 ۱ ۴ ۴  
 ۳ ۱ ۵ ۶  
 ۵ ۱  
 ۳ ۱ ۰ ۵

۴ ۴ ۱ ۲  
 ۱ ۴ ۴  
 ۵ ۸ ۵ ۲  
 ۵ ۱  
 ۵ ۸ ۰ ۱

۴ ۳ ۴ ۶  
 ۱ ۴ ۴  
 ۵ ۷ ۸ ۶  
 ۵ ۱  
 ۵ ۷ ۳ ۵

قاعدۀ طالب و مطلوب در محسّ خالی الجوف بدین قرار است مثلاً طالب فلان ابن فلان و

مطلوب فلان بنت فلان خانم عدد طالب با مادرش ۴۵۳ و عدد مطلوب با مادرش

۱۸۲۴ ایة محبت یحبونهم کحب الله والذین امنوا استجاب الله عنده ۱۴۹۳

و عدد جبرائیل ۲۴۷ و عدد لفظ جلب ۳۵ و اسماء الله عطفوف و دود حنان

جمع همه این هشت مرتبه عدد ۴۳۴ بعد این عدد در این طریق شیخ محی الدین در محسّ

خالی الوسط موفق ساختیم چنین شد و یا آیه

۱۰۵۶	۶۶۰	۱۲۲	۷۹۲	۱۷۱۶
۵۹۴	۱۳۱۶	۱۲۵۴	۱۵۸	۲۵۴
۹۹۰	۷۸۲	۲۳۴۱۷	۹۲۴	۱۶۵۰
۳۳۰	۳۹۶	۱۵۱۸	۱۶۴۰	۴۶۲
۱۳۷۶	۱۱۲۲	۱۴۵۲	۱۳۲	۲۶۴

بعد عدد مقیاصرا با عدد ادوار فلک جمع ۱۴۴

کریم و عدد مقیاصرا مع ادوار فلک و ۱۷۱۶

عدد ادوار کانه مع ادوار فلک و عدد سطر ۴۳۴۶

ایضا مع ادوار فلک و عدد مساحت رابع ۲۱۷۳۰

عدد جبرائیل و عدد ادوار فلک جمع کریم ۲۴۷

این شد ۲۳۴۱۷ و بعد عزایم بستیم

باین طریق

اقسمت علیکم ایها الملائكة الروحانيون الطاهرون الموكلون بالاجاد الانسانية واقسمت

عليك يا ايها ائيل بحق الحاكم عليك هفغجا ائيل واقسم عليكم بحق الحاكم عليكم اضغها ائيل واقسم عليكم

بحق الحاكم عليكم هلذغها ائيل واقسم عليكم ايها الملائكة الروحانيون بحق سيدكم والحاكم عليكم والا

وسشغجكا ائيل اجيبوا طابعين مسرعين وتوكلوا اجلب فلان وجل فلان واقسم عليك ايها القطب

باسماء الله والاياته والنبي صلى الله عليه واله في عطف سريعا مطيعا وانه لقسم لو تعلمون عظيم

مع

این صفت از صوفی نقل شده است و بیکباری تکرار شود والسلام



ب	س	م	ا	ل	ل	ه	ا	ل	س	ح	م
ن	ا	ل	س	ح	ي	م		ا	ل	ح	م
د	ل	ل	ه	س	ب	ا	ل	ع	ا	ل	م
ي	ن	ا	ل	س	ح	م	ن	ا	ل	س	ح
ي	م	م	ا	ل	ك	ي	و	م	ا	ل	د
ي	ن	ا	ي	ا	ك	ن	ع	ب	د	و	ا
ي	ا	ك	ن	س	ت	ع	ي	ن	ا	ه	د
ن	ا	ا	ل	ص	س	ا	ط	ا	ل	م	س
ت	ق	ي	م	ص	س	ا	ط	ا	ل	ذ	ي
ن	ا	ن	ع	م	ت	ع	ل	ي	ه	م	ع
ي	س	ا	ل	م	غ	ض	و	ب	ع	ل	ي
ه	م	و	ل	ا	ا	ل	ض	ا	ل	ي	ن
	ب	س	م	ا	ل	ه	س	ح	ن	ي	
	ا	ل	ح	م	د	ه	س	ب	ع	ي	ن
	ك	و	س	ت	ص	ط	ق	ذ	ع	ض	

ص	س	ا	ط	ع	ل	ي	ح	ق	ن	م	س	ك	ه	
د	ب	و	ت	ذ	غ	ض		ج	ز	ف	ش	ث	خ	ظ



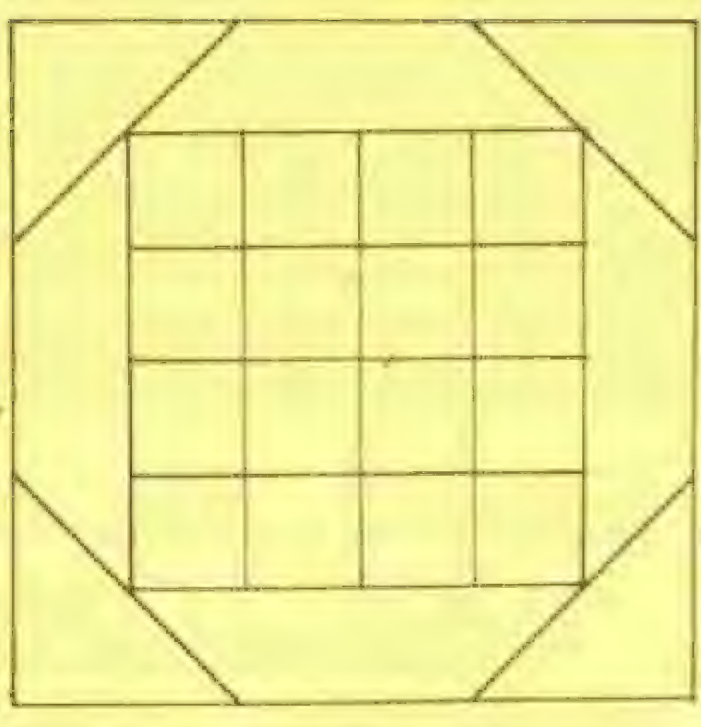
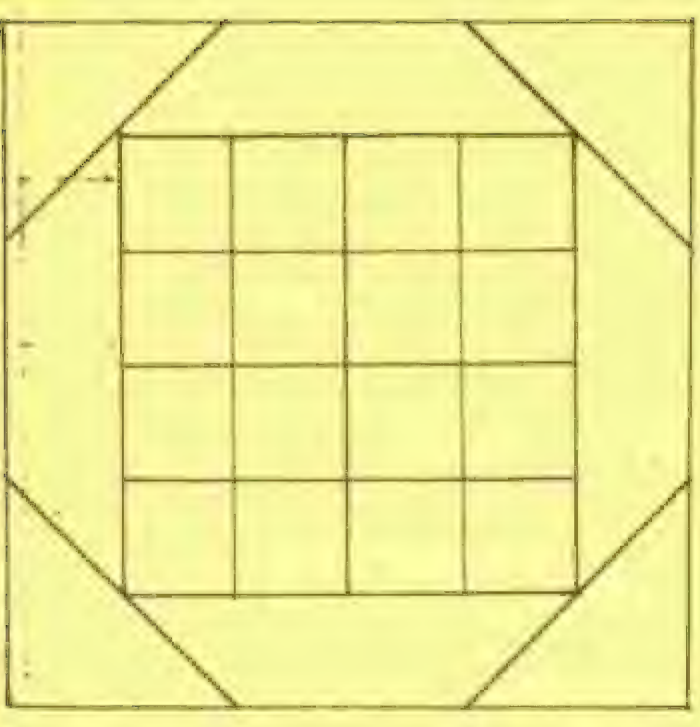
100

1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	27	28	29	30	31	32	33	34	35	36	37	38	39	40	41	42	43	44	45	46	47	48	49	50	51	52	53	54	55	56	57	58	59	60	61	62	63	64	65	66	67	68	69	70	71	72	73	74	75	76	77	78	79	80	81	82	83	84	85	86	87	88	89	90	91	92	93	94	95	96	97	98	99	100
---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----



الذات  
الذات  
الذات  
الذات  
الذات  
الذات  
الذات

تاريخ التأسيس  
الذات  
الذات  
الذات  
الذات  
الذات  
الذات

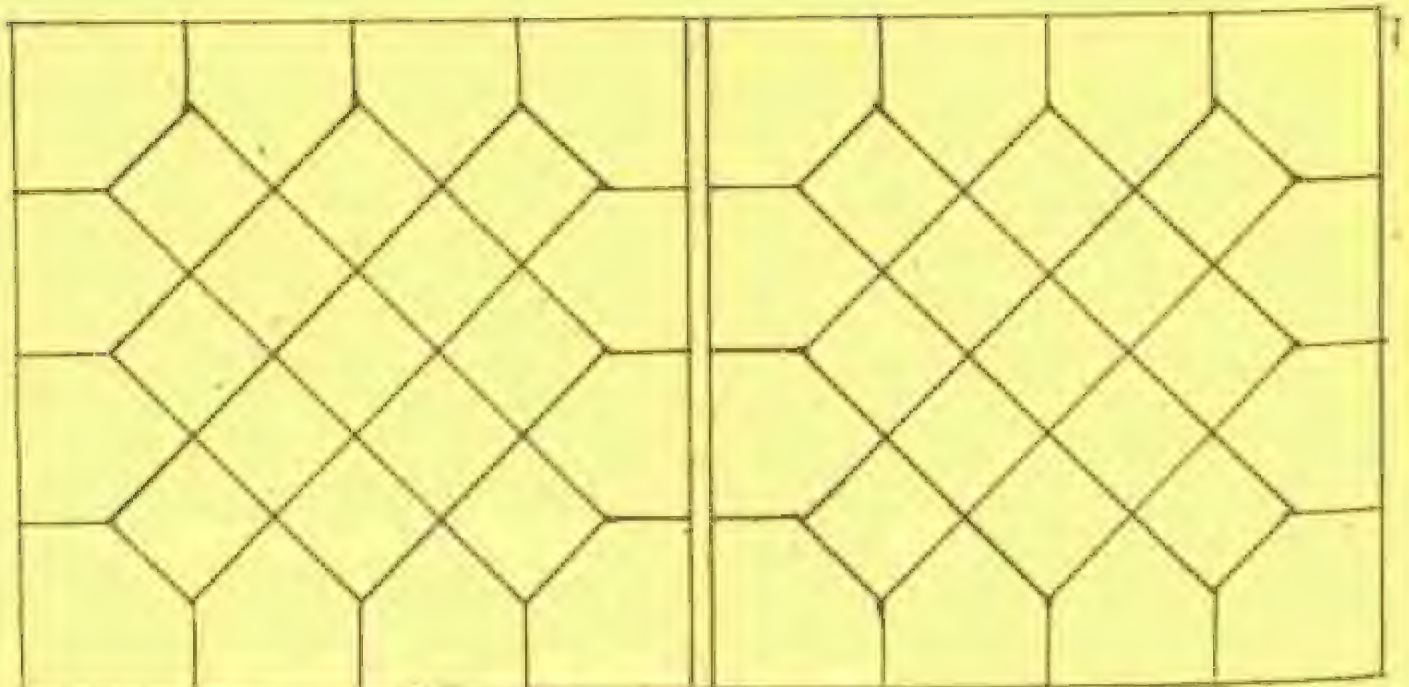




كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذَرُوهُ  
 الرِّيحُ ٥١٣٩ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ  
 هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ٣٤١١ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَا  
 ظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حِمٍ وَلَا لِلْمُؤْمِنِينَ آجُورٌ إِلَّا أَجْرُكَ ٤٧١٠ عَلِمْتَ لَوْ أَنَّ  
 مَا أُخْضِرْتَ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ ٣٣٣٧ ص  
 وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ٤٣٣٣

٥	١	٣	٩
٣	٤	٨	٨
٤	٧	١	٠
٣	٣	٣	٧
٤	٣	٤	٣
٢	١	٠	١٧

این پنج اید اول در سورة كهف و ثانی در سورة حشر و ثالث در سورة مؤمن  
 و رابع در سورة تكوین و خامس در اول سورة ص





در تجزیه اول عدد اسم طالب را در و دو ضرب نماید و حاصل آنرا گرفته و بـ  
 عدد اسم مطلوب بر آن گرفته در عدد لفظ مطیع ضرب نماید حاصل آنرا هم گرفته و بعد عدد دایه  
 وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُم مِّنْ نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَضَّلْنَا الْإِنسَانَ  
 لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ عددش اینست ۴۵۶۰ ایدر بر سور که انعام است عدد این  
 ایدر بر سر عددان بیفرایید و بعد از جمع عدد ۸۴۴۰ که کند باین معنی که عدد بر این  
 در ۱۹ ضرب کند و عدد بر ۲۱۴ را در ۱۵ ضرب کند حاصل این دو ضرب میشود ۴۰  
 باری این عدد را از جمع عدد نقصان کند و بعد بقیه آنرا مربع کرده در مربع درج کند  
 روز پنجمین هنگام طلوع آفتاب بساعت مشرقی بکاغذ زر در آرایش دو مرتبه ابتداء  
 کند و بر فاد میر باقر داماد علیه الرحمه دو خانه باضافه رک و دو خانه باضافه رک  
 و همچنین تا خانه شانزدهم تمام شود انگاه از اضلاع مربع مذکور عدد ثبت که  
 قبل از طرح بود باید بدون کسر و نقصان بیرون آید و اگر عدد قابل قسمت نباشد  
 و کسر باشد در خانه ۱۳ اضافه نمایند و اگر عدد نام طالب را در عدد لفظ مطا  
 و عدد نام مطلوب را در عدد لفظ مطیع ضرب کند و این لوح مزبور را علیحد بنویسد

$$\begin{array}{r} 2 \\ 5 \\ 4 \\ 1191 \\ \hline 41675 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 635 \\ 129 \\ \hline 5615 \\ 1270 \\ \hline 635 \\ 11915 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 91675 \\ 1440 \\ \hline 132235 \\ 42222 \\ \hline 20808 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 20808 \\ 132232 \\ \hline 132235 \end{array}$$

۸۱۱۴	۸۱۵۸	۸۱۶۲	۸۱۷۶
۸۱۸۰	۸۱۹۴	۸۲۰۸	۸۲۲۲
۸۲۳۶	۸۲۵۰	۸۲۶۴	۸۲۷۸
۸۲۹۲	۸۳۰۶	۸۳۲۰	۸۳۳۴

و با خود در خواص بسیار دارد مثلاً طالب عددش ۲۶۰  
 این عدد را در عدد دو در که ۲۰ است ضرب کردیم شد  
 ۵۲۰۰ و عدد مطلوب ۶۳۵  
 این را در عدد مطیع که ۱۲۹ است ضرب  
 کردیم شد ۸۱۹۱۵ بعد این دو عدد را

۴	۱۱	۱۴	۵
۱۳	۶	۳	۱۲
۷	۱۶	۹	۲
۱۰	۱	۸	۱۵

بعد دایه



باقی دایره که این است ۴۵۰ جمع کردیم شد ۹۱۶۷۵ بعد این ۱۴۴۰ عدد

$$\begin{array}{r} ۲۶۰ \\ ۱۴۴۰ \\ \hline ۱۶۰۰ \\ ۱۶۰۰ \\ \hline ۳۲۰۰ \\ ۱۱۷۶۷۵ \\ \hline ۱۱۷۹۹۵ \end{array}$$

از آن جمع کل نقصان کردیم الباقی ماند ۱۳۲۳۵ بعد این عدد را بچهار قسمت کردیم

بهر قسمتی رسید این ۲۰۱۰۱ و سه کسر ماند که در خانه ۱۳ افزودیم بعد

عدد درک که این است ۲۲۰ برای این عدد ۲۰۱۰۱ افزودیم در خانه اول و دوم

ایضا باضافه عدد درک گذاریم و خانه سیم و چهارم را باضافه عدد درک که این است ۲۸۴

$$\begin{array}{r} ۱۱۷۶۷۵ \\ ۸۴۴۰ \\ \hline ۱۰۹۲۳۵ \\ ۲۹ \\ \hline ۱۰۹۲۶۴ \end{array}$$

اکنون دریم بهین طریق دو خانه باضافه درک و دو خانه باضافه درک و دو خانه باضافه درک و دو خانه باضافه درک

بعد درک که این است بدون نقصان بیرون آمد ۹۱۶۷۵ لوح در صفحه پیمین است و التلا

$$\begin{array}{r} ۱۲۳۵ \\ ۳۲ \\ \hline ۱۲۶۷ \end{array}$$

و بعد ایضا عدد هین طالب را که این است ۲۶۰ در عدد مطاع که این است ۱۲۰

ضرب کردیم حاصلش این شد ۳۱۲۰۰ و عدد همان مطلوب بطریق سابق که ضرب شده است

$$\begin{array}{r} ۲۷۳۰۱ \\ ۱۰۹۲۳۵ \\ \hline ۱۰۹۲۳۵ \end{array}$$

و این است ۱۱۹۱۵ با عدد طالب و عدد دایره جمع کردیم این شد ۱۱۷۶۷۵ و بعد ایضا

$$۱۱۷۶۷۵$$

۸۷۵۱۴	۸۰۰۸۶	۸۰۷۷۵	۸۰۵۸۶
۸۰۵۵۵	۸۷۷۵۵	۸۷۷۵۵	۸۰۸۸۸
۸۹۰۸۰	۸۱۲۳۳	۸۹۵۴۴	۸۷۷۷۷
۸۹۷۷۷	۸۷۵۱۷	۸۹۲۲۲	۸۱۰۵۹

این بعد در از اوستها کردیم الباقی ماند ۱۰۹۲۳۵

بعد اینرا بچهار قسمت کردیم هر قسمتی شد ۲۷۳۰۱

سه کسر ماند که در خانه ۱۳ افزودیم و ایضا این

عدد در ۲۷۳۰۱ مثل اول باضافه عدد درک

در بیت اول و دریم گذاریم و بیت سیم و چهارم را

باضافه عدد درک بهین طریق تا لوح را تمام کردیم

که از همه طرف اقطار و اضلاعش درست و راست است و عدد درک که این است ۱۱۷۶۷۵

بدون عیب و نقصان موفق است حقیر سید محمد جبهه دار التماس دعا دارد



نفع اسم طالب و اسم مطلوب را علی حدّه عدد بگیرد و ایز از ایت های محبت عدد بگیرد و هر راجع نماید و ملا حظّه نماید در عدد جملتان کلّ با عدد مطلوب در طبیعت مخالفت نداشته باشد در عناصر انگاه بقاعده دو مربع نوشته بگیرد و از خود نگاهدارد و بگیرد از باد بپاویزد جلب قلب و محبت حاصل شود مثلاً طالب محمد باقر عددش ۳۹۵ و ایز محبت ان تمیلوا میندا عظیم عددش ۱۶۴۰ و مطلوب علی عددش ۱۱۰ بعد از اتمام مربع باید که ایز را بعد د اسم مطلوب بخواند چند روزی تا مطلوب حاصل آید و اقامه عدد طالب و مطلوب و ایز مجموع را باید که عناصر مشخص باشد بقسمت بروج قسمت نماید بهر برجی که بر سجد صفت ان برج را دارد

۳۹۵  
۱۶۴۰  
۲۱۴۵

۲۱۴۵				۲۱۴۵			
۵۷۶	۵۱۱	۵۲۳	۵۳۵	۵۷۶	۵۱۱	۵۲۳	۵۳۵
۵۱۹	۵۳۹	۵۷۲	۵۱۵	۵۱۹	۵۳۹	۵۷۲	۵۱۵
۵۴۳	۵۳۱	۵۰۳	۵۶۱	۵۴۳	۵۳۱	۵۰۳	۵۶۱
۵۰۷	۵۶۴	۵۴۷	۵۲۷	۵۰۷	۵۶۴	۵۴۷	۵۲۷

۳۴

۱۶	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴
۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷

منقول است از شیخ بهاء الدین علیه الرحمة و زینکه قمر در برج قوس باشد بنویس برقی  
 باین روش که در خانه اول مدّ عا را با اسم الشخص و در خانه چهارم عدد ایه الکری  
 و در خانه یازدهم عدد تمام سورّه اذا جاء نصر الله و الفتح را مع تمام بسم الله و در  
 خانه هشتم این ایز را رَبِّ اِنِّیْ مَغْلُوْبٌ فَانْصِرْ و بطریق ذوالکتابه لوح را موفّق  
 باید ساخت



باید ساخت و بعد از اتمام لوح را در کلاه نگاهدارد که البته مراد حاصل شود انشاء الله اما بعد  
از اتمام هر يك ايات را بعد در صغير تلاوت نماید که از جمله اسرار است و مجرب است بجهة

۲۱۶۲	۴۲۵۱۶	۱۴۱۰	
	۶۹۱۰	۳۲۰۳۴	
۳۱۸۶۸	۱۵۷۶	۱۹۹۶	۷۰۷۶
۱۷۴۲	۳۲۳۶۶	۶۵۷۸	۱۸۳۰
۶۷۴۴	۱۶۶۴	۱۹۰۸	۳۲۲۰۰

رفع ظلم و غلبه بر خصم تحریر شد و  
عد د ایتة الکرسی تا اخر اید است که  
فیه خالیدون باشد  
والسلام

و اگر خواهی که مطلوب را تسخیر کنی  
عد د اسم او را بیکر و بعد اسم او بخوان  
سوره فاتحه کتابه و بعد از آن  
هفت بار بگو اللهم سخر لی

فلان ابن فلان را و بعد از آن بعد د اسم او بگو یا عزیز عزتی فی قلب فلان  
ابن فلان پیشک مسخر کرد باذن الله تعالی

از مقاتل ابن سلیمان مرویست که هر که در شب جمعه بعد از نماز خفتن دو رکعت  
نماز حاجت بگذارد و بعد از آن هزار و یک مرتبه بگوید امنت بالله العلی  
العظیم و توکلت علی الحی القیوم و بعد از آن هر حاجت که بخواهد البته

حاجتش روا شود و اگر بر نیاید بر مقاتل لعنت کند والسلام  
اقسم بالله علیکم باقسام الجلال فتعزروا و فتجیروا و الله منکم اعظم  
واکبر و یا یاتیه یدرک و یقر احضروا



بجهت غالب شدن بر شخص دشمن و مغلوب ساختن او را اول عدد داسم خود و عدد اسم  
 مادر خود را بگیرد بعد عدد لفظ غالب و عدد ایه مناسب مطلب این چهار عدد در  
 جمع کند بعد عدد داسم کبیرا که میخواهد مغلوب کند با عدد اسم مادرش و عدد لفظ  
 مغلوب این سه عدد را هم جمع کند بعد این عدد را در یکدیگر ضرب کند و حاصلش را  
 بگیرد بعد عدد اول را که عدد اسمین و غالب و ایه باشد بر ۳۴ که صورت برفتا  
 مربع است ضرب کند و حاصل این ضرب ثانی را از حاصل ضرب اول نقصان کند و  
 باقی را بچهار قسمت نموده یک ربع آنرا با عدد اسمین اول و عدد غالب و عدد ایه در  
 خانه اول مربع گذارد و بقاعد ۴ و قاسر لوح را تمام نماید در هر خانه با ضافه ها  
 عدد که در خانه اول اضافه شده است بعد از اتمام مرتب بر طالب با خود نگاه دارد  
 و اگر در عدد کسر باشد و قابل قسمت نباشد در خانه ۵ یا ۹ یا ۱۳ اضافه نماید  
 مثلاً عدد اسمین طالب ۳۶۳ و عدد لفظ غالب ۱۰۳۳ و ایه مناسب مطلب  
 رَبِّ اِنِّیْ مَغْلُوْبٌ فَانْتَصِرْ عددش ۲۱۶۲ جمع این سه عدد ۳۵۵۸ مثلاً  
 عدد اسمین مطلوب ۱۸۹ و عدد لفظ مغلوب ۱۰۷۸ جمعش ۱۲۶۷ عددین را  
 با یکدیگر ضرب کردیم حاصلش این شد ۴۵۰۷۹۸۶ و عددین اول را در ۳۴  
 ضرب کردیم حاصلش این شد ۱۲۰۹۷۲ بعد این حاصل را از حاصل ضرب اول  
 نقصان کردیم الباقی ماند این ۴۳۸۷۰۱۴ بعد این عدد را بچهار قسمت کردیم  
 بهر قسمتی رسید این ۱۰۹۶۲۵۳ و ۲ کسر ماند باید در خانه نهم یکی اضافه  
 شود خلاصه این ربع عدد را با عددین اول که اینست ۳۵۵۸ جمع کردیم این شد



۱۱۰۰۳۱۱ بعد این عدد در قطر اول مربع گذاریم و بقرار نظم طبیعی و باضافه عددین  
 ۴۵۰۷۹۱۴

۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	کدامین باشد در هر خانه افزودیم
۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۳۵۵۸ و دو عدد کسر را
۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	یک عدد در هر خانه نه افزود
۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	و در آخر تمام کردیم بدین قرار
۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	والسلام
۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	و کما عقده اللسان عدد اسم طالب را
۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	برگرداند لفظ ناطق ضرب کند و
۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	عدد اسم مطلوب را بر عدد لفظ
۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	۱۱۰۰۳۱۱	صامت ضرب نماید بعد حاصل

ضربین را با عدد ۱۱۰۰۳۱۱ و تمت کلمه ربك صد قاء و عدد لا لا امبدل لکلماته و  
 هو السميع العليم عددش این است ۲۹۰۴ جمع نماید و عدد طالب را با عدد ناطق را  
 علیحدّه جمع نموده ۳۴ ضرب نماید و حاصل را از ضربین تفریق کرده و باقی را بر ۴ کسر فته و عدد  
 طالب و ناطق را بر سر رُبع اضافه کرده در خانه اول مربع بگذارد و در هر خانه باضافه عدد  
 طالب ناطق الی خانه آخر که لوح را تمام کند و طریق کسر که قبل مذکور شد بهمان قرار است و این  
 لوح را باید دو تا بنویسد یک را طالب در پیش خود نگاه دارد و یک را در میان قفل گذارد  
 و اید را بعد در مطلوب بخواند و بقفل دهد قفل کند در جایی گذارد مثلاً عدد اسم  
 طالب ایضاً ۳۴ و عدد لفظ ناطق ۱۴۰ و عدد مطلوب ۱۱۹ و عدد لفظ صامت  
 ۵۳۱



وعد دایره ۲۹۰۶ اول عدد دطالب را بر عدد ناطق ضرب کردیم حاصلش این شد ۵۸۱۰

بعد عدد مطلوب را بر عدد صامت ضرب نمودیم حاصلش این شد ۱۰۰۳۵۹ جمع عدد دطالب

ناطق و مطلوب صامت این شد ۱۵۸۴۳۹ بعد عدد دایره را باین عدد افزودیم این شد

۱۶۱۳۴۵ این جمع کل است بعد عدد دطالب ناطق را بر ۳۴ ضرب کردیم حاصلش این شد

۱۷۷۸۲ بعد این حاصل را از جمع کل تفریق کردیم الباقی ماند این ۱۴۳۵۶۳ بعد این

عدد را بچهار قسمت کردیم بهر قسمتی رسید این ۳۵۸۹۰ و سه کسر ماند در خانه پنج باید

۱۶۱۳۴۵

۸ ۵	۸ ۴ ۸	۸ ۱ ۱ ۸	۸ ۴ ۸
۸ ۱ ۶	۸ ۶ ۱ ۸	۸ ۵ ۵ ۸	۸ ۱ ۴ ۸
۸ ۲ ۵ ۶	۸ ۴ ۱ ۵ ۶	۸ ۰ ۵ ۶	۸ ۶ ۰ ۸
۸ ۱ ۱ ۸	۸ ۶ ۵ ۰	۸ ۶ ۶ ۸	۸ ۱ ۴ ۸

یکی اضافه شود بعد عدد دطالب و ناطق را باین ربع

عدد افزودیم شد این ۳۵۸۹۰ بعد این

عدد در در خانه اول مربع گذاشتیم و در هر خانه

باضافه عدد دطالب و ناطق که اینست ۵۲۳

لوحه را موقوف ساختیم که از هر طرف اقطار و اضلاع

عش صحیح است حقیر سید محمد جبهه دار طلب

مغفرت دارم کرد و التماس

فصل بدانکه اسم مبارک الباسط را در شرف قمر باین طریق باید که بنقشه نقش کنند و با

نکاه کنند و بعد از غاذهای فریضه اسم مبارک باسط را ۷۲ بار بخواند و این عروبت

بعد از آن باید خواند که تا اثار خیر بر او ضاع او مرتب شود اینست بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا بَاسِطُ أَنْتَ الَّذِي تَبْسُطُ الْأَرْوَاحَ فِي الْأَجْسَادِ وَأَنْتَ الَّذِي تَرُدُّ إِلَى دَارِ الْمَعَادِ

وَأَنْتَ الَّذِي تَخْرِجُ مِنْ فُؤَادِ الْقَلْبِ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ يَوْمِ الْمَعَادِ

أَسْأَلُكَ



۷۵

اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ الْجَامِعِ وَفَضْلِكَ الْاَمِعِ وَبِحَقِّ سَمْعِكَ الشَّامِعِ اَنْ تَرْزُقَنِي  
 الْاِطْلَاعَ عَلَى مَرَاتِبِ تَجَلِّيَاتِكَ فِي اِسْتِفَاعِكَ بِالْاَسْرَارِ الَّتِي دَخَرْتَهَا  
 فِي الْمَقَامِ الشَّهُورِ وَابْسُطْ قَلْبِي بِنُورِكَ فِي لَوْ لَآيَةِ الْكِبَرِيِّ وَآيِدِي فِي  
 يَهْفٍ بِحَقَائِقِ اَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَاجْعَلْنِي مَبْسُوطَةً اِلَى يَادِيهِ لِلاتِّفَاقِ  
 مُتَصَرِّقًا فِي خَزَائِنِ الْاَمْرِ زَاوِي

۷۲	۶	۴۱	۱۸
۷۲	۶	۴۱	۱۸
۷۲	۶	۴۱	۱۸
۷۲	۶	۴۱	۱۸

يَا مَن بِيَدِهِ حَكْمُ الْاِطْلَاقِ عِنْدَ  
 اَنْبِطَاطِ نُورِكَ يَا خَلَّاقِ يَا اَنزِلَ  
 حَمَّ الرَّاحِمِينَ اَيْنَ الْوَاحِدِ اسْتَكْ  
 بَايْدَ بَرْنَقِهِ نَقْشِ كَنْدِ وَالسَّلَامِ

بجهت تحبیب عدد اسم طالب را در و دود و عدد اسم مطلوب را در مطیع ضرب کند و حاصل  
 ضربین را با عدد ایتر و هو الذی انشا کم من نفس واحد فستقر و مستودع قد  
 فصلنا الایات لقوم یفقهون عددش اینست ۴۵۴ جمع نماید و بعد عدد  
 بدو ۱۴ ضرب نماید و عدد اجهزط را در ۱۵ ضرب نماید و حاصل این  
 ضربین را از حاصل ضربین اول نقصان نماید و باقی عدد را ربع کند و یکربعا باضافه  
 عدد بدو ۴ در بیت اول مربع نهاده و در بیت دومین باضافه عدد بدو ۴ در بیت  
 ششم و چهارم باضافه عدد اجهزط تا اینکه تمام لوح بدین قرار تمام شود و دو خانه با  
 بدو ۴ و دو خانه باضافه اجهزط الی آخر که خانه ۴ است و شرط است که برپاچه  
 هر برزخ در نقش نماید و بعد از اتمام لوح ۴۱ عدد در فلفل ظاهر یکرا یکبار بدو ۴ بگو



۷۸

پس باضافه قدری مشک مع لوح در میان شیشه گذارد و قدری روغن کنجد بر سرش بریزد  
 و سد و در رأس نماید و بگوئی آتش گذارد که قدری گرم بماند مثلاً عدد طالب ایضاً بطریق اول  
 ۳۶۳ و عدد مطلوب ۱۱۹ اول عدد طالب را در عدد دو درود کما اینست ۳ ضرب کردیم  
 حاصلش این شد ۷۲۰ بعد عدد مطلوب را در عدد لفظ مطیع کما اینست ۱۲۹  
 ضرب کردیم حاصلش این شد ۱۵۲۲۲ این دو حاصل را با عدد جامع کردیم این شد  
 ۲۷۰۴۲ کل عدد است و بعد عدد بدو و حرا در ۱۹ ضرب کردیم حاصلش اینست  
 ۳۱۰ و عدد را جهزط کما اینست ۲۵ در ۱۵ ضرب کردیم حاصلش اینست ۳۷۵  
 این دو حاصل را جمع کردیم این شد ۷۵۵ پس این حاصل ضربین را از جمع کل نقصان  
 کردیم الباقی ماند ۲۶۲۱۷ و این عدد را بر بعثرا کردیم شد این ۶۵۷۱ و سه  
 عدد کسر ماند و عدد بدو و حرا را بر این افزودیم شد ۶۵۹۱

۲۷۰۴۲

۶۷۵۱	۶۸۱۶	۶۸۸۴	۶۵۹۱
۶۸۶۴	۶۹۱۱	۶۷۲۶	۶۸۴۱
۶۹۳۴	۶۹۳۴	۶۷۷۱	۶۷۰۱
۶۷۹۱	۶۶۸۱	۶۶۶۱	۶۹۰۹

بعد این را در خانه اول مربع گذاشتیم و بطریق که قبل مذکور  
 شد دو خانه باضافه عدد بدو و حرا و دو خانه باضافه عدد  
 جهزط الی خانه اخر که خانه ۱۶ است و سه عدد کسر را  
 در خانه ۱۳ افزودیم و لوح را تمام کردیم بدین قرار  
 والسلام

$$\begin{array}{r}
 ۲۸۴ \\
 ۲۲۰ \\
 \hline
 ۰۶۴ \\
 ۱۵۶ \\
 ۱۲۰ \\
 \hline
 ۰۳۶
 \end{array}$$

طریق مربع ساقا را دیگر بجهت مثل ثبت میشود مثلاً س ك طالب و س قد مطلوب  
 عدد س ك ۲۲۰ و عدد س قد ۲۸۴ در حاشیه این دو عدد را سنجیدیم و  
 دیدیم که عدد طالب ۴ از عدد مطلوب کسر دارد در تحت ۴ عدد را آوردیم  
 ۱۵۶



۱۵	۱۰	۸	۱
۶	۳	۱۳	۱۲
۹	۱۶	۲	۷
۴	۵	۱۱	۱۴

۱۵ که با ۴ مطابق عدد طالب شد و طرح مرتباً ۴ و ۴ قرار دادیم زکاتش  
 میشود ۱۲۰ بعد این ۱۲۰ زکات را از آن ۱۵ نقصان کردیم الباقی ما  
 ۴ بعد این را بچهار قسمت کردیم هر قسمتی شد ۹ این را در خانه اول مربع و  
 در هر خانه باضافه ۴ الی سکه دور که تا خانه ۱۲ باشد ملاحظه کردیم عدد  
 خانه ۱۲ ۵۳ بود پس آن ۴ عکس طالب را با این ۵۳ جمع کردیم شد ۱۱۲ عکس کسر ۲  
 و بجهت ۱۲۰ زکات که در هر خانه باضافه ۴ است ۴ هم افزودیم شد ۱۲۱ و  
 این ۱۲۱ را در خانه ۱۳ گذاشتیم و هر خانه را باضافه ۴ الی خانه ۴ تمام کردیم  
 اینست واضلاع مربع از هر طرف وفق رک طالب را میدهد و از قطر و قطب رفتن مطلوب بد وفق

چنانچه طالب محمد و مطلوب علی است فرد فرد  
 و طالب محمد و مطلوب حسن زوج زوج و  
 ایضاً طالب محمد و مطلوب حسن فرد فرد و  
 طالب فیاض و مطلوب غفور بطرح ۴ و ۴  
 ۱۲۸۶ ۸۹۱

آن کس که در اول در خانه  
 نهم یکجا افزودیم بلا  
 نقصان است

میدهد و السلام				۱۲۰			
۹۲				۱۲۹	۴۵	۳۷	۹
۴۳	۲۰	۱۸	۱۱	۲۹	۱۷	۱۲۱	۵۳
۱۶	۱۳	۴۱	۲۲	۴۱	۱۳۳	۱۳	۳۳
۱۹	۴۴	۱۲	۱۷	۲۱	۲۵	۴۹	۱۲۵
۱۴	۱۵	۲۱	۴۲				
۹۲				۹۲			
۴۹	۱۸	۱۶	۹	۵۶	۲۰	۱۵	۱
۱۴	۱۱	۴۷	۲۰	۱۱	۵	۵۲	۲۴
۱۷	۵۰	۱۰	۱۵	۱۸	۵۸	۳	۱۳
۱۲	۱۳	۱۹	۴۸	۷	۹	۲۲	۵۴

۵۴۵	۱۳۰	۱۲۲	۹۴
۱۱۴	۱۰۲	۵۳۷	۱۳۸
۱۲۶	۵۴۹	۹۸	۱۱۸
۱۰۶	۱۱۰	۱۳۴	۵۴۱



در بیان کسر این قسم مربع که مربع طالب و مطلوب اسم دارد و کسر عدد یکست و دو است و نویسد  
 کسر یک را در پیت ۱۱ یکی و در پیت ۱۵ یکی اضافه کنند و کسر دو را در پیت ۹ یکی اضافه کنند  
 و کسر سه را در پیت ۹ یک و در پیت ۱۱ یک و در پیت ۱۵ یک اضافه کنند که از هر طرف  
 اقطار و اضلاعش درست آید و صحیح است والسلام

ایضا طریق مربع طالب و مطلوب مثلاً طالب غفور ۱۲۸۶ و مطلوب فیاض ۸۹۱  
 یا اینکه طالب فیاض و مطلوب غفور و یا اینکه علی طالب و محمد مطلوب یا اینکه  
 محمد طالب علی مطلوب و یا اینکه محمد طالب حسن مطلوب یا اینکه حسن  
 طالب و محمد مطلوب این شش قسم را ما شش مربع مینویسیم بجهت نقصان عدد  
 طالب از مطلوب و یا نقصان عدد مطلوب از طالب بر مبنای اسان باشد اول  
 طالب غفور عددش ۱۲۸۶ و مطلوب فیاض عددش ۸۹۱ عدد مطلوبش را کفریم  
 و ۵۰۰ ازاو نقصان کردیم الباقی ماند ۱۳۵ این را بچهار قسمت کردیم هر قسمتی شد  
 ۲۰۱ و سه کسر ماند و این عدد را در خانه اول مربع گذاشتیم و باضافه چهار خانه اول  
 اول مربع را نوشتیم بعد شروع از خانه ۱۳ کردیم و آن سه عدد کسر را یکی در خانه ۱۳  
 و یکی در خانه ۱۵ افزودیم این دو را هم تا خانه ۱۶ تمام کردیم با عدد مطلوب که فیاض  
 بعد عدد خانه اول که اینست ۲۰۱ با عدد خانه ۱۵ که این است جمع کردیم این شد ۴۴۲  
 این عدد را از عدد طالب که اینست ۱۲۸۶ نقصان کردیم الباقی ماند ۸۴۴ و بجهت  
 طرح مربع ۳۲ عدد هم از این نقصان کردیم باقی ماند ۸۱۲ بعد این عدد را  
 کردیم نصفش شد ۴۰۶ این را در خانه اول دو رقم گذاشتیم باضافه ۴ الی خانه ۱  
 بعد از خانه ۱۱

$$\begin{array}{r} ۸۹۱ \\ ۲۰۱ \overline{) ۸۹۱} \\ ۴۰۶ \\ \hline ۴۸۵ \end{array}$$

$$\begin{array}{r} ۲۰۱ \\ ۲۰۱ \overline{) ۲۰۱} \\ ۲۰۱ \\ \hline ۰ \end{array}$$

$$\begin{array}{r} ۱۲۸۶ \\ ۲۰۱ \overline{) ۱۲۸۶} \\ ۴۰۲ \\ \hline ۸۸۴ \\ ۳۲ \\ \hline ۸۱۲ \end{array}$$

$$\begin{array}{r} ۸۱۲ \\ ۴۰۶ \overline{) ۸۱۲} \\ ۸۱۲ \\ \hline ۰ \end{array}$$



بعد از خانه نهم شروع کردیم ایضا باضافه چهار و یکی از کسر باقی بود یکی را هم در خانه

۱۱ افزودیم و در خانه ۱۲ مرتباً تمام کردیم که از همه طرف وفق غفور طالب امید  
و از قطر و قطب وفق قیاض مطلوب را و بهین طریق است سایر این عدد مربع یا عدد

که بجوای ثبت کنی مثلاً طالب قیاض و مطلوب غفور از عدد مطلوب ۵ نقصان کردیم  
الباقی ۱۲۳۰ و این را بچهار قسمت کردیم هر قسمتی شد ۳۰۷ و ۲ کسر ماند و  
این ۳۰۷ را در خانه اول گذاشتیم باضافه ۴ تا آخر دور که خانه ۴ باشد پس آن دور

کسر را یکی در خانه ۱۳ که خانه اول دور دوم باشد افزودیم و دور ششالی خانه ۱۴  
تمام کردیم از عدد مطلوب و بعد عدد خانه اول ۳۰۷ و ۱۵ که اینست ۳۳۲ جمع

کردیم این شد ۳۹ عدد این را از عدد طالب که اینست ۱۹۱ نقصان کردیم الباقی ما  
۲۵۲ پس ۳۲ هم از این نقصان کردیم شد دویست و پست ۲۲۰ این را نصف  
کردیم شد ۱۱۰ و در خانه اول دور دوم که خانه ۵ است گذاشتیم و چون کسرند نصف

تا خانه ۱۲ تمام کردیم که از همه طرف طالب را وفق میدهد قطر و قطب مطلوب را این است

	۱۲۸۶				۱۹۱				۱۹۱				۱۲۸۶			
ذکر شد در انوری	۳۳۲	۱۳۰	۱۲۲	۳۰۷	۲۳۴	۴۲۶	۴۱۸	۲۰۸	۲۳۴	۴۲۶	۴۱۸	۲۰۸	۳۳۲	۱۳۰	۱۲۲	۳۰۷
صفحه ثبت میشود	۱۱۴	۳۱۵	۳۲۴	۱۳۸	۴۱۰	۲۱۶	۲۲۵	۴۳۵	۴۱۰	۲۱۶	۲۲۵	۴۳۵	۱۱۴	۳۱۵	۳۲۴	۱۳۸
بهین طریق بدو	۱۲۶	۳۳۶	۳۱۱	۱۱۸	۴۲۲	۲۳۸	۲۱۲	۴۱۴	۴۲۲	۲۳۸	۲۱۲	۴۱۴	۱۲۶	۳۳۶	۳۱۱	۱۱۸
کم و زیاد است																
والسلام	۳۱۹	۱۱۰	۱۳۴	۳۲۸	۲۲۰	۴۰۶	۴۳۱	۲۲۹	۲۲۰	۴۰۶	۴۳۱	۲۲۹	۳۱۹	۱۱۰	۱۳۴	۳۲۸







نقصان کند و تتمه را بگذارد در خانه ۵ و ایضا در خانه دوم نظر کند و ببیند که عدد حروف چه قدر است ۹ عدد از او نقصان کند و باقی را بگذارد در خانه ۶ و در خانه سه نظر کند که عدد حروف آن چه قدر است ۹ عدد از او نقصان کند و بگذارد در خانه ۷ و ایضا ملاحظه عدد حروف خانه چهارم را کند و ۹ عدد از او نقصان کند و بگذارد در خانه ۸ پس این دور که تمام شد دور سیّم ایضا از سر بگیرد باز هم نظر بخانه اول کند ۶ عدد از عدد خانه اول نقصان کرده و تتمه را بگذارد در خانه ۹ و ایضا از عدد خانه دوم ۶ عدد نقصان کند و بگذارد در خانه ۱۰ ایضا از عدد خانه سیّم ۶ عدد نقصان کرده و بگذارد در خانه ۱۱ ایضا از عدد خانه چهارم ۶ عدد نقصان کرده و بگذارد در خانه ۱۲ بعد این دور هم که تمام شد دور چهارم ایضا از سر گیرد باز نظر بخانه اول کند عدد حروف که فهمید ۱۵ عدد اضافه کند و بگذارد در خانه ۱۳ و ایضا بعد در خانه دوم ۱۵ عدد اضافه کند و بگذارد در خانه ۱۴ و ایضا بعد در خانه سیّم ۱۵ عدد اضافه کند و بگذارد در خانه ۱۵ و ایضا بعد در خانه چهارم ۱۵ عدد اضافه کند و بگذارد در خانه ۱۶ چنانچه در این سه مرتب باین اسماء مبارک مثالش را آوریم والسلام

۳۲۱				۶۴۳				۴۰۳			
۱۲۵	۱۵۰	۳۳	احد ۱۳	۱۶۶	۱۰۲	۱۲۵	صراط ۳۰۰	۱۲۶	۱۰۴	۱۰۷	الله ۶۶
۲۸	ح ۱۸	۱۴۷	۱۲۸	۳۱۵	علی ۱۱۰	۹۹	۱۶۹	۸۱	محمد ۹۲	۱۰۱	۱۲۹
قیوم ۱۵۶	۱۴۹	۷	۹	حق ۱۰۸	۱۹۰	۲۹۴	۱۰۱	علی ۱۱۰	۱۵۰	۶۰	۸۳
۱۲	۴	صد ۱۳۴	۱۷۱	۱۰۴	۲۹۱	نیکه ۱۷۵	۱۲۳	۸۶	۵۷	فاطمه ۱۳۵	۱۲۵



ایضا در بیان مربع طالب و مطلوب که فیاض و غفور باشد نوع دیگر اول طالب فیاض

$$\begin{array}{r} ۸۹۱ \\ ۱۷۸۲ \\ ۱۲۸۶ \\ \hline ۰۴۹۶ \\ ۱۲۰ \\ \hline ۳۷۶ \end{array}$$

۸۹۱ و مطلوب غفور عددش ۱۲۸۶ اول عدد فیاض را تضعیف کردیم این شد

۱۷۸۲ بعد عدد مطلوب را از او نقصان کردیم الباقی ماند ۴۹۶ و بعد

چون باضافه ۴ و ۴ در هر خانه می نویسیم از این عدد ۱۲۰ زکات را کردیم

$$\begin{array}{r} ۳۷۶ \\ ۹۴ \\ \hline ۲۸۲ \\ ۱۲۰ \\ \hline ۱۶۲ \end{array}$$

الباقی ماند ۳۷۶ پس این عدد را بچهار قسمت کردیم بدون کسر و نقصان

بهر قسمتی رسید ۹۴ این را در خانه اول مربع گذاشتیم و در هر خانه باضافه

$$\begin{array}{r} ۱۲۸۶ \\ ۸۹۱ \\ \hline ۳۹۵ \end{array}$$

۴ سه در و مربع را نوشتیم که الی خانه ۱۲ باشد بعد عدد طالب را با عدد مطلوب

سنجیدیم دیدیم که این ۳۹۵ عدد را طالب کسر دارد پس این عدد را با عدد خان

۱۲ که اینست ۱۳۸ جمع کردیم و بجهت طرح مربع که در هر خانه ۴ است ۴ هم

$$\begin{array}{r} ۱۲۸۶ \\ ۲۵۷۲ \\ ۱۹۱ \\ \hline ۱۶۸۱ \\ ۱۲۰ \\ \hline ۱۵۶۱ \end{array}$$

افزودیم این شد ۵۳۷ و در هر خانه باضافه ۴ دورا اخر را هم تمام کردیم یعنی

این ۵۳۷ عدد را در خانه ۱۳ گذاشتیم و باضافه ۴ الی خانه ۱۴ و حرا تمام کردیم

و بعد مثلاً طالب غفور و مطلوب فیاض اول عدد طالب را تضعیف کردیم

$$\begin{array}{r} ۱۵۶۱ \\ ۳۹۰ \\ \hline ۱۲۷۱ \\ ۱۲۰ \\ \hline ۱۱۵۱ \end{array}$$

این شد ۲۵۷۲ بعد عدد مطلوب را از این نقصان کردیم الباقی ۸۱۱

بعد ۱۲۰ زکات را هم نقصان کردیم الباقی ۱۵۶۱ بعد این را ربع کردیم شد

$$\begin{array}{r} ۳۹۱ \\ ۴۰۴ \\ \hline ۱۹۱ \\ ۸۰ \\ \hline ۸۷ \\ ۴۳ \\ \hline ۴۳ \end{array}$$

۳۹۰ و یکی کسر ماند که باید در خانه ۱۱ یکی اضافه شود و این ۳۹۰ را در خانه

اول مربع گذاشتیم و باضافه ۴ الی خانه ۱۲ را تمام کردیم و یکی کسر را در خانه ۱۱ افزودیم

بعد عدد خانه سه را که اینست ۳۹۸ با عدد خانه پنجم که این است ۴۰۶ جمع

کردیم شد ۸۰۴ این را از عدد مطلوب که اینست ۸۹۱ نقصان کردیم باقی ۸۷



این را تصحیف کردیم شد ۳۴۳ گذاشتیم در خانه ۱۳ و باضافه ۴ در ۱۴ و کسر  
در خانه ۱۵ افزودیم و در ۱۶ تمام کردیم لوح را بقسمی که از همه طرف این الواح طالب را

و فوق میدهند و از قطر و قطب عدد مطلوب را و فوق میدهند بدون نقصان

و دیگر مثلاً عدد طالب ۳۴۳ و عدد مطلوب ۱۸۹ بهمان دستور العمل است اول

عدد طالب را تصحیف کردیم این شد ۷۲۶ بعد عدد مطلوب را از این نقصان

کسریم باقی ماند این ۵۳۷ ملاحظه کردیم که اگر زکات این را ۱۲۰ نقصان کنیم

و باضافه ۴ در هر خانه تا خانه ۱۲ در دو دور اخر عددی نماند از برای دور مطلق

باین جهت ۳۶۰ زکات در سرفتیر و در هر خانه باضافه ۱۲ نوشتیم و ۳۶۰ را

که از این عدد ۵۳۷ نقصان کردیم باقی ماند این ۱۷۸ این را بچهار قسمت کردیم

بهر قسمتی رسید ۴۴ و یکی کسر ماند و باقی را بهمان طریق اول لوح را تمام کردیم

و صورت الواح اینست والسلام

۱۸۹	۳۶۳			۱۹۱	۱۲۸۶			۱۲۸۶	۱۹۱				
۳۹	۱۵۲	۱۲۸	۴۴		۵۲	۴۲۶	۴۱۸	۳۹۰		۵۴۵	۱۳۰	۱۲۲	۹۴
۱۰۴	۶۸	۱۴	۱۷۷		۴۱۰	۳۹۸	۴۳	۴۳۵		۱۱۴	۱۰۲	۵۳۷	۱۳۸
۱۴۰	۵۱	۵۶	۱۱۶		۴۲۲	۵۶	۳۹۴	۴۱۴		۱۲۶	۵۴۹	۹۸	۱۱۸
۸۰	۹۲	۱۶۵	۲۶		۴۰۲	۴۰۶	۴۳۱	۴۷		۱۰۶	۱۱۰	۱۳۴	۵۴۱

ایضاً طریق مربع طالب و مطلوب مع رَک سَرَفِدِ بدین قرار است اول باید

عدد اسم طالب را در عدد لفظ مطاع ۱۲۰ یا عدد و دود ۴ یا عدد



$$\begin{array}{r} 214 \\ 15 \\ \hline 1420 \\ 214 \\ \hline 4260 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 220 \\ 1910 \\ \hline 22 \\ 4180 \\ 4260 \\ \hline 1440 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 214 \\ 220 \\ \hline 64 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 220 \\ 214 \\ \hline 504 \\ 1008 \end{array}$$

لفظ دایم ۴ بیکی از این اسماء مبارکه ضرب نماید و حاصل آن ضرب را

اخذ کند و تضعیف نماید چنانچه در جاشیه مرقوم است بعد عدد اسم مطلوب را

بر عدد لفظ طبع ۱۲۹ ضرب نماید و حاصل این ضرب را از تضعیف طالب

نقصان کند و بعد عدد درك را بر ۱۹ و عدد سرفد را بر ۱۵ ضرب نماید و

و حاصل ضربش که این است ۱۴۴۰ از تنمۀ عدد طالب ایضا نقصان نماید

و بعد اضافه عدد سرفد از درك شصت و چهار است این ۴۰ را هم ایضا از تنمۀ عدد طالب

نقصان نموده الباقی را چهار قسمت کند و يك قسمت را باضافۀ عدد درك ۲۳۰ در خانه اول

مربع گذارد و عدد سرفد را ۲۸۴ اضافه عدد در خانه اول نموده در خانه ثانی گذارد و باز

عدد درك را اضافه عدد در خانه ثانی نموده در خانه ثالث گذارد و باز عدد سرفد را اضافه عدد

خانه ثالث نموده در خانه رابع گذارد و همچنین يك خانه باضافۀ درك و يك خانه باضافۀ

عدد سرفد تا خانه ۱۲ تمام شود بعد عدد در خانه سده و عدد در خانه ۵ را جمع کند این جمع را از

جمع عدد مطلوب نقصان کند و ایضا ۴۰ هم از باقی عدد مطلوب نقصان کند و تنمۀ نصف

است کند و نصف بگذارد بخانه ۱۳ و ایضا باضافۀ سرفد در ۱۴ و ببارك در ۱۵ و ببارك در ۱۶ تمام

$$\begin{array}{r} 363 \\ 44 \\ \hline 2178 \\ 1452 \\ \hline 16698 \\ 23396 \\ 24311 \\ \hline 9015 \\ 8440 \\ \hline 575 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 189 \\ 129 \\ \hline 1701 \\ 378 \\ \hline 189 \\ 24311 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 575 \\ 64 \\ \hline 511 \\ 44 \\ \hline 11 \\ 31 \\ \hline 3 \end{array}$$

کسی

$$\begin{array}{r} 24381 \\ 2206 \\ \hline 22175 \\ 64 \\ \hline 22111 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 851 \\ 1355 \\ \hline 2206 \end{array}$$

۲۴۳۸۱	۴۳۵۶۰	۱۵۲۲۲	۱۹۹۲۰	۲۴۳۸۱	۱۶۶۹۸						
۲۰۵۹	۱۷/۱۹۷	۱۵/۱۱۰	۶/۱۲۸	۳۰۷۹	۶۵۴۹	۶۰۴۴	۴۲۴۸	۱۱۵۶۰	۲۶۴۸	۲۱۴۲	۳۴۷
۱۳/۵۴	۱۰/۱۴۰	۱۰/۴۲	۱۹/۲۱۸	۵۵۴۰	۴۷۵۲	۲۵۷۵	۷۰۵۳	۱۶۳۹	۸۵۱	۱۱۰۵۵	۳۱۵۳
۱۴/۱۹	۴۰/۵۷	۹/۱۳۲	۱۴/۱۷۲	۶۲۶۵	۳۲۶۳	۴۵۳۲	۵۷۶۰	۲۳۶۴	۱۱۸۴۴	۶۳۱	۱۸۵۹
۱۱/۱۴۱	۱۲/۱۵۷	۱۸/۲۰۷	۲۰/۵۰	۵۰۳۶	۵۲۵۶	۶۷۶۹	۲۱۵۹	۱۱۳۵	۱۳۵۵	۲۱۶۹	۱۱۳۳۹

$$\begin{array}{r} 22111 \\ 11055 \\ \hline 11055 \end{array}$$

کسی

بر این سقار است



۱۰۱۴۰ ۱۲۱۵۶ ۲۲۲۹۶	۱۴۴۰ ۴ ۳۳۷۶۰	۴۷۵۲ ۵۲۵۶ ۱۰۰۰۸	۲۴۶۱۸ ۱۴۴۰ ۱۶۱۷۸ ۶۴ ۱۶۱۱۴	۱۲۹ ۱۱۸ ۱۰۳۲ ۱۲۹ ۱۵۲۲۲ ۱۰۰۰۸ ۰۵۲۱۴ ۶۴ ۵۱۵۰	۱۶۶ ۱۲۰ ۳۳۲ ۱۶۶ ۱۹۹۲۰ ۲ ۳۹۸۴۰ ۱۵۲۲۲ ۲۴۶۱۸
-------------------------	--------------------	-----------------------	---------------------------------------	--	---

براین رقم را است که ۲ مرتب اول نوشته شده است و مربع ثالث را در هر خانه با ضافه ۲  
 يك و ۲ رفت که ۱۰۰۸ عدد باشد افزودیم و اگر طرح این را مثل آن ۲ مرتب میگردیم  
 از برای مطلوب عددی باقی نماند و چون تضعیف همه خانه ها یک قسمت بعد از آن  
 عدد خانه شد و ۵ را که از عدد مطلوب نقصان کردیم نیمه را نصف کن بدون آنکه  
 ۴ نقصان کنی که درست آید و از هر طرف وفق عدد طالب را میدهد و از قطر و قطب  
 وفق عدد مطلوب را میدهد و قاعده کسر همان قسمت است که در اول مطلب این فقره ثبت  
 شده است والسلام

۳۶۳
۷۲۶
۳۶۳
۴۳۵۶۰
۲
۸۷۱۲۰
۲۴۳۸۱
۶۲۷۳۹
۳۳۷۶۰
۲۸۹۷۹
۵۱۲
۲۸۴۶۷
۷۱۱۶
۱۰۰۰۸
۸۱۲۴

ایضا در این سه لوح عدد طالب این است ۳۶۳ بزرگ ضرب کردیم و عدد مطلوب در  
 دو لوح این است ۱۸۹ و در لوح ثالث این است ۴۰۰ عدد مطلوب را ببرد ضرب کردیم  
 و لوح اول و ثالث را يك خانه با ضافه يك و يك خانه با ضافه رفت الی آخر تمام کردیم و لوح  
 اوسط را در هر خانه با ضافه يك رفت که این است ۵۰۴ تمام کردیم و باقی عمل مثل  
 الواحی که قبل ثبت شده است تمام کردیم که از هر طرف عدد طالب را وفق میدهد و از قطر  
 و قطب عدد مطلوب را موقوف است که حاشیه جان بود که عدد را بنمایم والسلام

۲۴۳۸۱
۲۲۲۹۶
۰۲۰۸۵
۱۰۴۲

۱۱۳۶۰۰	۷۹۸۶۰	۵۳۶۷۶	۷۹۸۶۰	۵۳۶۷۶	۷۹۸۶۰
۴۶۱۹۲	۱۱۹۲۴	۱۱۴۲۰	۹۶۲۰	۲۶۲۰	۲۶۲۰
۱۰۹۱۴	۱۰۱۲۱	۴۶۳۷۸	۲۶۲۰	۲۶۲۰	۲۶۲۰
۱۱۴۲۰	۹۶۲۰	۱۱۱۳۰	۲۶۲۰	۲۶۲۰	۲۶۲۰
۱۰۴۲۰	۱۰۴۲۰	۱۲۱۴۲	۲۶۲۰	۲۶۲۰	۲۶۲۰



۶۵					۶۵					۶۰					۶۰					۶۰				
۱۶	۱۰	۱	۱۲	۲۶	۲۰	۱۷	۲۲	۲	۴	۸	۲۰	۱۲	۴	۱۶	۱۶	۴	۱۲	۲۰	۸	۲۳	۲	۶	۱۰	۱۹
۹	۲۱	۱۹	۱۳	۳	۵	۶	۲۳	۲۴	۷	۲	۱۹	۶	۲۳	۱۰	۱۰	۲۳	۶	۱۹	۲	۵	۱۴	۱۸	۲۲	۱
۱۵	۱۱		۱۴	۲۵	۱۵	۱۱		۱۴	۲۵	۲۱	۱۳		۱۷	۹	۹	۱۷		۱۳	۲۱	۱۷	۲۱		۹	۱۳
۵	۶	۲۳	۲۴	۷	۹	۲۱	۱۹	۱۳	۳	۱۵	۷	۲۴	۱۱	۳	۳	۱۱	۲۴	۷	۱۵	۴	۸	۱۲	۱۶	۲۰
۲۰	۱۷	۲۲	۲	۴	۱۶	۱۰	۱	۱۲	۲۶	۱۴	۱	۱۸	۵	۲۲	۲۲	۵	۱۸	۱	۱۴	۱۱	۱۵	۲۴	۳	۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طریق علم و عمل و نوشتن مختصر خالی لوسط از برای وجدان حرمت  
و جاه و غیره از تسخیر قلوب ملوک و أمراء و مهابت نزد خلائق باید عدد اسم طالب را  
و عدد آنچه منظور است مثل وجدان حرمت یا آنچه از آیات یا از اسماء عظامه  
که مناسبت مدعی را داشته باشد و مناسب مدعی است مثل یا عظیم ذو الشان  
الفاخر و ذو العز و المجد و الکبر یا فلا یدل عوده ۵۳۴۰ عدد گرفته  
بعد هر شصت عدد در یک حساب کرده و در خانه اول نویسد و در خانه دوم اضافه  
عدد خانه اول الی آخر الخمس و اگر چنانچه کمتر از شصت بماند چهار قسمت باید کرد  
و یک قسمت افراد در خانه ۵ باید اضافه نماید و اگر در تریج کسر باشد در خانه بیستم  
اضافه باید کرد که درست و راست آید مثل مختص علیم که موافق قاعده اهل مشرقه است  
علیم ۱۵۰ بشت قسمت کردیم دو شصت شد الباقی ۳۰ بچهار قسمت کردیم شد ۷ و  
دو کسر ماند که در خانه ۲۰ افزودیم بدین صورت و این ۵۳۴۰ عدد کسر ندارد و در لوح  
نوشتیم یکی بهین روش مشرقه و دیگری بطریق شیخ محی الدین بدین صورت است  
والسلام

۶۰				
۱۱	۱۵	۲۴	۳	۷
۴	۸	۱۲	۱۶	۲۰
۱۷	۲۱		۹	۱۳
۵	۱۴	۱۸	۲۲	۱
۲۳	۲	۶	۱۰	۱۹
۶۰				
۷	۳	۲۴	۱۵	۱۱
۲۰	۱۶	۱۲	۸	۴
۱۳	۹		۲۱	۱۷
۱	۲۲	۱۸	۱۴	۵
۱۹	۱۰	۶	۲۳	
۶۰				
۱۱	۴	۱۷	۵	۲۳
۱۵	۸	۲۱	۱۴	۲
۲۴	۱۲		۱۸	۶
۳	۱۶	۹	۲۲	۱۰
۷	۲۰	۱۳	۱	۱۹
۶۰				
۲۳	۵	۱۷	۴	۱۱
۲	۱۴	۲۱	۸	۱۵
۶	۱۸		۱۲	۲۴
۱۰	۲۲	۹	۱۶	۳
۱۹	۱	۱۳	۲۰	۷

۵۳۴۰      ۵۳۴۰      ۱۵۰

۱۳۱۲	۸۲۰	۹۲	۹۱۴	۲۱۳۲	۲۰۴۷	۴۴۵	۱۵۱۳	۳۵۶	۹۷۹	۵۵	۱۷	۴۱	۸	۲۹
۷۳۸	۱۷۲۲	۱۵۵۸	۱۰۶۶	۲۵۶	۱۲۸	۱۲۴۶	۱۸۶۹	۷۱۲	۱۳۳۵	۴	۳۵	۵۱	۲۳	۳۷
۱۲۳۰	۹۱۲		۱۱۴۸	۲۰۵۰	۵۳۴	۱۶۰۲		۱۰۶۸	۲۱۳۶	۱۹	۴۳	علیم	۳۱	۵۷
۴۱۰	۴۹۲	۱۸۸۶	۱۹۷۸	۵۷۴	۸۹۰	۱۹۵۸	۸۰۱	۱۴۲۴	۲۶۷	۲۷	۵۳	۲۵	۳۹	۶
۱۶۵۰	۱۳۹۴	۱۸۰۴	۱۶۴	۳۲۸	۱۶۹۱	۸۹	۱۱۵۷	۱۷۸۰	۶۲۳	۴۵	۲	۳۳	۴۹	۲۱

ببطریق مختصر



ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	۱۱۳۵
ب	و	ی	ن	ص	ت	ض	۱۳۵۸
ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	۱۵۹۰
د	ح	ل	ع	ر	خ	ع	۱۹۱۲
							۵۹۹۵

باین طریق محسّس خالی الوسط بجهت مطالب باید اول ایه یا اسمی از اسماء الحسنی که مناسب حاجت باشد پیدا کند و عدد شرّاء در محسّس بپر کند بعد ها همان عدد را با عدد اسم جلاله و عدد اسم ملک مناسب در مطلب مثلاً جبرائیل برای قضای حاجت و محبت و قبول است و میکائیل از برای رزق و اسرافیل از برای تخریب و عزرائیل از برای قبض است الحاصل اگر عمل خیر است باید عدد نام خود را بگیرد و بر سر آن عدد ها اضافه نماید و اگر خدا بخواید عمل شرّ باشد نام خود را نمیخواهد باید عدد اسم مطلوب را اضافه نماید و عدد حاجت و عدد طبع غالب مثلاً در حرف حاجت اگر حروف نامی غالب شد عدد را هضم فشد با اضافه عدد کند و اگر بادی غالب شد بوی منقضض و اگر ای غالب شد جز کسقتض و اگر خاکی غالب شد دحلر خغ خلاصه همه اعداد را در خانه وسط گذارد و بخورات لایقه بسوزاند و بعد از اتمام عمل دو رکعت نماز حاجت گذارد اگر انشاء الله عمل در خیر است بعد از حمد سورۀ فتح یا الم نشرح یا نصر را بخواند و اگر عمل در شرّ است سورۀ فیل یا اذا زلزل را بخواند و بعد از اتمام شدن ایه یا اسمی که برگزیده است بعد و فوق بخواند اگر ایه باشد فیها و اگر از اسماء باشد بلفظ ندا بگوید و اگر اسماء متعدّد باشد لفظ جلاله را مقدّم سازد و در چین خواندن بعد از هر صد مرتبه با کمال خضوع حاجتش را مسئلت نماید و یا ایه را و در خود سازد و فوق را بعمل غالب برساند و اگر تواند چنان کند که عدد حروف حاجت نامی نباشد و اگر در شب متوجّه عمل باشد بهتر است و عمل را مخفی نماید عدد اسم جلاله و عدد اسم ملک مناسب و عدد حروف حاجت و عدد طبع غالب بر حاجت و عدد اسم طالب در خیر یا مطلوب در شرّ اینها در خانه وسط عدد شرّ نوشته شود و السّلام

۸۹



# حکمت دفع پریشانی

باب در خواص مشع خالی الوسط از برای منصب و رفعت و دولت و مکر و بودن نزد  
پادشاهان و حکامان و غیره و دفع دشمنان با خود دارد و هر چه بخمال اید از این لوح  
مبارک میسر شود و باید که در وقت مباشرت دو رکعت نماز حاجت بکنار سد و در هر رکعت  
اول بعد از حمد سوره *و الضحی* را بخواند و در هر رکعت دوم بعد از حمد سوره *یا قیوم*  
سوره *الم نشرح* را بخواند و بعد از فارغ شدن از نماز صد بار *یا حی یا قیوم*  
*یا ذا الجلال و الاکرام* بگوید و از برای بزرگان بر لوح زر نقش کنند و در ایام خود  
دارند تا چه قدر که زنده است تغییر و تبدیل ندارد و المجرّب بجهت یادگار تحریک  
شد و السلام

فضل در حدیث از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است بجهت دفع پریشانی  
چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را سه روز و در چون چاشت روز جمعه شد زیارت بکن حضرت  
رسول صلی الله علیه و اله را در بام بلند یا در بیابانی که نورانی بینند و بعد دو رکعت نماز  
حاجت بکنار پس بد و زانو در ای و زانوهای خود را بخاک برسان روی بقبله و دست  
راست خود را بر بالای دست چپ بگذارد و بگوید *اللهم انت انت انت انقطع الرجائی*  
*الا منک و خابت الامل الا فیک یا ثقة من لا یثقه لی غیرک اجعل لی من امری*  
*فرجا و مخرجا و امری من حیث اخصب و من حیث لا اخصب* پس در ترویج  
زمین بسجده برو و بگوید *یا مغيث اجعل لی رزقا من فضلك* اگر چنین کنی طالع نمیشود  
بر تو روز شنبه مکر با سه روزی ناز و السلام

بجهت برآوردن حاجت صد بار صلوات بفرستد و بعد از آن ۱۱۹۹ بار این را بخواند  
سهلا



سَهْلًا بِفَضْلِكَ يَا عَزِيزَ اللَّهِ مقصودش برآورده شود مجرب است

ایضا از برای قضای حاجت از شهر بیرون رفته تا بجائی که از آبادی دور باشد چهار  
خط بطریق مربع بکشد و یک خط دیگر در میان آن بکشد و آن خط را بقبر مبارک  
حضرت رسول صلی الله علیه و آله تصور کرده و پشت بقبله متوجه آن قبر بنشیند  
و نظر در آن قبر داند و چهار هزار بار بگوید صلی الله علیه و آله یا رسول الله  
هفتاد و دویم هم بهمین طریق و روز سیصد و شصت هزار بار بخواند و باید از اول هر یک هزار


را بجهت یک امام بخواند تا یازده امام و هزار  
دو بکر را با امام محمد مهدی صاحب الزمان  
عجل الله فرجه تعلق دارد نگاهدارد مطلب

که رسا شد بعد بخواند و شکی نیست که در ستر و زرا خواهد شد انشاء الله که احتیاج  
بکرو نباشد والسلام

طریق ختم سورۃ مبارکه اخلاص هر کرا مهمتی پیش آید و خواهد که زود تر و بسرعت مهتمش  
کفایت شود اول هفت مرتبه سورۃ فاتحه الکتاب را مع بسمه بخواند و صد مرتبه صلوات  
بفرستد و هفتاد و نوبت سورۃ الم نشرح لك صدرك را مع بسمه بخواند و بعد يك هزار  
و دو نوبت سورۃ اخلاص را بخواند و در آخر ختم ایضا هفت نوبت فاتحه الکتاب را بخواند  
و ایضا صد مرتبه صلوات بفرستد خدای عز و جل مطلب او را رسا و میکند انشاء الله  
والسلام

از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که دو ماه پیوسته هر روز این استغفار را



چهار صد مرتبه بخواند خدای تعالی روزی کرد اند او را کفخی از علم یا کفخی از مال این است  
 اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ ظُلْمِي وَجُرْئِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ  
 بعد از چهل و یک روز چندان فتوحات بروی روی نماید که تقریر نتوان کرد و باید که با دعا  
 باشد و در این مدت مشغول معاصی نشود که بخت محرب است

۹۲

بجهت تسخیر مطلوب ۴۰ دانه با قلا تحصیل کن و بنویس بر یک روی همداسم مطلوب را  
 بعد چهار قسمت کن و بر روی دیگری تالی اول بنویس اسم قاسرون و برده ثانی بنویس اسم  
 هارون و برده ثالث اسم هامون و برده رابع بنویس اسم شیطان و بگذارد بکتابه التی  
 و بخواند سوره قل اوحی را بر هر یک و در انتش اندازد والسلام

فصل در خواص لبام الله الرحمن الرحيم و خواص حروف او ۱۹ حرف است و در آن خواص عجیب  
 اگر کسی بساعت زهره نوشته بخورد در اسرار بر او منکشف گردد و سحرها را باطل سازد و در  
 امان حق باشد و اگر بساعت زحل در مربع ۹ در ۹ ثبت کند و بخورد در پیش اکابر  
 با هیبت باشد و اگر کسی ۹ حرف نورانی که در بسمله است بنویسد و بخورد در دیار باب  
 شسته بخورد از سر بنجها شفا یابد و اگر در ساعت مریخ در مربع ۹ در ۹ ثبت کند  
 هزار فایده دهد و اگر کسی یک حرف ظلماتی که در بسم الله باشد بنویسد و در زیر او نامه  
 بنویسد و کرد او را سین نوشته بدیوار قبله گذارد آن کس غایب شود و باید در وقتی باشد  
 که قمر در برج جدی باشد و ساعت زحل بود و خسوف یا کسوف بود محرب است  
 و اگر کسی ۱۹ حرف که در بسمله نیست نوشته در مقام دشمن دفن کند هلاک گردد

و اگر مربع



و اگر مربع ۱۸ در ۱۸ وقتی که قمر در عقرب بود ثبت کند و بمقام بلند او یزد در ششمین ازاو<sup>سید</sup>  
 و اگر کسی ده حرف غیر مکرر بسمله را نوشته با خود دارد از شر دشمن ایمن گردد و اگر  
 مربع ۱۰ در ۱۰ نهاده با خود دارد روزی بروی کشاده شود و سرافل رنی باید آقا<sup>ید</sup>  
 کرد ساعت عطار در نویسد و اگر پنج حرف نورانی که در بسمله نیست نوشته  
 و درختی با خود دارد بخت بسته او کشاده شود و اگر در مربع ۵ در ۵ کلامند همان  
 خاصیت دارد و اگر ۱۳ حرف ظلماتی که در بسمله نیست برای جدائی در ساعتی که قمر  
 در سرطان بود بساعت عطار در بر پوست حمار نویسد بنام دو کس که خواهد و در  
 مقام نمناک دفن کند در میان شاجدائی افتد و اگر کسی یک حرف ظلماتی بسمله را نوشته  
 و کرد کرد او ۹۹ ص نویسد و در پشت او دو اسم ملك ملك نویسد و بصاحب در چشم  
 بندد شفا یابد و اگر کسی مجموع عدد بسمله که ۷۸ است در مربع ۴ در ۴ نهاده  
 و با خود دارد دهه مقامات او را آورد و سختی با سانی مبدل گردد و از فقر ایمن گردد  
 باید که بساعت شمس کند و اگر کسی ۱۸ حرف نورانی بسمله را نوشته با خود دارد کارهای  
 صعب بر او آسان شود این است ۱۱۱ ح ی ل ل ل م م م ن س س س باید که  
 بساعت مشرقی عمل کند و اگر در شکل ۱۸ در ۱۸ نهاده با خود دارد در خلاق  
 عزیز و مکرر باشد ایضا در خواص بسمله نبی صلی الله علیه و آله فرموده که اسم  
 اسم اعظم در بسمله است و این عباس از آن حضرت نقل کرده است که اگر کسی بگوید  
 لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم بگوید اند الله تعالی از او هفتاد نوع از بلاها  
 و هم نبی ص فرموده که هر که یکبار بصدق بسمله بگوید حق تعالی به حرفی چهار هزار



حسنه او را عطا فرماید و چهار هزار سیئه او را محو فرماید و فرموده که هر که بنویسد  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را و در کتابت او جهل کند که خوش نوشته شود بجهت تعظیم  
 پیامرزد خدا کناهان او را عن ابن سعد قال قال رسول الله ص من قال بِسْمِ اللَّهِ  
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَمَثَلِ ذَنْبِهِ ذَرَّةً بعضی از اهل معرفت گفته اند که بسمله ۱۹ مرتبه  
 و زبانیه دوزخ نوزاند هر کس که قرائت کند بسمله را الله تعالی دفع کند از او بهر  
 يك زبانیه را و گفته اند که کناه بر چهار قسمت کناه روز و کناه شب و کناه اشک  
 و کناه پنهان و کلمات تسمیه نیز چهار است هر مؤمن که بلفظ تسمیه کند از هر وی  
 حق تعالی هر چهار قسم از کناهان او را پیامرزد ایضا منقولست که هر که حاجتی  
 باشد روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد و اوایل روز جمعه غسل کند و  
 بمسجد رود و در راه تصدق کند به آنچه تواند و بعد از نماز جمعه بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي  
 أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ  
 هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
 الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الَّذِي مَلَأَتْ عَظَمَتُهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَنَتِ لَهُ الْوُجُوهُ وَخَضَعَتْ لَهُ الرُّقَابُ وَخَشَعَتِ لَهُ الْأَبْصَارُ  
 وَجَلَّتْ مِنْهُ الْقُلُوبُ وَذَرَفَتْ مِنْهُ الْعُيُوبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 وَاصْحَابِهِ وَأَنْ تُعْطِيَنِي حَاجَتِي بعد از آن حاجت خود را عرض نماید البتة و اشود و آن  
 حضرت فرمودند و وصیت نمودند صحابی را که این را بکسی که صالح نباشد نیاورد مبادا بر مسلمانان  
 ای بد کند



درمای بد کند و مستجاب شود و ایضا منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام  
 که هر کس حاجتی باشد بر کاغذی بنویسد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ  
 إِلَى رَبِّهِ الْجَلِيلِ رَبِّ ابْنِ مَسْنَى الظَّارِ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ پس آن کاغذ را در  
 آب برساند و آن اندازد و بگوید اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَصَحْبِهِ  
 الْمُرْتَضِينَ اقْضِ حَوَائِجِي يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ و آن حاجت را بدل خود گذراند حاجت  
 او روا شد و ایضا منقولست که هر کس دوازده هزار بار بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بگوید و بعد از هر هزار بار دو رکعت نماز بکند و حاجت خود عرض کند همچنین  
 تا دوازده بار البته حاجت او روا شود و ایضا منقولست که هر که بکفایت بسمه  
 مداومت نماید بر روی فروغ گردد و باطنش صافی شود و ایضا منقولست  
 که بجهت قنای ظالم اگر کسی هزار مرتبه بسمه و هزار مرتبه حمد له و هزار مرتبه  
 کَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ اللَّهُ بعد از آن صلوات  
 بر پیغمبر صلوات و آل او فرستد آن ظالم قنای شود یا منکوب گردد و شر او منقطع شود  
 و ایضا اگر کلمات اربعه بسمه را در مربع ۴ در ۴ درج کند بقسمی که ثبت میشود  
 و آن را در پیش نظر خود گذارد و در آن نظر کند و ۱۸۱۶ مرتبه بخواند بِسْمِ اللَّهِ  
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و ۱۳۲ بار صلوات فرستد و حاجتی که دارد بخواند الله  
 شود و ایضا هر که این مربع را با خود دارد برای باطل شدن سحر مجرب است  
 و در این مربع بجای اعداد اسماء الله که موافق عدد آن خانه باشد ثبت کند اثرش قوی  
 تر باشد و از بعضی اکابر صوفیه که اگر کسی بطریق تکیه کلمات اربعه بسمه را در مربع  
 منقولست



۴ در ۴ درج کند و انرا با خود نگاهدارد کشاده شود و از مکر غمازان و شیطان و هر  
 بلیات ایمن شود و اگر این عمل را در وقت شرف آفتاب کند و انرا بر بخور مناسب  
 و معطر سازد و درایم با طهارت با خود دارد و تعظیم او فر و نکند در در خاصیت آن  
 او ابلغ باشد و سه مربع مذکور اینست که بترتیب ثبت شده است و مربع چهارم در ضمیمه است

که عدد بسمله باشد و السلام

۷۸۶

۷۸۶

۲۸۹ ۳۲۹ ۶۶ ۱۰۲

بِسْمِ	اللّٰهِ	الرَّحْمٰنِ	الرَّحِیْمِ	بِسْمِ	اللّٰهِ	الرَّحْمٰنِ	الرَّحِیْمِ	بِسْمِ	اللّٰهِ	الرَّحْمٰنِ	الرَّحِیْمِ
مُعِید	مُبِیْع	مُبْدِی	دِیَان	مُعِید	مُبِیْع	مُبْدِی	دِیَان	۶۵	۱۰۳	۲۸۸	۳۳۰
وَّاسِع	رَاق	مُحِی	عَدَل	وَّاسِع	رَاق	مُحِی	عَدَل	۱۰۴	۶۱	۳۲۷	۲۸۷
مُحِیْط	عَادِل	مُبِیْع	بَسِط	مُحِیْط	عَادِل	مُبِیْع	بَسِط	۳۲۸	۲۸۶	۱۰۵	۶۷

۷۸۶

در معرفت غالب و مغلوب بقول حکماء

۱۹۶	۱۹۹	۲۰۲	۱۸۹
۲۰۱	۱۹۰	۱۹۵	۲۰۰
۱۹۱	۲۰۴	۱۹۷	۱۹۴
۱۹۸	۱۹۳	۱۹۲	۲۰۳

مُتَحَنِّان بدانند که اگر حکماء این طریق را پسندیده اند و تجربه  
 نموده و اخفا داشته اند و وضع این علم از برای آنست که پادشاه  
 لشکری بجانبی فرستد یا داعی را بخوانند ناسبی و دعائی  
 مشغول سازد و با اهل وفق بشکل و دعائی داعی باشد و یا

شخصی یا شخصی دعوی و خصومت دارد باید که نام بپسند که در جدول غالب میاید  
 یا نه اگر غالب آید بفرستد و اگر مغلوب آید کس دیگر را بفرستد که نام او در جدول غالب  
 آید تا ظفر و نصرت پادشاه را باشد و باید که در وقت حساب کردن هر چه از نام و لقب

در میان مردم



در میان مردم مشهور تر بود از آن حساب حمل بگیرد و هیچ حرفی از حرف اصل ساقط نکند  
 و آنچه زیاده باشد ساقط کند مثل الف لام الحسین و الحسین و از ابراهیم و اسمعیل  
 هیچ ساقط نکند و بعده ۹ و ۹ طرح نماید آنچه باقی ماند از هر دو نام از الواح ببیند  
 و بدان عمل کند و دلیل بر صحت این آنست که از زمان آدم تا حال بنکر در جدول<sup>لب</sup> غائب  
 و مغلوب معلوم کند که از خصمین کدام غالب بوده است نوع دیگر در معرفت  
 غالب و مغلوب این طریق از طریق اول افضل است و مکرر تجربیه شده فقیر است اگر  
 عمل کنی بدین طریق بدانی که غالب از مغلوب کدام است و طریق دیگر آن است که اول نام طالب<sup>لب</sup>  
 بعد در او برده و ۱۲ و ۱۲ طرح کند آنچه باقی ماند از برج اول بشمارد و ببیند که انتها  
 بکدام برج میرسد اگر یکی ماند حمل و اگر دو شور و همچنین تا آخر بعد از آن طبیعت  
 آن برج را ببیند که بکدام عنصر مخصوص است بعد از آن نام مطلوب را بعد در او برده و بهما<sup>لب</sup>  
 طریق طرح و قسمت نماید و برج و عنصر او را در یاد بعد از آن موافقت و مخالفت و غائب<sup>لب</sup>  
 و مغلوب را از این ۹ الواح معلوم نمایند این صورت دو لوح است و هفت لوح دیگر در

ظاهر صفحه ثبت خوا

	لوح اول		لوح دوم		لوح اول
۱ با ۹	۱ با ۸	۲ با ۷	۳ با ۶	۴ با ۵	۵ با ۴
یک غالب	هشت غالب	هفت غالب	نُه غالب	شش غالب	پنج غالب
۱ با ۶	۱ با ۵	۲ با ۴	۳ با ۳	۴ با ۲	۵ با ۱
شش غالب	پنج غالب	چهار غالب	سه غالب	دو غالب	یک غالب
۱ با ۳	۱ با ۲	۲ با ۱	۳ با ۲	۴ با ۱	۵ با ۰
سه غالب	دو غالب	طالب غالب	طالب غالب	دو غالب	یک غالب

و عدد اسم قادر و عدد



و عدد اسم مطلوب بشکل مثلث یا مربع موافق مقصد پر کنند که طالب غالب اید و التلک

لوح سیم			لوح چهارم			لوح پنجم		
۳ با ۹	۳ با ۸	۳ با ۷	۴ با ۹	۴ با ۸	۴ با ۷	۵ با ۹	۵ با ۸	۵ با ۷
ستد غالب	هشت غالب	هفت غالب	نه غالب	چهار غالب	هفت غالب	پنج غالب	هشت غالب	پنج غالب
۳ با ۶	۳ با ۵	۳ با ۴	۴ با ۶	۴ با ۵	۴ با ۴	۵ با ۶	۵ با ۵	۵ با ۴
شش غالب	پنج غالب	چهار غالب	چهار غالب	پنج غالب	مطلوب غالب	شش غالب	طالب غالب	پنج غالب
۳ با ۳	۳ با ۲	۳ با ۱	۴ با ۳	۴ با ۲	۴ با ۱	۵ با ۳	۵ با ۲	۵ با ۱
طالب غالب	ستد غالب	یک غالب	چهار غالب	دو غالب	چهار غالب	ستد غالب	پنج غالب	یک غالب

لوح ششم			لوح هفتم			لوح هشتم		
۶ با ۹	۶ با ۸	۶ با ۷	۷ با ۹	۷ با ۸	۷ با ۷	۸ با ۹	۸ با ۸	۸ با ۷
نه غالب	شش غالب	هفت غالب	هفت غالب	هشت غالب	طالب غالب	نه غالب	مطلوب غالب	هفت غالب
۶ با ۶	۶ با ۵	۶ با ۴	۷ با ۶	۷ با ۵	۷ با ۴	۸ با ۶	۸ با ۵	۸ با ۴
مطلوب غالب	شش غالب	چهار غالب	شش غالب	پنج غالب	هفت غالب	شش غالب	هشت غالب	چهار غالب
۶ با ۳	۶ با ۲	۶ با ۱	۷ با ۳	۷ با ۲	۷ با ۱	۸ با ۳	۸ با ۲	۸ با ۱
شش غالب	دو غالب	شش غالب	ستد غالب	هفت غالب	یک غالب	هشت غالب	دو غالب	هشت غالب

لوح نهم				حل اسد قوس		ثور سنبله جدی	
۹ با ۹	۹ با ۸	۹ با ۷	۹ با ۶	اتشی		معدی	
طالب غالب	نه غالب	هفت غالب	طالب غالب				
۹ با ۶	۹ با ۵	۹ با ۴	۹ با ۳	نک		نک	
نه غالب	پنج غالب	نه غالب	نه غالب				
۹ با ۳	۹ با ۲	۹ با ۱	۹ با ۰	نک		نک	
ستد غالب	دو غالب	یک غالب	ستد غالب				



فصل در قرائت عزائم عناصر و کواکب و دعوت اسماء الهی و شرایط آنها اول در دعوت  
کواکب سبعة عزیمت کواکب اول را ۴۹ بار بصاحب عزیمت و موکلات او بخواند و تنها صاحب  
عزیمت با موکلات ۲۰۴۱ بخواند و چهار اسم تابعین هر یک اسم را ۳۴۳ بار بخواند  
عزیمت کواکب دوقیم را ۴۲ بار بصاحب عزیمت و موکلات او بخواند و تنها صاحب عزیمت  
مع موکلات ۴۹ بار بخواند عزیمت کواکب سیم را ۳۵ بار بصاحب عزیمت و موکلات  
او بخواند و تنها صاحب عزیمت را بموکلات او ۳۴۳ بار بخواند و اسماء تابعین مع موکلات  
او ۴۹ بار بخواند عزیمت کواکب چهارم را بصاحب عزیمت و موکلات او ۲۸ بار بخواند  
و تنها صاحب عزیمت را ۳۴۳ بار بخواند و اسماء تابعین بموکلات ۴۹ بار بخواند  
عزیمت کواکب پنجم را ۲۱ بار بصاحب عزیمت و موکلات او بخواند و تنها صاحب عزیمت را ۴۳  
بار بخواند و اسماء تابعین را مع موکلات ۴۹ بار بخواند عزیمت کواکب ششم را مع صاحب  
عزیمت و موکلات ۱۴ بار بخواند و تنها صاحب عزیمت را ۳۴۳ بار بخواند و اسماء تابعین  
مع موکلات ۴۹ بار بخواند عزیمت کواکب هفتم را هفت بار بصاحب عزیمت و موکلات  
بخواند و تنها صاحب عزیمت را با موکلات ۳۴۳ بار بخواند و اسماء تابعین بموکلات ۴۹  
بار بخواند هر صبح و شام که کواکب طالع شود اول امام دارد و دیگران را تابع او کند چنانچه قبل  
از این در اوایل باب در پیت مذکور است یا اینکه پیت را در حاشیه مرقوم میکنیم و بهنکام دعوت  
ایشان هجره را هفت قسمت کند و هر قسمتی را اقلیمی تصور کند و بخورش بکار برد  
طریق و در عزیمت هر هفت کواکب عزیمت اول کواکب روز یا شام را هفت بار بصاحبش  
عزیمت و موکلات ۴۹ بخواند و تنها صاحب عزیمت را ۳۴۳ بار بخواند و هر چهار تابعین او

۹۹



نصرت در موجودات

بموقوفات او ۴۹ بار بخواند و عزیمت دوقیم کوکب را بصاحب عزیمت و متوفیات او ۴۹  
 بخواند و تنها صاحب عزیمت را بموقوفات او ۴۹ بار و هر چهار تابعین او را ۱۲ بار بخواند  
 و عزیمت سیم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم کوکب را یکبار بخواند و عدد قرائت صا<sup>ح</sup>  
 عزیمت و تابعین بطریق عزیمت دوقیم کوکب مسطور بخواند و دوقیم طریق و در معلوم کند  
 عزیمت اول کوکب و زیاشمار بصاحب عزیمت و متوفیات او ۱۲ بار و تنها صاحب عزیمت مع  
 موقوفات او ۴۹ بار و هر چهار تابعین او ۴۲ بار بخواند و عزیمت دوقیم کوکب را مع صاحب  
 عزیمت و موقوفات او ۴۹ بار و تنها صاحب عزیمت بموقوفات او ۴۲ بار و هر چهار تابعین او را  
 ۱۲ بار بخواند و عزیمت سیم کوکب را مع صاحب عزیمت و موقوفات او را ۵ بار و صاحب عزیمت را  
 تنها ۳۵ بار و هر چهار او را هفت بار بخواند و عزیمت چهارم کوکب را بطریق مذکور ۴۹ بار  
 و صاحب عزیمت را ۲۸ بار و تابعین بطریق مذکور بخواند و عزیمت پنجم کوکب را ۳ بار و صا<sup>ح</sup>  
 عزیمت را ۲۱ بار و هر چهار تابعین را بطریق مذکور بخواند و عزیمت ششم کوکب را ۲ بار و صا<sup>ح</sup>  
 عزیمت را ۱۴ بار و عدد و عدد تابعین معلوم است و عزیمت هفتم کوکب را ۱ بار و صاحب  
 عزیمت را ۱۲ بار و تابعین را بدستور ۱۲ بار بخواند ایضا خواص عزیمت اگر کسی عزیمت  
 کوکب را مع بخورات ایشان و در سازد یا دعوت کند متصرف در موجودات گردد و عند الله  
 و عند الجن و الانس و غیرها محبوب گردد و بوقت قرائت هر کوکب رنگ آن بهمه موجودا<sup>ت</sup>  
 محیط سازد و باید اثر توقف و خوارق عادت مخفی دارد ایضا طریق شرایط عامل در  
 وان در قرائت و دعوت اسماء کوکب و نکسیر و وفق عمل یک نسبت است و چنانچه شیخ  
 غوث العالمین محمد بن خطیر الدین رحمة الله علیه بعمل دعوت فرموده اند بجا باید آورد و آن

شرایط اول



شرایط اکل حلال و صدق مقال و کم خوردن و کم خفتن و نیت و صدق اسم و مرشد و حضور  
 باطن و صوم بلا انفصال و خلوت از خلق و عزلت از خود و طهارت تن و لباس و مکان و اجازت  
 و انشراح خاطر نه بتکلف و شدت بر نفس و گذاشتن جانور بغیر طلب و حجره ناریک و مصفی  
 و کفتن و گویا بیندن و خوردن و آشامیدن بدست خادم معین و نکه داشتن چشم و بینی از  
 دیدن و بوییدن گوشت از دل از حد و کبر و ترک حیوانات جلالی و جمالی و مکروهات و  
 محرمات اجرائی اما جلالی چون گوشت و ماهی و پیضه و غسل و مشک و چون تصدق و  
 استعمال آب مشک و کفش دمیده و شاخ و جماع و امثال اینها اما جمالی چون روغن و شیر  
 و جفرات و سرکه و نمک علی و خرما و عنبر و قبله اما مکروهات چون سیر و پیاز و کراث و  
 تلباگو و مانند آن اما محرمات اجرائی چون راستگی و مزین شدن و خون گرفتن و جفا  
 دوخته پوشیدن و امثال آن و برای کسیکه عمل کند باید که فاسق و فاجر و ظالم و لوطی و  
 حرام زاده و مفسد نباشد و باید که بوقت عمل از افعال شنیعه و افعال قبیحه باز آید و  
 توبه کند و الا عیاذ بالله آن عمل رجعت کند و هلاک سازد و اگر شرطی از این شرایط مذکور  
 فوت شود بیم خطر باشد و اگر از برای دماغ و روغن سرسوں بکار برده بهتر باشد که مبادا  
 دماغ را خلل افزاید و جنون آرد و بجای علی غمک سنک بخورد که آنرا صاحب دعوت  
 میخورد از ماکولات ایضا سند دایره دریابد بند کاغذ و انکشتنی را با یکدیگر  
 پیوند کند و در آن بند مجموعه ۴۱ اسماء عظام از سُبْحَانَكَ تا غیاثی بنویسد  
 و یا سوره یس بتسخیر خان و غیره از آن بند دایره سازد و خود در آن بنشیند  
 و هر دوسر آن بسوزن فولاد پیوند کند یا ۴۱ بار مجموعه اسماء عظام بر کار فولاد



## دعوت اسم اعظم

۱۰۵

بخواند و بدان کار د به یکد مر در حجره دایره بسازد و اگر دعوت کوکب بود مصداقاً برك  
 کوکب کرده در زیر او صورت برج او بکارد و کرد او حصار دایره کرده خود در آن  
 بنشیند و در آن کوکب اینست مشتری صندوقی مریخ سرخ شمس زرد  
 زهره سفید عطارد فیروزه قمر سبز زحل سیاه و اگر خواهد که دعوت  
 اسم اعظم جداگانه بخواند باید که موکلات ۱۲ برج و ۲ کوکب و اسم اعظم مع  
 اسم سبحانه ضم کرده ۱۲ بار قبل از دعوت و ۲ بار بعد از دعوت هر روز  
 بخواند و مدد طلبد و موکلات بروج اینست ۱ یاسراخیل ۲ یاسراطیل  
 ۳ یاسطائیل ۴ یاسرائیل ۵ یامهرآکیل ۶ یامحکاییل ۷ یاقمفاییل  
 ۸ یاصرفاییل ۹ یاییل ۱۰ یاعزرائیل ۱۱ یاشهکیل ۱۲ یاشمکاییل  
 ۱۲ بار بخواند و موکلات کوکب سبعة این است ۱ یاسرافیل ۲ یانجراد  
 ۳ یابیهاییل ۴ یاکلیما ۵ یاسمون ۶ یاسکی ۷ یاتقوییل ۸ یانجوا  
 و موکلات اسماء عظام سبعة قسمند اسماء ۲ حرفی ۳ استخراجی  
 بهر حرف يك موکل موکلات اسماء ۱ سماعی ۲ حرفی ۳ استخراجی  
 بی جبرئیل و بر حرف بی عزرائیل و بر حرف بی میکائیل و بر حرف جیم  
 کلکائیل و بر حرف حی تنکفیل و بر حرف حی مهکائیل و بر حرف دال  
 دکرزائیل و بر حرف ذال امراطیل و بر حرف رهی امواکیل و بر حرف رهی  
 شرفائیل و بر حرف سین همواکیل و بر حرف شین همواکیل و بر حرف صاد همجیا  
 ییل و بر حرف ضاد عطاکییل و بر حرف طی اسمعیل و بر حرف ظی لوزائیل



و بحرف عین لومائیل و بحرف غین لوخائیل و بحرف فی سرخائیل و بحرف تاف  
 عطرائیل و بحرف کاف حردزائیل و بحرف لام طائیل و بحرف هم روائیل  
 و بحرف نون جولائیل و بحرف واور قیمائیل و بحرف هادورائیل و بحرف  
 یا سرکیطائیل و باید که بحرف ند بخواند باین طریق مثال اسم الله الموکل  
 از رافیل و حرف ند لفظ یا است باید که لفظ یاد را اول در آورد و موکل را قسم بآسم  
 اعظم دهد بدین طریق که یا اسرافیل بحق یا الله و موکلات حرفی هر  
 حرفی از حروف با کلمه ایل ترکیب کند تا موکل گردد و چون با اسم ضم کرده بخواند  
 با جابت مقرون شود باین طریق • یا ایل • یا بایل • یا ثایل • یا ثائیل •  
 یا خائیل • یا حائیل • یا ذائیل • یا زائیل • یا سا  
 یل • یا شائیل • یا صائیل • یا ضائیل • یا ظائیل • یا عائیل •  
 یا غائیل • یا فائیل • یا قائیل • یا کائیل • یا لائیل • یا مائیل • یا نائیل •  
 یا وائیل • یا هائیل • یا یائیل • و موکلات استخراجی بدین طریق  
 استخراج کند چنانچه مرتبی فقیر غوث العالمین فرماید از حرف لفظ اول هر اسم را جدا  
 کند نویسد و باقی حروف را اسقامه کشیده حرفها استخراج کند و مستخرج را بان حروف  
 ضم ساخته در آخرش کلمه ایل آورد و اعرابش در ابیات مذکور است بدان عمل نماید  
 چنانکه اسم سبحانک را کصائیل و یا را کمطائیل و باقی موکلات  
 را هم بدین طریق کشیده عمل نماید ایضا اسناد خواندن را در یابد اول  
 موکل سماعی دویم حرفی سیم استخراجی با اسم الهی ضم ساخته بخواند بدین

۱۰۳

+



طریق . یا هو اکیل . یا سائیل . یا کصائیل . بحق . سبحانک لا اله الا انت  
یا رب کل شیء و وارثه و رزقه و راحه سبحانک . اول باید که در وقت شروع  
دعوت بدین طریق هر سته موکلا ترا باسم ضم ساخته اول روز دعوت ۹۹ کرت بخواند  
و هر روز وقت ابتداء دعوت ۱۲ نوبت و بوقت انتها ۲ بار و روزی که دعوت تمام شود  
۷۰ کرت اسم را با هر سته موکل بخواند زود مؤثر گردد و باقی اسماء عظام را بدین قیاس عمل  
نماید و دیگر طریقی که خواهد بود انشاء الله بیشتر دعوت اسماء مسطور خواهد شد  
ایضا قبل از شروع در دعوت سته روز و سه روز دوازده و اگر دعوت جمالی باشد ابتدا از روز  
دوشنبه کند و اگر جمالی بود از شنبه و اگر مشرک بود از یکشنبه و ابتدای روز از این  
روزها کند و چون شب چهارم را دید طعام بخورد و وضو کرده در گوشه بنشیند و قرائت کند  
و چون آخر شب شود برخیزد و وضو کند و تحت وضو بکند بدین نیت که نوبت این اصلی  
الله تعالی رکعتین بالصلوة لکشف الارواح متوجهها الى جهة الکعبة الله اکبر و بعد از  
فاتحه ببرد و رکعت ایة و الله غالب علی امره و لکن اکثر الناس لا یعلمون بخواند و بعد از  
سلام هزار کرت دعای ملیکه بخواند و ان اینست آه و آه و آیه و در عین خواندن بتوجه  
باطنی چشم بسته متوجه گردد تا رؤیت اسرار عیان نماید بعنايت بعده بروز چهارشنبه  
وقت طلوع افتاب غسل کند و تحت وضو بخواند و دو رکعت نماز بکند و در اول بعد از  
فاتحه هفت بار ایة شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولوا العلم قائما بالقسط  
لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدین عند الله الاسلام با کلمه شهادت بخواند و  
دویم بعد از فاتحه ایة قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الدین یتکبرون عن عبادتی  
سید خلون



سَيِّدُ خُلُوفِ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ بِأَكْمَلِهِ تَجِيدُ وَإِنْ أَيْسَرُ لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ  
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بخواند و بعد از سلام ۷۷ بار یا ایّه وَاِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ  
اجیب دعوت الدّاع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیق منوا بی لطلبهم یرشدون و از  
الله تعالی مطلوب را بخواهد و بعد از آن بار واحد حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و  
سایر انبیاء و ائمه علیها سلام و صلحا و شهدا و مشایخ عظام یکان یکان دو کانه ادا نماید  
و بمشایخ ظاهر و باطن توجّه نموده ۴۱ بار سورۃ فاتحه بخواند و ثواب آن بار واحد ایشان  
بخشد بعد از آن سورۃ اذا زلزله ۲ بار و اخلاص ۳ بار و فاتحه ۵ بار خوانده شخصی  
ثواب بار واحد سهروردیر بخشد بعده دو کانه بروج شیخ شهاب الدین سهروردی  
گذارد و فاتحه خوانده و ۹۹ بار یا ظهور الحقّ گفته از ایشان هم مدد طلبد بعده دو  
کانه بروج سلطان المحققین غوث العالمین شیخ محمد رحمة الله ادا کند و در هر رکعت  
بعد از فاتحه اخلاص ۱۱ نوبت بخواند و ثواب بخشد و بعد از سلام ۴۸ بار این عبارت  
یا غوث اغثنی و امددنی مدد طلبد و بعده دو کانه بار واحد شیخ لشکر محمد عارف و  
مرئی امّ شیخ عیسی رحمة الله دو کانه ادا نماید و مدد طلبد و بعده دو کانه بر نیت  
سلامتی مرشد خود گذارد و بخواند بهر رکعتی بعد از فاتحه ایه الكرسي یکبار و اخلاص  
۳۰ بار و بعد از سلام بفاتحه سلامتی و برزخ متوجّه شود و اگر بمقام بفاتح ثواب  
برویش بخشد و برزخ ملاحظه او را و بعد دو کانه محبّه الله بگذارد و بخواند  
بهر رکعت سورۃ اخلاص ۲۱ بار و بعد از آن بحضور دل بحضور حق متوجّه  
شده بخواند ۷۰ بار و سر بسجده نهاده از الله تعالی حاجت خواهد و بعد از سجده







يَامُعْطَى السَّائِلِينَ يَاسَامِعَ الْمُتَكَلِّمِينَ يَارُفُ الْمُنَادِينَ يَارَحْمَنَ الْمَكُونِينَ يَارَحِيمَ الْمُقْنِطِينَ  
 يَأْجَادَ الْمُبْخَلِينَ يَأَكْثِرَ الْمُقْلِلِينَ يَأَحْصِي الْمُقِيدِينَ يَأُوكِلَ الْمُتَوَكِّلِينَ يَأْمِسِرَ الْمُقَاصِدِينَ  
 يَأْكُمِلُ الْمُنْقَصِينَ يَاعْزِزِ الْمُضِلَّيْنَ يَأَجْجِي الْأَمْوَاتِينَ يَأْخَالِقُ الْمَخْلُوقِينَ يَأُوحِدُ الْعُدُومِينَ  
 يَأْفِظُ الْفَاعِلِينَ يَأْفَعِلُ الْخَافِظِينَ يَأْغَايِدُ الْعَبُودِينَ يَأْمَعْبُودُ الْعَابِدِينَ يَأْرَاغِبُ الْمَرْغُوبِينَ  
 يَأْمَرْغُوبَ الرَّاغِبِينَ يَأْقَاصِدُ الْمُقْصُودِينَ يَأْمَقْصُودُ الْقَاصِدِينَ يَأْطَالِبُ الْمُطْلُوبِينَ  
 يَأْمَطْلُوبَ الطَّالِبِينَ يَأُحِبُّ الْمُحِبُّونَ يَأُحْبُوبُ الْمُحِبِّينَ يَأْغَاشِقُ الْمُعْشُوقِينَ  
 يَأْمَعْشُوقَ الْعَاشِقِينَ يَأَتَابِعُ الْمُتَبَوِّعِينَ يَأْمَتَّبِعُ التَّابِعِينَ يَأْمَسْلُطُ الْمُحْبُوبِينَ يَأُحْبِبُ الْمُسْلِطِينَ  
 يَالَيْتَ الْمَشْدِدِينَ يَأْمَشْدِدُ اللَّيْسِينَ يَأَفْتَحُ الْمُضْطِيقِينَ يَأْمُضِيقُ الْفَتَّاحِينَ يَأْمُنْقِضُ الْبَاطِلِينَ  
 يَأِيسِطُ الْمُبْقِضِينَ يَأُحْوِلُ الْمَكُونِينَ يَأْمُكُونُ الْمُحْوِلِينَ يَأْخَاضِرُ الْمُغْيِبِينَ يَأْمَغْيِبُ الْخَاضِرِينَ  
 يَأَبَاعِثُ الْمَبْعُوثِينَ يَأْمَبْعُوثُ الْبَاعِثِينَ يَأْفَاعِلُ الْمَفْعُولِينَ يَأْمَفْعُولُ الْفَاعِلِينَ يَأَنَظِرُ الْمَنْظُورِينَ  
 يَأْمَنْظُورَ النَّازِرِينَ يَأْمَرْوِجُ الْمَفْرِدِينَ يَأْمُفْرِدُ الْمَرْوِجِينَ يَأْمُتَحَتِّ الْفَائِقِينَ يَأَفَائِقُ الْمُتَحَتِّينَ  
 يَأْمُرْكُوبَ الرَّاكِبِينَ يَأْمُرْكُوبُ الْمُرْكُوبِينَ يَأْدَاعِي الْمَدْعُومِينَ يَأْمَدْعُو الدَّاعِينَ يَأَقْرِبُ الْمُبْعَدِينَ  
 يَأْمُبْعِدُ الْقَرِيبِينَ يَأْمُخْذُولُ النَّاصِرِينَ يَأْنَاصِرُ الْمَخْذُولِينَ يَأْجَلِمُ الْمُقُومِينَ يَأْمُقُومُ الْحَلِيمِينَ  
 يَأْرَاصِلُ الْمَفْرِقِينَ يَأْمُفْرِقُ الْوَاصِلِينَ يَأْجَامِعُ الْمُسْتَشِيرِينَ يَأْمُسْتَشِيرُ الْجَامِعِينَ يَأُخْرِجُ الدَّخْلِينَ  
 يَأَدْخِلُ الْمُخْرِجِينَ يَأْنَاهِي الْمُشْرِكِينَ يَأْمُشْرِكُ النَّاهِيْنَ يَأْأَوِّلُ الْآخِرِينَ يَأْأَخِرُ الْأَوَّلِينَ  
 يَأْظَاهِرُ الْبَاطِنِينَ يَأْأَبِطُ الظَّاهِرِينَ يَأْمُجَلِّلُ الْمُجَلِّلِينَ يَأْمُجَلِّلُ الْمُجَلَّلِينَ يَأْجَايِزُ الْمُحْرُومِينَ  
 يَأَحْرُومُ الْجَائِزِينَ يَأَسْبِغُ الْمَصِيرِينَ يَأْمَصِيرُ الْمُسْرِعِينَ يَأْمَقْبُوحُ الصَّابِغِينَ يَأْأَنِيعُ الْمُقْبُوحِينَ  
 يَأْمَدُّ مَوْمَ الْمُحْمُودِينَ يَأْمُحْمُودُ الْمَدْمُومِينَ يَأْكَاتِبُ الْمَكْتُوبِينَ يَأْمَكْتُوبُ الْكَاتِبِينَ يَأَحْكُمُ الْحَاكِمِينَ



يَا حَاكِمَ الْمَحْكُومِينَ يَا مَمْلُوكَ الْمَالِكِينَ يَا مُعِزَّ الْمُنْدَلِينَ يَا مُدِلَّ الْمُعِزِّينَ  
 يَا خَافِضَ الرَّافِعِينَ يَا رَافِعَ الْخَافِضِينَ يَا جَبَّارَ الْمَكْبُورِينَ يَا مُكَبِّرَ الْجَبَّارِينَ يَا مُغْلِبَ الْغَالِبِينَ  
 يَا غَالِبَ الْمَغْلُوبِينَ يَا غَاجِزَ الْقَوِيَّاتِ يَا قَوِيَّ الْعَاجِزِينَ يَا مُقَدِّرَ الْقَادِرِينَ يَا قَادِرَ الْمُقَدَّرِينَ  
 يَا مُقْهَوِّرَ الْقَاهِرِينَ يَا قَاهِرَ الْمُقْهَوِّرِينَ يَا مُقْبِضَ الْقَابِضِينَ يَا قَاضِيَ الْمُقْبِضِينَ يَا مُنْجِجَ الْغَنِيطِينَ  
 يَا غَنِيَّ الْمُحْتَاجِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ يَا كَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ لَسْتَعِينُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ  
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اغْنِنِي اغْنِنِي اغْنِنِي اغْنِنِي اغْنِنِي اغْنِنِي اغْنِنِي اغْنِنِي اغْنِنِي اغْنِنِي  
 تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ يَا رَبِّي قَضَيْتُ وَفَوَّضْتُ أُمُورِي إِلَيْكَ يَا رَبِّي يَا فَتَّاحُ يَا بَاسِطُ يَسْأَلُكَ اللَّهُ  
 افْتَحْ عَلَيَّ أَبْوَابَ نَحْطِكَ وَأَبْوَابَ سَاعَتِكَ وَأَبْوَابَ كَيْدِكَ وَأَبْوَابَ نَهَارِكَ وَأَبْوَابَ شَهْوَرِكَ  
 وَأَبْوَابَ سَنَتِكَ وَأَبْوَابَ قَرْنِكَ وَأَبْوَابَ حَقْبَاتِكَ وَأَبْوَابَ عُمْرِكَ وَأَبْوَابَ وَلَايَتِكَ وَأَبْوَابَ  
 حَيَاتِكَ وَأَبْوَابَ عِلْمِكَ وَأَبْوَابَ أَعْمَالِ قُدْرَتِكَ وَأَبْوَابَ أَبْصَارِكَ وَأَبْوَابَ سَمَاعِكَ وَأَبْوَابَ  
 كَلَامِكَ وَأَبْوَابَ إِسْرَادِكَ وَأَبْوَابَ عَشْقِكَ وَأَبْوَابَ أَرْوَاحِكَ وَأَبْوَابَ مَعْرِفَتِكَ وَأَبْوَابَ سِرِّكَ  
 وَأَبْوَابَ طَيْرِكَ وَأَبْوَابَ كَرَامَتِكَ وَأَبْوَابَ خَيْرِكَ وَأَبْوَابَ فَتْحِكَ وَأَبْوَابَ رُزْقِكَ وَأَبْوَابَ نِعْمَتِكَ  
 وَأَبْوَابَ دَوْلَتِكَ وَأَبْوَابَ سَعَادَتِكَ وَأَبْوَابَ سَلَامَتِكَ وَأَبْوَابَ عِظَمَتِكَ وَأَبْوَابَ عَافِيَتِكَ  
 وَأَبْوَابَ بَرَكَاتِكَ وَأَبْوَابَ شُكْرِكَ وَأَبْوَابَ طَاعَتِكَ وَأَبْوَابَ عِزَّتِكَ وَعِظَمَتِكَ وَشَرَفِكَ وَرَوْحِكَ  
 وَأَبْوَابَ سَبِيلِكَ وَأَبْوَابَ عِنَايَتِكَ وَأَبْوَابَ غِنَايَتِكَ وَأَبْوَابَ حَيَاةِكَ وَأَبْوَابَ لِقَائِكَ وَ  
 أَبْوَابَ بَقَائِكَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ قَدْ تَكَلَّفْتَ بِرِزْقِي وَرِزْقَ كُلِّ شَيْءٍ دَائِبَةٍ أَنْتَ الْخَدُّ  
 بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيطٌ إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
 قَدِيرٌ يَا خَيْرَ مَنْ سَأَلَ يَا أَفْضَلَ مَنْ أَعْطَى وَخَيْرَ الْبَدَائِعِ اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ لِنَفْسِي وَلِجَمِيعِ



الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِفَضْلِكَ الْوَاسِعِ رَزَقًا حَلَالًا وَاسِعًا طَيِّبًا مَبَارَكًا هَنِيئًا مَرِيئًا  
 بَلَاكِيًّا وَلَا مِثْلَهُ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ أَسْأَلُكَ مِنْ  
 فَضْلِكَ وَمِنْ عَطِيَّتِكَ أَرْجُو يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا حَنَّانُ  
 يَا مُنَّانُ يَا دَيَّانُ يَا سُبْحَانَ يَا سُلْطَانَ يَا وَهَّابُ يَا مُسْتَعَانَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا حَكِيمُ  
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا وَفَهْمًا وَحُبَّةً فِي قُلُوبِ عِبَادِكَ وَاجْعَلْنِي عَزِيزًا فِي  
 غُلَامِيهِمْ وَاجْعَلْنِي وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ يَا قَاضِي لَاتِرْدَا الْعِبَادِ  
 قَطْمَائِكَ إِنَّكَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ بِفِعْلِكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَبِحُكْمِكَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ بِسْمِكَ  
 يَا سَمِيعَ الْإِجَابَةِ بِسْمِكَ يَا سَتَارَ الْعُيُوبِ بِرِزْقِكَ يَا رَاقِيَ الْعِبَادِ بِعِزَّتِكَ يَا سَمِيعَ  
 الدُّعَاءِ يَا مَنِّكَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ خَتَمْتُ بِكَ مِنْكَ وَإِلَيْكَ يَا جَمِيلُ يَا جَامِعُ يَا وَاحِدُ  
 يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ يَا جُودُ يَا جَزَاءُ يَا مَنْ يُمِسُّكَ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ يَا مَنْ أَمَرَكَ  
 إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

وبعده ۴۱ بار و یا ۱۲ بار اللَّهُمَّ أَنْتَ الْكُلُّ وَمِنْكَ الْكُلُّ وَإِلَيْكَ الْكُلُّ  
 وَإِلَيْكَ الْكُلُّ أَعْطِنِي كُلَّكَ يَا كُلُّ مُحَمَّدٍ خواص دعای مسطور اگر کسی بعد از هر نماز  
 مداومت نماید بغناء غنی مستغنی گردد و هر مرادیکه داشته باشد برآید و متصرف تبصره  
 فایده اگر صاحب دعوت ملایم باشد اثنای شرایط و ادا مان  
 مرضی روی نماید که خواندن بخواند باید که هر روز و زما دام که بحضور باشد سوره فاتحه  
 و آیه الكرسي يك كرت بخواند و اگر خواندن نتواند تصور کند و اگر تصور میسر نباشد  
 کسیرا فرماید تا بحضور او سوره مذکور را هفت كرت بخواند و اگر چنین کند رسته



دعوت منقطع نشود و چون شفا یابد خواند که سابق را ثابت دارد تا تمام کرد

ایضا طریقی قرائت هفت عزایم کوکب سبعمیدین سند اول این دور ۲۸ بار بخواند

و اگر نتواند ۱۲ بار بخواند و اگر نتواند ۷ بار بخواند و الا یکبار بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ

الرَّحِیْمِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ بَعْدَ رَکْعَتِ كُلِّ مَنَازِلِ اَلْفِ مَرَّةٍ وَ بَعْدَ مَرَّةٍ

اَثَارِ هِمِّ اَلْفِ مَرَّةٍ وَ عَلٰی اٰلِهِ وَ اَصْحَابِهِ وَ اَوْلِیَائِهِ وَ ذُرِّیَّتِهِ اَجْمَعِیْنَ وَ

بَعْدَهُ استعاذه نه اسماء بهر روز از دیگر اسم آغازد و هر یک اسم از ده اسم اندر بار

بخواند و هو الله واحد و حی و علیم و قدیر و بصیر و سمیع و کلیم و مرید و شش اسم

بشش روز کوکب مشتری و مریخ و شمس و زهره و عطارد و قمر و ستاره اسماء

زحل و هو الله واحد و حی بدین سند اگر روز مشتری بود بخواند یا علیم اعوذ بک

مِنْ شَیْءٍ فِیْ عِلْمِکَ یا علیم ۹ بار یا قدیر اعوذ بک مِنْ شَیْءٍ فِیْ قُدْرَتِکَ یا قدیر ۹ بار

یا بصیر اعوذ بک مِنْ شَیْءٍ فِیْ بَصَرِکَ یا بصیر ۹ بار یا سمیع اعوذ بک مِنْ شَیْءٍ فِیْ

سَمْعِکَ یا سمیع ۹ بار یا کلیم اعوذ بک مِنْ شَیْءٍ فِیْ کَلَامِکَ یا کلیم ۹ بار یا مرید اعوذ بک

مِنْ شَیْءٍ فِیْ اِِرَادَتِکَ یا مرید ۹ بار یا الله اعوذ بک مِنْ شَیْءٍ یا الله ۹ بار یا احد اعوذ

بک مِنْکَ یا احد ۹ بار یا حی اعوذ بک مِنْ شَیْءٍ فِیْ حَیَاتِکَ یا حی ۹ بار و بیوم

مریخ از قدیر تا قدیر بطرد مذکور بخواند و بیوم شمس از بصیر تا بصیر و بیوم زهره

از سمیع تا سمیع و بیوم عطارد از کلیم تا کلیم و بیوم قمر از مرید تا مرید و بیوم زحل

از الله تا الله اسم ذات هر یک نذر بار بخواند و بهر دست دمیده بتمام اعضا فرو

آورد بعد هفت قفل هر یک قفل هفت هفت بار از سر و زکوکب آغازد

روز زحل



بروز زحک از لایرجعون تا هانجا بروز مشتری از لایعقلون تا هانجا بروز میرنج  
 از لایقصدرون تا لایقصدرون و بروز شمس از لایبصرون تا لایبصرون و بروز زهره  
 از لایسمعون تا لایسمعون و بروز عطارد از لایتکلمون تا لایتکلمون و بروز قمر  
 از لایبریدون تا لایبریدون بدین سند بخواند صم بکم عمی فھم لا یرجعون  
 صم بکم عمی فھم لا یعقلون صم بکم عمی فھم لا یقصدرون صم بکم عمی فھم لا یبصرون  
 صم بکم عمی فھم لا یسمعون صم بکم عمی فھم لا یتکلمون صم بکم عمی فھم لا یریدون  
 بخواند ہر جہات شش کند مد از جملہ مضرات مصون و محفوظ و مستور ماند و  
 بعد از برای ہر در جفت و مقہوری اعداء و دفع سحر ۱۲ بار بخواند انا جعلنا فی  
 اذاننا قہم اعلی الا فی الی الاذان فھم مقحون و جعلنا من بین ایدہم  
 سدا و من خلفہم سدا فاغشیناہم فھم لا یبصرون یا حمید لفعال  
 ذالین علی جمیع خلقہ بلطفہ یا حمید و بہر دو کف دست دمیدہ تمام اعضا فرو ران  
 بعد بطریق مذکور نہ اسم را از اسم ساعت کوکب بہ نہ بطن مواظبت ارسد  
 مثال اگر روز شنبہ باشد بخواند اللہ کہ احد است اللہ کہ حی است اللہ کہ علیم است  
 اللہ کہ قدیر است اللہ کہ بصیر است اللہ کہ سمیع است اللہ کہ کلیم است اللہ کہ مرید است  
 اللہ کہ اللہ است بعدہ احد کہ حی است احد کہ علیم است احد کہ قدیر است احد کہ  
 بصیر است احد کہ سمیع است احد کہ کلیم است احد کہ مرید است احد کہ اللہ است احد  
 کہ احد است بعدہ حی کہ علیم است حی کہ قدیر است حی کہ بصیر است حی کہ سمیع است  
 حی کہ کلیم است حی کہ مرید است حی کہ اللہ است حی کہ حی است بعدہ علیم را تا علیم مذکور



بعد از قدر را تا قدر بعد بصیر را تا بصیر بعد سمیع را تا سمیع بعد کلیم را تا کلیم  
 بعد مرید را تا مرید بدین طریق دور بگرداند بعد از سر بکشد الله که محمود است  
 احد که محمود است حی که محمود است علیم که محمود است قدر که محمود است بصیر  
 که محمود است سمیع که محمود است کلیم که محمود است مرید که محمود است محمود که محمود است  
 ضابطه وزینه در یابد بروز رخل الله حی احد بروز مشتری علیم بروز زحل  
 قدر بروز شمس بصیر بروز زهره سمیع بروز عطارد کلیم بروز قمر مرید و  
 ابتداء هر يك اسم از روز کوب بود چنانچه مطهر است بعد برای دفع شر و دوا  
 خیر ۱۲ بار بخواند یا دافع الشر یا دایم الخیر یا فناء و لا ذوال لک یا بقاء یا  
 دافع الشر یا دایم الخیر بعد اسم کوب بکشد از برای پناه از خطرات ۹۸ بار  
 بخواند بدین طریق مثال روز شنبه یا الله اعوذ بک من خطرات السوء ۱۲  
 یا احد اعوذ بک من خطرات السوء ۱۲ بار یا حی اعوذ بک من خطرات السوء ۱۲  
 بار بدین طریق تا علیم و یا قدر الی اخره بعد عزیمت رجال الغیب مذکور بخواند  
 ۹ بار و باخر عزیمت ۴۹ بار یا سلام تسلمت بالتسليم والسلام فی سلام سلامتک  
 یا سلام بعد عزیمت اسبغ عناصر بخواند بدین طریق بروز شمس عزیمت ناری  
 و بروز قمر عزیمت مائی و بروز مریخ مائی و ناری و بروز عطارد ترابی و هوایی  
 و بروز مشتری ناری و مائی و بروز زهره هوایی و ترابی و بروز زحل ترابی و هوایی  
 هر يك عزیمت چهار بار بخواند عزیمت ناری یا الله الرحمن الرحیم اللهم  
 انت الاول والاخر الظاهر الباطن الذی لا اله الا انت اجبر من تمرجا



النَّارِ جَارِ يَا بَسِ بِهَيْبَتِكَ أَهْطُمْفَشْدُ اعْمُطْ حَفَشُ غَضَّ حَتَّزَتْ وَهُوَ فِي  
 رُتْبَةِ اللَّهِ الْمَلَكُوتِ بِالْعُلُوِّ إِذْ رَاكَ الْعُقُولُ وَالْعَقْلُ بَيْنَ النَّارِ وَالْهَوَاءِ  
 سَجَرُ لَهُ أَقْسَمُ عَلَيْكَ يَا قَلَمًا بَيْلُ يَا سَرَاخِيلُ يَا مَهْرًا كَيْلُ يَا قَفْشًا بَيْلُ بِحَقِّ هَيْبَةِ  
 الْقَاهِرِ الْقَهَّارِ أَسْأَلُكَ سَجَرُ لِي النَّارِ وَمُظَاهِرُهُ جَمِيعِ الْمَلَكُوتِ وَالْحَجَرِ وَالشَّيْءِ  
 ظَلَمِ وَأَصْحَابِ الْفِطْنَةِ وَخَلْقَتَهُ وَأَنْطَشُ لِحَبِيبِ الْمَحْبُوبِ وَالْمَعْشُوقِ وَالْمَقْصُودِ  
 وَالنَّفْعِ وَالرِّزْقِ وَالْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَادْفَعْ عَنِّي جَمِيعَ الْمَضَارِ بِحَقِّ الْأَسْمَاءِ أَقُلْهُ أَلْ وَبِحَقِّ  
 أَنَّهُ مُحِيطٌ بِالْكُلِّ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْوَحَا الْوَحَا الْوَحَا السَّاعَةَ  
 السَّاعَةَ السَّاعَةَ عَزِمْتَ هَوَانِي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْآخِرُ  
 الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ أَوَّلُ الذِّئْبِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ جَبَرْنَا أُنْمَرَجَ الْهَوَاءِ جَارِ رَاطِبٍ مِنْ  
 قُدْرَتِكَ يَا آخِرَ الْأَوَاخِرِ لَا نَهَايَةَ لِآخِرَتِكَ إِقْضِ حَاجَتِي بِجَارِ الرُّطْبِ بُو  
 يُنْصَتُّ فَيُضَفُّ ظَكَصْ جَزْ كَسَفَاجْ شَقْفَرُ صَعُ وَهُوَ فِي رُتْبَةِ الْجَبَرُوتِ الْعُقُولِ  
 إِذْ رَاكَ بِالْمَعْرِفَةِ وَالْأَمْرِ بَيْنَ الْهَوَاءِ وَالْمَاءِ سَجَرُ لَهُ أَقْسَمُ عَلَيْكَ يَا قَاقِمِيمُ يَا سَطَا بَيْلُ  
 يَا قَمْقَابَيْلُ يَا شَهْكَيْلُ بِحَقِّ الْقُدْرَةِ الْقَادِرِ الْقَدِيرِ أَسْأَلُكَ سَجَرُ لِي الْهَوَاءِ وَ  
 مُظَاهِرُهُ جَمِيعِ الطُّيُورِ وَالْأُمُورِ وَالْأَسْرَاجِ الْعُلُويَّةِ وَالسُّفْلِيَّةِ وَخَلْقَتَهُ وَاجِدُ  
 لِحَبِيبِ الْمَحْبُوبِ وَالْمَعْشُوقِ وَالْمَقْصُودِ وَالنَّفْعِ وَالرِّزْقِ وَالْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَادْفَعْ عَنِّي  
 جَمِيعَ الْمَضَارِ بِحَقِّ الْأَسْمَاءِ آخِرُهُ أَلْ وَبِحَقِّ أَنَّهُ مُحِيطٌ بِالْكُلِّ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ  
 الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْوَحَا الْوَحَا الْوَحَا السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ عَزِمْتَ مَا نِي  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ الذِّئْبُ لَا إِلَهَ



إِلَّا أَنْتَ سَمْنَجِ جَاطِمِ الْمَاءِ الْبَارِدِ الرُّطْبِ مِنْ عَلَيْكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيُّ  
 يَا قَيُّوْمُ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَقَيُّوْمِ دَمَتْ يَدَايَا قَيُّوْمِيَّتِكَ اقْضِ حَاجَتِي بِبَارِدِ الرُّطْبِ  
 جَزْكَ قَشْطُ سَلْرُ شَوْ دَهْرُ شَتْدُ صَطْ نَلِيْحَمُوطِ يَهُوْفِي رُسْبَةِ الْعُلُوِّ لِعُقُولِ  
 النَّاسُوتِ وَالنَّفْسِ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطَّيْنِ بِكَمَالِ الصُّلَحِ وَرِثَقَاءِ الْغَضَبِ سَخِرْ لَهُ أَسْمُ  
 عَلَيْكَ يَا أَيُّهَا يَسْرَائِيلُ يَا صَرْصَائِيلُ يَا شَمْلَكَائِيلُ بِحَقِّ عَالِمِ الْعِلْمِ الْعُلُومِ أَسْأَلُكَ  
 لَكَ سَخِرْ لِي الْمَاءَ وَمُظَاهِرَهُ جَمِيعِ الْحَوَاثِنِ وَالِدَرِّ وَالْمَرْجَانِ وَخَلْقَتَهُ وَأَجْلِبْ وَجَمِيعِ  
 الْمَحْبُوبِ وَالْمَعْشُوقِ وَالْمَقْصُودِ وَالنَّفْعِ وَالرِّزْقِ وَالْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَادْفَعْ عَنِّي  
 جَمِيعَ الْمَضَارِّ بِحَقِّ الْأَسْمَاءِ أَوْ سَطَهُ ظَاهِرُهُ إِنَّهُ مُحِيطٌ بِالْكُلِّ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ الْعَجَلُ  
 الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْوَحَا الْوَحَا الْوَحَا السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ عَزِمْتُ تَرَايِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْبَاطِنُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ الظَّاهِرُ الدَّيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا  
 أَنْتَ مَنَاجِيهِ رَاجِئِي الْأَرْضِ الْبَارِدِ الْيَابِسِ مِنْ حَلِيكَ يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَرَفٍ  
 وَكَمَالٍ اقْضِ حَاجَتِي بِبَارِدِ الْيَابِسِ دَهْلَعْرِخُ جَزْ بَخْتَدَبْدُ خَطْفَصَقْ دَهْجَاوَكْ  
 وَالطَّيْنِ بَيْنَ الطَّيْنِ وَالنَّارِ مَعَ الرِّضَاءِ وَالْمَحَبَّةِ سَخِرْ لَهُ فَإِنَّتَ الْكَامِلُ بِكَمَالِ جَمَالِكَ  
 وَكَلِمَتِ عُقُولِ نَفُوسِ الْأَجْسَامِ بِكَمَالِ كَمَالِكَ أَقْسَمُ عَلَيْكَ يَا بَلِيَّا يَا سَرَّاطِيلَ يَا مُحْكَمَائِيلَ  
 يَا عَزْرَائِيلَ بِحَقِّ حُكْمِ الْحَاكِمِ الْحَكِيمِ أَسْأَلُكَ سَخِرْ لِي الطَّيْنِ وَمُظَاهِرَهُ جَمِيعِ الْجَادِّ وَالْمَعَادِنِ  
 وَالنَّبَاتِ وَالْأَنْثَامِ وَالْحَيَوَانَ وَالْإِنْسَانَ وَخَلْقَتَهُ وَأَقْبِضْ لِي جَمِيعِ الْمَحْبُوبِ وَالْمَعْشُوقِ وَالنَّفْعِ  
 وَالرِّزْقِ وَالْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَادْفَعْ عَنِّي جَمِيعَ الْمَضَارِّ بِحَقِّ الْأَسْمَاءِ وَسَطَهُ بَاطِنُ وَبِحَقِّ  
 إِنَّهُ مُحِيطٌ بِالْكُلِّ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْوَحَا الْوَحَا الْوَحَا السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ



وبأيد كدر وقت قرائت بخور عنصر بكار دار بعده عزيمت كوكب بخواند و بخور كوكب  
 يسوزد و باید كدر قرائت اولین و عزائم طبایع و كواكب اینچنین سرعت كند كرسا<sup>عت</sup>  
 كواكب نرود عزیمت زحل : ایها السید العظیم اسمه الاكبر شانه الرفیع قد  
 برتة الغالب در جة الشدیدة انت الزحل البام والیاس المظلم النخس صادق  
 القول النصب التعب المتعود بالغم والحزن المتجلی من الطرب والفرح  
 المختال المكار العالم الفهیم الشیخ المحدث بالمشقی من اشقیته والسعید من  
 اتبعته اقسم عليك يا امر قائل بحق اجد التبع اجهت عشند وانت الشامل  
 بین الطین والریح اسالك سخر لی مظاهره ومظاهر ك جميع اهل المزروع واصحاب  
 السداع والشیوخ والجهود والكفار واهل القبور وتهلكه الاعلاء وغيره خلقتك  
 ایها الاب الزکی بحق الایك العظام واخلاتك الكرام ان تفعل بی مرادی  
 ومقصودی عزیمت مشتی ایها السید المبارك الحلیم الدین البارع  
 الزاهد البار العظیم الهیته المنافع الکریم السخی المغنی الوافی بالرهه اقسم عليك  
 بانجراد بحق هوزح عیلم وزر رضقله وانت الشامل بین النار والماء اسأ  
 لك سخر لی مظاهرها ومظاهر ك جميع القضاة والعلماء الظاهر والباطن  
 والسادات واهل المدرس واصحاب الورع والدیانات والشرماء وغيره خلقتك  
 ایها الاب بحق اخلاقتك الحمیده وافعالك النفیسة ان تفعل بی مرادی  
 ومقصودی عزیمت یریح ایها السید الفاضل الحار الیاس الشجاع  
 القلب المحرق للدم القوی الزکی القلب لقاهر الغالب الباطش الحسید



صاحب الشر والعداوة والضرب والسحر والكذب والنميمة البطاش قليل المبالاة  
 بالقتال الوحيد الغريب الحامل للسلاح الكثير النكاح اقسم عليك يا بهنيا بئيل بحق  
 طيكل هضرز يكثنخ خينخ وانت الشامل بين الماء والنار اسالك سخر لي مظهر  
 هرها ومظاهرك جميع الامراء والأتراك والعسس واهل الغراء واللات والآلات  
 واهل الشوكة والسارق والجلاد واهل الحديد وغيره خلقتك ان تفعل بي مراد  
 ومقصودي عزيمت شمس ايها السيدة الحارة اليابسة المنيرة الحكيمة  
 الرشيدة الكريمة ملكة الكواكب وقبايئهم ولك الفضل على جميعها وكل خدام  
 لك وهم بك يسعدون اذا نظرت ويجسون اذا جامعت فان تجالطت فعرفت  
 فضلك ان تدرك عنه الشك فهو منك اقسم عليك يا كليما بحق منسح طغشت لشط  
 تسحا وانت المطلق في النار الحارة اسالك سخر لي مظاهرها ومظاهرك جميع السلاطين  
 والملوك والامير الكبير والعزّة والعظمة والحشمة والوقار والكبرياء وغيره خلقتك  
 يا خيام السماء يا قوتي الاقوياء ويا شديد البطش ان تفعل بي مراد ومقصودي  
 عزيمت زهرة ايها السيدة المباركة الرطبة المعتدلة اللطيفة الفطرة الحسنة  
 الخلقة الضاحكة صاحب الحلية والرينية والذهب والفضة والنظيف والظريف  
 واللاهو والسماع والطرب الذي يتحرك به العيدان واللعب والمزاح القاهرة البها  
 طلة المستوجرة الهالكة متردد العباد الاله المحبة الخير النكاحه صاحب السرى  
 اقسم عليك يا اسمون بحق فصقر مفزع خطينخ ظرمذ وانت الشامل بين الريح والطين  
 اسالك سخر لي مظاهرها ومظاهرك جميع الخواتين والنساء واهل الخدم والجارية  
 والمطرب



والمطرب واهل النشاط وظهور اركان الدنيا والطاف السلطان وملاقات الامراء  
 وغيره خلقتك ان تفعل بي مرادى ومقصودى عزيمت عطارى ايها السيد  
 الفاضل الصادق العاقل الناطق الفهيم ساطر العلم الكاتب الحاسب لعالم باخبا  
 السموات والارض العليل لفرج المفسد المال بالتجارة صاحب الملك والجيش  
 القهار والساعد الطوية الصادق اللطف اللبيب فل يعرف لك طبع والقت فلم  
 توجد بوصفه وانت مع السعد وسعد ومع النحوس ونحس ومع الذكور ذكر ومع الاناث  
 اناث ومع النهارية نهار ومع الليلية ليل بمزاجهم وطبايعهم وتشاكلهم  
 كل لك وانت فيهم اقسم عليك يا اسكى بحق شتخ فكوت تنصض ذكرك  
 وانت الشامل بين الريح والطين اسالك سخر لى مظاهرها ومظاهرك جميع الورا  
 والتجار والمتعلمين والشاعر واهل الحساب والقلم وغيره خلقتك ان تفعل بي  
 مرادى ومقصودى عزيمت قمر ايها السيد البارد الرطب المعتدل  
 الحميد الفرج السيد القاضى فى لتدبير المحب الدهر واللهو والعرك واللعب  
 صاحب الرشيد والاحبار وكتمان السر السخى الكريم الخليق انت اقربهم الينا فلما  
 واعظمهم ضرا ونفعنا وانت الوالف بين الكواكب الناقل بانوارها والمصلح بين  
 بعضها ببعض بصلاحك بصلاح كل شئ وبفسادك يفسد كل شئ الله لك الكلام  
 والشرفية والفضل اقسم عليك يا نقويلى بحق دضطغ شصند محطوق  
 نقطب وانت المطلق فى الماء البارد اسالك سخر لى مظاهرها ومظاهرك جميع عوا  
 الناس والرسول واهل السفر والتجسس والصياد واهل الخير والة الصلح والمعة



والمعاجلة وحسن الملاحة وغالب الملائقات والصلح بين الاعضاء وغيره خلقتك  
 ان تفعل بي مرادى ومقصودى ايضا اسماء الهى بدعوت كواكب اول شهر  
 اسم بجا او در بعده دعوت ايشان بسرعت مقصد دست دهد اول دعوت حصار ته  
 كنانا مقطعات نیز گویند بدانكه اين دعوت بجهت رت رجعت اسم تعیین کرده اند  
 هر طالبی که خواهد که اسرار دعوت اسما و ادعیه و آیات مفردة در یابد باید که اول  
 دعوت حصار ته بجا او در بعده بهر دعوت و شرایطی که خواهد مشغول شود تا آن  
 رجعت اسم نشود که در دعوت اسماء عظام و غیره همین اشکالست و هر کرا که عامل فرقا  
 اول نیز رجعت نشود چه بسیار طالبان بنادانستکی در اسرار دعوت آمدند و  
 بتحیر جانی دادند بدین صورت دعوت برابر که تمام حروف اسم یا ایه افسون یا  
 ادعیه برابر ایه که در قرائت و کتابت آیند و مدغم باشند رقم ان بکشد و دروازه  
 کانه طرح نموده بعد از طرح آنچه باقی عدد ماند از برج اول بشمارد هر جا که عدد تمام  
 شود ان اسم یا ایه یا افسون یا دعا موافق ان برج باشد تاثیر برج همان تاثیر اسم  
 و دعوت و غیره باشد اگر یکی ماند حمل و اگر دو ماند ثور و اگر سه ماند جوزا چنانچه  
 قبل ازین در غالب و مغلوب مسطور است برین قیاس بگیرد بعده اسرار برج و کواکب  
 و اسم اعظم یا ایه و افسون و دعا و اسرار اسم خود جمع نموده باموکل سماعی ضم ساخته  
 بایره رنك كوكب کرده و بدان رنك كوكب هیات برج بنکارد و بر او مصلّا قرار  
 کند و میان دایره بنشیند و عطرش بکارد و در وعظمت عنصر و کواکب خوانده  
 عدد مجموع بیک مجلس ان اسم و ایه و افسون و دعا تمام کند و آغاز از ساعت او است

برابر کواکب

اول ماه دعوت

حصار راجح

و غیره

تا رجعت اسم

رقم رتور

و مقصود







وتكرار وتوهم ودر اینجا شش شرایطند فقط یکی بر قاعده الوفات دویم بر قاعده  
 مات سیم بر قاعده العشرات چهارم بقاعده الاحاد پنجم تکرار ششم توهم قواعده  
 کثیر بر الوف و اقل بر عشرات وقاعده اوسط بر مات واحاد بضر و ریاست یکی  
 از این هر چهار بگیرد بتکرار و توهم بخواند اما اولی آنست که زیاده نکیرد و الا هر چه  
 میسر آید گرفته عامل گردد بدین سند بعد دحروف اصل و وصل و حرکات الوف  
 یا مات یا عشرات یا احاد بگیرد بدین قسم که خذ حرفا قل الف و مایه و عشرة و اهل  
 این جمله عدد جمع کرده بار قام ضم ساخته بخواند و تکرار آنست که لفظ اول را با اخر ضم کرده  
 بخواند و توهم آنست که تمام معانی آن اسم ملاحظه کند و باید که بدایره بنشیند  
 و هر دوسر دایره بسوزن فولاد بدو زد و بوقت دوختن سور را فاتحه با تسمیه بخواند  
 و دعای فتح باب مسطور بخواند و بوقت برخاستن نیز این عمل نکاهد آمد و مرور  
 اول قبل از قرائت اعداد مذکور این آیه را که ثبت میشود ۰ ع ۳ بار بخواند بعد  
 اسم بطریق که باموکللات سماعی و حرفی و استخراجی در اول و اخر مسطور است بخواند  
 و آید اینست شَهِدَ اللهُ اَنْهُ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلَاَئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ  
 لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ و عزیمت کوب و بخور در کار دارد تا شرایط  
 ساقط شود طریق دعوت اجمالاً معلوم کند بعد دحروف اصل غیر مکرر الو  
 فات بگیرد و بعد د نقاط اصل مات بگیرد و بعد د نقاط ترکیب حروف اصل عشرات  
 بگیرد بدین طریق خذ حرفها اصلاً قل الفاً و خذ نقطه حرف اصل قل مایه و  
 خذ ترکیب حرف اصل قل عشرات و بعد و حرکات عشرات الوف بگیرد و بعد د نقاط حرکا



حرف اصل الف بگیرد بدین طریق خذ حرکت اصل و قل عشر الف و خذ نقطه حرکتها  
و قل الفاء و بعد د حروف وصل مات بگیرد و بعد د نقاط حرف وصل عشرات بگیرد  
و بعد د نقاط ترکیب حرف وصل احاد بگیرد بدین طریق خذ حرف وصل قل مائة  
و خذ نقطه وصل قل عشر و خذ نقطه ترکیب وصل قل احداً و بعد د حرکات وصل  
الف بگیرد و بعد د نقاط حرکات وصل مات بگیرد بدین طریق خذ حرکت وصل  
قا الفاء و خذ نقطه حرکت وصل قل مائة و اقام اصل و وصل بگیرد و  
شدن این دعوت بدانکه نقطه اشارت بعالم غیبست و حرف اصل حکم جسد دانه  
و وصل حکم اعضا است و اقام حکم رُوح و حرکت حکم عقل دارد و نقطه حرکات  
نیز اشاره بغیبست اگر نقطه غیب نباشد حرف اصل صورت نبندد و اگر حرف  
اصل نباشد وصل از کجا اید یعنی اگر شخص نباشد ظهور روی صورت نبندد و  
اگر اقام پیدا نیاید حرف وجود نیابد یعنی رُوح با جسد پیوند دارد و اگر رُوح  
نباشد جسد متحرک نکردد و اگر جسد نباشد رُوح متصرف نکردد و رُوح با  
جسد پیوند دارند بایکدیگر اما اگر فاعل عقل نباشد قدرت هر دو کس  
بامر موافق جاری نشود پس حرف و اقام را حرکت در فعل آورد هر که دعوت  
حرکات کند ماهیت علم علوی و سفلی در یابد و اکثر مغیبات بروی ظهور یابند  
بدان سبب در این دعوت حرکات از همه مزید شده است زیرا که اگر حرکات نباشد  
حروف در تعطیل افتد بعد د دعوت هفت کواکب بعد از ادعای شایسته هفت  
اسماء کواکب در اید و دعوت هر کواکب بدو سند مذکور میشود بهر سندی که خوا



دعوت مشتری

۱۲۲

داعی باشد اول دعوت مشتری بقواعد و آداب و احتیاط تمام مذکور بعد از غسل  
 و ادای دو کانهای مذکور بدعوت مشتری قدم گذارد تا ۱۲۰ روز هر روز اسم  
 صاحب عزیمت ۰۰۰ بار بخواند اول عزیمت هفت بار بعد اسم بغیر موکل  
 شروع کند هر روز ۰۰۰ بار و قواعد قرائت ابتدا و انتها بخواند و موکلات برقع  
 و کواکب مع اسم اعظم هر روز یاد دارد و بخواند و مع البخور دعوت کند <sup>دو یضاً</sup>  
 سند دعوت کواکب مسطور است که اول عزیمت ۰۳ بار بخواند و اسم صاحب عزیمت  
 ۱۲۹ بار بخواند اسم صاحب عزیمت با موکلات اینست احب یا الو یا یسریع  
 یا غاییل یا یلنا ییل بحق یا غالی الشا مخ فوق کل شیء علو ارفعاه یا غالی  
 و بعد چهار تابعین با هر سه موکل ۲۱ بار بخواند تابعین اول احب  
 یا دود یا ییل یا هایل یا بیوا ییل بحق یا هادی تهدیت بالهدایة والهدایة  
 فی هدایة هدایتک یا هادی تابعین دوم احب یا رفقا ییل یا واییل  
 یا دود یا ییل بحق یا واحد الباقي اول کل شیء و اخره یا واحد تابعین  
 سیم احب یا سر فاییل یا زاییل یا ند بیاییل بحق یا زین تزینت بالزینة  
 والزینة فی زینة زینتک یا زین تابعین چهارم احب یا تنکفیل یا خاییل  
 یا ذونا ییل بحق یا حمید الفعال ذا المن علی جمیع خلقه بلطفه یا حمید  
 طریق اول و اخر و بخور و ساعت ملاحظه کند و حاضر وقت خود باشد که بعد  
 از مدت ایام مسطور نگاه پیری خوش و خندان و شیرین زبان بلباس سبز پیش  
 مسبح حاضر آید و اگر کسوت را تغییر دهد بتغییر لباس دهت بخورد و چون آن



پیرمرد اید سلام کند مُسَبِّح جواب دهد و تواضع بسیار کند آن پیر بنشیند و بگوید که  
 ای صاحب دعوت بدان و آگاه باش که در این وقت کار عالم نیک خواهد شد و شقا<sup>وت</sup>  
 بسعادت مبدل گردد من بدین عالم نیایم مگر وقتی که صاحب دعوت دعوت کند  
 اکنون مخصوص تو آمده ام ای مسَبِّح تو را چه مقصود است جواب گوید که مقصود من  
 آنست که دوست من باشی و بر تبت سعادت ازلی وابدی رسانی مشایخی قبول  
 کند و گویید من محب توام و بدوستی تو آمده ام و مطیع و مستخر تو باشم اکنون بدان که  
 تو را قبول کردم و عهد پذیرفتم باید که همیشه با وضو و طهارت باشی و آداب شریعت  
 بخیزد لازم داری و غذا اندک خوری چون سخن تمام شود برخیز و دست اخلا<sup>ص</sup>  
 به صاحب دعوت گذارد و بگوید بهر کاری که مرا بخوانی حاضر ایم این بگوید و از  
 چشم صاحب دعوت غایب شود ناگاه صاحب دعوت را علو درجات روی دهد  
 و باد که مواعظ مشایخی نگاه دارد تا همواره مسعود باشد دویم دعوت مَرْنَح  
 بقواعد و آداب و احتیاط تمام بعد از غسل و ادای دو کانهای مذکور و شرایط مسطور  
 بدعوت مَرْنَح در اید تا ۴۰ روز هر روز اسم صاحب عزیمت ۴۰۰۰ بار بخواند  
 اول عزیمت ۷ بار بعد اسم بغیر موکل شروع کند و قواعد قرأت ابتدا و انتها  
 بخواند ن موکلات بروج و کواکب اسم اعظم یاد دارد و دعوت کند دویم طریق  
 دعوت این کواکب آنست که اول عزیمت ۲۵ بار و اسم صاحب عزیمت تا ۵۰  
 روز هر روز ۹۲۵ بار با هر سه موکل بخواند بعد چهار تابعین با هر سه  
 موکل ۱۲۵ بار بخواند و اسم صاحب عزیمت با موکلات اینست اجب یا لویا



یا مضطرب یا یل بحق یا عظیم ذو الشّناء الفاعل والعزّ والمجد والکبریا فلأ  
 ینال عرّه یا عظیم تابعین اوّل اجب یا اسماعیل یا طایئیل یا عطک یا یئیل  
 بحق یا طالع تطلعت بالطلوع والطلوع فی طلوع طلوعک یا طالع تابعین  
 دویم اجب یا سیراکیط یا یل یا یا یئیل یا بمغر یا یئیل بحق یا یقین الموقنین  
 فی حقیقه الدین یا یقین تابعین سیئر اجب یا حرو زائیل یا کائیل یا  
 رکطیا یئیل بحق یا کبیر انت الله الذی لا تهتدی لعقول لو کشف  
 عظمته یا کبیر تابعین چهارم اجب یا طاطا یئیل یا الایئیل یا نمو یا یئیل  
 بحق یا لطیف تالطفت باللطف واللطف فی لطف لطفک یا لطیف  
 وطریق اوّل و آخر و بخور ساعت ملاحظه کند و حاضر وقت خود بوده باشد  
 بعد از مدت ایام مسطور در آخرین دعوت غلغل و آشوب صعب بار هست  
 پیدا شود و مقدار پنج ساعت همچنان ماند تا گاه مردی با مهابت بر مثال کنبد سرخ و  
 تند و خون ریز و تیره چشم و نحید و سبلت بزرگ تیغ برهنه بد و دست گرفته از در  
 خلوت مسبح در آید و سلام کند و بروایتی سلام نکند و بنشیند و آن تیغ را بر زانو  
 خود گذارد و لب بچنانند اما نتوان دانست که چه میگوید باید که مسبح نترسد و  
 مشغول با اسم باشد و در دست و بلند بخواند و اگر نه از ترس میخ اسم فراموش کرده  
 و باید که قبل از این اسم نوشته نگاهدارد تا بعد از فراموشی نظر کرده بخواند و اگر  
 معاذ الله از خواندن باز ماند میخ آن تیغ بر سر داعی زند و هلاک کند و اگر  
 بتوفیق الهی بخواند آن استقامت یافت میخ یک ساعت پیش مسبح بنشیند



و گوید ای فرزندان آدم تو را چه مقصود است عامل گوید مقصود من تسخیر تو است و  
میخواهم که موافق من باشی و بسعادت و فتوت که بتو تعلق دارد نصیب من گردانی  
میخواهم که قبول کرده و حمد تو گشتم که تو بقوت این اسم مرا از آسمان پنجم بر زمین را  
اکنون کسی که در عالم مخالف تو باشد او را بدین تیغ بزنم و هلاک کنم و تو را ماهیت  
اقلیم پنجم یکیک آگاه کنم باید که این سر با کسی ننویسی و اگر نه از تصرف این اسم بازمانی و علویا  
نظر از تو باز گیرند چون میرخ وصیت تمام کند یک خاتم عقیق جوهری بمسبح دهد و خطی  
بر آن خاتم نوشته باشد و آن عقیق جوهر آسمانی بود ماهیت آن کسی نداند مگر الله تعالی  
و اگر آنرا یکی نماید و اسرار اشکارا کند آن خاتم از او برود و تصرف آن اقلیم نماند و چون  
میرخ خاتم بمسبح دهد و خاصیت آن نکوید باید که عامل التماس کند که امر زوی من  
آنست که نقش این خاتم را بمن بیاموزی میرخ بیاموزد و نقش خاتم این است  
یا تمخیشا ییل تمثیثا و یا شطی این اسماء عبرانی یاد کند و از وی اجازت خواهد  
تا خاصیت بیابد چون اجازت دهد از چشم غایب شود و هر وقتی خواهد که حاضر آید  
اینکسترمذ کور پیش نهاده اسم بخواند حاضر آید سیم دعوت شمس بقواعد و اداب  
و ادای دو کانه های مذکور بعد از شرط مذکور بدعوت شمس در آید و دعوت این کوکب تا  
۱۵ روز است و قرائت آن از وقت طلوع تا وقت غروب علی التواتر و التوالی بی عدد  
بخواند و اول باید که فکر خود از مال و منال و جاه و حشمت دنیا از دل پاک برون کند  
بعده بخلوت دعوت آید و هر سرّی که از آفتاب ظاهر شود با محرّی نکوید و بدل داند که  
آفتاب را تسخیر میکنم و بزبان اهسته اسم را بتکرار و توهّم بخواند و هر بار با و بلند



گویند یا شمس اجب داعی الله تاملت مذکور تمام شود دویم طریق دعوت این کوا  
 اینست تاملت مذکور اول عزیمت ع ۱ بار بعده اسم صاحب عزیمت با هر سه موکل  
 ع ۲۵۰ بار بعده چهار تابعین را با هر سه موکل ع ۲۵۰ بار بخواند تا غروب  
 شمس اسم فرد صاحب عزیمت بخواند و هر بار گوید یا شمس اجب داعی الله واسم  
 صاحب عزیمت اینست اجب یا ثرفایئل یا زایئل یا عیطیا یئل بحق یا زاکی  
 الظاهر من کل افة یقُدسه یا زاکی تابعین اول اجب یا س و یا یئل یا ما یئل  
 یا البکیا یئل بحق یا مبدی لبر یا و معیدها بعد فناءها یقُدسه یا مبدی  
 تابعین دویم اجب یا حوالایئل یا نایئل یا مفظایئل بحق یا نصیر  
 النصر والنصر فی نصر نصرک یا نصیر تابعین سیم اجب یا همواکیل یا سائئل  
 یا کصایئل بحق سبحانک لا اله الا انت یا رب کل شیء و وارثه و رزقه  
 و راحه سبحانک تابعین چهارم اجب یا الوفا یئل یا غایئل یا مصایئل بحق  
 یا علام الغیوب فلا یفوت شیء من حفظه یا علام طریق اول و آخر و بخور و سائعت  
 و ملاحظه کند و حاضر وقت خود باشد بعد مدت ایام مذکور ناگاه و در می پیچند که  
 آفتاب از آسمان فرود آید و نزدیک او شود و از صورت خود بزرگ تر باشد چون نزدیک  
 عامل آید مثال کا و پیش سرش بود بصورتی جمیل و شکلی ملیح نماید و بدین او دل عامل  
 مفرج و منشرح گردد و از وصول او هیچ بدست نگیرد و قبول نکند تا آفتاب بعاملش  
 گیرد و طریق موالده و محبت آفتاب انست با صاحب دعوت بمباحثه پیش آید و بگوید  
 این عامل چه مقصودی دارد هر مقصودی که او را باشد بشیرین زبانی و نرمی بگوید و اسم را



از سر گیرد و بروی افتاب تیز نکرد تا افتاب او را گیرد و وجوه او را منور گرداند و بگوید که  
 تو را قبول کردم و هر جا باشی حاضر باشم و آنچه بگویی تو را مهیا کنم و عهد کردم که بهر  
 دعوت کنی بیایم چون شاهد فلک این سخن بگوید صاحب دعوت داند که خورشید از  
 فلک باز خواهد آمد برخیزد و در دست بر سینه گذارد و دعا و تواضع بسیار نماید  
 تا ترک فلک بالاسرود و عامل نظر بر آن دارد که بجای خود چنانچه بوده همچنان شود و  
 بعده صاحب دعوت در مراقبه رفته با منظور خود حاضر وقت باشد هم در آن زمان  
 غلبه خلق بسیار شود و صاحب دعوت رجوع کند و باوازی بلند گویند برخیز و بر تخت  
 محاکت بنشین که پادشاه مائی و پادشاه دیگر را از پیش برداشتیم و حکم تو قبول کردیم  
 و همه خلایق بر آن متفق میشوند باید که صاحب دعوت بسخن ایشان ملتفت نشود و  
 از دایره در نیاید و بر تخت ننشیند که در آن رواست و زور خلل پذیرد بعده یکس  
 دیگر را تا مدت یک اسبعین بجای خود بنشاند و خود نیز شاغل ماند دیگر با هر طریق  
 مذکور بطلب صاحب دعوت آیند که عامل برخیزد و بر تخت بنشیند بفرمان  
 الله تعالی بسامدت در سلطنت تمتع یابد و حق تعالی توفیق خیر بخشد تا بهرامی  
 برضای حق مامور ماند و چون بر دولت سلطنت و شوکت و سعادت دیر ماند  
 باید که قَرَدُ وَاَقَانْ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى زَادَ دَارِکَینَ بر خویش گویند تا از برکت  
 صحبت او اتباع او بجز در صلاح کوشند که الناس علی دین ملوک کهم  
 چهارم دعوت زهره بقواعد و آداب و احتیاط تمام مذکور بعد از غسل و ادای  
 دو کانه های مرقوم بعد شرایط مسطور در دایره بر این دعوت در آید و دعوت



مربوط دوم

۱۲۸

این کوکب تا سی روز است و آن شهر شعبانست و قرائتش هر روز ۵۰۰۰ بار  
 اسم صاحب عزیمت بخواند اول عزیمت ۱۲ بار بخواند بعد اسم بقواعد قرائت ابتدا  
 و انتهای بخواند موکلات بروج و کوکب و اسم اعظم بطریق مکتوب هر روز معمول دایم  
 و اسم فرد بغیر موکلات بعد دستور بخواند دویم طریق دعوت این کوکب اینست  
 اول عزیمت ۹ بار و اسم صاحب عزیمت تا ۱۲۱ روز ابتدا از تاریخ بیستم جمادی<sup>الآخر</sup>  
 تا انتهای شعبان هر روز ۱۲۱۰ بار بخواند با هر سه موکل اسم صاحب عزیمت با هر سه<sup>کلا</sup>  
 اینست احب یا حو لایل یا نایل یا راکجیا بیل بحق یا نور کل شیء و هذله  
 انت الذی فلق الظلمات بنوره یا نور و هر چهار تابعین را هر يك با سه موکل  
 ۲۰۱۲ بار بخواند تابعین اول اینست احب یا سر حاکیل یا فایل یا حشعقیایل  
 بحق یا فتاح تفتح بالفتح والفتح فی فتح فتحك یا فتاح تابعین دویم احب  
 یا احمیا بیل یا صابیل یا عطا بیل بحق یا صمد من غیر شبه فلا شیء کمثله یا<sup>صد</sup>  
 تابعین سیوم احب یا عطر بیل یا فایل یا سفطکیا بیل بحق یا قدوس الظاهر من  
 کل شیء فلا شیء یعاده من جمیع خلقه بلطفه یا قدوس تابعین چهارم احب  
 یا امواکیل یا اربیل یا محقق بیل بحق یا رحیم کل سیرح و مکروب و غیاثه و  
 معاذه یا رحیم و طریق اول و آخر و بخور و ساعت ملاحظه کند و حاضر وقت خود  
 باشد و بعد از شرایط که بعمل آید بعد از مدت ایام مسطور در آخرین دعوت شخصی  
 با صورت و جمال و خوش طبع نزد مسبح حاضر شود و بردست اوالت ساز موسیقی چنگ  
 یا بربط و مثل آن بوده باشد و نزد مسبح حاضر شود و سلام کند صاحب دعوت ببقای<sup>ی او</sup>  
 مفرج شود



مفرح شود و آن جوان ساز خود بنوازد باواز خوش تا مسبح را سست کند اما مسبح خود را هشیما  
 دارد و بخواند آن اسم مشغول باشد بعد از آن شخص را و بصاحب دعوت ارسد و بگوید  
 ایچوینده که ماه پینهایت از این دعوت چه مطلوب داری مسبح گوید مقصود من حضور تو  
 است که هر وقت همدر من باشی و مرا همیشه باواز خوش خود خوشحال داری زهره قبول  
 کند که من عهد کرده که نظر در کارهای تو دارم و بهر مصلحت که خواهی حاضر شوم  
 این مهره بصاحب دعوت دهد بشکل بیضه و بر آن خط سبز نوشته باشد و بگوید  
 بهر کار که تو را حاجت بمن باشد این مهره پیش خود نهاده اسم من که کور بخوانی زود پیش  
 تو حاضر شوم این سخن گفته مهره تسلیم کند و برخیزد و از چشم مسبح غایب شود پنجم  
 دعوت عطار در بقواعد و آداب و احتیاط تمام بطریق مسطور بعد از غسل و ادای دو کانه ها و  
 مذکور بدعوت عطار در کمر آید و دعوت این کوکب نام مدت ۱۰ روز است جمله قرائتش  
 ..... بار بدین روزها قسمت کرده بخواند و در آن ایام دعوت دیگر نکند و بحجره  
 خود کسی را مذخل نکند و در آن حجره سه پاییز از چوب انار و پید و انجیر و کنار بسا  
 و اسم صاحب عزیمت فرد غیر موکل نوشته سه بار بر آن سه پاییز او بیزد و بخور زیر آن بسوز  
 و نام مدت دعوت مسبح از آن حجره برون نشود مگر بضرورت و طریق قرائت عزیمت و موکلات  
 بروج و نجوم و اسم اعظم بطریق ماضی هر روز عامل بود و عدد معین را بخواند و در هر طریق  
 دعوت این کوکب است که اول عزیمت چهار بار و اسم صاحب عزیمت تا ۱۰ روز با هر سه موکل  
 بار بخواند بعد از چهار تا بعین را با هر سه موکل ۱۰ بار بخواند اسم صاحب عزیمت  
 با موکلات اینست احب یا سوا یا یئیل یا مایئیل یا لیثربایئیل بحق یا مزل کل جبار عینید



بِقَهْرٍ عَزِيزٍ سُلْطَانَهُ يَامَزِلْ تَابِعِينَ اَوَّلِ احِبْ يَا هُمَا يَئِيلُ يَا شَائِيلُ يَا دُرْقَهَائِيلُ  
 بِحَقِّ يَا شَاهِدْ شَهْدَتِ الشَّهُودِ وَالشَّهُودِي شَهُورِ شَهُودِكَ يَا شَاهِدْ تَابِعِينَ ثَوْنِ  
 احِبْ يَا عَزْرَائِيلُ يَا ثَائِيلُ يَا مَعْتَكِيَا يَئِيلُ بِحَقِّ يَا نَامَ فَلَا تُصَفِّ الْاَلْسُنَ كُلَّ كَنَهْ  
 جَلَّالَهُ وَمَلِكُهُ وَعَزَّوْهُ يَا نَامَ تَابِعِينَ سَيُّوْمُ احِبْ يَا مِيكَائِيلُ يَا ثَائِيلُ يَا نَرْشِيَا<sup>يَئِيلُ</sup>  
 بِحَقِّ يَا ثَابِتْ ثَبُوتِ ذَاتِ فِي الصِّفَاتِ مَعِيَ الْاَسْمَاءِ وَالْاَفْعَالِ يَا ثَابِتْ تَابِعِينَ جِهَارِ  
 احِبْ يَا مِهْكَائِيلُ يَا خَائِيلُ يَا قَرْتَكِيَا يَئِيلُ بِحَقِّ يَا خَالِقُ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ كُلِّ الْيَوْمِ  
 مَعَاذَهُ يَا خَالِقُ وَطَرِيقِ اَوَّلِ وَاخِرِ وَبَحْرِ وَسَاعَتِ مَلَا حَظَّهُ كُنْ وَحَاضِرِ وَقْتِ خُودِ بُوْدِهِ بِاَشَدِّ  
 بَعْدَ اَزْمَدَتِ اَيَّامِ مَسْطُورِ دَرِ الْاَخِرِينَ دَعْوَتِ نَاكَاهِ پَيْرِي خُوبِ صُورَتِ بَا مَهَابَتِ كِتَابِي بِدَسْتِ كَفْتِهِ  
 پِيشِ دَايِرِهِ حَاضِرَايدِ وَكِتَابِ اَبْرَايْجَوَانْدِ مَسْلُحِ بَايْدِ كِهْ بَاوِيْجِ سَخْنِ نَكُنْدِ اَنْ پَيْرِ مَسْتَجِرَانِ پَرِسِدِ كِهْ اَبْصَا<sup>حِبْ</sup>  
 دَعْوَتِ اَزَايْنِ دَعْوَتِ چِهْ مَقْصُودِ دَايِرِي مَسْلُحِ كُوِيْدِ غَرَضِ مِنْ تَسْخِيْرِ تَوَاسْتِ بَا مِنْ عَهْدِ كُنْ كِهْ دَرِ وَقْتِ  
 قَهْرِ وَلُطْفِ مَمْدَنْ بَاشِي وَسَلَاطِينِ عَالَمِ اَسْخَرِ مِنْ كِرْدَانِي وَاقِيلِي بِاَقِيلِي اَكَاهِ كِرْدَانِي عَطَا  
 كُوِيْدِ بَدَايْجِهْ كَفْتِي قَبُولِ كَرْدِمِ وَهَرْ جَاكِ بَخَوَانِي حَاضِرِ شُومِ وَخَدِ مَتَكَارِ اَنْ خُودِ اَمَلِ اَزِ مَخْدَمَتِ  
 تَوَكَّرِ دَانِمِ بَعْدَ اَزَا اَنْ مُهْرُهُ بِشَكْلِ بِيضِدِ كِهْ بَرَا اَنْ خُطِ سَبْزِ نُوْشْتِهْ بَاشِدِ اَوْرِ بَدِ هَدِ وَاَنْ  
 نَشَانِ عَهْدِ نَامَهُ عَطَا رَدِ بَاشِدِ وَهَرْ كَاهِ خَوَاهِدِ كِهْ اَوْرِ حَاضِرِ اَرِ دَا اَنْ مُهْرِهِ رَا پِيشِ خُودِ<sup>نَهَا</sup>  
 اِسْمِ بَخَوَانْدِ وَبَخُورِ بَكَا رِ بَرْدِ عَطَا رَدِ حَاضِرِ شُورِ ششمِ دَعْوَتِ قَمَرِ بَقَوَاعِدِ وَاَدَابِ وَلِصِيَا  
 تَمَامِ بِطَرِيقِ مَدْ كُوِيْدِ بَعْدَ اَزْ غَسْلِ وَاَدَايِ دُوكَانِهَا وِشْرَا بِيْطِهْ مَزْ بُوِيْدِ دَعْوَتِ قَمَرِ دَرَايدِ وَدَعْوَتِ  
 اَيْنِ كُوْكَبِ تَامَدَتِ ۱۴ رُوزِ اَسْتِ بَعْرُوجِ مَاهِ هَرِ رُوزِ ۱۰۰۰۰ كَرْتِ بَخَوَانْدِ وَهَرِ بَا  
 بَكُوِيْدِ يَا قَمَرِ اَحِبْ دَا عِيَالِ اللَّهِ وَعَطَرِشِ رَا بَكَا رِ بَرْدِ وَطَرِيقِ قِرَاءَتِ عَزِيمَتِ مَوْكَلَاتِ وَبَخُورِ  
 وَاِسْمِ بِطَرِيقِ

دعوت



و اسم بطریق مذکور هر روز عامل بوده دعوت را بخواند دو تیر طریقه دعوت این کوکب  
 است که بروج ماه بعد طلوع قمر در مدت مذکور تا غروب قمر اول عزیمت ۱  
 و اسم صاحب عزیمت با هر سه موکل برابر قمر بعد بخواند و هر بار و تیر او رده بگوید یا قمر  
 اَحِبُّ دَاعِيَ اللَّهِ و باخر ساعت غروب هر چهار یا تابعین را با هر سه موکل ۴ بار بخواند  
 اگر قمر غروب شد فی باشد اسم صاحب عزیمت بخواند و اسم صاحب عزیمت با موکلات این است  
 اَحِبُّ يَا لَوْ مَا يَئِيلُ يَا عَائِيلُ يَا ذَوْ فَيَا يَئِيلُ بِحَقِّ يَا عَزِيزُ الْمُنِيعُ الْغَالِبُ عَلَى جَمِيعِ أَمْرِهِ فَلَا  
 شَيْءَ يَعَادِلُهُ يَا عَزِيزُ تَابِعِينَ أَوَّلُ أَحِبُّ يَا أَهْرَاطِيلُ يَا ذَا يَئِيلُ يَا أَحْبَرَ كَيَا يَئِيلُ بِحَقِّ  
 يَا ذَا الْأَسْمَاءِ وَالصِّفَاتِ وَالْأَفْعَالِ وَالذِّكْرَاتِ كُلِّهَا تَابِعِينَ دَوِّمُ أَحِبُّ يَا عَطْكَائِيلُ  
 يَا ضَائِيلُ يَا اذْقِيَا يَئِيلُ بِحَقِّ يَا ضِيَاءَ الضَّيْرِ فِي كُلِّ مَعْرِفَتِهِ يَا ضِيَاءُ تَابِعِينَ سَيُومُ  
 أَحِبُّ يَا لَوْ زَا يَئِيلُ يَا ظَا يَئِيلُ يَا رِصْنَعُ كَيَا يَئِيلُ بِحَقِّ يَا ظَاهِرَ تَظْهَرُ بِالظُّهُورِ وَالظُّهُورِ  
 فِي ظُهُورِ ظُهُورِكَ يَا ظَاهِرُ تَابِعِينَ چهارم أَحِبُّ يَا لَوْ خَا يَئِيلُ يَا غَا يَئِيلُ يَا نَجْطَخِيَا  
 بِحَقِّ يَا غِيَا يَئِيلُ عِنْدَ كُلِّ كَرْبَةٍ وَمَجِيبِي عِنْدَ كُلِّ دَعْوَةٍ وَمُعَاذِي عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ وَيَا  
 رَجَائِي حِينَ تَنْقَطِعُ حِيلَتِي يَا غِيَا يَئِيلُ وَطَرِيقِي أَوَّلُ وَآخِرُ وَخَوْرُ وَسَاعَتُ مَلَا حَظُّكَ  
 وَحَاضِرُ وَقْتُ خُودِ بُوْرِهِ بَاشْدُ چُونِ دَعْوَتِ تَمَامِ شُورِ قَمَرِ از آسَمَانِ بِصُورَتِ اِمْرِ دُفْرُودِ اَیْدِ  
 چنانکه مَسْمُوعِ رَا دِ اِنْفُوشِ کِیْرُ و بِصَاحِبِ دَعْوَتِ هَمِ کَلَامِ شُورِ و پِیْرُ سَدِ کِهْ اَیْمَسْمُوعِ از خَوَانْدَنِ  
 چِهْ غَرَضِ دَا مِیْ مَسْمُوعِ کَوِیْدِ دِیْدِنِ عَجَايِبِ وَ غَلَايِبِ عَالَمِ اَسْرُودِ اَسْرَمِ و از تُو مِیْخَوَامِ کِهْ هَرِ نَقْشِ  
 کِهْ دِرِ پُورِ غِیْبَتِ بَمِنْ بِنَمَائِي قَمَرِ قَبُولِ کُنْدِ و کَوِیْدِ کِهْ اَیْمَسْمُوعِ اَکْثَرُ دُرُودِ بَاشْدُ کِهْ مِیْنِ  
 یَا رِ تَوَامِ هَرِ وَقْتُ کِهْ مِیْخَوَانِي حَاضِرِ شُومِ و نُوْرِ اَدْرِ بَحْرِ رُوبِ و تَمَامِ عَالَمِ بَرِ عَجَايِبِ بِنَمَائِي



در خزانة مستبح گذارد و در تصرف او

۱۳۳

پس قمر مستخر او شود و مجموع زمر و نقره که در عالم است در خزانة مستبح گذارد و در تصرف او  
 آورد که او را در فاما باید که آن زمر و نقره بنظر دیگر نیاورد و هر چه بخاطر عامل بگذرد بظهور  
 پیوندد هفتم دعوت زحل بقواعد و آداب و احتیاط تمام مذکور بعد از غسل و  
 ادای دو کانهای مسطور بعد از شرایط مرقوم بدعوت این کوکب در آید و دعوت این کوکب  
 تا ۲۵ روز است هر روز ۲۰۰۰۰ بار بخواند و طریق قراءت عزیمت و موکلات برین  
 و بخوم و اسم بطریق هر روز عامل بود و عدد مرقوم را بخواند دویم طریق دعوت این  
 کوکب آنست که اول عزیمت ۴۹ بار و اسم صاحب عزیمت ۲۴۳ بار مع موکلات  
 بخواند تا ۴۹ روز و اسماء تابعین هر يك را با موکلات ۳۴۳ بار بخواند و اسم صاحب  
 عزیمت با موکلات اینست احب یا رب و یا یئیل یا دحصابیل بحق یا محمود فلا تبلیغ  
 الا و هام کل کنه شانه و مجده یا محمود تابعین اول احب یا اسرافیل یا ابیئیل  
 یا هکیابیل بحق یا الاله الاله الرفیع جلالة الاله تابعین دوم احب یا جبرئیل  
 یا تائیل یا ابرائیل بحق یا بارئیل لنفوس بلا مثال خلا من غیره یا بارئیل تابعین سوم  
 احب یا کلکائیل یا اجائیل یا علیدائیل بحق یا جامع تجمعت بالجمع والجمع فی جمع  
 جمعک یا جامع تابعین چهارم احب یا دکر داییل یا ادا یئیل یا محواییل بحق یا دایم  
 بلا فناء ولا زوال للملکه و بقائه یا دایم و طریق اول و آخر و بخور و ساعت و صوم  
 ملاحظه کند و حاضر وقت خود باشد که بعد از مدت ایام در اخر دعوت زحل حاضر شود  
 و هیأت او مهیب و سهمناک و تند و سیاه رنگ و غیور بود و او را چند دست باشد  
 و بدستهای مختلف الجنس و نزدیک دایرة مستبح بنشیند و بر تندهای غضب و  
 زواری بمسح



روئی بمسبح نکرود و در کلام اید باید که مسبح حرمت و عزت او را نکند و پیش او مودت  
 بود و هیچ سخن از خود نکوید و مشغول ببرد باشد و هر چه زحل گوید بشنود و چون زحل گوید  
 که ای فرزند آدم مقصود تو از این دعوت چیست هیچ جواب نکوید که مقصود من حضور است  
 که مرا در همه امور یاری دهی و ممد و معاون من باشی و کلید فتح مرا قلم من سپاری و زحل  
 این سخن بشنود و قبول کند و عهد بندد و پل گوید کار تمام شد بعد از آن از دست خود نرگس  
 دهد بستاند و ببوسد و بر سر گذارد و تواضع کند و آن کل نرگس را اسرار اسمانی باشد  
 باید که آنرا عزیز دارد و کسیر از آن سزاگاری ندهد و هر گاه که آن نرگس را ببوید  
 همه اسرار موجودات و مغیبات بر او متکشف شود و همه مخفیات و کنو رسلا طین ماضیه  
 که مد فون باشد در نظر عیان نماید و سر مودت و حیلۀ همه عالم معلوم گردد پس  
 زحل بر خیزد و برابر او نیز مسبح بر خیزد پس مراجعت نماید و از چشم عامل پنهان شود  
 و هر که غرض حضور او باشد نرگس پیش خود نهاده اسم مذکور را بخواند و زحل حاضر  
 شود ایضا عامل دعوت روزیته کوکب باید که هر روز از اسماء قمری که در  
 ۲۸ اسم بایره رجال الغیب و ادراک توایمخ شهر مسطور است هر روز یک اسم از  
 آن اسم بخواند هر روز شمره دیگر یابد هر یک اسم را بعد از نماز ۱۰۰ بار بخواند بعد  
 ۱۲ اسم ۱۲ بار بخواند و هر یک اسم را در هر ماه بعد از هر نماز ۱۰۰ بار بخواند  
 بدین طریق محرم الحرام یا اِلَهَ الْاِلَهِهِ الرَّفِیعَ جَلَّالَهٗ یَا اِلَهَ صَفَرِ یَا دِیَّانَ  
 الدِّینِ کلِّ یَقُومُ خَاضِعًا لِرَهْبَتِهِ وَرَغْبَتِهِ یَا دِیَّانَ رَبيعِ الْاَوَّلِ یَا رَحْمَنُ کلِّ  
 شَیْءٍ وَرَاحَهُ یَا رَحْمَنُ رَبيعِ الْاٰخِرِ یَا عَجِیْبُ الصَّنَاعِ فَلَا تَنْطِقْ اِلَّا لِسَنَ



بِكُلِّ الْآيَةِ وَشَأْنِهِ وَنِعْمَائِهِ يَا عَجِيبُ جَمَادَى الْأَوَّلِ يَا قَرِيبَ الْمُتَعَالَى فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ  
 غُلُوًّا رُفْعًا يَا قَرِيبَ جَمَادَى الْآخِرِ يَا كَافِيَ الْمَوْسَعِ لِمَا خَلَقَ مِنْ عَطَايَا فَضْلِهِ يَا  
 رَحِيمَ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ وَالْعَدْلِ أَنْتَ الَّذِي مَلَأَ كُلَّ شَيْءٍ عَدْلَهُ يَا كَرِيمَ شُعْبَانَ  
 يَا حَيَّ حِينَ لَا حَيَّ فِي دِيَوْمِيَّةٍ مُلْكِهِ وَبِقَائِهِ يَا حَيَّ رَمَضَانَ يَا قَيُّوْمَ فَلَا يَفُوتُ شَيْءٌ  
 مِنْ عِلْمِهِ وَلَا يُؤَدُّهُ إِلَّا قَيُّوْمٌ شَوْالُ يَا مَنَّانِ ذُو الْإِحْسَانِ قَدْ عَمَّ كُلُّ الْخَلْقِ بِقِيَمَتِهِ يَا مَنَّانِ  
 ذِي قَعْدَةٍ يَا مُبْدِعَ الْبَدَائِعِ لَمْ يَبْغِ فِي انْشَائِهَا عَوْنًا مِنْ خَلْقِهِ يَا مُبْدِعَ ذِي حِجَّةٍ  
 يَا غِيَاثِي عِنْدَ كُلِّ كُرْبَةٍ وَمُجِيبِي عِنْدَ كُلِّ دَعْوَةٍ وَمُعَاذِي عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ يَا رَاحِمًا  
 فِي حِينَ تَنْقَطِعُ حِيلَتِي يَا غِيَاثِي بَعْدَ اسْمَاءِ ١٢ بَرُوجٍ يَجْوَانِدُ بَيْنَ طَرِيقِ كَرَكَبِ  
 خُومَرَاءَ بِرَبِّنْدٍ كَمَا مَرَّ بِرُجَسْتٍ وَدِرَّانِ بَرُوجٍ چَندِ رُوزِ خَوَاهِدِ مَا نَدَّ بَعْدَ دَانِ  
 أَيَّامِ اسْمِ يَجْوَانِدِ حَمَلُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ  
 مِنَ الظَّالِمِينَ وَيَا هَادِي تَهْدِيْتِ بِالْهُدَايَةِ وَالْهُدَايَةِ فِي هُدَايَةِ هَدَايَتِكَ  
 يَا هَادِي يَا طَالِعَ تَطْلَعْتَ بِالطَّلَعِ وَالطَّلَعُ فِي طَلْعَتِكَ يَا طَالِعَ بَطْرِيقِ  
 اسْمَاءِ جَبَرُوتِي يَجْوَانِدِ شُورِ يَا دَاخِلَ تَدْخُلْتَ بِالْإِدْخُولِ وَالْإِدْخُولُ فِي دِخْوَلِ  
 دِخْوَلِكَ يَا دَاخِلَ يَا حَاكِمَ تَحْكُمْتَ بِالْحُكْمِ وَالْحُكْمُ فِي حُكْمِكَ يَا حَاكِمَ يَا  
 لَطِيفَ تَلَطَّفْتَ الْحِجْزَ يَا بَاذِلَ تَبَذَّلْتَ بِالْبَذْلِ الْحِجْزَ يَا وَاجِدَ تَوَجَّدْتَ الْحِجْزَ  
 يَا سِرَّ تَسَرَّتَ الْحِجْزَ سِرِّطَانِ يَا جَمِيلَ تَجَمَّلْتَ الْحِجْزَ يَا زَوَاجَ تَزَوَّجْتَ الْحِجْزَ  
 كَثْرَتُكَ تَكَثَّرْتَ الْحِجْزَ أَسَدُ يَا سَمَحَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا سَمْبَلُهُ  
 يَا عَالِي تَعَالَيْتَ مِيزَانِ يَا نَافِعَ تَنْفَعْتَ عَقْرَبَ يَا سُلْطَانَ تَسَلَّطْتَ الْحِجْزَ قَوْسِ  
 يَا فَتَّاحَ



یافتن تفتح الح یا شکور تشکرت الح یا ذاق تذوقت الح جدی یا رافع  
 ترفعت الح یا غنی تغنیت الح دلو یا صمد تصمدت الح یا ثواب تو بیست الح  
 یا ضیاء تضییت الح حوت یا قوی تقویت الح یا ثابت تثبیت یا ظاهر  
 تظہرت هر اسم از اسماء را تا آخر بطریق اسماء جبروتی بخواند بنوعی که در فصل اول  
 از باب دوم بعد از هر زحمود بعد ازین مذکور است عمل نماید فایده کسیکه بتسبیحات  
 مذکوره تمام سال و از ده ماه عمل نماید ۱۲ بروج مستخرطالع او شوند والسلام

ایضا بطریق تسخیر ارواح انبیاء علیهم السلام بدینکه برای تسخیر ارواح انبیاء و عروج روح  
 سالک بمقام علیین اسم ۱۵ از اسماء عظام یا نَقِیًّا مِنْ کُلِّ جَوْرِ لَمْ یَرْضَهُ وَلَمْ یَجْأ  
 لَطُهُ فَعَالَهُ یَانَقِیًّا باید خواند فایده لاهرکات اگر کسی یا نَقِیًّا را بتشدید یا وفعاله را  
 بفتح فا وضم لام بخواند متصرف و مالک همه اشیاء گردد و هر کرا صاحب عمل جازقی دهد  
 او را نیز تاثیر و حقیقت هر اسم متمثل شده در نظر آید و اگر یا نَقِی را بقرتشدید و  
 وفعاله را بکسر فا وفتح لام بخواند هفتاد هفته در خلوت در هر هفته ستر دیگری پیدا شود  
 بعد از ۲۱ هفته عالم سیمیا ظهور یابد و بر او متصرف شود چنانچه سرای دنیا است هم  
 چنان سرای باطن معور و آبادان بعجایب و غرایب پدید و هر کرا بخواند این اسم بخانه بر  
 و خواهد که عجایب بنماید تواند و در انخانه جمعیت ارواح پیغمبران و شهیدان در نظر آید  
 طریقه قرائت خُنْ حُرْ فَا قُلْ أَلْفَا بعد دعوت در آید و بدعوت از جمله تصور  
 باطل مبرا شود صفت ملکی در خود پدید و کم خور دن و کم خفتن و کم گفتن بر خود لازم  
 گیرد تا کل معلومات در عین عیان او منشرح گردد و مکاشفات و معاملات باطن نموده گردد



بَعْدَهُ دُرُ خَوَاصِ اِيْن اِسْم دُر اَيِد و خَلُوْتُ فِيْ حِسَابِ بَرَايِ دَعُوْتُ اِيْن اِسْم اَخْتِيَار كُنْد اِيْن اِسْم  
تَسْبِيْحِ اعْظَم خوانند و در اِيْن دَعُوْتُ عَامِل شُوْد تا آنكه جَمَال قُدْسِي در منزل او رَوِي نَمَايَد <sup>بَشَر</sup>  
آنكه از هَمْدِ عَلَاقِ دُنْيَوِي دَل خُود <sup>بَن</sup> پَاك دَا ر د نَا سَتَرِي بَرُوِي كَشَف كَرْد كه هِيْج سَاكِي رَا اَز  
مَقَامِ ظَاهِر نَشْتَدِه اِسْت و چُون خَلُوْتُ اَخْتِيَار كُنْد بَايْد كه بَكْنَا سَرَّةُ اَب يَالِب كُوْه يَاصْحَرَانِي  
بَاشْد كه فَرْدِيك اَبَا دَانِي بَنُوْد چِه اَكْر اَبَا دَانِي بُوْد هَمْد وِيْرَان شُوْد بَايْد كه مَلَا حَظْه اَرْد و صَاحِب  
دَعُوْتُ در خَلُوْتُ هَشِيَار مَانْد و در اَتْنَايِ دَعُوْتُ شَيْي اَز شَبَهَا اِرْوَاحِ اَنْبِيَاء عَلَيْهِمُ السَّلَام  
بَا صُورَتِ جَمِيْل بَرَاو اَشْكَا رَا شُوْنْد چنانكه اَز پَر تَوْجَمَالِ اِيْشَان خَانْد و مَحَلِّ مَنُوْر كَرْد و مَقَابِلِ او  
اِيْتَادِه سَلَام كُنْنْد پَس بِنَا ز مَشْغُول شُوْنْد عَامِل يَز رَوِي بَقِيْلَه اَو ر دِه مَشْغُول بَا سَم بَاشْد  
و در قِيَام و قُعُوْد مَوَافَقَتِ اِيْشَان نَمَايْد اِمَام بَعْد اَز فَرَاغِ اَز نَمَاز رَوِي صَاحِبِ دَعُوْتُ اَرْد و پَر  
كه مَطْلُوب تَوْجِيْهِيْت جَوَاب كُوِيْد كه بَر شَمَا پُو شِيْدِه بَنِسْت و سَخْنِ دِيْكِر نَكُوِيْد و نَتَر سَد و مَجَالِ خُود  
مُسْتَحْكَم مَانْد و خواندنِ اَسْمَا اَز دَسْت نَكْدَا ر د بَا ز هَمَان اِمَام اِرْوَاحِ اَنْبِيَا پَر سَد كه چِه مَقْصُود  
دَا رِي مَسْبُح كُوِيْد كه مَقْصُود مَن دِيْدَا ر حَقْسْت و دَانَسْتَن حَقَائِقِ اَشْيَا كَا هِي اِمَام اَنْبِيَا جَوَاب كُوِيْد  
كه مَا مَوْهِيْم بَفَر مَوْدَه تَكْلَمُ النَّاسِ عَلَي قُدْرَةِ عَقُولِهِمْ فَا مَا چُون دَر سَر تَوَايِن سُوْر اِيْلَا شَدِه <sup>اِسْت</sup>  
بَر خِيَز و هَمْرَاهِ مَاشُو دَل قُوِي دَا ر و تَسْبِيْحِ اِسْمِ اعْظَم مَكْدَا ر تَابِتَه خَانَقَاه تَوَلَّ بَتْدِيْر بَجْزِ اِيْمَانِ  
و عَجَايِبِ و غَرَايِبِ بِنَمَايْم مَسْبُحِ بَا طَاعَتِ اِيْشَان مَطِيْع شُوْد بَعْدَه اَكْر وَا حِ اَنْبِيَا بَا مَسْبُحِ بِيْشْتَر قُد  
قُد مَر زَنْتَد تا بَخَانَقَاهِ اوْل مَر سَنْد پِيْرِي وَا حِدَالِ عَيْنِ نَشْتَدِه مِيْبَاشْد و نَزْدَا وَا سَطْر لَاطِي  
نَهَادِه بَاشْد چُون بِلَا نَجْمَا ر سَد سَلَام كُنْد و عَامِل اَز پِيْر دَوْر و خَامُوشِ بَقْرَاءَتِ اِسْمِ مَشْغُول  
بُوْد و جَمَاعَتِ اَكْر وَا حِ تَا بِيْر مَتَكَلِّم شُوْد اَحْوَالِ وَاَعْمَالِ و قَبُولِيْتِ مَسْبُحِ اَز او پَر سَنْد او بَكُوِيْد مَن اَز اِسْمِ



قدیم در یافته بودم که این مرد مقبول حضرت شست چون جماعت ارواح این سخن را از <sup>پیر</sup>  
 نشنوند الحمد لله بگویند و پیشتر شوند تا بخانه قاه دویم رسند در آن نیز پیری نشسته <sup>شد</sup>  
 بصورت صاف و صوفی شکل و خوش طبع و دفترهای پیش نهاده جماعت ارواح بر او سلام <sup>کنند</sup>  
 و حال و مقصود عامل بر پیر اعلام کنند پیر گوید من در کتاب خود خوانده بودم که این مرد از  
 مقبولان حضرت شست جماعت ارواح الحمد لله گفته پیشتر شوند تا بخانه قاه سیتم رسند در <sup>آن</sup>  
 صورتی بینند با حسن و جمال مزایم طریق پیش خود نهاده باشد جماعت مذکور بر او سلام <sup>کنند</sup>  
 او جواب سلام دهد پس حال مستح بد و بگویند او گوید قبل از این در اسباب ساز معلوم کرده  
 بودم که این ذکر و لیس مقبول حضرت شست بعد از آن پیشتر قدم زنند تا بخانه قاه چهارم رسند  
 در آن مظهر همه موجودات نمودار شود و خود صاحب دعوت عین نور کرد که نشان آن مرد <sup>لست</sup>  
 و در آن محل شخصی نورانی موصوف بصفات حمیده پیش او تیغهای بسیار بود و طیور <sup>چند</sup>  
 خوش اواز گرد او بکردند و آن جماعت بان روحانی بمکالمه در آیند و احوال مستح بر <sup>آن</sup>  
 اعلام کنند او گوید که من پیش از خلقت ادم را ندانستم بودم که این مرد مستح مقبول <sup>حضرت</sup>  
 شست و از آنجا چون بخانه پنجم در رسند در آن شخص سرخ رنگ با مهابت نشسته <sup>شد</sup>  
 و تیغ برهند در دست گرفته اگر و اح انبیاء بر او سلام کنند و حال مستح اعلام نمایند  
 آن شخص گوید من پیش ازین بچند هزار سال دانستم بودم که این مستح مقبول حضرت شست  
 و از آنجا چون بخانه ششم رسند در آن پیری نورانی که آثار سعادت و خوش خوی <sup>بود</sup>  
 در او پید بود و کسوت علماء و قضات پوشیده نشسته باشد و چشمه آب پیش او روان <sup>بود</sup>  
 اگر و اح انبیاء بر او سلام کنند او جواب گوید و در آشنای کلام حال مستح از او پرسند



او گوید که در لوح محفوظ خوانده بودم که این مرد مقبول حضرت است پس از آنجا بخانه هفتم  
 روند و در آن پیری سیاه رنگ بامهابت تمام و صلابت و غیور نشسته و پیش و بسیار اشیا  
 مختلف الجنس نهاده باشد چون جماعت ارواح باور سکند سلام کنند و حال مستمع معلوم  
 کنند او گوید من پیش از این بچند هزار سال دانسته بودم که او مقبول حضرت است از آنجا  
 گذشته بخانه هشتم رسد که همه اشیا عجیب و غریب که در منازلهای گذشته دیده  
 باشند در این خانه مجموع حاضر آیند و جماعتی مختلف الاحوال و الاعمال بینند بعضی  
 در رکوع و بعضی در سجود و قومی بقیام و گروهی بقعد و طایفه تسبیح و جماعتی بذكر  
 لا اله الا الله محمد رسول الله و برخی بذكر لا اله الا الله علي ولي الله و طایفه بذكر  
 لا اله الا الله ابراهيم خليل الله و اندکی بذكر آدم صفي الله و قومی بذكر اسمعيل ذبيح الله  
 و طایفه بذكر عيسى روح الله و جمعی بذكر موسى كلیم الله و گروهی بنماز جماعت و قومی بنماز  
 منفرد و جماعتی بقراءت الا ان اولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون  
 مشغول باشند و هر باحوال و اقوال خود مستغرق و در آن خانه قنایل کرد و برگرد او بخت  
 باشد و مستحضر بعضی شناسند و بعضی نر و چون جماعت ارواح انبیاء بدیشان رسند سلام  
 کنند و آن قوم همچنان که او از سلام شنوند جواب سلام باز دهند و بنماز مشغول شوند باید  
 که مستمع مراقب حال خود باشد و متابعت ارواح انبیاء و تماشای عالم و حافی کنند ناگاه مهتر  
 انبیاء بر خیزد و ندا دهد که یا عباد الله المخلصین العارفین الصالحین اسمعوا اسمعوا  
 اسمعوا چون سه مرتبه این سخن بگوید آن غلغل و اشوب و غلبه تسبیح و تهلیل ساکن  
 گردد و جماعت ارواح خاموش شده مستمع گردند مهتر انبیاء علیه السلام خطبه بخواند که



و تجید خدای تعالی بکند و در اثنای خطبه فرمان شود که ای مقرران حضرت در حال این  
 مسبح چه میگویند مقرران جواب گویند که مسبح مقبول حضرت خداست چون این بشارت  
 بشنود از آن منزل در گذرند و چون بخانقاه نهد رسند در آن پیری عالم و بزرگ  
 نشسته بینند ارواح انبیا بر او سلام کنند آن پیر جواب گوید و مهتر انبیا آن پیر را برادر خود  
 خواند و در مسایل کتب و لئین و آخرین بحث کند و چنان تصویر شود که هر موی آن پیر تکلم  
 آمده است و بصورت بشر خود را نماید و مهتر انبیا علیه السلام فرماید که در حق این  
 مسبح چه فرمان شده پیر گوید من در علم قدیم قبل ازین چند هزار سال دیده بودم که این  
 مسبح از برکت دعوت این اسم مقبول حضرت حق تعالی است در اثنای دعوت کارهای  
 دنیای او بسیط شوند و اطلاق ناسوت و جبروت و ملکوت و لاهوت او را میسر شود  
 ارواح انبیا صاحب خانقاها را بگوید که حال این مسبح پیشتر چیست پیر گوید از این محل  
 پیشتر لامکانست و فیض بی نشان من از عالم لامکان میرسانم جماعت انبیا گویند  
 باریک الله بعد از آن پیر و جماعت ارواح انبیا متفق شده و بسوی عالم غیب کرده  
 بمناجات در آیند و بگویند ایخالق کل مخلوقات و ای صانع کل مصنوعات و ای پاک  
 کننده دل مؤمنان از معشوشات این مسبح را قبول کن ناگاه از عالم و حلالت صدابری  
 و در انصاف این معنی ثبت باشد که ای مهتر عالم و بهتر آدمیان بدان و آگاه باش که آن روز که  
 که این صاحب دعوت دعوت میگردان وقت او را قبول حضرت خود کرد ایندم  
 و هر فردند آمد که این اسم را بسیار گوید در جات انبیا و اولیا در نامه او ثبت شود بعد  
 از آن او را بی عظمت خیزد که ارجعوا ارجعوا ارجعوا ارجعوا این صدابشنوند جماعت ارواح  
 می خدا را دعوت کفر و نفاق را یقال الله و لکن قال اولیا الشیطان



انبیا اذان مقام باز کردند و او نیز همراه ایشان باز کردند و مصطفیات خانقاهها از خانقاهی  
تا بخانه قاهی با جماعت و لوازم خویش با احوال و انبیا و مسیح تا نشسته گاه مسیح برپند و دست  
صاحب دعوت بوسیده او را کنار گرفته و راع کنند و از نظر غایب شوند صاحب دعوت  
از فراق ایشان گریه و زاری و بیقرار می پدید آید چه اگر مسافر بی هزار سال سیر کند <sup>چنین</sup>  
عجایب و غرایب ندیدند و صاحب این دعوت باید که هشیار باشد و در وقت رحلت  
تصرف این اسم بمیرد یا بفرزند یا ببل بختد تا تصرف او بعد از او قایم باشد و باید  
که دعوت این اسم در مکانی کند که اصلاً گذر آدمیان در آنجا نیفتد و بی اجازت مرشد  
کامل متوجه دعوت نشود که بسم اسید بود و السلام

ایضا طریق دعوت ملك الارواح سلطان جن بدانکه برای تسخیر جن اسم عا است  
این است یا حنّان انت الذی وسعت کلّ شیء رحمة و علماً یا حنّان بخواند  
بدین طریق که اول شرایط دعوت قدسی بجای آورد چنانچه قبل ازین مسطور شده بکده  
بد دعوت در آید و مدت این دعوت تا هفت هفته بود و در هر هفته علامتی ظاهر شود نظراً  
شدن آن دل قوی دارد علامت اول آنکه چون سر و دیکر در کاین اسم را بسیار خوانده  
باشد عالم بچشم سبز نماید باید که دل قوی دارد علامت دوم آنکه روز هفتم دوتن نزد  
صاحب دعوت آیند یکی ملا یا دگر خلا و گویند که ای فرزند آدم مقصود تو ازین دعوت چیست  
برخی از و بکار دنیا مشغول شو مباد آنرا نقصان رسد باید که جواب نکوید و اسم را بلند بخواند  
و نترسد و الا بسم هلاک بود علامت سیوم آنکه چون روز دهم یا سیزدهم در خلوت  
رود و مشغول بدعوت شود و منتظر وقت باشد تا چه حال پیدا شود ناگاه مرغی سبز مانند <sup>ها</sup>  
بر سر او بنشیند



بر سر او بنشینند و بانگ کند و از جنس و مرغان کوچک تر از او بسیار جمع شوند و بانگهای عظیم  
 کنند و بنشینند باید که صاحب عزیمت دل قوی دارد و اسم مذکور را بلند بخواند و وفق  
 این اسرار و بروی خود بپاویزد بعد از آن مرغان بروند باید که دل قوی دارد و نترسد  
 علامت چهارم آنکه بروز هفدهم چون اسرار بطریق اول میخوانده باشد بعد از نماز دیگر  
 در خلوت او شخصی مرقع پوش بشکل دگر ویشان در آید و سلام گوید باید که صاحب دعوت  
 بجز علیک چیز دیگر نکوید تا بد دعوت خلل نیفزاید آن شخص زمان دراز بنشیند و سخن پیش  
 آید اگر صاحب دعوت بجز خواندن دعوت بجزیری مشغول شود هلاک گردد علامت پنجم  
 آنکه روز پست و هفتم هر که پیش او از جن و انس و دیو و پری و مؤمن و کافر بگذرد بنوا  
 یاطن مقصود ایشان دگر یابد اما باید که اسرار پنهان دارد تا دعوت تمام گردد علامت ششم  
 آنکه روز پست و هشتم تا چهل در میان مندل و مرتب بنشیند و دعوت بخواند چون دعوت  
 تمام شود و شب دگر آید چراغدان سبز پیدا کند و وفق این اسم در آن بگذارد و سر و غن  
 زیت و یاسمین دگر آن کند پنج شب یا هفت شب چنین کند تا گاه چهارم کرد پیش مندل  
 او پیدا شوند و گویند ای فرزندان آدم برخیز و از دایره بیرون ای مقصود توحیت اگر  
 مال خواهی بدیم و اگر عاشقی معشوق را بتورساییم و اگر علم خواهی پیامویم و اگر دشمن را  
 هلاک کنیم و سوکند یاد کنند که هر چه مطلوب تو باشد و اگر دایم باید که هیچ نوع سخن نگو  
 و از مندل بیرون نیاید و از جای نجنبید که بیم هلاک بود علامت هفتم آنکه در روز جمعه  
 غلغله پیدا شود و زلزله در خانه افتد و شمعها و مشعلها بپند در روز یادگر شب جمعی  
 هر یکی چراغهای سوزان بر مرکبی سوار بصورتهای مختلف پیدا شوند باید که حاضر



وقت خود باشد و اسم را بتواتر بخواند و نترسد ناگاه در میان ایشان سلطانی سوار بر شیر  
 بامهابت و ویش مثل بدر درخشنده خرامان ماهی بدست گرفته و بر اطراف او غلامان طبقه‌ای  
 نثار بردست گرفته و او ملك الاس و احست و سپی هزار پری در خدمتش حاضر چون بیاید سلام  
 کند باید که صاحب دعوت برخیزد و در دست بر سینه گذارد و جواب سلام باز دهد و قطعاً  
 سخن دیگر نکوید و بخواندن اسم مشغول باشد تا ملك گوید ای فرید که خدای عالم و ای عالم عامل  
 علم ربانی و ایدید که در باب انسانی و ای فرزندان آدم خلیفه حقانی مطلوب توحید است صاحب  
 دعوت گوید که خدای آسمان و زمین از تو خوشنود باد مراد من آنست که مرا بشکر خود بنمائی تا بهر  
 حاجتی که مرا باشد ممد باشند و نکت از کار من دور کنند و هر چه رضای من باشد آن کنند  
 و بهر مکانی که خواهم حاضر شوند و معاونت کنند و نظر محبت و مودت از من باز نگیرند بعهده  
 ملك الاس و اح او را بشکر خود بنماید و همه فرمان بردارند و ملك فرمان بردار او گردد و با او  
 آشنائی و گردند آنگاه بسیار عجایبها بینند و همه خلق بوی محتاج کردند و این اسم دعوت سلیمان  
 پیغمبر است ۴ و فقی که حضرت سلیمان ۴ دعوت این اسم کرد پنج موکلان حاضر آمدند و سخن  
 گفتند و معجزه پیغمبری را باستکمال رسانیدند تمام جای آتشی و بادی که در امور موکلات  
 بودند همه در امر حضرت سلیمان ۴ حاضر گشتند و فرمان بردار شدند و اسامی موکلات

اینست شایال دروایال شفایال نصره یال فریال والکلا

ایضا اگر کسی خواهد که علم سیمیا و همیمیا و سیمیا و یکیمیا حاصل کند باید که در دعوت حرکت الفاظ  
 مشغولی نماید که در تحت هر اسم سه علم غیر از یکیمیا مندرجست و علم یکیمیا خاصه اسم ۱۷ است  
 از اسماء عظام اینست یامنان ذالاحسان قد عم کلال الخلاق منه و فضله یامنان



بتأثیر اسماء جلالی عالم جلال و جمال مانند ان پیش عامل ظهور یابد بدانکه هر چیز بر امو<sup>کلیت</sup>  
که اگر موکل نبود ان چیز بر هر کس خورده همچنین موکل حروف و کلمات حرکات است اگر حرکات نبا<sup>شد</sup>  
حروف و کلمه بتعطیل آید و هر کس معنی اسمای کونی و الهی بصورت نگیرد و امر خلا<sup>ل</sup>  
او جاری نبود یقین دان که حقیقت عالم علوی و سفلی بحركات مسطور است هر که دعوت<sup>عوت</sup>  
حرکات بجای آورد اکثر مغیبات او را ظاهر کرد و در این دعوت سترای از اسرار الهیست  
که اکثر از این ستر اکاهی ندارند و باین فکر و پیش از پیر خود شیخ عیسی و ایشان از حضرت شیخ  
لشکر محمد عارف و ایشان از حضرت شیخ محمد غوث رحمة الله علیهم اجمعین رسیده باید  
که اول شرایط بجای آورد در عروج ماه روز پنجشنبه ترتیب غسل و دو کانه مذکور و عمل نما<sup>ید</sup>  
بقدره بدرنیت نصاب ۴۴۴۴ بار در موضع واحد بخواند و بدرنیت زکات هر روز جمعه  
به ترتیب مذکور شروع کند تا هفت روز هر روز ۱۰۰۰ بار و بدرنیت عشره جمعه  
ثانی ۱۰۰۰ بار دو کانه واحد و بدرنیت قفل روز شنبه اول راود و فاتحه و اخرا خلا<sup>ص</sup>  
و وسط اسم اعظم همچنین ۹۹ بار بخواند و بدرنیت دور و مد و رجله شمار مذکور یکی  
بد و کیر و بخواند و بدرنیت بدل ۷۰۰۰ و بدرنیت ختم ۱۲۰۰ بار بخواند و این شرای<sup>ط</sup>  
و فوق اعداد نیز کفایت کند هر که این شرایط بجای آورد صاحب دعوت حرکات الفاظ و  
و فوق اعداد کرد طریق دعوت دگر یابد اول موکلات کند بدین سند که تمام حرکات  
اسم بشمارد و ملاحظه کند که اهل فن چند نقاط هر حرکات را تعیین کرده اند پیش از  
پنج ذب از چهار زیر از سه جزم از شش تشدید از هشت نقاط است و حرکات  
هر کلمه اسم را بحساب نقاط جلا جلا رقم زنند و از ان رقم حروف ملاحظه ان



نوع +

۱۴۴

حروف متحرک و الف ساکن را با کله بسط ضم ساخته موکل کشد هر نوع که کشیده شود  
از احاد و عشرات و مئات و الوف هر وجهی که بر بط باید مقدم یا مؤخر جایز است  
چون از هر کله اسم موکل را کشیده باشد بعده الفاظ حرکات اسم را جمع کرده بطرز  
هند سه نویسد از آن دو موکل کشد بدین سند اگر الوف باشد از احاد تا الوف  
و اگر نه از احاد تا مئات و اگر نه از احاد تا عشرات آنچه از این امر قاهر باشد يك موکل  
کشد دیگر اگر الف باشد از الوف تا احاد و اگر نه از مئات تا احاد و اگر نه از عشرات تا احاد  
آنچه از این عدد باشد موکل دو می باشد باز الف را ترك دهد از مئات تا احاد موکل  
کشد باز مئات را ترك دهد از عشرات تا احاد و موکل کشد باز عشرات را ترك دهد از  
احاد تا دو عدد و موکل کشد باز عشرات را ترك دهد از احاد اگر يك بماند بگذارد که  
صدا حیت تقسیم ندارد آنچه سند استخراج موکلات بود بیان اقتاد الا ان بطریق  
دعوت آید بدانکه جمال اسم در شکل طاق آید یا جفت بسفال اب نرسیده ثبت نما<sup>ند</sup>  
و بحجره مدفون سازد و بعده حرکات اسم اعظم را معلوم کند و از آن حرکات بترتیب  
مذکور نقاط کشیده جمع کند و آن جمع را در ۹۹ ضرب نموده حاصل ضرب را در ۹۹ ضرب  
قسمت کرده عدد مقسوم هر روز بر سر آن شکل نشسته بضم موکلات داعی باشد انشاء<sup>الله</sup>  
سیرع الاجابت خواهد شد و هر آن عدد که قابل قسمت نباشد بر روز اخر موکلات مذ<sup>کور</sup>  
گور ضم ساخته بخواند والسلام

باب دویتم مقسوم پنج فصل است فصل اول در قدری از دعاء هر زحمود فصل دویتم  
در دعوت اسماء جبروتی کن فیکون فصل سیم در بیان حروف و صورت و خواص آن  
و حروف تنبیه



وَحُرُوفُ تَسْمِيَةِ وَشَرَايِطُ عَامِلٍ وَأَصُولُ جَمَلَةِ حُرُوفِ عَرَبِيٍّ وَجَدُولُ قِسْمَتِ أَشْيَانِ بِكَوَاكِبِ  
وَطَبَايِعِ وَمَنَازِلِ وَجَنِيهِهِ وَمَوَكِّلِ بَرَايِ عَمَلِ فَصْل ۴ در تسخیر حُرُوفِ وَكَيْفِيَّتِ عَمَلِ  
وَتَصَرُّفَاتِ حُرُوفِ فَصْل ۵ در تَكْسِيرِ حُرُوفِ وَضَابِطُهَا وَتَصَرُّفَاتِ سَلَفِ فَصْل ۶  
دُكْرُ دَعْوَتِ دَعَاءِ حُرُوفِ زَمْحَمُودِ بَدَائِكُ بَیِّنِ حُرُوفِ جَامِعِ هَدُوءِ اَدْعِيَةِ وَجَامِعِ اَسْمَاءِ عِظَامِ حَقِّ تَعَالَى  
وَدَرِ اِجَابَتِ سُرْعَتِ دَارِ دَوَاكَثُ خَوَاصِ حُرُوفِ مُشْتَرِكِ رَاجِعِ كَسْتِ بَرَايِ مَوَدِنِیِّ وَ  
دُنْيَاوِیِّ وَآلِیِّ وَاجَابَتِ دَعَا وَدَفْعِ دُشْوَارِیِّ وَبَرَايِ عِزَّتِ وَعِظَمَتِ وَكِبَرِیَا وَكَمَالِیَّتِ وَغِنَا  
وَقُرْبِ وَامْنِیَّتِ وَمَرْتَبَةِ وِلَايَتِ اَوْلِیَا وَبَرَايِ حَصُولِ عِلْمِ ظَاهِرِیِّ وَبَاطِنِیِّ وَعِلْمِ مَرَضِ حَقِّ وَتَقْوَى  
وَتَصْفِیَةِ قُلُوبِ وَتَرْكِیَةِ رُوحِ وَدِرَازِیِ عُمُرِ وَاوْلَادِ وَسَعَتِ رِزْقِ وَحَصُولِ اُمُورِ دُنْیَا  
نَظَرِ نِیْلِ دَوَجْهِتِ دَفْعِ فَقْرِ اضْطِرَّارِیِّ وَفَتْحِ فُتُوحَاتِ وَجَلْبِ قُلُوبِ وَقَلْبِ نَفُوسِ وَفَتْحِ وَنَصْرَتِ  
عُلُوقِ دِرْجَاتِ وَقَلْبِ قُلُوبِ وَرَدِّ اَعْدَاءِ وَتَسْخِیرِ خَلَائِقِ السَّمَانِ وَزَمِیْنِ وَبَرْوِ بَحْرِ وَعِنَا صِرَاطِ رُبْعِ  
وَاطَاعَتِ مَلِكِ وَمَلَكُوتِ وَبَرَايِ طَلَبِ وَمَحَبَّتِ وَاطَاعَتِ جَمَلَةِ سُلَاطِیْنِ وَوُزَرَاءِ وَاُمَرَاءِ  
وَحُكَّامِ وَعِلْمِ وَفَقْرِ وَزَهَادِ وَعِبَادِ وَعِشَاقِ وَغُرَفِ وَتِجَارِ وَعَسْكَسِ وَقَضَاتِ وَخُورِ دَو  
بُزُرْكَ وَمَرْدَانِ وَزَنَانِ اَزْجِنِ وَاَنَسِ وَتَسْخِیرِ كَوَاكِبِ سَبْعَةِ وَطَبَايِعِ وَكَشْفِ مَخْزُونِ  
وَمُسْتَوْرِ وَقَتْلِ اَعْدَاءِ وَپَنَاهِ اَزْ اِشْيَانِ وَبِشَارَتِ خَوَابِ نَمُودَنِ بَخْلَقِ خَلْدِ وَتَسْخِیرِ رَاكِبِ وَاَحْ مَلِكِ  
جَنِّ وَاَنَسِ وَبَرَايِ فِیضِ سَائِنِدَنِ بَاكِرِ وَاَحْ اَبَا وَاَجْدَادِ وَامْمَاتِ وَاقْرَبَاءِ خُودِ مَوْثِرِ اَسْت  
وَازْعَمِلِ بَا اِسْتِقَامَتِ مَعْلُومِ خَوَاهِدِ شُدِ وَاَكْرَبِیْكَ مَقْصِدِیِّ اَزْ مَقَاصِدِ مَذْكُورِ دَعْوَتِ  
كَندِ بَايْدِ كِهْ یَوْمِ مَقْصُودِ كِرْفَتِ دَاعِیِّ بَاشَدِ وَدَرِ اِیْنِ دَعَاءِ اكْثَرِ اَسْمَاءِ اِهَابَةِ مَلَكِ اَزْ اَنْبِیَا  
وَاَوْلِیَاءِ بُزُرْكَ مَنْقُولِ اسْتِ اَوْرَدِ شُدِ هِ خُصُوصًا اَزْ اَدَمِ صَفِیِّ ۴ وَابْرَاهِیْمِ وَیُوسُفِ ۴

219

۱۶۰



و موسی و عیسی و داود و سلیمان و بعضی از حضرات رسول صلی الله علیه و آله و سلم و بعضی از  
 حضرات ائمه معصومین علیهم السلام و از بعضی اولیاء مثل حسن بصری و حبیب عجمی و  
 عبدالواحد زید و بایزید بسطامی و عبدالقادر گیلانی و شیخ الشیوخ سید جلال بخاری  
 و شیخ محمد غوث ازهریک بن برک که نقل صحیح از نبی یا ولی که عیان شد جمع کردیم و عامل  
 شدیم و بسیار مؤثر یافتیم و مجرب کرده فقر است باید که از نااهلان پوشیده دارد اگر  
 در چهارده محل این حرز را به ۱۴ رکعت نماز صلوٰۃ القادر که بهر محل دو رکعت بکند  
 و بهر رکعت بعد از فاتحه ای **قُلْ اَللّٰهُمَّ رَا تَا اٰخِر ۱۴ بار تا ۱۴ روز** بطلوع قمر ابتدا  
 از بوم مقصود کند فی الحال مقصود را وی نماید طریق ورود و عمل نیم شب بعد از وضو و تحیة  
 و قبله بر مصلای ایستاده شروع کند و درین حرز ۱۴ اشارت اجابتند و بهر اشاره  
 بتصور عزم عالم علوی کند و درون اشارتها بیک یک مقام علوی بتصور آورد و بخود  
 و دعای اشارت را سه بار بخواند اگر برین استقامت یابد هر مقصدی که درین حرز مسطور  
 بنقد در یابد و سیر و طی مقامات علوی دست دهد و آنچه گفتیم از عمل معلوم خواهد شد  
 و آن مقامات علوی اول بفلک قمر دوم بفلک عطارد سیّم بفلک زهره چهارم  
 بفلک شمس پنجم بفلک مریخ ششم بفلک مشتری هفتم بفلک زحل هشتم بفلک  
 کروی نهم بفلک عرش دهم بعالم مثال یازدهم بعالم اکرّاح دوازدهم بعالم  
 سیزدهم بعالم غیب چهاردهم بعالم سفلی بسجودات متصور باشد بنوعی که در عین حرز  
 انشاء الله بجل خود گفته خواهد شد بعمل آید طریق شرایط و عدد در هر ۱۰۰ ضرب  
 کند و حاصل ضرب را تا مدتی که تواند بخواند و آن عدد را که روز اول میخواند هر روزها  
 عدد را بخواند



عدد بخواند و اگر روز بروز زیاد کند جایز است اما ازان که نکند تا شرط ساقط نشود  
 طریق دعوت ۹ عدد در ۱۲ ضرب کند و حاصل عدد در ۹ روز قسمت کرده  
 بخواند هر عدد که قابل قسمت نباشد بروز آخر بخواند سریع الاجابت کرد و دوم طریق دعوت  
 ۹ عدد در ۴۱ ضرب کرده عدد مستخرج برابر ۲۸ روز قسمت کرده بخواند و اگر تاخیر بیند  
 ۲۸ عدد در ۴۹ ضرب کرده عدد مستخرج برابر ۴۹ روز قسمت کرده بخواند و هر بار اسم  
 مقصود کثرت تکرار کند و طریق صور و احتیاط عمل و دعوت و دو کانه بنوعی که قبل ازین مسطور  
 شده بدان عمل نماید و در دعوت اول و آخر اعتصام بخواند و در میان هر زننها بخواند  
 و اول صلوات و سلام بر پیغمبر بفرستد بدین سننک **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**  
**الصلوة والسلام عليك يا محمد العربي الصلوة والسلام عليك يا محمد القرشي الصلوة والسلام**  
**عليك يا محمد المكي الصلوة والسلام عليك يا محمد بنو الله الصلوة والسلام عليك يا محمد رسول**  
**الله الصلوة والسلام عليك يا محمد حبيب الله الصلوة والسلام عليك يا شفيع الدارين**  
**الصلوة والسلام عليك يا قرّة العينين الصلوة والسلام عليك يا جد الحسن والحسين**  
**الصلوة والسلام عليك يا ابا الفاطمة الزهراء الصلوة والسلام عليك يا صاحب**  
**المنبر والمعراج محمد رسول الله اغثنني اغثنني وامد دني في الدنيا والخرة اللهم**  
**صل على محمد بعد من صلى عليه صل على محمد بعد من لم يصل عليه وصل على محمد بعد**  
**انقاس المخلوقات وصل على محمد بعد اللوح والدعوات وصل على محمد بعد ما خلق في**  
**لبدايات والنهيات من المعلوم والموجود الى ابد الاباد من اول ازله واوسط حشره**  
**واخر بقائه وصل على محمد بعد اللهمات والخطات من الايام والليالي والساعات**



إلى يوم الدين وصل على محمد كما تحب وترضى أن تصلي عليه وصل على محمد كما أمرتنا بالصلاة  
 وصل على محمد ما دامت الصلوات وبارك على محمد ما دامت البركات وارحم على محمد ما دامت  
 الرحمة وصل على روح محمد في الأبرار واج وصل على جسد محمد في الأجساد وصل على قبر محمد  
 في القبور وصل على تربة محمد في التراب صلوات الله وملائكته وانبيائه ورسله وجميع  
 خلقه وسلامهم ورحمتهم وبركاتهم وتحياتهم وتحياتهم بعد ما ظهر من  
 العدم وبعد ما بطن من الموجد إلى العدم ما في كينونية عوالم علم القدم على سيد المسلمين  
 محمد خير العالمين وعلى آله واصحابه واوليائه وازواجه وذرياته وجميع اهل طائفة  
 وعترته الطاهرين وعلى جميع الانبياء والمرسلين والملائكة المقربين وعلى عباد  
 الصالحين إلى يوم الدين آمين آمين يا رب العالمين والحمد لله على توفيق الطاعة  
 واستغفر الله على التقصير والغفلة سبحانك ما عبدتك حق عبادتك برحمتك يا  
 ارحم الراحمين بعده ابن اعتصام بن بجواند بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله  
 اقله بسم الله اوسطه بسم الله اخره بسم الله وباللهم والى الله وعلى الله فليتك كل ملوك  
 بسم الله شافي بسم الله كافي بسم الله وافي بسم الله كافي بسم الله معافي بسم الله خير الا  
 سماء بسم الله رب الارض والسماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض ولا  
 في السماء وهو السميع العليم يا على يا هادي يا قديم يا جليل يا متكبر يا خالق من في السموات  
 والارض اللهم احفظنا من مخوسه الشمس والقمر والمريخ والعطارد والمشتري والزهرة  
 والزحل والراس والذنب بحق يا الله يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا  
 احد يا حافظ يا عاصم يا عفو يا شفيع واعتصمنا بك منك انك على كل شيء وكيل ربنا



اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالْأَهْرَمَيْنِ وَالشَّيَاطِينِ وَالْأَمْوَاحِ وَالْمَلَائِكَةِ  
 وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَا خَلَقَ وَخَلَقْتَ بِقِرَاءَةِ هَذَا الدُّعَاءِ الْحَرِيزِ الْحَمُودِ يَا خَفِي الْأَلْطَافِ نَحْنَا  
 مَا نَخَافُ رَبَّنَا إِنَّكَ قَدِيمٌ وَاحْسَانُكَ قَدِيمٌ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ احْسِنَ إِلَيْنَا يَا احْسِنَا  
 نَاكَ الْقَدِيمُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ رَبَّنَا إِنَّكَ مَسْئُولٌ يَا مَسْئُولَ السَّائِلِينَ إِنَّا  
 نَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَسَاءِ وَخَيْرَ الصُّبْحِ وَخَيْرَ الْفَضَاءِ مَا جَرَى بِهِ الْقَلَمُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ  
 رَبَّنَا لَا تَقْتُلْنَا بِغَضَبِكَ وَلَا تَهْلِكْنَا بِعَذَابِكَ وَعَاقِبَتُنَا مِنْ بِلَادِكَ قَبْلَ ذَلِكَ  
 وَلَا تَطْرُدْنَا مِنْ بَابِكَ وَلَا تَيْسِّرْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَرَوْحِكَ وَلَا تَبْعِدْنَا مِنْ كَنَفِكَ  
 وَجِوَارِكَ وَاعْدْنَا مِنْ سَخَطِكَ وَغَضَبِكَ وَكُنْ لَنَا أَيْسَارًا مِنْ كُلِّ رَوْعَةٍ وَوَحْشَةٍ  
 وَاعْصِمْنَا مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ وَنَجِّنَا مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ دَافِعٍ وَعَاقِهٍ وَغَضَبٍ وَمُحَنٍّ وَشَدِيدٍ  
 فِي الدَّارَيْنِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ رَبَّنَا وَارْحَمْنَا وَلَا تَعَذِّبْنَا وَارْتُدْنَا وَلَا تَوَكُّبْنَا  
 عَلَيْنَا وَارْضْنَا وَارْضَ عَنَّا وَاعْنَا وَلَا تَعْنِ عَلَيْنَا وَكُنْ لَنَا وَلَا تَكُنْ عَلَيْنَا وَاحْفَظْنَا  
 وَلَا تَصْنَعْ عَلَيْنَا وَانصُرْنَا وَلَا تَخْذُلْنَا وَاسْتُرْنَا وَلَا تَفْضَحْنَا وَزِدْنَا وَلَا تَنْقُصْنَا وَاعِزَّنَا  
 وَلَا تَذِلَّنَا وَاکْرِمْنَا وَلَا تَهْجُنَّا وَاعْظِمْنَا وَلَا تَحْزِمْنَا وَلَا تَسْلُطْ عَلَيْنَا مِنْ لَا يَرْحَمُنَا فِي  
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ رَبَّنَا إِنَّ ذُنُوبَنَا قَدْ غَطَّتْ وَأَنْتَ اعْظَمُ مِنْهَا  
 وَمِنْ كُلِّهَا فَا فَعَلْنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ  
 رَبَّنَا اصْلَحْنَا وَاصْلِحْ فُسَادَ قُلُوبِنَا وَاصْلِحْ فُسَادَ أَمْوَالِنَا وَاصْلِحْ فُسَادَ صُدُورِنَا وَاصْلِحْ  
 وَلايَةَ أُمُورِنَا وَاصْلِحْ وَلايَةَ أُمُورِنَا وَاصْلِحْ ذَاتَ بَنِينَا وَاصْلِحْنَا بِمَا اصْلَحْتَ بِهِ  
 عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ وَيَسَاتُرُ كُلَّ مَعْيُوبٍ يَا سَاتِرَ الْعُورِ



يا عظيم العفو يا واسع المغفرة ائتك على كل شيء وكيل ربنا ائتك شافي يا شافي اشف  
 مرضنا ومرض المسلمين وارحم موتتنا وموت المؤمنين واقض حوائجنا وحوائج المحتا<sup>جان</sup>  
 ائتك على كل شيء وكيل ربنا ائتك حفيظ يا حفيظنا يا حبيبنا احفظنا من بين ايدينا  
 ومن خلفنا وعن ايماننا وعن شئائنا ومتعنا باسما عنا وابصارنا واجعلهم الوار<sup>ث</sup>  
 منا وانصرنا ربنا على من ظلمنا ولا تتخذ لنا انت مولا نا وامنعنا عن اذى كل مسلم  
 ومسلمة ائتك على كل شيء وكيل ربنا ائتك خالق النور اخرجنا من الظلمات الى النور  
 يا خير المدخل يا خير المخرج يا قريب السمع يا سميع القرب يا مجيب يا معطي ائتك على كل  
 شيء وكيل ربنا ائتك صادق الوعد ائتك قلت ادعوني استجب لكم وقلت في امر  
 الكتاب بمحو الله ما يشاء ويثبت ائتك لا تخلف لميعاد يا ذا الوعد والوعيد ائتك على  
 كل شيء وكيل و ١ بار يا وكيل كفنة بعد اذان بكويد يا وكيل توكلت عليك يا وكيل  
 المتوكلين وصلى الله على خير خلقه محمد واله اجمعين ووردت دعائه براءضا  
 فرودا ودر بعده ودر كفنه يكبار مع تسميه استغفار بخواند استغفر الله الذي  
 لا اله الا هو الحي القيوم واتوب اليه استغفر الله من كل ذنب اذنبته عمدا او خطاء  
 او سهوا او غلاية واتوب اليه من الذنب الذي علم ومن الذنب الذي لا اعلم وانت علام  
 الغيوب الاحول والاقوة الا بالله العلي العظيم اللهم انت السلام ومنك السلام  
 و اليك يرجع السلام حينما ربنا بالسلام وادخلنا دار السلام تباركت ربنا وتعاليت  
 يا ذا الجلال والاكرام اللهم لا مانع لما اعطيت ولا معطي لما منعت ولا مراد  
 لما قضيت ولا ينفع ذا الجحتم منك الحمد الهى انظر بكمرك ورحمتك وعفوك  
 ولا تنظر الى



وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَعْصِيَتِي وَذُنُوبِي وَتَقْصِيرَاتِي فَاغْفِرْ لِي وَأَجِبْ سُؤَالَي يَا كَرِيمُ الْعَاصِينَ وَيَا  
 رَحِيمُ الْمُذْنِبِينَ وَيَا غُفُورَ الْمُقْصِرِينَ بَعْدَ صَلَوَاتِ كَفْتَايْنِ اعْتَصَامِ رَايْخَانِدِ وَيَا يَدَكَ  
 بِدَعْوَتِ هَرَبَارَيْنِ اعْتَصَامِ بِاتِّسَمِيهِ بِخَوَانِدِ تَخَصُّنْتَ بِالَّذِي لَهُ الْمُلْكُ وَالْمُلْكُوتُ  
 وَاعْتَصَمْتَ بِالَّذِي لَهُ الْعِزَّةُ وَالْكَجَبُوتُ وَتَوَكَّلْتَ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَنَامُ وَلَا يَمُوتُ  
 لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ  
 حَرِّ مُحَمَّدَيْنِ اسْتَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْمُبِينِ الْمَغْفِرَةِ  
 مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ الْغَفَّارِ يَا كَافِي يَا هَادِي يَا عَالِمَ يَا رِزَاقَ يَا حَلِيمَ  
 يَا حَمِيدَ يَا صَادِقَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ  
 وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي مَلَأَتْ عِظَمَتُهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ  
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي عَنَتِ الْوُجُوهَ وَخَضَعَتْ لَهُ الْأَبْصَارُ وَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ خَشْيَتِهِ  
 أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَإِنْ تَقْطِنِي حَاجَاتِي كُلِّهَا أَمْنَابِكَ يَا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَتَوَّ  
 كُنَا عَلَيْكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ وَ  
 قَوَّضْتُ أُمُورِي إِلَيْكَ يَا قَائِمُ يَا دَائِمُ يَا فَرْدُ يَا وَثَرُ يَا أَحَدُ يَا مَالِكَ الْمُلْكِ فَالْجَلَّ  
 وَالْأَكْرَامُ بِرَحْمَتِكَ اسْتَغِيثُ جُرْمِي عَظِيمَ وَعَفُوكَ كَبِيرَ فَاجْعَلْ بَيْنَ جُرْمِي وَعَفُوكَ يَا عَفُوفُ  
 يَا عَطُوفُ يَا رَوْفُ يَا رَافِقُ يَا غَفُورُ يَا شَكُورُ يَا رَحِيمُ أَنْتَ الْوَاقِعُ الَّذِي لَا أَوَّلَ قَبْلَكَ  
 وَأَنْتَ الْآخِرُ الَّذِي لَا آخِرَ بَعْدَكَ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ الَّذِي لَا ظَاهِرَ عَلَيْكَ وَأَنْتَ الْبَاطِنُ  
 الَّذِي لَا بَاطِنَ مَعَكَ يَا مُسَهِّلُ سَهْلٍ كُلِّ صَعْبٍ وَيَا مُسْتَبِيبُ سَبَبٍ وَيَا مُسَيِّرُ سَيْرٍ كُلِّ غَسِيرٍ



فان تيسير العسير عليك يسير يا سميع انك لتسمع كل احي وتري مكاني يا عليم انت تعلم  
 سره وعلايتي لا سر عليك اسر شيء من اموري انا البائس الفقير المستجير المستغيث  
 المعترف بذنبي اسالك سالة المسكين وادعوك دعاء الخائف الضعيف من خضعت لك  
 رقية وقادت لك عيناه وذل جسده وزعم انفه اعتمادى عليك وتضرعى اليك  
 لا تقربني من الشر ولا تباعدني من الخير يا قدير يا بصير يا سريع في اجابتي وعجل في  
 حاجتي يا ولي يا عالى يا عظيم يا عزيز يا سيد يا كبير يا كامل يا كريم يا نور يا عني  
 الذهر يا داخل المدخل اصبحنا في جوارك وامسيتنا في امائك وتولنا بولايتك  
 وعلونا باعلامك وعظمتنا بعظمتك واعزنا بعزتك وارشدنا بارشادك وكبرنا  
 بكبريائك وكلنا بكما ليتك وكرمنا بكرامتك ونورنا بانوارك واغننا بغنائك و  
 ادخلنا في درجة اولياء كبارك واهنقنا والهمنا باخبارات صدقك وتقبل دعائنا  
 بكل ما دعوتك وافتح معايينا بمفاتيح غيبتك وانت على كل ذلك قدير يا مخرج اخرجنا  
 من ظلمات الوهم واكرمنا بنور الفهم بحقك علينا يا حق يا صادق لم يخطأ فرائسني في  
 اشيائك ولم يخطأ علمي في معلوماتك ولم يخطأ عملي في قدرك ولم يخطأ نظري  
 في منظوراتك ولم يخطأ سمعي في كلامك ولم يخطأ كلامي في غيبك ولم يخطأ امرائي  
 في المردتك ولم يخطأ وجودي في ظهورك ووفقنا لمرضايتك وثبتنا على دينك  
 وطاعتك وارسل الى اربابنا شوارق انوارك وافض على نفوسنا بوارق انوارك  
 العقل قطرة من قطرات بحار ملكوتك والنفس شعلة من شعلات نار جبروتك  
 وانت ذات فياضة تفيض منه جواهر روحانية لا متمكنة ولا متخيرة ولا



مُنْفَصِلَةً وَلَا مُتَّصِلَةً مُبَرَّاةً عَنِ الْأَحْيَاذِ وَالْوَصْلِ وَالْبَيْنِ يَا إِلَهَ جَمِيعِ الْمَوْجُودَاتِ  
 مِنَ الْمَعْقُولَاتِ وَالْمَحْسُوسَاتِ يَا عَالَمَ السِّرِّ وَالْخَفِيَّاتِ يَا ظَاهِرَ الظُّهْرِ الْمَعْلُومَاتِ يَا  
 كَاشِفَ الظُّلْمَةِ وَالْمُنَوَّعَاتِ لَا يَخْفَى شَيْءٌ مِنْكَ وَلَا يَحْجُوبُ غَايِبٌ عَنْكَ وَلَا مُسْتَوْرٍ  
 بَطْنِ الْبُؤَاطِنِ عَنْ ضِيَاءِ نُورِ ذَاتِكَ فِي صِفَاتِكَ يَا هَادِيَّ اهْدِنِي يَا مُبِينِي يَا بَيِّنِي  
 يَا عَلِيمَ عِلْمِي يَا خَيْرَ أَخْبَرِي يَا بَشِيرَ ابْشِرْنِي أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ يَا عَالَمَ الْغُيُوبِ  
 فَلَا يَفُوتُ شَيْءٌ مِنْ حِفْظِكَ فَأَعْلِمْنِي كَمَا هُوَ كَانَ فِي عِلْمِكَ وَأَعْلِمْنِي كَمَا هُوَ كَانَ فِي قُدْرَتِكَ  
 وَأَبْصِرْنِي كَمَا هُوَ كَانَ فِي ظَهْوَرِكَ وَاسْمَعْنِي كَمَا هُوَ كَانَ فِي عَيْنِكَ وَاجْعَلْنِي كَمَا  
 هُوَ كَانَ فِي لَوْحِكَ وَأَفْعَلْنِي بِخَيْرِ صِلَا حِكِّ وَامْنَعْنِي عَنِ الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ وَالْبَصَارَةِ وَالنَّهْجِ  
 وَالْكَلَامِ وَالْإِرَادَةِ وَالْحَيَوَةِ عَدَمِكَ وَارْزُقْنِي وَجُودَ وَاجِدِكَ عَنْ قُدْرَتِكَ  
 مَعَ الْأَظْهَارِ شُھُودَكَ وَخُذْ بِنَاصِيَّتِي إِلَى الْخَيْرِ مَعَ هِدَايَتِكَ يَا رَفِيقِي يَا شَفِيقِي  
 يَا قَوِيَّ يَا مُتَيْنِي لَا تَوُؤِمْنِي مَكْرَكَ وَلَا تَنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَرْفَعْ عَنِّي سِتْرَكَ وَلَا تُؤْخِ  
 لْنِي غَيْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ إِلَهِي وَارْزُقْنِي ذِكْرَكَ فِي قَلْبِي وَفِكْرَكَ فِي رُوحِي  
 وَحِكْمَتَكَ فِي عَقْلِي وَحَيَوَتَكَ فِي جِسْمِي وَشُھُودَكَ فِي عَيْنِي وَكَلَامَكَ فِي سَمْعِي وَعِلْمَكَ  
 فِي لِسَانِي وَعَمَلَكَ فِي فِعْلِي وَارَادَتَكَ فِي مَرَادِي وَنُورَكَ فِي نَفْسِي وَظَفْرَكَ فِي قَوْلِي  
 وَاشْرَكَ فِي نَفْثِي وَفَتْحَكَ فِي سِنْفِي وَسِلَاحَكَ فِي بَدَنِي أَنْتَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ يَا مُجِيبُ  
 لَا تَجْعَلْنِي بَدْعًا لِكَ شَقِيًّا وَكُنْ بِي سَوْفًا رَحِيمًا يَا سُلْطَانِي يَا أَحَدِي يَا صَدِّقِي  
 يَا مُدَدِي مِنْ عِنْدِكَ مَدَدِي إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ يَا رَبَّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ اجْعَلْ  
 جُلُوسَنَا لَكَ خَالِصًا وَاجْعَلْ قِيَامَنَا لَكَ خَالِصًا وَاجْعَلْ كَلَامَنَا لَكَ خَالِصًا وَاجْعَلْ



سكوننا لك خالصا واجعل اعمالنا لك خالصا وظهر قلوبنا من الشك والشك والتناق

والزبابة وصيقل بطوننا بالحق واليقين والاتحاد والضياء وزين السنن بالذكر

والحمد والصدق والثناء يا ذا العظمة والسلطان يا ذا العفو والاحسان يا ذا الآ

سما كلها يا ذا العز والبقاء يا ذا اللاء والنعماء يا ذا الفضل والبقاء يا ذا الجود

والسخاء اسالك تمام نعمتك ودوام عافيتك وقوام شهودك وحضور معرفتك

متصلة ولا منفصلة يا معبود انت الرب وانا العبد انا العواد الى الذنوب وانت

العواد الى المغفرة يا راحم المساكين يا راحم العبرات يا رحيم لمن يشاء يا وهاب

هبلنا قلبا نقيما من الشرك بريئا لا كافرا ولا شقيئا يا حي قبل كل حي يا حي بعد

كل حي يا حي الذي يرزق كل حي يا حي لم ترث الحيوة من حي يا حي الذي يحيى

الموتى يا حي لا يموت ابدا ابدا يا حي يا قيوم لا تأخذ به سنة ولا نوم يا حي بلغ

عمرى الى مائة وعشرين سنة ومدالى الى يوم القيمة مع العافية والقرب والصدقا

حيية في الدنيا والاخرة يا سامع النداء يا مجيب الدعاء يا واهب العطايا وارض قني

برزقا واسعا وعلما نافعا وعلما صالحا واجعلني في الدنيا والاخرة ومن المقرنين يا

اطعمني واسقاني يا من يرزقني وارباني يا مطعم لكل طعام يا ميسر لكل شيء

يا مغني من استغناه يا مغني البائس والفقير يا معين عند تفرقتي يا ملجأ

عند اضطراري يا شارح اشرح لي صدرى ويسر لي اموري يا شاهدا غير

غائب يا قريبا غير بعيد يا غالب غير مغلوب يا خالق غير مخلوق يا رزقا غير

مركزوت يا عابدا غير معبود بك استغيث فاغثنى وعليك توكلت فاكفني يا

فاكفني المهمات



فاكفني لمهمات من امور الدنيا والاخرة يا رحمن الدنيا والاخرة ورحيمهما <sup>تعطي</sup>  
 منهما من تشاء وتحرم منهما من تشاء انت رحماننا رحمنا وتغتنا بهما عن  
 سواك يا رحمن اعطنا يا ذا الجود اجودنا يا نافع انفعنا يا نور انورنا يا فتاح افتح  
 لنا يا ارفع الدرجات ارفع درجاتنا يا رب اربتنا يا رزاق ارزقنا يا شافي اشفنا  
 يا ستار استر عورتنا ومع اللباس جديدك اليسنا ويا نوع خلعتك ربنا يا  
 ضاعف اضعف لنا يا ظاهر اظهرنا يا مزيد زدنا يا ناصر انصرنا يا ناعم انعمنا يا ستار  
 استر عيوبنا يا غني اغننا من الدنيا والاخرة وما فيهما يا قاضي الحاجات اقضها  
 جاتنا يا كافي لمهمات اكف مهماتنا يا مجيب الدعوات اجب دعواتنا واعطني رزقا  
 طيبا بغير كد واستجب دعائي بغير راد الهى سالك من فضلك الواسع والرزق  
 والرحمة ما تد هب به عني لفقر والفاقة انتك باسط اليدين بالعطاء والرحمة  
 وترزقني خير الدارين مع القرب والاخلاص والاستقامة وانت على كل شيء قدير  
 يا مؤنس في وحدتي يا صاحبي في شدتي يا عظيم الخطر يا اله البشر يا لطيف اد  
 ركني بلطفك الخفي يا رب الركن والمقام يا رب النور والظلام يا رب  
 الصغار والكبار يا رب الحبوب والثمار يا رب الانهار والاشجار يا رب  
 الاعلان والاسرار يا رب الليل والنهار يا رب الجنة والنار يا رب كل  
 شيء وصانعه يا رب اغفر لي كل شيء ولا تسألني عن شيء يا نافع كل شيء  
 اسالك اغننا من الفقر واقض عنا الدين وارزقنا نعم الدنيا والدين وحبني  
 في قلوب المخلوقين واجعلني في زمرة المتقين والعارفين المحققين يا طالب



المطلوبين ويعلم ضماير الصامتين اعطني في كل مسألة سمعا حاضرا وجوابا عنيدا  
 وان ذلك في كل صامت علما حاضرا وناطقا محيطا كثيرا فوق كل ذي علم يا  
 هو في علوة وان يا من هو في علمه محيط يا من هو في عزه لطيف يا من هو في  
 لطيفه شريف يا من هو في فعله حميد يا من هو في مجده منير علمني من لدنك  
 علوما نافعا تحفظك بانواع حكمتك يا رب زدني علمك وعملك واخلاصك  
 ومعرفتك واكرمني بشهود انوار قدسك وايدني بظهور سطوات سلطانك  
 انيك حق انقلب في سبحات معارف اسمائك مواعيدك صادقة واياديك  
 فاضلة ورحمتك واسعة ونعمتك سابقة وانظر الي بتطهر رحمتك واحفظني بحفظك  
 من الشقاق والنفاق وسوء الاخلاق وضيق الارزاق يا ذا الجلال والاكرام  
 يا حبيب الغرباء يا كثر الفقراء يا معين الضعفاء يا عافي المرضى بالشفاء يا رازق  
 المرزوقين بالوفاء يا منعم النعماء يا واصل الاشياء يا باسط اليدين بالعطايا  
 يا ذا الجود والكرم يا حسن التجاوز يا لطيف الايام يا رحيم على الدوام يا مبدئ  
 النعم قبل استحقاقها يا رباه يا رباه يا رباه يا سيده يا املاه يا غاية رغبته  
 اسالك يا الله يا الله يا الله اعطني كل مفاتيح خزاينك يا خازن يا مخزن يا من  
 كل مفاتيح يا مفتاح الابواب يا فتاح كل فتح افتح علي ابواب فتوحاتك يا حاضر يا  
 ظر يا شاهد يا مهي ارسل خطرات فتوح في ضماير خلقك وادخل في قلوبهم صلاح  
 خيرك واخرج عنهم فساد ظلمتك يا امرسال نجا طربين يا مقلب القلوب قلب قلوبهم  
 في مرادهم يا سلطان اللاهوت يا مالك الكبروت يا قادر الملكوت يا متصرف التا



يَا مُلِكَ الْمَحْمُودِ يَا ظِلَّ الْمَمْدُودِ اجْعَلْنِي مَعْرُوفٌ بِذَاتِ ظِلِّ جَمِيلِكَ وَمُصَوِّفٌ بِصِفَاتِ  
 ظِلِّ جَمِيلِكَ وَمُوسَمٌّ بِأَسْمَاءِ ظِلِّ جَمِيلِكَ وَفَعِيلٌ بِأَفْعَالِ ظِلِّ جَمِيلِكَ قُدْرَتِكَ وَمُتَحَرِّكٌ بِوَلَايَةِ  
 ظِلِّ أُمُورِ جَمِيلِكَ وَمُتَجَلِّيٌّ بِأَنْوَارِ ظِلِّ نُورِ جَمِيلِكَ وَمَنْظُورٌ بِنَظَرِ ظِلِّ ظُهُورِ خَيْرِكَ وَمُتَّصِفٌ  
 عَلَى جَمِيعِ شَأْنِكَ وَمُظْفَرٌ عَلَى الْإِنْسِ وَجَانِكٌ وَمُتَصَرِّفٌ بِتَصَرُّفِ كِرَامَتِكَ عَلَى جَمِيعِ تَصَرُّفِ  
 كَرَامَةِ أَجْبَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي كُلِّ نَقْوشِ أَسْمَائِكَ يَا بَاسِطَ يَدَيْهِ يَا بَرَهَانَ يَاحْذَانَ  
 يَآمَنَانَ يَإِدْيَانَ زِدْنِي شَرَفًا وَكَرَامَةً وَكُنْ لِقَدْرِي مَجْلَلًا وَلَمْ يَكُنْ لِقَدْرِي مَقَامِي زَوَالًا  
 وَلَا قَنَاءً الْإِذَالَ ذَكَرِي فِي عُلُوٍّ وَذَكَرْ عَدُوِّي أَسْفَلًا يَا عُلَى يَا عَالِي يَا أَعْلَى فَعْلُوْنِي يَا عُلَى  
 دَرَجَاتِ الصِّدِّيقِينَ الْمُعْلِيِّينَ يَا جَمِيلَ الْجَلَالِ يَا جَمِيعَ الْكَمَالِ يَا مَنْوَرِ الْأَنْوَارِ يَا خَالِقَ  
 الْأَطْوَرِ يَا ظَاهِرَ الْأَسْرَارِ يَا خَيْرَ الْأَخْيَارِ يَا مُدَوِّرَ الْأَدْوَارِ يَا كَايِنَ الدَّهَائِرِ يَا كَثِيرَ  
 الْكُلِّ يَا كُلَّ الْكَثِيرِ يَا جَامِعَ يَاجَمِيعُ نَعْمَتِي تَنْعَمُ لَا يَعْدُ وَلَا يَحْصِي بِكَ يَا مَنْ إِلَيْكَ يَرْجِعُ  
 جَمْعُ الْأُمُورِ كُلِّكَ يَا مَنْ أَظْهَرَ فِي كُلِّ شَيْءٍ لَطْفَكَ يَا رَافِعَ أَرْفَعُ عَنَّا حِجَابَ الدُّنْيَا وَآخِرِ  
 نَيْتِكَ وَأَبْرَأَ حَقَائِقِ خَلْقِكَ وَارْجِعْ إِلَى بَطْنِ ظُهُورِكَ وَاغْلِبْ حَوَاسِيَّ عَلَى جَمِيعِ حَوَاسِي  
 تِسْ عِبَادِكَ وَافْتَحْنِي عَلَى شَيْئَاتِكَ وَنُورِ قَلْبِي بِنُورِ مَعْرِفَتِكَ وَوَصِّلْنِي حَقِيقَتَهُ  
 حَقَّ يَقِينِكَ وَصِدْقِكَ وَأُطْلِعْنِي عَلَى سِرِّ ذُرِّيَّاتِ وَجُودِكَ فِي مَعَالِمِ شَهُودِكَ  
 لَا شَهِيدَ بَعْدَ أَوْدَعْتَهُ فِي عَوَامِلِ الْمُلْكِ وَمُلْكُوتِكَ وَأَعَايِنِ سِرِّيَانِ سِرِّ قُدْرَتِكَ  
 فِي مَعَالِمِ شَوَاهِدِ لَاهُوتِكَ وَنَاسُوتِكَ يَا أَسْمَعَ مِنْ كُلِّ سَمِيعٍ يَا أَعْلَمَ مِنْ كُلِّ عِلْمٍ يَا أَرْحَمَ  
 حَمٍّ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ يَا أَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ يَا أَفْعَلَ مِنْ كُلِّ فَاعِلٍ يَا أَسْرَعَ مِنْ كُلِّ سَرِيعٍ  
 يَا أَجْوَدَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ يَا أَوَّسَعَ الْعُمْرِ يَا أَوَّسَعَ الرُّزْقِ يَا أَوَّسَعَ النِّعَةِ يَا أَوَّسَعَ الدَّوْلَةِ



يا واسع الرحمة يا واسع الملك يا واسع المتصرف يا واسع العطاء لا يخرج من سلطانك  
 شيء ولا يعجزك شيء ورحمتك وسعت كل شيء يا واهب النفوس والعقول  
 ومخترعات ماهيات الاركان والاصول اسألك يا واحد كل وجود سخر علينا من  
 لا يرحمنا واجيب لنا من لا احببتنا واعشق لنا من لا اعشقنا واطع لنا من لا اطاعنا  
 واجعل موافقنا قلوب مخالفنا وازوج لنا مع ازواج خيرك يا ذا العرش يا فعال لما يريد  
 يا من ليس بظلام للعبيد يا جامع للظلمات والنور يا امر الامور يا شافي الصدور  
 يا عامل النفوس يا مزين لكل زين ويا مجمل لكل شين يا من لدعائي مجيب يا مقصود  
 لكل قاصد اسالك من كان الى ناظرا اجعله لي عاشقا ومن كان الى سامعا اجعله لي  
 مطيعا ومن كان عني مخالفا او منافقا او حاسدا او عدا وَاَوْ عَلَيَّ غَالِبًا او قابضا كن عنه  
 مخالفا ومناफقا وحاسدا وعدو الله وكن عليه غاليا وقابضا كن عنه غاليا وقابضا في  
 طرفه عين وراه عظيمه جلال قدسك مني في منامه وسهره حتى يكون في متابعتي  
 وراغبنا في محبتي فمن كان في محبتي كن في محبته ومن كان في متابعتي كن في متابعته  
 ويسر لي جميع اموري يا معبود يا موجود يا مسؤل انت مني وانا منك ودعائي  
 عنك وليس لي في الدنيا والاخرى غيرك واتى ضعيف فقوني بغنائك لكل  
 قوم وسبب وحيلة فان سببي وحيلتي عليك فاسبب واحيل وامدد وانظر  
 وانصر واعين واغث واجب علي يا ذا القوة المتين يا ذا الفعل الرشيد يا ذا العظمة  
 المنيعه يا ذا العزة الدائمة يا ذا القدرة الكاملة يا ذا الرحمة الواسعة يا كثير النوال  
 اعطني بغیر سؤال يا دايما الوصال يا حسن الفعال يا معطي الجواد يا سخر السموات والارض



سَخَّرَ لَنَا خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَالرِّيحِ وَالْمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ وَالنَّارِ  
وَالنُّورِ وَمَا فِيهِمَا وَالْجَنُودَ كُلَّهَا وَأَرْجِعْ لَنَا جَمِيعَ الْوِلَايَاتِ وَالْبِلَادِ وَالْمَوَاضِعِ وَاطِيعًا لَنَا  
مَلِكًا وَالْمَمْلُوكَاتِ وَاطِلِينًا وَاحْتِنَانًا وَاطِيعِنَا جَمِيعَ السُّلَاطِينِ وَالْوُزَرَءِ وَالْأُمَرَءِ وَالْحُكَمَاءِ وَالْأَعْلَمَاءِ وَالْفُقَرَاءِ  
وَالزُّهَادِ وَالْعِبَادِ وَالْعَشَاقِ وَالْعُرَفَاءِ وَالتَّجَارِ وَالْعَسَى وَالْقَضَاةَ وَالْكَبِيرَ  
وَالصَّغِيرَ وَالرُّجَالَ وَالنِّسَاءَ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ غَيْرِهِمْ يَا جَامِعَ الْجَمْعِ أَنْتَ جَامِعُ الْخَلْقِ  
لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ فَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ وَيَسِّرْ عَلَيْهِمْ مَنَادِيْعِي وَأَهْدِهِمْ نَهْدِيَّتِي  
وَسَلِّمْهُمْ طَرِيقِي وَاحْشُرْهُمْ فِي ذِمَّتِي يَا اللَّهُ يَا مَلِكُ يَا حَمِيدُ يَا سُلْطَانُ يَا حَكِيمُ  
يَا ظَافِرُ يَا غَالِبُ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا مُبْدِئُ يَا رَافِعُ يَا بَدِيعُ يَا سَمِيعُ يَا قَادِرُ يَا قَدِيرُ يَا مُقْتَدِرُ  
إِسْأَلُكَ مِنْكَ سَخَّرَ لِي الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالْمِرْتَخَ وَالْعَطَارِدَ وَالْمَشْتَرِيَّ وَالرُّهْرَ وَالرُّجُلَ وَالرَّأْسَ وَالذَّنْبَ  
وَالْبُرُوجَ وَالْمَنَازِلَ وَالْعَنَاصِرَ وَالْمَعَادِنَ وَالْمَوَالِيدَ وَالْمَدْفُونِ وَالْمُخْرُوجِ وَالْمُسْتَوْرَ وَالْمَغْيُوبَ  
وَمُظَاهِرَ كُلِّهَا وَادْفَعْ عَنِّي نَحْوَسَاتِهِمَا بِرُكَّتِكَ وَحُرْمَتِكَ وَحِكْمَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَإِرَادَتِكَ وَقَضَا  
وَشَرْفِكَ وَعِلْمِكَ وَكَرَامَتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَسُلْطَنَتِكَ وَتَصَرُّفَاتِكَ وَالطَّافِكَ وَحُسْنِكَ وَنُورِكَ  
وَحَقِّكَ وَعَظَمَتِكَ وَحَشَمَتِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبَرِيَّاتِكَ يَا دَهْرُ يَا دِيهَوْرُ يَا دِيهَارُ يَا كَانُ يَا  
كَيْتُونُ يَا كَيْنَانُ يَا أَزَلُ يَا أَبَدُ يَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ يَا فَعَالُ لِمَا يَرِيدُ يَا خَالِقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
وَمَا بَيْنَهُمَا يَا خَالِقَ الْأَشْيَاءِ أَنْتَ لِمَا تَخْلُقُهُ جَامِعُ يَا خَالِقُ يَا خَلَّاقُ أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ  
وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ لَا خَالِقَ لِلْمَخْلُوقِ غَيْرِكَ وَلَا نَذِيرَ لِلْخَلْقِ سِوَاكَ يَا قَدِيرُ يَا قَادِرُ سَخَّرَ لَهُمْ  
يَجْذِبُ قُدْرَتُكَ إِلَيْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا مُحِبُّ يَا مُحِبُّوبُ يَا وَدُّ يَا وَدُّورُ سَخَّرَ لَنَا جَمِيعَ  
أَعْدَائِنَا وَأَصْرَفَ شَرَّهُمْ عَنَّا وَكَرَّمَنَا بِصَاحِبِنَا فِي سَفَرِنَا وَخَلِيفَةً فِي أَهْلِنَا وَأَطْمَئِنَّ عَلَى حُجُوهِ



اَعْدَانُنَا وَخُذْ بَايَدِيهِمْ وَالسُّنْهَرُ حَتَّى لَا يَسْطُوا الْيَنَا صُمْ بِكُمْ عَمِّي فَهَذَا لَا يُجْعُونَ  
 يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا إِلَهَ الْإِلَهِ أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِهَاءٍ مِنْ بَهَائِكَ وَنُورٍ  
 مِنْ نُورِكَ وَهَيْبَةٍ مِنْ هَيْبَتِكَ وَعَظَمَةٍ مِنْ عَظَمَتِكَ وَحَقٍّ مِنْ حَقِّكَ وَفَتْحًا مِنْ فَتْحِكَ وَقُوَّةً  
 مِنْ قُوَّتِكَ وَقُدْرَةً مِنْ قُدْرَتِكَ وَحِلْمًا مِنْ حِلْمِكَ وَصَبْرًا مِنْ صَبْرِكَ وَحَيَوَانًا مِنْ حَيَوَانِكَ  
 وَعِلْمًا مِنْ عِلْمِكَ وَنَظْرًا مِنْ نَظْرِكَ وَسَمِيعًا مِنْ سَمْعِكَ وَكَلَامًا مِنْ كَلَامِكَ وَمُرَادًا مِنْ أَمْرِكَ  
 يَا قَدِيرُ يَا قَوِيُّ يَا خَافِضُ يَا قَاهِرُ ادْخُلْ هَيْبَتِي مَعَ عَظَمَتِكَ فِي قُلُوبِ خَلْقِكَ وَاغْلِبْ بِرُحْنِي  
 فِي أَسْرَارِ ضَمَائِكَ وَأَهْلِكَ اَعْدَائِي بِقَهْرِ جَلَالِكَ وَاقْبِضْ لِحَايِرِي بِجَلَالِ قُدْرَتِكَ وَاخْفِضْ  
 لِحَاسِدِي بِقُوَّةِ قُدْرَتِكَ وَأَبْطِشْ بِبَطْشِكَ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ اقْبِضْ رُوحَ كُلِّ  
 مُعَانِدٍ وَاخْفِضْ قُدْرَتَكَ كُلَّ مَعَارِضٍ فَكُنْ لِلظَّالِمِينَ مُذَلِّلًا وَكُنْ لِلْحَاسِدِينَ مُعْطِلًا مِنْ أَسْرَدِنَا  
 بِسُوءِ فِرْدَةٍ وَمَنْ كَادَنَا بِكَيْدٍ فَكُدْهُ وَمَنْ دَعَا عَلَيْنَا بِدُعَاءِ السُّوءِ وَالشَّرِّ وَالْقَهْرِ وَالْقَتْلِ أَوْ دَعَا  
 بِاسْمٍ وَاسْمَاءٍ أَوْ لِسْمٍ أَوْ بِغَيْرِهِ وَارْجِعْ وَأَعْدَالِيهِ وَعَلَيْهِ وَفِيهِ وَأَهْلِكَ وَأَهْقِرْ بِأَسْمَاءِ قَهْرِكَ  
 وَقُدْرَتِكَ وَحَفْظِ جَلَالِكَ وَالسَّيْفِ وَالسَّهْمِ وَسَنَانِ غَيْرِكَ يَا قَاهِرُ مَنْ لَا قَاهِرَ لَكَ يَا  
 جَلِيلُ مَنْ لَا جَلِيلَ لَكَ يَا قَابِضُ مَنْ لَا قَابِضَ لَكَ يَا خَافِضُ مَنْ لَا خَافِضَ لَكَ يَا قَوِيُّ مَنْ  
 لَا قَوِيَّ لَكَ يَا قَدِيرُ مَنْ لَا قَدِيرَ لَكَ وَاسْتَرْوِ اعْدَائِي وَامْنِي وَاحْفَظْنِي وَلَا حِبَائِي  
 وَلَا اقْرَابِي وَأَزْوَاجِي وَأَوْلَادِي وَاهْلَ بَدَنِي وَاهْلَ أَرْضِي وَسَمَوَاتِي وَاهْلَ بَرِّي وَبَحْرِي  
 بِحَفْظِكَ وَامْنِكَ وَصَلَاحِكَ فِي حَصَارِي مِنْ الْآفَاتِ وَالْفِتَنِ وَالْبَلِيَّاتِ وَانْفَعْ وَبَارِكْ وَ  
 ابْشِرْ وَانْظُرْ وَانْصُرْ لِحُجُوعِ الْخَلْقِ مِنِّي وَامْدُدْ وَاعِينْ وَانْغُثْ وَاحْبِبْ وَافْتَحْ لَهُمْ عَنِّي بِقُوَّةِ  
 قُرْبِكَ وَأُطْلِعْنِي عَلَى أَحْوَالِهِمْ بِعِلْمِ قَدِيمِكَ يَا مُحِيطٌ قَدْ احَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمَكَ وَقُدْرَتَكَ  
 وَجَمِيعَ صِفَاتِ



وَجَمِيعَ صِفَاتِ ذَاتِكَ يَا حَافِظَ يَا حَاسِبَ وَيَا جَامِعَ أَنْتَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تَرِيدُ يَا جَابِرَ كُلِّ  
 كَثِيرٍ يَا مُوَسِّنَ كُلِّ وَجِيدٍ يَا صَاحِبَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا كَثِيرَ أَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا ضِدَّ لَكَ  
 وَلَا نِدَّ لَكَ وَلَا شَبَهَ لَكَ وَلَا شَرِيكَ لَكَ وَلَا مِثْلَ لَكَ وَلَا نَظِيرَ لَكَ وَلَا زَوَالَ لَكَ وَلَا وَ  
 لَدَلَّكَ وَلَا وَالِدَ لَكَ وَلَا صَاحِبَ لَكَ وَلَا وَزِيرَ لَكَ وَلَا غَنَى لَكَ وَلَا شَيْءَ كَمِثْلِكَ الْمَلَائِكَةُ  
 عَاجِرُونَ عَنْ ادِّرَاكِ جَلَالِكَ وَالنَّاسُ قَاصِرُونَ عَنْ مَعْرِفَةِ كَمَالِ ذَاتِكَ أَسْأَلُكَ فِي حَيَاتِي وَمَدَادِ  
 مُرُوحِكَ فِي بَدَنِي شِفَاكَ وَعَافِيَتَكَ يَا شَافِي يَا عَلِيَّ يَا وَفِي يَا مُجِبِّي يَا وَاحِدَ يَا مُجِيدَ لَكَ الْمَجْدَ  
 كُلَّهُ وَلَكَ الْحَمْدَ كُلَّهُ وَلَكَ الْخَلْقَ كُلَّهُ وَلَكَ الْفِعْلَ كُلَّهُ وَلَكَ الْقُدْرَةَ كُلَّهُ وَالِيكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلَّهُ وَ  
 أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ يَا خَالِقَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ الْمُبِيرِ يَا عَصَمَةَ الْخَافِيفِ الْمُسْتَجِيرِ  
 يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ اغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ وَالذِّينِ يَا مَنْ يَدَاكَ مَبْسُوطَتَانِ يَنْفَقُ كَيْفَ يَشَاءُ أَبْسُطْ  
 عَلَيْنَا بِفَضْلِكَ الْوَاسِعِ يَا مَنْ لَيْسَ لِفَنَّاكَ غَايَةٌ أَرْحَمَ مِنْ لَيْسَ لِفَقْرِهِ نَهَايَةٌ يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ يَا مَنْ  
 يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَا مَحْبُوبَ الْمُحِبِّينَ يَا مَعْتُوقَ الْعَاشِقِينَ يَا مَالِكَ الْمَمْلُوكِينَ يَا جَوَادَ الْمَجْلُوبِينَ يَا رَازِقَ الْمُرْزُوقِينَ  
 يَا سَامِعَ الْمُتَكَلِّمِينَ يَا مُجِيبَ الْمُقْصُودِينَ يَا مُعْطِيَ السَّائِلِينَ أَعْطَانِي بِغَيْرِ طَلَبٍ يَا غَنَى الْمُحْتَاجِينَ يَا مُبِيرَ  
 الْمُقَاصِدِينَ يَا فَاعِلَ الْمَفْعُولِينَ أَفْعَلْ قُلُوبَ عِبَادِكَ سَامِعًا وَمُطِيعًا كَمَا لَهُ يَعْزِمُنَا يَا مَنْ خَيْرُ كُلِّ  
 شَيْءٍ يَا خَيْرَ الرَّاحِمِينَ يَا خَيْرَ الرَّاغِبِينَ يَا خَيْرَ الْمُطْلُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَذْكُورِينَ يَا خَيْرَ الْمُقْصُودِينَ يَا خَيْرَ  
 الْمُسْتَوْلِينَ يَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ يَا خَيْرَ مُجِيبِ وَجْهٍ يَا خَيْرَ مُوَسِّنِ وَائِسِ يَا خَيْرَ صَاحِبِ حُلِيِّ  
 أَنْفِي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا وَلَا يَغْفِرُ الذَّنُوبَ الْكَثِيرَ إِلَّا أَنْتَ فَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ  
 وَأَرْحَمْنِي وَأَعِزَّنِي مِنْ كُلِّ قَاطِعٍ يَقْطَعُنِي عَنْكَ يَا غَفُورًا يَا رَحِيمًا يَا جَوَادًا يَا كَرِيمًا يَا قَدُّوسًا  
 يَا سُبُّوحًا أَنْتَ الْمُنَزَّاهُ عَنِ النَّقَائِصِ وَالْمَصَائِبِ وَالْمُرَايِبِ وَأَنْتَ الْعَظِيمُ فِي الْمَشَارِقِ



والمغارب والشمال والجنوب والفوق والتحت سبحانك يا اعظم شأنك وانا عبدك الحقير  
 الضعيف الخاطي الذليل العليل المغوم المرزوق الذليل لسايل الداعي سبحانك ما نقص  
 وجودي في جميع خلقك يا جميل يا محسن قد اناك المسبي وقد امرت المحسن ان يتجاوز  
 عن قبح ما عندي بجميل ما عندك ويتجاوز نقص ما عندي بعظمة ما عندك وهب لي ولا  
 ية وعلما وتصرفا ه يا واجب الوجود يا فاضل الجود يا فاعل لقلوب والارواح يا جامع  
 الصوكر والاشباح اسالك اجعل لنا في سرائر ارواح عبادك معبودا وفي عقولهم معقولا  
 وفي نفوسهم مقبولا وفي قلوبهم معشوقا وفي اجسامهم مرغوبا انك على كل شيء قدير  
 يا قادر لا تضار يا قوي لا تضعف يا قابض لمن تشاء يا شام الغيوب يا علام الغيوب يا  
 مقلب القلوب والقوالب قلب قلوب قوا اليك الى قلبي وقالي واوصل الى فتوحاتهم  
 وادم لي بركاتهم ولين قلوبهم واسر زفني ما في قلبي ونجني من هذا الغم يا فلق الحب  
 قلب قلوبهم في حب الابد والقيت عليك محبة مني في جميع الخلق اجمعين يا معبود  
 يا مودود يا محبوب يا معشوق يا مقصود يا فاخر يا صانع يا شارف يا شارق يا طالع يا مطلق  
 يا مجيب يا مزور يا مدوق يا مبذل يا مبذل يا مجيب يا مؤثر يا صورتي في منام عبادك  
 بالعظمة والهيبة والقدرة والكبرياء بهيبة الولي الرسول النبي النور المعبود المعشوق  
 المحبوب المرغوب المقصود ليس كمثل شيء وهو السميع البصير ه يا نعم المجيب يا نعم الرقيب  
 يا نعم المحب يا نعم المولى يا نعم النصير يا نصير انصر نامع الارواح احباءك واقربائك وانبياءك  
 واوليائك فانصر نامع الارواح ملكوتك يا باعث الارواح يا سبحان ذي الملك والملكوت  
 يا سبحان ذي العز والعظمة والهيبة والقدرة والكبرياء والجبروت يا سبحان الحي الذي



لَا يَنَامُ وَلَا يَمُوتُ يَا سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ يَا رَبَّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ يَا بَاطِنَ كُلِّ ظَهْوَرٍ يَا  
 مُتَصَرِّفَ الْأَجْسَامِ وَالنَّفُوسِ يَا مُتَحَرِّكَ الشَّيْءِ يَازَا الْمَقَالِ كُنْ فَيَكُونُ أَسْأَلُكَ مَدَدًا مِنْ أَمْرِ دَارِ  
 مَلَكُوتِكَ وَجِيرُوتِكَ بِسْمِ اللَّهِ افْوَاهُ يَا اللَّهُ آهَ وَآهَ وَآيَهُ يَا بَاسِرُ النُّفُوسِ بِأَمْثَالِ خَلْقٍ مِنْ  
 غَيْرِهِ يَا مُبِينٍ عَنْ كُلِّ مَبِينٍ يَا مُعْلِنٍ عَنْ كُلِّ عِلَانٍ يَا ظَاهِرٍ عَنْ كُلِّ ظَاهِرٍ لِقْنَا وَسَخَّرْنَا لَنَا <sup>هَمُ</sup> وَأَجْعَلْ  
 لَهْمُ سَامِعًا وَمُطِيعًا لَنَا وَاجْعَلْ لَنَا وَاجِهُمُ وَالْأَرْوَاحَ الْبَاشِنَا وَأَمْثَانَا وَاقْرَأْ بَيْنَنَا مِنْ  
 الْعُلُوِّ وَالْأَسْفَلِ وَالْأَوْسَطِ صَلَوةً وَسَلَامًا وَتَحِيَّةً وَدَرَجَةً مِنَّا يَا كَاشِفَ الْهَمِّ وَيَا كَاشِفَ الْغَمِّ  
 وَيَا كَاشِفَ الْكُتُوفِ وَيَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ وَيَا كَاشِفَ الْقُلُوبِ وَيَا كَاشِفَ الْقُبُورِ وَيَا كَاشِفَ  
 الْأَلْفَافِ وَيَا كَاشِفَ الْمَعْنَى وَيَا كَاشِفَ الدَّهْرِ وَيَا كَاشِفَ الْكَشْفِ عَلَى حِجَابِ الْأَجْسَامِ وَالْأَمْثَالِ  
 وَالْأَرْوَاحِ وَالْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ يَا عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ عَرَفْنِي مَعْرِفَةً تَامَةً فِي حِكْمَةٍ  
 عَامَةٍ حَتَّى لَا يَبْقَى مَعْلُومٌ إِلَّا وَاطَّلَعَ عَلَى دَقَائِقِ الرُّقَائِقِ الْمُنْبَسِطَةِ فِي الْمَوْجُودَاتِ وَازْهَبْ  
 بِالظُّلُمَةِ الْمَانِعَةِ عَنْ ادْرَاكِ حَقَائِقِ الْإِيمَانِ وَتَقَرَّبْ مَا فِي الْقُلُوبِ وَالْأَرْوَاحِ بِمَهَجَاتِ الْحَقِّ  
 وَالْوَرَادِ وَالرُّشْدِ وَالْإِشَادِ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ يَا ظَاهِرَ كُلِّ بَطُونٍ يَا ظَاهِرَ  
 كُلِّ شَيْءٍ يَا ظَهْوَرَ الْحَقِّ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا يَا مَنْ أَحْصَى بِكُلِّ شَيْءٍ عَدَدًا يَا كَرِيمَ  
 الْجَوَادِ الْكَرِيمِ يَا مَنْ لَا تَرُدُّ الْعِبَادَ قَضَاؤُكَ يَا مَنْ لَا مَلِكَ إِلَّا مَلِكُكَ يَا مَنْ عَطَاءُ الْإِ  
 عْطَاؤُكَ يَا مَنْ لَا يَشْرِكُ فِي حُكْمِكَ أَحَدٌ يَا عَظِيمَ مَنْ لَا عَظِيمَ لَكَ يَا عِلِيمَ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا عِلِيمَ لِأَنْهَا  
 وَلَا بَدَايَةَ عِلْمِكَ أَسْأَلُكَ فِي كُلِّ أَيَّامٍ رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَعَصْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ  
 وَإِيمَانِكَ وَحَيَاؤِكَ وَحِلْمِكَ وَخَلْقِكَ وَعِلْمِكَ وَعَمَلِكَ وَطَاعَتِكَ وَزُهْدِكَ وَاخْلَاصِكَ وَدِينِكَ  
 يَقِينِكَ وَصِدْقِكَ وَعَشْقِكَ وَتَوْحِيدِكَ وَتَحْمِيدِكَ وَتَسْنِئِكَ وَعَمْرُ فَايِكَ وَمِرَاقِبَتِكَ وَمُسَا<sup>هَد</sup>



وَمَعَانِيكَ وَسِيرِكَ وَطَيْرِكَ وَاسْتِقَامَتِكَ وَجَمْعِيَّتِكَ وَهَمَّتِكَ وَسَخَاؤِكَ وَشَجَاعَتِكَ وَفَتْحِكَ وَأُحْفَظْنِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ آفَاتِكَ وَمَرَضِكَ وَنَقْمَتِكَ وَبَلِيَّتِكَ وَخُلَايَاكَ وَتَفَرُّقَاتِكَ وَغَضَبِكَ وَغُضَبِكَ وَشُرُكَكَ وَظَنِّ سُوءِكَ وَكِبَرِكَ وَحَدِّكَ وَكَيْدِكَ وَجُلْحِكَ وَقِيْظِكَ وَاسْدِرَاجِكَ وَمَخْنَتِكَ وَعَقُوبَتِكَ وَسَخَطِكَ وَقَذْفِكَ وَرَجْفِكَ وَمُسْتَجِكَ فَاصْرِفْ عَنِّي وَعَنْ جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ وَأَنْتَ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرٌ وَبِالْإِجَابَةِ جَدِيرٌ يَا صَانِعَ يَأْصَادِ قُلُوبِنَا يَا صَارِفَ أَصْلَاحِ شَأْنِي وَشَانَ أَحِبَّائِي وَإِخْوَانِي وَأَوْلَادِي وَشَانَ وَلَا أَمُورِي <sup>أَصْلَحِ</sup> دِينِي وَدُنْيَايَ وَأُمُورِي وَخَاتَمَتِي بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاعْظِنِي قَدْرَ الرَّفِيعَةِ وَدَرَجَةِ الشَّدِيدَةِ وَمَنْزِلَةِ الْعَالِيَةِ الْكَامِلَةِ الشَّامِلَةِ يَا مَالِكَ يَا مَبِينَ يَا مُحِيطَ مَا يَكُونُ يَا مُسْتَبِيبَ يَا مُصَوِّرَ يَا مُغْنِي أَسْأَلَكَ بِذَلِكَ وَصِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ وَأَفْعَالِكَ مِنْ فَضْلِكَ هَذَا الْمَقْصِدَ فَانْهَمَا يَبِيدَكَ وَلَا يَمْلِكُهَا أَحَدٌ سِوَاكَ وَأَنَا أَطْلُبُ إِلَيْكَ مِنْ طَلَبِكَ يَا وَهَّابُ يَا مُعْطِي يَا مُجِيبُ أَجِبْ دَعْوَتِي وَاعْظِ سُؤْلِي وَهَبْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ كُلَّ مَا سَأَلْتُهِ مِنْكَ وَأَنْتَ بَاسِطُ الْيَدَيْنِ بِالْعَطَاءِ يَا جَوَادُ غَيْرِ حِيلَ يَا مُعْطِي غَيْرِ مَانِعٍ لِمَنْ يَنْقُصُ مَا ارْتَدَتْ وَلَا تَنْفَدُ خَزَائِنُكَ يَا نَازِلُ يَا سَلَامُ يَا سَامِعُ يَا عِبَادُ أَسْأَلَكَ بِسِرِّ الْمَسَافِرِينَ وَفَرَجِ الْكَرُوبِينَ وَخَلَصِ الْمَسْجُوبِينَ وَاقْضِ دِيُونَ الْمَدْيُونِينَ رِغَافَ مَرْضَا وَمَرْضَى الْمُسْلِمِينَ وَاقْضِ حَوَائِجَنَا وَحَوَائِجَ الْمُحْتَاجِينَ وَأَرْحَمْ مَوْتَنَا وَمَوْتَ الْمُسْلِمِينَ يَا مَنْ آتَنِي وَأَوَانِي يَا مَنْ أَمَاتَنِي وَأَحْيَانِي وَأَسْأَلَكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ أَجْعَلْ لَنَا مَحْبُوبًا وَأَحِبِّينَا مَحْبُوبًا وَأَمْتِنَا مَحْبُوبًا وَأَحْشُرْنَا مَحْبُوبًا يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا قَيُّوْمُ يَا قَرِيبُ يَا سَمِيعُ يَا مُجِيبُ يَا مُعْطِي أَسْأَلَكَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَبِصِفَاتِكَ الْعُلْيَا وَبِنِعْمَتِكَ الَّتِي لَا تَحْصِي وَبِأَكْرَمِ أَسْمَائِكَ



عَلَيْكَ وَاجْتَبَاهَا إِلَيْكَ وَأَشْرَفَهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَأَقْرَبَهَا مِنْكَ وَسَبِيلَةً وَأَخْبَرَ نَهَا مِنْكَ ثَوَابًا  
 وَأَسْرَعَ عَمَلًا مِنْكَ أَجَابَةً وَيَا سَمَاءَكَ الْمَكْنُونَةَ فِي الْمَخْزُونَةِ الْجَلِيلَةَ الْأَجَلِ الْمَعْظِمَةَ إِلَّا  
 عَظِيمَ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَرْضَى عَنْكَ دُعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ وَحَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا  
 تَحْرِمَ سَائِلَكَ الْإِجَابَةَ وَبِكُلِّ هَوْلِكَ فِي لِقَائِكَ بِهِ وَالْأَنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَبِكُلِّ  
 اسْمٍ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَبِكُلِّ اسْمٍ لَمْ تَعْلَمْهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَبِحَقِّ السَّائِلِينَ وَالرَّا  
 غِبِينَ إِلَيْكَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ إِلَيْكَ وَالْمَتَّعِذِينَ بِكَ وَالْمُتَضَرِّعِينَ إِلَيْكَ وَبِحَقِّ كُلِّ عَبْدٍ  
 مُتَضَرِّعٍ وَمُسْتَغِيثٍ لَكَ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَجِبْ دُعَوِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَإِنْ  
 تَكْفِينِي مَهْمَاتِي وَتَقْضِي حَاجَاتِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَخَلِّصْنِي مِمَّا آتَاكَ بِهِ وَأَنْتَ  
 حَسْبِي فِي الْأُولَى وَأَنْتَ حَسْبِي فِي الْآخِرَةِ وَأَنْتَ حَسْبِي فِي الْغَيْبِ وَأَنْتَ حَسْبِي فِي الشَّهَادَةِ  
 وَأَنْتَ حَسْبِي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ حَسْبِي وَنَعْمَ الْوَكِيلُ أَنْتَ حَسْبِي حَسْبِي لَا إِلَهَ  
 إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَا رَحْمَنِي تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ يَا رَبَّ الْعَرْشِ  
 الْعَظِيمِ يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِكَ يَا قَدِيرَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ يَا مُحِيطَ بِكُلِّ شَيْءٍ  
 يَا مَطْلُوبَ لِكُلِّ طَالِبٍ يَا نَاصِرَ كُلِّ مَغْلُوبٍ يَا نَاصِرَ كُلِّ مُحْذُولٍ يَا فَائِزَ مَنْ لَا فَائِزَ لَكَ  
 يَا صَاحِبِي عِنْدَ غُرُبَتِي يَا مَنْ تَصْرِفُ فِي خَلْقِكَ إِثْنًا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا  
 مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى الْبَيَانِ وَالتَّفْسِيرِ حَاجَاتُنَا كَثِيرَةٌ وَأَنْتَ بِنَايِصِيرٍ وَتَعْلَمُ حَاجَتِي كُلَّهَا  
 لِذَا الدُّعَاءُ فَحَسْبِي سُؤَالِي عَلَيْكَ مَجَالِي أَمَّا أَمْرُكَ إِذَا ارْتَدَتْ شَيْئَانِ يَقُولُ لَهُ كُنْ  
 فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَآلِيهِ تَرْجِعُونَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ      بَعْدَهُ اخْتِتام بخواند      كِيدَرُ ظَهَرِ وَرَقِ اسْتِ



اختتام اينست اللهم خذ مني وتقبل مني وافتح علي ابواب كل خير كما فتحت  
 على انبيائك واوليائك يا منتهى الرجايا يا ماحي البلاء يا سامع الدعايا يا سامع  
 لا تشك يا سامع الاصوات يا شفيع كل عاص يا مقدّر بكل قدره يا من لا تدرك  
 الافهام جلالك يا من لا تنال الا وهام كنهك يا من لا يحصى العباد نعمك يا من  
 لا تبلغ الا بخلافك يا من لا سلطان الا سلطانك يا من لا مفر الا اليك يا  
 من لا مقصد الا اليك يا من لا حول ولا قوة الا بك يا ذا العفو والرضا يا ذا المن  
 والعطاء يا يا برهان السالكين يا غياث المستغيثين اغثنى اغثنى يا غياثي عند  
 فقرى يا كثير الوفاء يا مؤيد الاسماء يا ذا العهد والوفاء يا ذا الوعد والوعيد يا  
 وفي العهد يا وفي لا تخلف انك قلت ادعوني استجب لكم وقلت في امر الكتاب يحجوا  
 الله ما يشاء ويثبت وقولك الحق المبين يا خالق اللوح والقلم يا صادق الوعد  
 انك لا تخلف الميعاد وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين  
 بعد ههنا وزيكى اذن تسبيحات را صد بار بخواند يوم السبت يا الله الحى القيوم  
 لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين برحمتك استغيث فى جميع اموري  
 يا ارحم الراحمين يوم الاحد يا مالك الملك ذا الجلال والاكرام يوم الاثنين  
 يا غياثي عند كل كربة ومجيبي عند كل دعوة ومعاذى عند كل شدة ويا رجاى  
 حين تنقطع حيلتى يا غياثى يوم الثلاثاء يا خاين المكنون كن فيكون كن لى ولا تكن  
 على يوم الاربعاء الهى مجزئة كن فيكون فبارك الله احسن الخالقين يوم  
 الخميس يا مقدّر بكل قدره يا مقدّر بالقدره والقدره فى قدره قد سرتك يا مقدّر  
 انك على كل



إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يَا كَثِيرَ النَّوَالِ عَنْ كُلِّ حِمَالٍ إِنَّكَ مَعَ جَمِيعِ الْكَمَالِ  
 بَعْدَهُ أَيْنَ صَلَوَاتِ رَاغِبِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ تَحْنِينًا بِهَا مِنْ جَمِيعِ الْأَهْوَالِ وَالْآفَاتِ وَتَقْضِي لَنَا بِهَا جَمِيعَ الْحَاجَاتِ  
 وَتَطَهِّرُنَا بِهَا مِنْ جَمِيعِ السَّيِّئَاتِ وَتَرْفَعُنَا بِهَا عِنْدَكَ أَعْلَى الدَّرَجَاتِ وَتَبْلُغُنَا بِهِمَا أَقْصَى الْغَايَاتِ مِنْ جَمِيعِ الْخَيْرَاتِ فِي الْحَيَاةِ وَبَعْدَ الْمَمَاتِ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا كَثِيرًا  
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بَعْدَهُ تَايِكَ سَاعَتِ عَمَلٍ شَغَلْتُ سِرِّي كُنْتُ حَمْدُكَ  
 وَبَابُكَ بَهْرَةٌ وَهَرَقْتُ دَمْعًا نَاثِرًا بِهَا أَعْمَالِي بَيْنَ أَيْدِيكَ

بَعْدَهُ دَعَايَ تَسْخِيرِ خِيَرَتِ الْخِيَرَاتِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا مُسْخِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا سَخِّرْ  
 لِي الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا أَمِيرَ الْأُمُورِ مِنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 وَمَا بَيْنَهُمَا وَسَخِّرْ لِي الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا مُسْخِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا  
 فِيهِمَا يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ الْمُسَخِّرَ الْقُلُوبِ لِقُلُوبِ الْأَرْوَاحِ وَالْأَجْسَامِ وَالنَّفُوسِ إِلَى قَلْبِي وَقَالِي  
 بِحَيَاتِكَ وَقَوَامِكَ بِتَسْخِيرِكَ وَتَقْدِيرِكَ وَأَمْرِكَ وَقَلْبِكَ وَعِزَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَعَشْقِكَ وَ  
 مَحَبَّتِكَ وَجُزْءِكَ وَحَرَكَاتِكَ وَمَعَالِكَ وَأَقْوَالِكَ وَجَمَالِكَ وَجَلَالِكَ وَذَاتِكَ وَصِفَاتِكَ وَ  
 أَسْمَائِكَ وَأَسْمَاءِ قُدْرَتِكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ الْمُسَخِّرَ الْمُنِيرَ الْمَحْبُوبَ الْمَعْشُوقَ الْجَمِيلَ الْجَاذِبَ فِي لِقَائِهِ  
 بِلِقَاءِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ يَا قَيُّوْمُ يَا قَيُّوْمُ يَا مُسَخِّرَ الْأَكْبَرِ يَا مُسَخِّرَ الْعِزِّ وَالْجَلَالِ وَكَرَامَتِكَ تَكْرُمَتِكَ  
 بِالْكَرَامَةِ وَالْكَرَامَةِ فِي كَرَامَتِكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ الْمُسَخِّرَ الْجَاذِبَ الْجَمِيلَ الْمَحْبُوبَ الْمَعْشُوقَ  
 الْمُسَخِّرَ الْقَدِيرَ الْقُدْرَتِ بِالْقُدْرَةِ وَالْقُدْرَةِ فِي قُدْرَتِكَ يَا حَيُّ  
 الْقَيُّوْمُ الْمُسَخِّرَ الْقُدِيرَ الْقُدْرَتِ عَلَى السِّرِّ وَالْإِسْرَافِ وَالْإِنْفَاقِ وَالْأَجْسَامِ وَالنَّفُوسِ كُلِّهَا



مِنْ الْعُلُوبِ وَالسَّغْلَى مُحَرِّكَ بِحَرِّكَ كَانِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَعَلْ مَا يَشَاءُ وَحُكْمٌ مَا  
 ۹ بار یا حی یا قیوم المسخر المسخر المسخر بهر دو دست دمیده به تمام اعضا فرود آید  
 و ۵ بار این اسما را خواند بهر دست پُف زده بر روی مالد الْمَعْبُودِ الْوَدُودِ الْمَحْبُوبِ  
 الْمَشُوقِ الْمَقْصُودِ و اگر دعای تسخیر مذکور را ۹ بار بخواند آنچه در وی مذکور است  
 در یابد والسلام

ایضا دعاء المفتاح برای دفع اخلاق ذمیه و حصول اخلاق حمیده و دفع شر نفس و شیطان  
 و برای حصول ولایت اولیا و کرامت او آنچه در هیچ دعا نیابد در این دعا بیابد بشرطیکه دعا  
 باشد و اگر نتواند و نبرد ۹ بار بعد از فجر آنکه دارد و اگر نتواند ۳ بار و یا ۳۰ بار و یا  
 آن بار بخواند مبتدی و منتهی را و در این دعا تا آخر وقت لابد است تا نفس و شیطان  
 بر عامل دست نیابد و عامل مداوم بحضرت مولی و لی هر روز بترقی افزاید و کشف معرفت  
 الهی میسر گردد و آنچه بیان کردیم از عمل معلوم خواهد شد و دعا اینست بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بَعْدَ كُلِّ عَمَالٍ وَ أَحْوَالٍ بِأَلْفِ أَلْفِ مَرَّةٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ أَصْحَابِهِ  
 وَ أَوْلِيَائِهِ وَ أَزْوَاجِهِ وَ ذُرِّيَّاتِهِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي  
 عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِلَعَلَّهُمْ  
 يَرْشُدُونَ يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ  
 وَ يَا دَلِيلَ الْمُخِيرِينَ وَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَ يَا مُفَرِّجَ الْخَوْفِ وَ يَا غَنِيَّ غَنِيِّ تَوَكَّلْتُ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّي قَضَيْتُ وَ فَوَضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ يَا رَاقٍ يَا فَتَّاحُ يَا بَاسِطُ و ۳  
 بار بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ بِهِ و ۳ بار اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ

سَيِّدَنَا



مِنْ شَرِّ النَّفْسِ وَخَصَائِلِهِ ١٣ بارِ اللَّهُمَّ وَتَقْنِي لِمُخَالَفَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ وَ  
 بَارِ يَا كَافِي لِمَوْسِعِ لِمَا خَلَقَ مِنْ عَطَايَا فَضْلِهِ يَا كَافِي اللَّهُمَّ طَهِّرْ قُلُوبَنَا مِنَ الْغَرِّ  
 وَالْوَسْوَاسِ وَالْبَطَالَةِ وَالشَّكِّ وَالشَّرِكِ وَالْغَفْلَةِ وَالْخَرَصِ وَالْحَقْدِ وَالْحَسَدِ وَالْأَمَلِ وَ  
 لُبْخِ وَالْكِبَرِ وَالْكَفْرِ وَالْأَفْكَارِ وَالْعِصْيَانِ وَالْعُجْبِ وَالرَّغْمَ وَالْخَطَرَاتِ الْأَمَارَةِ بِالسُّوءِ  
 بِالْعِلْمِ وَالنِّسْيَانِ ١٨ بارِ يَا زَاكِي الظَّاهِرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ يُقْدِسُ بِهِ يَا زَاكِي وَطَهِّرْ  
 لَعْنًا لِنَا مِنَ الْغَيْرِ وَالْكَيْلِ وَالنَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ الْعَالِمِ وَالْعَارِفِ وَفَعَلِ الْإِحَادِ وَالرَّ  
 تَدَقُّعِ وَالرِّبَاءِ وَالْجِرَاءِ وَالْمَكْرِ وَالْإِسْتِدْرَاجِ وَالظُّلْمِ وَالذَّمِيمَةِ ١٤ بارِ يَا اللَّهُ  
 الْحَمْدُ فِي كُلِّ فِعَالِهِ يَا اللَّهُ وَطَهِّرِ السُّنَنَاءَ مِنَ الْغَيْرِ وَالْغَيْبَةِ وَالْغَضَبِ وَالْكَفْرِ وَالْكَذِبِ  
 وَالْأَهْوِ وَالْبَهْتَانِ وَالنَّفَاقِ وَالْفَحْشِ ٩ بارِ يَا حَلِيمُ ذَا الْإِنَاءَةِ فَلَا يُعَادِلُهُ شَيْءٌ مِنْ  
 خَلْقِهِ يَا حَلِيمُ وَطَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْغَيْرِ وَكُلِّ لَشْكٍ وَالشُّبَّةِ وَالشُّعْبِ وَالْحَرَامِ وَعَدَا  
 يَأْقَدُوسٍ وَطَهِّرْ فُرُوجَنَا مِنَ الْغَيْرِ وَاللَّوَاطَةِ وَالرِّثَا ٣ بارِ يَا صَدِّقُ مَنْ غَرَّ شِبْهُهُ  
 وَلَا شَيْءَ كَمِثْلِهِ يَا صَدِّقُ وَطَهِّرْ أَيْدِيَنَا مِنَ الْغَيْرِ وَالسَّرْفَةِ وَالْجَنَابَةِ وَالْبُخْلِ وَالْإِنْدَاءِ  
 وَبَطْشِ الْغَيْرِ وَعَدَا ١٥ بارِ يَا نَقِي مِنْ كُلِّ حَوْرٍ لَمْ يُرْضَهُ وَلَمْ يَخْلُطْهُ فَعَالُهُ يَا نَقِي  
 وَطَهِّرْ أَسْمَاعَنَا مِنْ سَمَاعِ الْغَيْرِ وَالْغَيْبِ وَالْغَضَبِ وَالْكَذِبِ وَاللَّغْوِ وَالْفَحْشِ وَالْبَهْتَانِ  
 وَالنَّفَاقِ ٨ بارِ يَا نَامُ فَلَا تَصِفُ إِلَّا لِسُنَّ كُلِّ كُنْهٍ جَلَالٍ مُلْكِهِ وَعِزِّهِ يَا نَامُ  
 وَطَهِّرْ أَبْصَارَنَا مِنْ رَأْيَةِ الْغَيْرِ وَالنَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ وَالْجَاهِلِ وَنَوْمِ الْغَفْلَةِ وَرُؤُوسِ  
 يَتِهِ وَعَدَا ١٦ بارِ يَا حَمِيدُ الْفِعَالِ ذَا الْمَنْ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِالْطُّفَةِ يَا حَمِيدُ ٩  
 وَطَهِّرْ أَرْجُلَنَا مِنَ الْغَيْرِ وَطَاعَتِهِ وَالسُّفْرِ وَوَعْتَاءِ السُّفْرِ وَصِرَاطِ الضَّلَالَةِ ٥

اسم ١٤

اسم ١٣

اسم ٣

اسم ٢٤

اسم ٩

صحيح  
يَانَقِيًا

اسم ١٥

اسم ٢١

اسم ٢٤

١٥٩



بار يا واحد الباقي أوّل كل شيء وآخره يا واحد وده بار يا خير الناصرين اعمد  
 بك من كل فاطع يقطعني عنك و ١ بار وزين قلوبنا بالحق والتوبة والعصمة وأ  
 لا نابة والخشوع والخوف والحياء والاجابة واليقين والهداية والهمة والصبر  
 والجمعة والعظمة والاستقامة وتوحيد الحال والعقل والكمال والوحي الخفي ودرك  
 الكشوف والقلب الساير والروح الطاير وكشف الغيب والالهام الصادق وعلم الموهبة  
 والفيض والارشاد والارادة والعناية وحضور الوحدة ووحدة الجمع وجمع الوحدة في  
 خلوة الجلوة وجلوة الخلوة والنس لو حشة وحشة الانس وصحو السكر وسكر الصحو  
 وظهور البطون وبطون الظهور وجسد الروح وروح الجسد وحقيقة المعرفة واما كان  
 النصوص وحقيقة اليقين وشهود المشاهدة وذكر المراقبة ورؤية المعاينة يا  
 لتفويض والسلامة وتوجه الولاية وفيض النبوة وقرب النوافل ومحبة العشق و  
 عشق الوصال بالامن والايمان و ٥٢ بار يا قريب المحيب المذلاني دون كل شيء  
 قربة يا قريب وزين اعمالنا بالحق وحركة الخدمة وزهد المجاهدة وسلوك الطور  
 بقة وترك العلايق والتوكل والفناعة والرضا والتسليم وحسن الظن والعجز  
 والتواضع والورع وستر العيوب وفناء النفس وترك اللذات وعمل الاجابة وحقيقة  
 الروح ومداد ومدة الاشغال واحكام الالهية والربوبية والخلافة القيّدة والمطلقة  
 والبيعة الصادقة وخرق العادات وعروج الروح وافعال الحميد و ٢٤ و ٢٥  
 يا قريب المتعالي فوق كل شيء علو ارفعاه يا قريب و ١ بار وزين السنتنا  
 بالحق والشكوت والذكر والفكر والشكر والحمد والصدق والشفقة والرحمة والحكمة والحقيقة  
 والمعرفة



- وَالْمَعْرِفَةِ وَالشَّرِيعَةِ وَالْخُلُقِ وَالْحِلْمِ وَالصَّبْرِ وَالْإِيثَارَ وَالْثَنَاءَ و ١٥ بار يا عجيب  
 الصَّنَائِعِ فَلَا تَنْطِقُ إِلَّا لِسُنْ بِكُلِّ الْأَعْيَةِ وَنِعْمَائِهِ وَثَنَائِهِ يَا عجيب و ١ بار  
 وزين بطوننا بالحق وشبع الجوع وجوع الشبع واكل الحلال و ١٤ بار سُبْحَانَكَ لَا  
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثَهُ وَرَاحِمَهُ وَرَازِقَهُ سُبْحَانَكَ و ١ بار  
 وزين فروجنا بالحق والقوة والنور والعزّة ونكاح الجمال وحسن الكمال وكثير السوال  
 ١٢٢٢ ال ١ ٣٠٧ و ١٤ بار يَا مَنَانُ ذَا الْإِحْسَانِ قَدِّعْ كُلَّ الْخَلَائِقِ مِنْهُ وَفَضْلُهُ  
 ١٢٢٢ ال ١ ٣٠٧ و ١٤ بار وزين ايدينا بالحق والإمانة والسخاوة والخدمة والطاعة والمعونة  
 وقسمة العدالة و ١٤ بار يَا رَحْمَنُ كُلِّ شَيْءٍ وَرَاحِمَهُ يَا رَحْمَنُ و ١ بار وزين  
 سماعنا بالحق والحمد والذكر والكلام الصادق واخبار الغيب والمهاقف و ١٤ بار يَا  
 عَلَّامُ الْغُيُوبِ فَلَا يَفُوتُهُ شَيْءٌ مِنْ عِلْمِهِ وَلَا يَوُدُّهُ مِنْ حِفْظِهِ يَا عَلَّامُ و ١ بار  
 وزين ابصارنا بالحق والاسرار والعلوية ونظر العبرة ويوم اليقظة ويقظة النوم ومطلع  
 النور وكشف اسرار الغيب ودر ك البصيرة ورؤية اللقاء ومشاهدة البقاء ومعانيه  
 الذات ومعاملة الافعال و ١٢ بار يَا نُورُ كُلِّ شَيْءٍ وَهْدَاهُ أَنْتَ الَّذِي فَلَقَ الظُّلُمَاتِ  
 يَنْوُرُهُ يَا نُورُ و ١ بار وزين اسرجلنا بالحق والقيام والطاعة والسير والطير والصراط  
 الْمُسْتَقِيمِ و ١٢ بار يَا غَالِي السَّامِخِ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ عَلُوُّ اسْتِفَاعِهِ يَا غَالِي و ١٨ بار ويا  
 ١٢٢ بار يَا دَائِمُ بَلَاءٍ فَنَاءٍ وَلَا زَوَالٍ لِمُلْكِهِ وَبَقَائِهِ يَا دَائِمُ بخواند و ٧٢ بار يَا رَبَّ  
 الْعَالَمِينَ يَا نَاكَ تَعْبُدُ وَيَا نَاكَ لَسْتَعِينِ و ١ بار لا احصى ثناء عليك انت كما اثنيت  
 عَلَى نَفْسِكَ جَلَّ عَنْ ثَنَائِي جَنَابُ قَدْسِكَ وَكَيْفَ كُلِّ ثَنَاءٍ يَعُودُ إِلَيْكَ يَا اللَّهُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ

اسم ٤٠

اسم ١

اسم ١٢

اسم ٤

اسم ٢٣

نسخه بدل اسم ٣١

يَا دَائِمُ فَلَا فَنَاءَ

وَلَا زَوَالٍ لِمُلْكِهِ يَا دَائِمُ

بدل ابن سلاست اسم ٨



يَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِرُحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و ۷۲ بار الهی  
 خَلَصْنَا عَنْ الْأَشْتِغَالِ بِالْمَلَاهِي وَأَرْزَانَا حَقَائِقَ الْأَشْيَاءِ كَمَا هِيَ و ۳ بار اللَّهُمَّ  
 إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بِغَيْرِ ذِكْرِكَ وَمِنْ رَاحَةٍ بِغَيْرِ خِدْمَتِكَ وَمِنْ فَرْجٍ  
 بِغَيْرِ مُجَالَسَتِكَ وَمِنْ كُلِّ شُغْلٍ بِغَيْرِ مُعَايَلَتِكَ و ۱ بار اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِرَافِي شُغْلًا  
 وَنِسْيَانِي ذِكْرًا وَسُكُونِي وَنَظْمِي حِكْمَةً وَحِرْمَانِي خِدْمَةً وَوَحْشَتِي أَنْسَاءً وَوَحْدَتِي جَمْعًا وَجَبِي  
 وَحْدَةً وَخَلُوقِي جَلُوتَ وَجَلُوقِي خُلُوتَ وَالنَّاسِي وَحْشَةً وَوَحْشَتِي أَنْسَاءً وَصَحْوِي سَكْرًا وَسَكْرِي  
 صَحْوًا وَنَوْمِي يَقْظَةً وَيَقْظَتِي نَوْمًا وَشَبْعِي جَوْعًا وَجَوْعِي شَبْعًا وَقَلْبِي سَلِيمًا وَالْإِلَهِي رَبِّي مُنِيبًا  
 إِلَهِي الدُّنْيَا حِجَابِي إِلَهِي الْعَقْبَى حِجَابِي إِلَهِي وَلَرَفْعِ حِجَابِي فِي ذَاتِكَ يَا صَاحِبَ الْحِجَابِ و ۷ بار  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَايَةِ وَمِنَ الْجُبُونِ بَعْدَ الْكُورِ وَمِنَ الزَّوَالِ بَعْدَ  
 الْكَمَالِ و ۳ بار اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ وَإِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ و  
 ۱۷۲ بار يَا سَاقِيبُ يَا سَمِيعُ يَا مُجِيبُ يَا مُعْطِي بخواند و صلی الله علی خیر خلقه محمد  
 و آله اجمعین والسلام

ایضا عزیمت و قسم ۲۱ حرف تهجی برای جمیع امور دینی و دنیاوی بخواند جل حروف  
 ۵۹۹۵ ازین عدد ۲۱ اسماء عظام برآمدند و برین اسم ۱۱۷ موکلات ظاهر شدند با  
 که قراءت صحیح کند و اعرف و نقاط و حروف اسامی مشار الیه نقص و اضافه نکنند و در وقت  
 قراءت بخور بکاس برده هر که بدین طریق مداومت نماید منتصرف کاینات گردد عدد قراءت دعوت  
 یجمل حروف هر روز اعداد اسامی مع اسماء الهی بعد موکلات بخواند و برای مقصود با ۲۱  
 روز هر روزی هفت بار یا هفت روز یا هر روز ۲۱ بار بخواند یا چهار روز هر روز  
 چهار بار بخواند



چهار بار بخواند و آن اینست که مر قوم میشود یا الله یا حی یا قیوم یا علیم یا قدیر یا بصیر  
 یا سمیع یا کریم یا مرید یا باسط یا باعث یا جواد یا دایم یا هادی یا ودود یا مالک یا مبین  
 یا منعم یا محمود یا منیر یا فتاح یا قریب یا رحمن یا رحیم یا رزاق یا رشید یا خا  
 لق بحق اسمائك العظام و حر و قها و بیناتها و برکاتها و خاصیاتها و اسرارها و آثارها  
 و توابعها ان تسخر لی ارواح الملائكة و الجن و الانس و غیرهم عزمت علیکم یا معشر الروا  
 نیین التابعین لهذه الاسماء المذكورین و الخدام لهذه الحروف الکواکب ایجد  
 هوزج طیکل منسح فصقر شتخ دضظغ اجب یا کخا یئل یا عطا یئل یا القا  
 یئل یا قفایئل یا ربایئل یا رفجایئل یا شلدایئل یا شفقایئل یا تلوا یئل یا فقل یئل  
 یا نلحایئل یا نلظایئل یا حیا یئل یا حضایئل یا دصبا یئل یا دصحا یئل یا ضدا یئل  
 یا مضها یئل یا طوا یئل یا ظفرا یئل یا عجا یئل یا عضنایئل یا عقنا یئل یا عزرا یئل  
 یا عذ یئا یئل یا عثحا یئل یا عشنل یئل یا غنها یئل یا غنسوا یئل یا غثرا یئل  
 یا غثا یئل یا غظا یئل یا غحسا یئل یا غذنا یئل یا غذسا یئل یا عضحا یئل یا عضندا  
 یئل یا عظیمها یئل یا عظمسوا یئل یا بغرا یئل یا بغحا یئل یا بغتطا یئل یا بغفعا یئل  
 یا بغرکا یئل یا بغرعا یئل یا بغشکا یئل یا بغشعل یئل یا بعنکها یئل یا بغتعو یئل یا  
 بغشکرا یئل یا بغشحا یئل یا بغشکطا یئل یا بغضنا یئل یا بغذل یئل یا بغذ فیا یئل  
 یا بغضلحا یئل یا بغضفلا یئل یا بغطلها یئل یا بغطفوا یئل یا بغلرنا یئل یا جففا یئل  
 یا حقطلایئل یا جففصا یئل یا جغره آ یئل یا جغرضبا یئل یا جغثجا یئل یا جغستصلا یئل  
 یا جغتحمها یئل یا جغتصوا یئل یا جغثمرا یئل یا جغتضجا یئل یا جغظنا یئل یا جعذنا یئل

هر کس که بخواهد  
 در کسب علم و  
 طهارت  
 و توبه  
 و جود  
 صفات  
 و صفات







برضا بر خلایق واقف شود و حقیقت اشیا در کربان و دلش دوست دارد و این  
 مجرب است طریق دعوت در کربان عدد دستور را بر روز قسمت  
 کرده بخواند و هر آن عدد که قابل قسمت نباشد برود آخر بخواند و بعد از اتمام دعوت  
 هر روز بعد از فجر مرتبه یا مرتبه و لازم دارد و معمول بدست آید  
 دعوت این است یا الله یا باس یا نام یا ثابت یا جمیل یا احسان یا خالق یا دیان  
 یا ذاکر یا رب یا ذاکی یا سلام یا شافی یا صانع یا ضیاء یا ظاهر یا ظاهر  
 یا علام یا غفار یا فرد یا قدوس یا کافی یا لطیف یا کریم یا منان یا نور  
 یا ودود یا هادی یا اربی حقایق القلوب و اسرار الاشیاء و اجعل  
 لی و دانی صد و الاعداء فصل دوم در دعوت اسماء

جبروتی بدانکه این اسمائست متضمن بفایده ها و مؤثر بخاصیتها برای جمیع  
 برادات دینی و دنیاوی اگر کسی مداومت با اسماء جبروتی کند موصوف بهمد صفا  
 گردد باید که طریق شرایط در کربان چه اگر کسی هزار بار بطریق شرایط دعوت تا  
 مدتی که تواند بخواند شرایط جمله اسماء ساقط شود ایضا به نیت دعوت تا  
 چهل روز هر روز چهل و یکبار بخواند و آیام مقصود و طریق عروج و نزول  
 شهر و احتیاط و قواعد دعوت قبل ازین دستور است دیده عمل نماید ایضا  
 اگر کسی خواهد که هر اسم را جدا گانه شرایط مع دعوت بخواند باید که به نیت شرایط  
 هر اسمی که خواهد او را شش هزار بار مع امر قاش تا که تواند بخواند شرایط  
 ساقط شود بعد به نیت دعوت تا هفت روز هر روز شش هزار بار

کمالی

کمالی

۱۷۵

دعوت اسماء

جبروتی



يُجَوِّدُ اجَابَتِ شُودِ اسْمَاءِ جَبَرُوتِي اَيْنِ اسْتِ اللَّهُمَّ يَا نُورُ تَنُورِتْ بِالنُّورِ وَالنُّورِ

فِي نُورِ نَوْرِكَ يَا نُورُ هـ يَا نَاطِرُ تَنْظُرْتُ بِالنَّظَرِ وَالنَّظَرِ فِي نَظَرِ نَظَرِكَ يَا نَاطِرُ هـ

يَا نَاطِقُ تَنْطَقْتُ بِالنُّطْقِ وَالنُّطْقِ فِي نُطْقِ نُطْقِكَ يَا نَاطِقُ هـ يَا نَصِيرُ تَنْصُرْتُ

بِالنَّصْرِ وَالنَّصْرِ فِي نَصْرِ نَصْرِكَ يَا نَصِيرُ هـ يَا نَافِعُ تَنْفَعْتُ بِالنَّفْعِ وَالنَّفْعِ فِي

نَفْعِ نَفْعِكَ يَا نَافِعُ هـ يَا نَافِعُ تَنْفَعْتُ بِالنَّفْعِ وَالنَّفْعِ فِي نَفْعِ نَفْعِكَ يَا نَافِعُ هـ يَا نَاعِمُ

تَنْعَمْتُ بِالنَّعْمِ وَالنَّعْمِ فِي نَعْمِ نَعْمِكَ يَا نَاعِمُ هـ يَا نَاجِي تَنْجِيْتُ بِالنَّجَاةِ

وَالنَّجَاةِ فِي نَجَاةِ نَجَاتِكَ يَا نَاجِي هـ يَا سَالِمُ تَسَلَّمْتُ بِالسَّلَامِ وَالسَّلَامِ فِي سَلَامِ

سَلَامِكَ يَا سَالِمُ هـ يَا سِتَّارُ تَسْتَرْتُ بِالسَّتْرِ وَالسَّتْرِ فِي سِتْرِ سِتْرِكَ يَا سِتَّارُ

هـ يَا سَابِقُ تَسَبَّقْتُ بِالسَّبَاقَةِ وَالسَّبَاقَةِ فِي سَبَاقَةِ سَبَاقِكَ يَا سَابِقُ هـ يَا سَامِعُ

تَسْمَعْتُ بِالسَّمْعِ وَالسَّمْعِ فِي سَمْعِ سَمْعِكَ يَا سَامِعُ هـ يَا سَرِيعُ تَسْرِعْتُ بِالسُّرْعَةِ

وَالسُّرْعَةِ فِي سُرْعَةِ سُرْعَتِكَ يَا سَرِيعُ هـ يَا عَلِيمُ تَعَلَّمْتُ بِالْعِلْمِ وَالْعِلْمِ فِي عِلْمِ عِلْمِكَ

يَا عَلِيمُ هـ يَا عَالِي تَعَلَّيْتُ بِالْعُلُوِّ وَالْعُلُوِّ فِي عُلُوِّ عُلُوكَ يَا عَالِي هـ يَا عَظِيمُ تَعْظَمْتُ

بِالْعِظْمَةِ وَالْعِظْمَةِ فِي عِظْمَةِ عِظْمَتِكَ يَا عَظِيمُ هـ يَا عَزِيزُ تَعَزَّزْتُ بِالْعِزَّةِ

وَالْعِزَّةِ فِي عِزَّةِ عِزَّتِكَ يَا عَزِيزُ هـ يَا عَجِيبُ تَعْجَبْتُ بِالْعَجَائِبِ وَالْعَجَائِبِ فِي عَجَائِبِ

عَجَائِبِكَ يَا عَجِيبُ هـ يَا عَاجِلُ تَعْجَلْتُ بِالْعَجْلِ وَالْعَجْلِ فِي عَجْلِ عَجْلِكَ يَا عَاجِلُ هـ

يَا عَادِلُ تَعَدَّلْتُ بِالْعَدْلِ وَالْعَدْلِ فِي عَدْلِ عَدْلِكَ يَا عَادِلُ هـ يَا غَاطِفُ تَغَطَّفْتُ

بِالْعَطُوفَةِ وَالْعَطُوفَةِ فِي عَطُوفَةِ عَطُوفَتِكَ يَا غَاطِفُ هـ يَا غَاصِمُ تَغْصِمْتُ بِا

لْعَصْمَةِ وَالْعَصْمَةِ فِي عَصْمَةِ عَصْمَتِكَ يَا غَاصِمُ هـ يَا غَارِفُ تَغْرِفْتُ بِالْمَعْرِفَةِ وَالْمَعْرِفَةِ

فِي مَعْرِفَةِ مَعْرِفَتِكَ



فِي مَعْرِفَةِ مَعْرِفَتِكَ يَا عَارِفُ هـ يَا عَاشِقُ تَعَشَّقْتَ بِالْعَشْقِ وَالْعَشْقُ فِي عَشْقِ عَشْقِكَ  
 يَا عَاشِقُ هـ يَا فَاعِلُ تَفْعَلْتَ بِالْفِعْلِ وَالْفِعْلُ فِي فِعْلِ فَعْلِكَ يَا فَاعِلُ هـ يَا فَالِقُ تَفَلَّقْتَ  
 بِالْفَلْقِ وَالْفَلْقُ فِي فَلْقِ فَلَاقِكَ يَا فَالِقُ هـ يَا فَارِضُ تَفَرَّضْتَ بِالْفَرَضِ وَالْفَرَضُ فِي فَرَضِ  
 فَرَضِكَ يَا فَارِضُ هـ يَا فَاضِلُ تَفَضَّلْتَ بِالْفَضْلِ وَالْفَضْلُ فِي فَضْلِ فَضْلِكَ يَا فَاضِلُ  
 هـ يَا فَايِضُ تَفَيَّضْتَ بِالْفَيْضِ وَالْفَيْضُ فِي فَيْضِ فَيْضِكَ يَا فَايِضُ هـ يَا فَاوِجُ تَفَرَّجْتَ  
 بِالْفَرَجِ وَالْفَرَجُ فِي فَرَجِ فَرَجِكَ يَا فَاوِجُ هـ يَا فَاخِرُ تَفَخَّرْتَ بِالْفَخْرِ وَالْفَخْرُ فِي فَخْرِ  
 فَخْرِكَ يَا فَاخِرُ هـ يَا فَتَّاحُ تَفَتَّحْتَ بِالْفَتْحِ وَالْفَتْحُ فِي فَتْحِ فَتْحِكَ يَا فَتَّاحُ هـ يَا صَابِرُ  
 تَصَبَّرْتَ بِالصَّبْرِ وَالصَّبْرُ فِي صَبْرِ صَبْرِكَ يَا صَابِرُ هـ يَا صَادِقُ تَصَدَّقْتَ بِالصَّدْقِ  
 وَالصَّدْقُ فِي صَدْقِ صَدْقِكَ يَا صَادِقُ هـ يَا صَانِعُ تَصْنَعْتَ بِالصَّنْعِ وَالصَّنْعُ فِي صُنْعِ  
 صُنْعِكَ يَا صَانِعُ هـ يَا قَرِيبُ تَقَرَّبْتَ بِالْقُرْبِ وَالْقُرْبُ فِي قُرْبِ قُرْبِكَ يَا قَرِيبُ هـ  
 يَا قَابِلُ تَقَبَّلْتَ بِالْقَبُولِ وَالْقَبُولُ فِي قَبُولِ قَبُولِكَ يَا قَابِلُ هـ يَا قَدِيرُ تَقَدَّرْتَ  
 بِالْقُدْرَةِ وَالْقُدْرَةُ فِي قُدْرَةِ قُدْرَتِكَ يَا قَدِيرُ هـ يَا قَاهِرُ تَقَهَّرْتَ بِالْقَهْرِ وَالْقَهْرُ  
 فِي قَهْرِ قَهْرِكَ يَا قَاهِرُ هـ يَا قَابِضُ تَقَبَّضْتَ بِالْقَبْضِ وَالْقَبْضُ فِي قَبْضِ قَبْضِكَ  
 يَا قَابِضُ هـ يَا قَوِيُّ تَقَوَّيْتَ بِالْقُوَّةِ وَالْقُوَّةُ فِي قُوَّةِ قُوَّتِكَ يَا قَوِيُّ هـ يَا قُدُّوسُ  
 تَقَدَّسْتَ بِالْقُدْسِ وَالْقُدْسُ فِي قُدْسِ قُدْسِكَ يَا قُدُّوسُ هـ يَا قَاصِدُ تَقَصَّدْتَ  
 بِالْقَصْدِ وَالْقَصْدُ فِي قَصْدِ قَصْدِكَ يَا قَاصِدُ هـ يَا قَاسِمُ تَقَسَّمْتَ بِالْقِسْمَةِ وَالْقِسْمَةُ  
 فِي قِسْمِ قِسْمِكَ يَا قَاسِمُ هـ يَا قَدِيمُ تَقَدَّمَتْ بِالْقَدَمِ وَالْقَدَمُ فِي قَدَمِ قَدَمِكَ  
 يَا قَدِيمُ هـ يَا رَاحِمُ تَرَحَّمْتَ بِالرَّحْمَةِ وَالرَّحْمَةُ فِي رَحْمَتِ رَحْمَتِكَ يَا رَاحِمُ



يَا رِزَاقُ تَرَزَقْتَ بِالرِّزْقِ وَالرِّزْقُ فِي رِزْقِكَ يَا رِزَاقُ هـ يَا رَاكِبُ تَرَكِبْتَ بِالرَّكَبِ  
 وَالرَّكَبُ فِي رَكْبِكَ يَا رَاكِبُ هـ يَا رَاغِبُ تَرَغَبْتَ بِالرَّغْبَةِ وَالرَّغْبَةُ فِي رَغَبِكَ  
 رَغَبَتِكَ يَا رَاغِبُ هـ يَا رَافِقُ تَرَفَقْتَ بِالرَّفْقِ وَالرَّفْقُ فِي رَفْقِكَ يَا رَافِقُ هـ  
 يَا رَافِعُ تَرَفَعْتَ بِالرَّفْعِ وَالرَّفْعُ فِي رَفْعِكَ يَا رَافِعُ هـ يَا رَاشِدُ تَرَشَّدْتَ بِالرُّشْدِ  
 وَالرُّشْدُ فِي رُشْدِكَ يَا رَاشِدُ هـ يَا رَاعِي تَرَعَيْتَ بِالرَّعَايَةِ وَالرَّعَايَةُ فِي رِعَايَتِكَ  
 رِعَايَتِكَ يَا رَاعِي هـ يَا رَبِّ تَرَبَّيْتُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَالرُّبُوبِيَّةُ فِي رَبُوبِيَّةِكَ  
 رَبُوبِيَّتِكَ يَا رَبِّ هـ يَا شَارِقُ تَشَرَّقْتَ بِالشُّوقِ وَالشُّوقُ فِي شَوْقِكَ يَا شَارِقُ  
 هـ يَا شَافِعُ تَشْفَعْتَ بِالشَّفَاعَةِ وَالشَّفَاعَةُ فِي شَفَاعَتِكَ يَا شَافِعُ  
 هـ يَا شَكُورُ تَشْكُرُ بِالشُّكْرِ وَالشُّكْرُ فِي شُكْرِكَ يَا شَكُورُ هـ يَا شَافِي تَشْفِي بِالشِّفَاءِ  
 وَالشِّفَاءُ فِي شِفَائِكَ يَا شَافِي هـ يَا شَاهِدُ تَشْهَدُ بِالشَّهَادَةِ وَالشَّهَادَةُ فِي شَهَادَتِكَ  
 شَهَادَتِكَ يَا شَاهِدُ هـ يَا تَوَّابُ تَبُودُ بِالتَّوْبَةِ وَالتَّوْبَةُ فِي تَوْبَتِكَ يَا تَوَّابُ هـ  
 يَا ثَابِتُ تَثْبُتُ بِالثَّبُوتِ وَالثَّبُوتُ فِي ثَبُوتِكَ يَا ثَابِتُ هـ يَا خَيْرُ تَخَيَّرْتَ بِالْخَيْرِ  
 وَالْخَيْرُ فِي خَيْرِكَ يَا خَيْرُ هـ يَا خَازِنُ تَخَزَّنْتَ بِالْخَزَائِنِ وَالْخَزَائِنُ فِي خَزَائِنِكَ  
 خَزَائِنِكَ يَا خَازِنُ هـ يَا جَارِحُ تَجَرَّحْتَ بِالْجَرَحِ وَالْجَرَحُ فِي جَرَحِكَ يَا جَارِحُ  
 هـ يَا خَالِقُ تَخْلُقُ بِالْخَلْقِ وَالْخَلْقُ فِي خَلْقِكَ يَا خَالِقُ هـ يَا خَافِضُ تَخْفِضُ بِالْخَفْضِ  
 بِالْخَفْضِ وَالْخَفْضُ فِي خَفْضِكَ يَا خَافِضُ هـ يَا خَبِيرُ تَخْبُرُ بِالْخَبَرِ وَالْخَبَرُ  
 فِي خَبَرِكَ يَا خَبِيرُ هـ يَا ذَاكِرُ تَذَكَّرْتَ بِالذِّكْرِ وَالذِّكْرُ فِي ذِكْرِكَ يَا  
 ذَاكِرُ هـ يَا ذَوَّاقُ تَذُوقُ بِالذَّوْقِ وَالذَّوْقُ فِي ذَوْقِكَ يَا ذَوَّاقُ هـ



يَا ذَا خَيْرٍ تَذْخِرُ بِالذَّخْرِ وَالذَّخْرُ فِي ذُخْرٍ ذَخَرَكَ يَا ذَا خَيْرٍ هـ يَا ضِيَاءُ تُضِيئُ  
 بِالضِّيَاءِ وَالضِّيَاءُ فِي ضِيَاءٍ ضِيَاءُكَ يَا ضِيَاءُ هـ يَا ضَاعِفٌ تُضَعِّفُ بِالْإِضْعَافِ  
 وَالْإِضْعَافُ فِي إِضْعَافٍ إِضْعَافُكَ يَا ضَاعِفٌ هـ يَا ظَاهِرٌ تَظْهَرُ بِالظُّهُورِ وَالظُّهُورُ  
 فِي ظُهُورٍ ظُهُورُكَ يَا ظَاهِرٌ هـ يَا ظَافِرٌ تَظْفِرُ بِالظُّفْرِ وَالظُّفْرُ فِي ظَفْرِ ظَفْرِكَ  
 يَا ظَافِرٌ هـ يَا غَالِبٌ تُغْلِبُ بِالْغَلْبَةِ وَالْغَلْبَةُ فِي غَلْبَتِكَ يَا غَالِبٌ هـ يَا  
 غَائِبٌ تُغَيِّبُ بِالْغَيْبَةِ وَالْغَيْبَةُ فِي غَيْبَتِكَ يَا غَائِبٌ هـ يَا غِيَاثٌ تُغِيثُ  
 بِالْغِيَاثِ وَالْغِيَاثُ فِي غِيَاثِكَ يَا غِيَاثٌ هـ يَا غَيُورٌ تُغَيِّرُ بِالْغَيْرَةِ وَالْغَيْرَةُ  
 فِي غَيْرَةٍ غَيْرَتِكَ يَا غَيُورٌ هـ يَا غَفَّارٌ تُغْفِرُ بِالْغُفْرَانِ وَالْغُفْرَانُ فِي غُفْرَانٍ غُفْرَانِ  
 نِكَ يَا غَفَّارٌ هـ يَا غَفُورٌ تُغْفِرُ بِالْمَغْفِرَةِ وَالْمَغْفِرَةُ فِي مَغْفِرَةٍ مَغْفِرَتِكَ يَا غَفُورٌ  
 هـ يَا غَنِيٌّ تُغْنِي بِالْغِنَاءِ وَالْغِنَاءُ فِي غِنَاءِكَ يَا غَنِيٌّ هـ يَا أَمِيرٌ تَأْمُرُ بِالْأُمُورِ  
 وَالْأُمُورُ فِي أُمُورٍ أَمُورِكَ يَا أَمِيرٌ هـ يَا أَوَّلٌ تَأُولُ بِالْأُولِيَةِ وَالْأُولِيَةُ فِي أُولِيَةٍ  
 أُولِيَتِكَ يَا أَوَّلٌ هـ يَا بَاصِرٌ تَبْصُرُ بِالْبَصِيرَةِ وَالْبَصِيرَةُ فِي بَصِيرَةٍ بَصِيرَتِكَ  
 يَا بَاصِرٌ هـ يَا بَصِيرٌ تَبْصُرُ بِالْبَصِيرَةِ وَالْبَصِيرَةُ فِي بَصِيرَةٍ بَصِيرَتِكَ يَا بَصِيرٌ  
 هـ يَا بَاسِطٌ تَبْسُطُ بِالْبَسْطِ وَالْبَسْطُ فِي بَسْطِكَ يَا بَاسِطٌ هـ يَا بَاعِثٌ تَبْعِثُ  
 بِالْبَعْثِ وَالْبَعْثُ فِي بَعْثِكَ يَا بَاعِثٌ هـ يَا بَالِغٌ تَبْلُغُ بِالْبَلَاغَةِ وَالْبَلَاغَةُ  
 فِي بَلَاغَةٍ بَلَاغَتِكَ يَا بَالِغٌ هـ يَا بَدِيعٌ تَبْدِيعُتُ بِالْبَدْعِ وَالْبَدْعُ فِي بَدْعٍ بَدْعِكَ يَا  
 بَدِيعٌ هـ يَا بَشِيرٌ تَبْشُرُ بِالْبَشِيرَةِ وَالْبَشِيرَةُ فِي بَشِيرَةٍ بَشِيرَتِكَ يَا بَشِيرٌ هـ  
 يَا جَاعِلٌ تَجْعَلُ بِالْعَمَلِ وَالْعَمَلُ فِي عَمَلِكَ يَا جَاعِلٌ هـ يَا جَامِعٌ تَجْمَعُ



بالجمع والجمع في جمع جمعك يا جامع ه يا جابر تجبرت بالجبر والجبر في جبر جبرك  
 يا جابر ه يا جواد تجودت بالجود والجود في جود جودك يا جواد ه يا جليل تجللت  
 بالجلال والجلال في جلال جلالك يا جليل ه يا جميل تجملت بالجمال والجمال في  
 جمال جمالك يا جميل ه يا جمال تجملت بالجميل والجميل في جميل جميلك يا جمال ه  
 يا داخل تدخلت بالدخول والدخول في دخول دخولك يا داخل ه يا دافع  
 تدفعت بالدفع والدفع في دفع دفعك يا دافع ه يا ديهور تدهرت بالدهر  
 والدهر في دهر دهرك يا ديهور ه يا هادي تدهيت بالهداية والهداية  
 في هداية هدايتك يا هادي ه يا واحد توحدت بالوحدة والوحدة  
 في وحدة وحدتك يا واحد ه يا وهاب توهبت بالوهب والوهب في وهب  
 وهبك يا وهاب ه يا واسع توسعت بالوسع والوسع في وسع وسعك يا واسع  
 ه يا وافي توفيت بالوفاء والوفاء في وفاء وفائك يا وافي ه يا واجب توجبت  
 بالوجوب والوجوب في وجوب وجوبك يا واجب ه يا اصل توصلت بالوصل  
 والوصل في وصل وصلك يا اصل ه يا اصف توصفت بالوصف والوصف  
 في وصف وصفك يا اصف ه يا واحد توجدت بالوجد والوجد في وجد  
 وجدك يا واحد ه يا ولي توليت بالولاية والولاية في ولاية ولايتك يا ولي  
 ه يا وكيل توكلت بالوكالة والوكالة في وكالة وكالتك يا وكيل ه يا وعيد توعدت  
 بالوعد والوعد في وعد وعدك يا وعيد ه يا زين تزينت بالزينة والزينة في زين  
 زينتك يا زين ه يا حي تحييت بالحياة والحياة في حياة حيوتك يا حي ه يا حاكم



تَحَكَّمْتَ بِالْحُكْمِ وَالْحُكْمُ فِي حُكْمِ حُكْمِكَ يَا حَاكِمُهُ يَا حَكِيمُ تَحَكَّمْتَ بِالْحِكْمَةِ وَالْحِكْمَةُ  
فِي حِكْمَةِ حِكْمَتِكَ يَا حَكِيمُهُ يَا حَلِيمُ تَحَلَّمْتَ بِالْحَلَمِ وَالْحَلَمُ فِي حَلَمِ حَلَمِكَ يَا حَلِيمُهُ  
يَا حَبِيبُ تَحَسَّبْتَ بِالْحِسَابِ وَالْحِسَابُ فِي حِسَابِ حِسَابِكَ يَا حَبِيبُهُ يَا حَفِيزُ  
تَحَفِيزْتَ بِالْحَفِيزِ وَالْحَفِيزُ فِي حَفِيزِ حَفِيزِكَ يَا حَفِيزُهُ يَا خَافِظُ تَحَفِظْتَ  
بِالْخِفَافِ وَالْخِفَافُ فِي خِفَافِ خِفَافِكَ يَا خَافِظُهُ يَا حَبِيبُ تَحَبَّبْتَ بِالْحُبِّ وَالْحُبُّ  
فِي حُبِّ حُبِّكَ يَا حَبِيبُهُ يَا حَمِيدُ تَحَمَّدْتَ بِالْحَمْدِ وَالْحَمْدُ فِي حَمْدِ حَمْدِكَ يَا حَمِيدُهُ  
يَا خَاضِرُ تَخَضَّرْتَ بِالْخَضُورِ وَالْخَضُورُ فِي خَضُورِ خَضُورِكَ يَا خَاضِرُهُ يَا طَالِبُ  
تَطَلَّبْتَ بِالطَّلَبِ وَالطَّلَبُ فِي طَلَبِ طَلَبِكَ يَا طَالِبُهُ يَا ظَاهِرُ تَطَهَّرْتَ بِالطَّهَارَةِ  
وَالطَّهَارَةُ فِي طَهَارَةِ طَهَارَتِكَ يَا ظَاهِرُهُ يَا ظَالِعُ تَطَلَّعْتَ بِالطَّلُوعِ وَالطَّلُوعُ  
فِي طُلُوعِ طُلُوعِكَ يَا ظَالِعُهُ يَا طَارِبُ تَطَرَّبْتَ بِالطَّرِبِ وَالطَّرِبُ فِي طَرِبِ طَرِبِكَ  
يَا طَارِبُهُ يَا كَرِيمُ تَكْرَمْتَ بِالْكَرَامَةِ وَالْكَرَامَةُ فِي كَرَامَةِ كَرَامَتِكَ يَا كَرِيمُهُ  
يَا كَبِيرُ تَكَبَّرْتَ بِالْكِبَرِ يَاءُ فِي كِبَرِ يَاءِ كِبَرِ يَاءِكَ يَا كَبِيرُهُ يَا كَاشِفُ تَكَشَّفْتَ  
بِالْكَشْفِ وَالْكَشْفُ فِي كَشْفِ كَشْفِكَ يَا كَاشِفُهُ يَا كَاتِبُ تَكْتَبْتَ بِالْكِتَابِ وَالْكِتَابُ  
فِي كُتُبِ كُتُبِكَ يَا كَاتِبُهُ يَا كَافٍ تَكْفَيْتَ بِالْكَفَايَةِ وَالْكَفَايَةُ فِي كَفَايَةِ كَفَايَتِكَ  
يَا كَافِيُهُ يَا كَامِلُ تَكَمَّلْتَ بِالْكَمَالِيَةِ وَالْكَمَالِيَةُ فِي كَمَالِيَةِ كَمَالِيَتِكَ يَا كَامِلُهُ يَا  
كَائِنُ تَكَيَّنْتَ بِالْكَوْنِ وَالْكَوْنُ فِي كَوْنِ كَوْنِكَ يَا كَائِنُهُ يَا كَلِيمُ تَكَلَّمْتَ بِالْكَلَامِ وَ  
لِكَلَامٍ فِي كَلَامِ كَلَامِكَ يَا كَلِيمُهُ يَا لَامِسُ تَلَمَّسْتَ بِاللَّمْسِ وَاللَّمْسُ فِي لَمْسِ لَمْسِكَ  
يَا لَامِسُهُ يَا لَيْنُ تَلَيَّنْتَ بِاللَّوْنِ وَاللَّوْنُ فِي لَوْنِ لَوْنِكَ يَا لَيْنُهُ يَا لَطِيفُ



تَلَطَّفْتُ بِاللُّطْفِ وَاللُّطْفُ فِي لُطْفِ لُطْفِكَ يَا لَطِيفُ هـ يَا مَا جَدُّ تَجَدَّدَتْ بِهَا <sup>لِجَدِّ</sup>  
 وَالْمَجْدُ فِي مَجْدٍ مَجْدِكَ يَا مَا جَدُّ هـ يَا مَا لِكُ تَمَلَّكَتِ بِالْمَلِكِ وَالْمُلْكُ فِي مُلْكٍ مُلْكِكَ  
 يَا مَا لِكُ هـ يَا مُبْدِلُ تَبَدَّلْتُ بِالْبَدْلِ وَالْبَدْلُ فِي بَدَلٍ بَدَلِكُ يَا مُبْدِلُ هـ يَا مُبْدِلُ  
 تَبَدَّلْتُ بِالْبَدْلِ وَالْبَدْلُ فِي بَدَلٍ بَدَلِكُ يَا مُبْدِلُ هـ يَا مُبِينُ تَبَيَّنْتُ بِالْبَيَانِ وَالْبَيَانُ  
 فِي بَيَانٍ بَيَانِكَ يَا مُبِينُ هـ يَا مُؤَثِّرُ تَأَثَّرْتُ بِالْأَثْرِ وَالْأَثَرُ فِي أَثَرٍ أَثَرِكَ يَا مُؤَثِّرُ هـ  
 يَا مُزَوِّرُ تَزَوَّرْتُ بِالزِّيَارَةِ وَالزِّيَارَةُ فِي زِيَارَةٍ زِيَارَتِكَ يَا مُزَوِّرُ هـ يَا مُزِيدُ  
 تَزِيدْتُ بِالْإِزْدِيَادِ وَالْإِزْدِيَادُ فِي إِزْدِيَادٍ إِزْدِيَادِكَ يَا مُزِيدُ هـ يَا مُزَوِّجُ تَزَوَّجْتُ  
 بِالزَّوْجِ وَالزَّوْجُ فِي زَوْجٍ زَوْجِكَ يَا مُزَوِّجُ هـ يَا مُطْعِمُ تَطْعَمْتُ بِالطَّعَامِ وَالطَّعَامُ  
 فِي طَعَامٍ طَعَامِكَ يَا مُطْعِمُ هـ يَا مُكْرِمُ تَمَكَّرْتُ بِالْمَكْرِ وَالْمَكْرُ فِي مَكْرٍ مَكْرِكَ يَا مُكْرِمُ هـ  
 يَا مُلَقِّنُ تَلَقَّنْتُ بِاللَّقْنِ وَاللَّقْنُ فِي لَقْنٍ لَقْنِكَ يَا مُلَقِّنُ هـ يَا مُنَوِّرُ تَنَوَّرْتُ بِالْأَنْوَارِ  
 وَالْأَنْوَارُ فِي أَنْوَارٍ أَنْوَارِكَ يَا مُنَوِّرُ هـ يَا مُنْقِسُ تَنْقَسْتُ بِالنَّفْسِ وَالنَّفْسُ فِي نَفْسٍ  
 نَفْسِكَ يَا مُنْقِسُ هـ يَا مُسَحِّرُ تَسَحَّرْتُ بِالسَّحْرِ وَالسَّحَرُ فِي سَحَرٍ سَحَرِكَ يَا مُسَحِّرُ هـ يَا مُسَخِّرُ  
 تَسَخَّرْتُ بِالتَّسْخِيرِ وَالتَّسْخِيرُ فِي تَسْخِيرٍ تَسْخِيرِكَ يَا مُسَخِّرُ هـ يَا مُسَبِّبُ تَسَبَّبْتُ بِالسَّبَبِ  
 وَالسَّبَبُ فِي سَبَابٍ سَبَابِكَ يَا مُسَبِّبُ هـ يَا مُسَهِّلُ تَسَهَّلْتُ بِالسَّهْوَةِ وَالسَّهْوَةُ فِي  
 سَهْوَةٍ سَهْوَتِكَ يَا مُسَهِّلُ هـ يَا مُسَلِّطُ تَسَلَّطْتُ بِالسَّلْطِ وَالسَّلْطُ فِي  
 سَلْطٍ سَلْطِكَ يَا مُسَلِّطُ هـ يَا مُسَعِّدُ تَسَعَّدْتُ بِالسَّعَادَةِ وَالسَّعَادَةُ فِي سَعَادَةٍ سَعَادَتِكَ  
 يَا مُسَعِّدُ هـ يَا مُعْلِنُ تَعْلَنْتُ بِالْعَلَانِ وَالْعَلَانُ فِي عَلَانٍ عَلَانِكَ يَا مُعْلِنُ هـ  
 يَا مُعْطِي تَعْطَيْتُ بِالْعَطَاءِ وَالْعَطَاءُ فِي عَطَاءٍ عَطَائِكَ يَا مُعْطِي هـ يَا مُعْقِبُ



تَعَقَّبْتَ بِالْعَقْبِ وَالْعَقْبُ فِي عَقْبِ عَقْبِكَ يَا مَعْقُوبُ هـ يَا مَعْشُورُ تَعَشَّقْتَ بِالْعَشَقِ  
وَالْعَشَقُ فِي عَشَقِ عَشَقِكَ يَا مَعْشُورُ هـ يَا مَصُورُ تَصَوَّرْتَ بِالصُّوْرِ وَالصُّوْرُ فِي  
صُورِ صُورِكَ يَا مَصُورُ هـ يَا مَقْلَبُ تَقَلَّبْتَ بِالْقَلْبِ وَالْقَلْبُ فِي قَلْبِ قَلْبِكَ يَا  
مُقَلِّبُ هـ يَا مُرِيدُ تَارَدْتَ بِالْمُرَادِ وَالْمُرَادُ فِي مُرَادِ مُرَادِكَ يَا مُرِيدُ هـ أَسْأَلُكَ  
أَنْ تَقْضِيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحِمَنِي وَتَتُوبَ عَلَيَّ وَأَنْ تَقْضِيَ  
حَاجَتِي وَتَكْفِيَ مُهِمَّاتِي وَتَسْتَجِيبَ دَعْوَاتِي وَتَقْبَلَ عِبَادَاتِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

ایضا دعوت اسماء علوی بدانکه این اسماء علوی از همه اسماء اعلی اند و اثر آن  
از همه زیاده است اگر کسی مداومت نماید به مرتبه اعلی علیین برسد باید که تعظیم  
اسماء الهی بسیار کند و عقیده و اجازة مرئی لازمست و بوقت قرائت بر آن  
وراست نریزند و با کس تکلم نکند و حضور مع الله دارد و وقت قرائت یکی در نیم  
شبست و دو نیم به نیم روز و اگر نتواند قبل از طلوع و بعد از غروب ۲۱ مرتبه  
و اگر نتواند ۱۲ مرتبه و اگر نتواند ۷ مرتبه و الا ۴ مرتبه و اگر آن نیز نیست  
نشود ۱ مرتبه بخواند و اگر اسمی موافق اسم خود بر او رسیده دعوت کند باید که  
بطریق دعوت قدسیه که قبل ازین در دعوت کواکب مسطور است عمل نماید اسماء  
علوی این است بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هـ یا اکرم من کل کبریه هـ یا اکفل من  
کل کفیل هـ یا اکثر من کل کثیر هـ یا اکبر من کل کبیر هـ یا اکشف من کل کاشف هـ یا اکتب  
من کل کاتب هـ یا اکفی من کل کافی هـ یا اکمل من کل کامل هـ یا اکین من کل کاین



يا اكرم من كل كريم ه يا اكرم من كل كنوز ه يا املس من كل لأمس ه يا الطف من كل <sup>لطيف</sup> ه  
 ه يا امجد من كل مجيد ه يا املك من كل مالك ه يا احب من كل حبيب ه يا اطعم من كل <sup>مطعم</sup> ه  
 ه يا اطرب من كل مطرب ه يا ادرك من كل مدرك ه يا احي من كل حي ه يا اجب من كل مجيب ه  
 ه يا اطلع من كل مطلع ه يا امكر من كل مكر ه يا امكن من كل مكين ه يا املذ من كل ملاذ ه  
 ه يا انعم من كل منعم ه يا انشي من كل منشي ه يا اسحر من كل ساحر ه يا اسعد من كل سعيد ه  
 ه يا ارشد من كل رشيد ه يا ارسل من كل رسول ه يا امن من كل متين ه يا اخبر من كل خبير ه  
 ه يا اخرج من كل مخرج ه يا اظهر من كل مظهر ه يا اغيث من كل مغيث ه يا انور من كل نور ه  
 ه يا انول من كل نوال ه يا انظر من كل ناظر ه يا انظم من كل نظام ه يا انطق من كل ناطق ه  
 ه يا انصر من كل نصير ه يا انها من كل ناجي ه يا انتفع من كل نافع ه يا انعم من كل ناعم ه  
 ه يا انجي من كل ناجي ه يا انفي من كل نافي ه يا اندر من كل نذير ه يا اسلم من كل سلام ه  
 ه يا استر من كل ساتر ه يا اسبق من كل سابق ه يا اسمع من كل سامع ه يا اسرع من كل سريع ه  
 ه يا اعلم من كل عليم ه يا اعلى من كل عالي ه يا اعيد من كل عياذ ه يا اعظم من كل عظيم ه  
 ه يا اعجب من كل عجيب ه يا اعجل من كل عاجل ه يا اعدل من كل عادل ه يا اعف من كل عفو ه  
 ه يا اعطف من كل عاطف ه يا اعصم من كل عاصم ه يا اعد من كل عايد ه يا اعرف من كل عارف ه  
 ه يا اعش من كل عاشق ه يا افع من كل فاعل ه يا افلق من كل فالق ه يا افطر من كل فاطر ه  
 ه يا افضل من كل فاضل ه يا اقبط من كل قاطب ه يا افرج من كل فارح ه يا افتح من كل فاتح ه  
 ه يا افخر من كل فاحر ه يا اصحب من كل صاحب ه يا اصبر من كل صابر ه يا اصدق من كل صادق ه  
 ه يا اصنع من كل صانع ه يا اصرخ من كل صرخ ه يا اصرف من كل صارف ه يا اقرب من كل قريب ه



يَا اقْوَمَ مِنْ كُلِّ قَوَامٍ • يَا اَقْبَلَ مِنْ كُلِّ قَبُولٍ • يَا اَقْدَرَ مِنْ كُلِّ قَدِيرٍ • يَا اَقْفَرُ مِنْ كُلِّ قَاهِرٍ •  
 يَا اَقْبَضَ مِنْ كُلِّ قَابِضٍ • يَا اَقْوَى مِنْ كُلِّ قَوِيٍّ • يَا اَقْدَسَ مِنْ كُلِّ قَادِسٍ • يَا اَقْضَى مِنْ كُلِّ قَاضِيٍّ •  
 يَا اَقْصَدَ مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ • يَا اَقْسَمَ مِنْ كُلِّ قَاسِمٍ • يَا اَقْطَطَ مِنْ كُلِّ قَاسِطٍ • يَا اَقْدَمَ مِنْ كُلِّ قَدِيمٍ •  
 يَا اَرْحَمَ مِنْ كُلِّ رَاحِمٍ • يَا اَرْزَقَ مِنْ كُلِّ رَازِقٍ • يَا اَرْكَبَ مِنْ كُلِّ رَاكِبٍ • يَا اَرْغَبَ مِنْ كُلِّ رَاغِبٍ •  
 يَا اَرْفَقَ مِنْ كُلِّ رَافِقٍ • يَا اَرْتَقَ مِنْ كُلِّ رَاتِقٍ • يَا اَرْمَقَ مِنْ كُلِّ رَامِقٍ • يَا اَرْفَعُ مِنْ كُلِّ رَافِعٍ •  
 يَا اَرْشَدَ مِنْ كُلِّ رَاشِدٍ • يَا اَرْعَى مِنْ كُلِّ رَاعِيٍّ • يَا اَرَى مِنْ كُلِّ رَائِيٍّ • يَا اَرْغَى مِنْ كُلِّ رَوْغِيٍّ •  
 يَا اَرْبَبَ مِنْ كُلِّ رُبُوبٍ • يَا اَرْقُبَ مِنْ كُلِّ رَقِيبٍ • يَا اَشْوَقَ مِنْ كُلِّ شَاوِقٍ • يَا اَشْفَقَ مِنْ كُلِّ شَافِقٍ •  
 يَا اَشْفَعَ مِنْ كُلِّ شَفِيعٍ • يَا اَشْرَفَ مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ • يَا اَشْكُرَ مِنْ كُلِّ شَاكِرٍ • يَا اَشْفَى مِنْ كُلِّ شَافِيٍّ •  
 يَا اَشْهَدَ مِنْ كُلِّ شَاهِدٍ • يَا اَشْرَقَ مِنْ كُلِّ شَارِقٍ • يَا اَتَقَمَ مِنْ كُلِّ تَامِمٍ • يَا اَتُوبَ مِنْ كُلِّ تَائِبٍ •  
 يَا اَثْبَتَ مِنْ كُلِّ ثَابِتٍ • يَا اَثْنَى مِنْ كُلِّ ثَنَاءٍ • يَا اَتُوبَ مِنْ كُلِّ تَوَابٍ • يَا اَخْلَقَ مِنْ كُلِّ خَالِقٍ •  
 يَا اَخْفَضَ مِنْ كُلِّ خَافِضٍ • يَا اَخْفَى مِنْ كُلِّ خَفِيٍّ • يَا اَذْكُرَ مِنْ كُلِّ ذَاكِرٍ • يَا اَذْوَقَ مِنْ كُلِّ ذَاوِقٍ •  
 يَا اَضْعَفَ مِنْ كُلِّ ضَاعِفٍ • يَا اَضْوَأَ مِنْ كُلِّ ضِيَاءٍ • يَا اَظْهَرُ مِنْ كُلِّ ظَاهِرٍ • يَا اَظْفَرُ مِنْ كُلِّ ظَافِرٍ •  
 يَا اَغْلَبَ مِنْ كُلِّ غَالِبٍ • يَا اَغْنَى مِنْ كُلِّ غِنَاءٍ • يَا اَغْنَى مِنْ كُلِّ غِنَايَةٍ • يَا اَغْنَى مِنْ كُلِّ غِنُوبٍ •  
 يَا اَعْفَرَ مِنْ كُلِّ عَافِرٍ • يَا اَعْنَى مِنْ كُلِّ عَنَاءٍ • يَا اَزَلَّ مِنْ كُلِّ اِزَالٍ • يَا اَبَدَ مِنْ كُلِّ اَبَادٍ •  
 يَا اَبْلَنَ مِنْ كُلِّ بَاطِنٍ • يَا اَبْقَى مِنْ كُلِّ بَاقٍ • يَا اَبْصَرَ مِنْ كُلِّ بَاصِرٍ • يَا اَبْطَأَ مِنْ كُلِّ بَاسِطٍ •  
 يَا اَبْعَثَ مِنْ كُلِّ بَاعِثٍ • يَا اَبْلَغَ مِنْ كُلِّ بَالِغٍ • يَا اَبْدَعَ مِنْ كُلِّ بَدِيعٍ • يَا اَبْشَرَ مِنْ كُلِّ بَشِيرٍ •  
 يَا اَجْعَلَ مِنْ كُلِّ جَاعِلٍ • يَا اَجْمَعَ مِنْ كُلِّ جَامِعٍ • يَا اَجْدَرَ مِنْ كُلِّ جَادِرٍ • يَا اَجْبَرُ مِنْ كُلِّ جَابِرٍ •  
 يَا اَجِيرُ مِنْ كُلِّ جَائِرٍ • يَا اَجُودَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ • يَا اَجَلَّ مِنْ كُلِّ جَلَالٍ •



يا اجمع من كل جميع ه يا اديم من كل دايمة ه يا ادعي من كل داع ه يا ادخل من كل داخل ه  
 يا ارفع من كل دافع ه يا ادوا من كل دواء ه يا اذل من كل دليل ه يا ادهر من كل ديهار ه  
 يا اهدى من كل هادي ه يا اهل من كل هالم ه يا اهد من كل هاد مه يا اعطف من كل عاطف ه  
 يا اولى من كل والى ه يا اورث من كل وارث ه يا اوهب من كل وهاب ه يا اوسع من كل واسع ه  
 يا اوفى من كل وافي ه يا اوفى من كل وافي ه يا اوجب من كل واجب ه يا اوصل من كل واصل ه  
 يا اوصف من كل واصف ه يا اوجد من كل واجد ه يا اوكل من كل وكيل ه يا اوعد من كل وعيد ه  
 يا ازكى من كل زكى ه يا ازوج من كل زوج ه يا احيامن كل حيوة ه يا احكم من كل حاكم ه  
 يا احكم من كل حكيم ه يا احلم من كل حلیم ه يا احسب من كل حاسب ه يا احد من كل حامد ه  
 يا احفظ من كل حفيظ ه يا احب من كل حبيب ه يا احضر من كل حاضر ه يا اطلب من كل طالب ه  
 يا اظهر من كل ظاهر ه يا اطيب من كل طيب ه يا اطالع من كل طالع ه يا اطرب من كل طارب ه  
 يا ايسر من كل يسير ه يا ايمن من كل يمان ه يا ايد من كل يدان ه اقض حاجاتي واكف مهماتي  
 واسجب دعواتي ائتلك على كل شيء قد ير يا ارحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ بَعْدَهُ

دوازده بار بخواند اللَّهُمَّ طَهِّرْ قُلُوبَنَا عَنِ الشَّرِّ وَالشُّكِّ وَالْغَفْلَةِ وَالنِّفَاقِ  
 وَالرَّيَاوِصَةِ فَوَادِنَا مِنَ الْكِبَرِ وَالْبَغْضِ وَالْحَسَدِ وَالْاِسْتِدْرَاجِ وَزَيْنِ ضَمِيرِنَا بِالْصِّدْقِ  
 وَالْيَقِينِ وَالْاِتِّحَادِ وَالْعُرْفَانِ وَاحْفَظْ سِنَانَنَا مِنَ الْكُذْبِ وَالْغَيْبَةِ وَالْفَوَاحِشِ وَالْبُهْتَانِ  
 وَخَرِّجْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَاحْفَظْ فُرُوجَنَا مِنَ الزُّنَا وَابْدِئْنَا مِنَ السَّرَقَةِ وَالْخِيَانَةِ  
 وَاسْمَاعِنَا مِنْ سَمَاعِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ وَابْصُرْنَا مِنْ بَصِيرَةِ الْغَيْرِ وَارْجُلَنَا مِنْ غَيْرِ الطَّاعَةِ



يا حفيظ تحفظت بالحفظ والحفظ في حفظ حفظك يا حفيظ يا رب العالمين  
ويا خير الناسرين واعدوك من شر النفس وخصايله برحمتك يا ارحم

### التراجمين

ايضا دعوت مسيح در اسماء الهيئه هراسمي را كه خواهد از اسماء كن فيكون واسماء علوي  
دعوت كند بايد كه از اين اسم حروف و نه بطول و حروف ۲۱ بطن اسم ذات و صفات

اصل

جد اكونه بنويسد بگونه بدین طريق شماره كند بعد حروف اصل پس هر حرف عشر  
الوف بگيرد و بعد د نقاط حروف اصل اگر باشد پس هر نقطه مانده بگيرد و بعد د نقا  
تركيب حروف اصل پس عشرات بگيرد و بعد د حركات حروف اصل پس حركات الف  
بگيرد و بعد د نقاط حركات اصل پس هر نقطه مانده بگيرد و غلط انگند

بعد د حروف نر بطن پس حرف الوف بگيرد	ح	ج	ث	ت	ب	ا
و بعد د نقاط حروف نر بطن پس هر نقطه مایه	ص	س	ز	ر	ذ	د
بگيرد و بعد د نقاط تركيب حرف نر بطن پس هر	ق	ع	ح	ظ	ط	ض
نقطه عشرات بگيرد و بعد د حركات حروف نر	ی	و	ن	م	ل	ك
بطن پس هر حركات مایه بگيرد و بعد د نقا						
حركات نر بطن پس هر نقطه عشرات بگيرد و	د	و	م	ط	ه	ا
حرف نر بطن كه كشیده شد اينست	ض	ص	ن	ی	ا	ا
الف لام في ل جمله ۳۰۲ باشد بی	ظ	ق	ح	ا	ا	ا
بي بي بي ی جمله ۱۲ باشد بی	ع	ر	ع	ل	ع	ع

+ ۱۸۷

لوف



یی پی ی جمله ۴۱۰ شد ثی پی پی ی جمله ۵۱۰ شد چیم پی میم ی جمله ۱۷۳ شد  
 حی پی پی ی جمله ۱۱۱ شد خی پی پی پی ی جمله ۱۰۶ شد دال الف لام جمله ۲۱۷ شد  
 ذال الف لام جمله ۹۱۳ شد ه پی پی پی ی جمله ۲۱۰ شد ذی پی پی ی جمله ۱۷۲ شد  
 سین پی نون ی جمله ۲۵۶ شد شین پی نون ی جمله ۴۹۴ شد صاد الف دال جمله ۲۴۱ شد  
 ضاد الف دال جمله ۹۵۱ شد طی پی پی پی ی جمله ۱۹۱ شد ظی پی پی ی ۱۰۹ شد  
 عین پی نون ی جمله ۲۶۶ شد غین پی نون ی جمله ۱۱۹ شد فی پی پی ی جمله ۱۶۱ شد  
 قاف الف فی ی جمله ۳۹۲ شد کاف الف فی ی جمله ۳۱۲ شد لام الف میم جمله ۲۷۲ شد  
 میم پی میم جمله ۲۰۰ شد نون واو نون جمله ۲۲۵ شد واو الف واو جمله ۱۳۶ شد  
 هی پی پی ی جمله ۱۵۱ شد پی پی پی ی جمله ۹۰ شد و بالله التوفیق

اگر تمام در بطن جمع کرده حروف بسته لفظ نموده شد تا کی بغلط نیفتد در لوح مندرج است

اشا	۳۰۲	بدعو	۸۲	تدعو	۴۱۰	تدعو	۵۱۰
جلیس	۱۷۳	حکس	۱۱۱	خکس	۶۱۰	دیجر	۲۱۷
ذیجر	۹۱۳	رکس	۲۱۰	زکس	۱۷۲	سفیقو	۲۵۶
شفیقو	۴۹۴	ماقن	۲۴۱	ضاقن	۹۵۱	طکس	۱۹۱
ظکس	۹۱۰	عصقو	۲۶۶	غصقو	۱۱۹۴	فیکن	۱۶۰
قصیر	۳۹۲	کصیر	۳۱۲	لبرم	۲۷۲	میقن	۲۰۰
تفحص	۲۲۵	والق	۱۳۶	هک	۱۵۱	یسک	۹۰
عدد نقاط جمله حروف در بطن بسته شد و این است							
ا	۹۵	ب	۸۱	ث	۸۱	ج	۶۶
د	۶۵	ذ	۶۵	ز	۶۵	س	۸۱
ص	۶۵	ط	۸۳	ظ	۸۳	ع	۱۰۶
ک	۵۹	ل	۵۹	م	۶۱	ن	۹۱

بگیرد

بسیار و هشت حروف



في الالف ميم في يي لام الف جله ع ١٣ شد بي يي يي يي يي يي يي يي

يِي يِي يِي جُلْه ۲۷۲ تِ يِي يِي يِي يِي يِي يِي يِي يِي يِي يِي يِي يِي يِي يِي جُلْه ۱۰۷۰ عر شد

ثِي يِي يِي يِي يِي يِي يِي يِي يِي يِي جِلْمِه ۷۲۰ شُد جِيم يِي مِيم يِي مِيم يِي مِيم

پی ایم پی ی جُلہ ۵۴۳ شد حی پی پی پی پی پی پی پی پی پی پی پی پی پی پی پی جُلہ ۲۷۸ شد

[illegible]

ميم في جلد ١٥١ شد ذال الف لام الف لام في لام الف ميم في جلد ١٥٢ شد

عدد حركات حرف و ف ث ب ن ي هـ ر ك ح ف چند حد كائند اينست

۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
ض	ط	ظ	ع	ع	ف	ق
ک	ل	م	ن	و	ه	ی
عدد نقاط ترکیب در بطن بهر این چندین عدد است						
۴۷	۳۶	۳۶	۳۵	۳۵	۲۸	۲۸
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
۴۹	۴۱	۴۱	۳۵	۳۵	۳۶	۴۷
ض	ط	ظ	ع	ع	ف	ق
۳۳	۴۶	۳۵	۳۱	۳۱	۳۷	۴۲
ک	ل	م	ن	و	ه	ی

[illegible]

خلى يي يي يي يي يي يي يي يي حمله ۱۱۲۰ شد عین یی نون یی نون واونون یی

يېيى جۇلە ۵۹۱ شۇ غەنىي ئۇن يېيى ئۇن ۋاۋۇن يېيى جۇلە ۱۵۲۱ شۇ

[illegible]







فایده هر عاملی که این دعوت کند تمام تصرف آن اسم که عامل بود بدست آید و اثرش را در  
 چندین یابد در این دعوت شرایط عامل است فقط و شرایط عامل قبل ازین مسطور است و این  
 دعوت تا چهل روز است و طریق طالع کواکب و بروج و خواص طبایع موافق اسم خود دید که  
 عمل نماید و قرائت با موکل سماعی ضم ساخته بخواند ایضا اگر عاملی خواهد که  
 بتصرف اسمی از اسماء الهیه مطلوب را جذب کند باید که اسم الهیه موافق مقصود بر  
 آورد بعد اسم مطلوب را با اسم اعظم الهیه تکبیر یکسره کند چنانچه هر یک حرف حریفی از  
 اسم الهی و یک حرف از اسم مطلوب بعد از آن یک سطر را زمامت تا مخرج باب کشد و بر یک  
 کوب اسم اعظم جد و ل و حروف مسطور سازد و نزد خود دارد و اسم اعظم بعد از اسم  
 مطلوب هر روز بخواند بوقت نوشتن و اگر تواند پنج وقت بخواند تا که مطلوب بدست  
 آید و یک طرف مربع عدد جمله مسطور زمامت کند مثال اگر خواهد که کسیرا  
 مطیع و فرمان بردار گرداند باید که اسم اعظم را کسیرا گرداند بدین سند که الهادی و اسم  
 مطلوب که السلطان است بدین طریق امتزاج دهد و این مسطور را بدین سند زمان کند  
 باید که هر پیش در حرف نکند یا زده مسطور شدند هر بد و از ده سطر اول بار سطر  
 اول آید این مسطور را در شکل ۱۱۵۰ پر کنند بیواسم اعظم و یوم اسمی هادی  
 پنجشنبه است در اول ساعت بزک زعفران و مشک و کلاب چنانچه ۱۱ خانه چها  
 طرف باشد و بهر خانه یک حرف مسطور سازد و شکل نزد خود دارد و هر روز عدد  
 اسم مطلوب که سلطان است چهل و ۱۵۰ بوقت مسطور نقش هر روز بعد از فجر  
 بخواند و در وقت کتابت بخور مشابیه بکار برد و بعد هر صد که در عدد اسم مطلوب

۱۹۱

تسبیح  
 ۱۹۱

تسبیح  
 ۱۹۱



ایکبار بخواند یا هادی من استهدا به اهدانی به واجعله طوعا لی وطوع یدی  
 و ممکن ناصیه و قلبیه و در شمس المعارف گوید بدین طریق بخواند که هر صد مرتبه  
 یکبار یا هادی من استهدا به اهدا یا هادی فلان بن فلان واجعله طوعا لی وطوع  
 یدی و ممکن لی ناصیه و قلبیه چنانکه گذشت بخواند و علی هذا القیاس قرائی  
 یک مرتبه که بعد از صد است بدین سند هر اسم را که خواهد بسته بخواند متصرف گردد

صورت شکل ادکی ۱۱ این است غیر از سطر اول و آخر	ا	ی	س	ل	ل	ه	ط	ا	ا	د	ن	ی
فصل سیم در بیان حروف و	ی	ا	ن	س	د	ل	ا	ل	ا	ه	ط	ی
و خواص و اعمال حروف و درجات	ط	ی	ه	ا	ا	ن	ل	س	ا	د	ل	ی
طبایع و خواص حروف و حروف	ل	ط	د	ی	ا	ه	س	ا	ل	ا	ن	ی
تسمیه و شرایط عمل و حلیه حروف	ن	ل	ا	ط	ل	د	ا	ی	س	ا	ه	ی
و عمل شرف و قسمت حروف باهل	ه	ن	ا	ل	س	ا	ط	ل	ی	س	ا	ی
عرب و عمله بدانکه اسرار الهی	ا	د	س	ه	ی	ل	ل	ن	ط	ا	ا	ی
و ظهور نامتناهی پوشیده بعلم	ا	ا	ا	د	ط	س	ن	ه	د	ن	ط	س
حروف است و خواص عادات	س	ل	ط	ا	ن	ی	د	ا	ه	ل	ا	ی
اولیا و کلمات اصفیا و معجزات انبیاء بتصرف حروف و تسخیر ایشان است و بیان حروف	ا	س	ل	ل	ه	ط	ا	ا	د	ن	ی	ی

چند قسم مقسوم است حروف ملفوظی و مسکونی و مکتوبی و ملبوسی و نورانی  
 و ظلماتی و حروف ادنی و ادناء ادنا و حروف منطوقه و حروف غیر منطوقه و متشابه  
 و حروفی که الف در ایشان مندرج است و حروف سبع منفصله و قسم نامری و هوایی

و مائی و ترابی



وَمَلَائِي وَتُرَائِي وَأَمَّا حُرُوفُ مَلْفُوظِيْهِ اَنْتَ كَمَا اَنْتَ تَرْكِيْبُ ۳ حَرْفٌ يُوْدِجُوْنَ اَلْفَ  
 جِيْمَ دَالِ كَافَ لَامَ سِيْنَ عَيْنَ صَادَ قَافَ شِيْنَ ذَالِ ضَادَ غَيْنَ  
 فَاِيْنَ سَيَزِيْدُ اَنْتَ كَمَا حَرْفٌ اَخْرَاجُجْنِ اَوَّلَ يُوْدُودَ وَوَقْسِمْنِيْ بِكَ قِسْمَ زَايِدِ الْحَرْكِتِ قِسْمِ  
 دُوَيْمِ زَايِدِ السَّكُونِ حُرُوفُ زَايِدِ الْحَرْكِتِ مِثْلُ اَلْفِ وَزَايِدِ السَّكُونِ مِثْلُ جِيْمٍ وَدَالٍ وَ  
 تَمَائِيهِ وَحُرُوفُ مَسْرُوعِيْهِ اَنْتَ كَمَا اَنْتَ تَرْكِيْبُ ۳ حَرْفٌ يَتَلَفُّظُ اِيْدِ وَبِيْ حَرْفٌ  
 اَخْرَاجُجْنِ حَرْفٌ اَوَّلَ يُوْدُودِ اَنْتَ حَرْفِيْنِ وَوَقْسِمْنِيْ بِكَ قِسْمَ زَايِدِ الْحَرْكِتِ قِسْمِ  
 اَنْتَ كَمَا اَنْتَ تَرْكِيْبُ ۳ حَرْفٌ يَتَلَفُّظُ اِيْدِ وَوَقْسِمْنِيْ بِكَ قِسْمَ زَايِدِ الْحَرْكِتِ قِسْمِ  
 حَا ظَا يَا فَا رَا ثَا ثَا خَا ظَا وَبِلِسَانِ عَجْمٍ بِجَايِ اَلْفِ يَا رَا دَا خَلْ كُنْتُمْ  
 وَحُرُوفُ مَلْبُوعِيْ ۲۸ اَنْتَ كَمَا اِيْشَانِ رَا دُو قِسْمٍ كَرْدِه اَنْتَ يَكُ قِسْمِ نُوْرَانِيْ وَبِيْ  
 قِسْمِ ظَلَمَانِيْ وَحُرُوفُ نُوْرَانِيْ ۱۴ اَنْتَ كَمَا اِنْزَا حُرُوفُ مُقَطَّعَاتٍ نِيْزِ خَوَانْتُمْ كَمَا دَرِ اَوَائِلِ  
 بَعْضِيْ اِنْ سُوْرَ قُرْآنِيْ وَاقِعْ اَنْتَ وَانْ بَعْدَ اِنْ خُذْ مُكْرَرًا اِيْنَ عِبَارَتِستَ حِرَاطِ عَلِيٍّ حَقِّ  
 بُسُوْكَةٍ وَحُرُوفُ ظَلَمَانِيْ نِيْزِ ۱۴ اَنْتَ وَانْ اِيْنِستَ بَلْتَجِدْ زَشْضَظْغَفُوْ  
 بِرِسْمِ اِيْتِ فَرْدَا فَرْدَا اِيْنِستَ ب ت ث ج ح د ذ ز ش ض ظ غ ف و وَبَعْضِيْ  
 نُوْرَانِيْ اِنْزَا حُرُوفِ اَعْلَى خَوَانْتُمْ وَظَلَمَانِيْ اِنْزَا حُرُوفِ اَدْنَى وَنُوْرَانِيْ اِنْزَا حُرُوفِ حَقِّ كُوْنِيْدَ وَ  
 ظَلَمَانِيْ اِنْزَا حُرُوفِ خَلْقِ وَظَلَمَانِيْ رَا دُو قِسْمٍ كَرْدِه اَنْتَ هَفْتِ حَرْفِ اِنْزَا حُرُوفِ اَدْنَى خَوَانْتُمْ  
 وَهَفْتِ بِيْكَرِ اِنْزَا حُرُوفِ اَدْنَى اَدْنَى اَدْنَى اَدْنَى اَدْنَى اَدْنَى اَدْنَى وَحُرُوفِ اَدْنَى اَدْنَى  
 ت ج ح ز ظ ف ش وَحُرُوفِ مَنْطُوقَةٍ ۱۵ اَنْتَ ب ت ث ج ح د ذ ز ش ض ظ غ ف  
 ق ن ي وَحُرُوفِ غَيْرِ مَنْطُوقَةٍ ۱۳ اِنْزَا حُرُوفِ اَحَدِ دَرِ سِصْ ط ع ك ل م و ه وَحُرُوفِ

حرف اعلی  
 حرف ادنی  
 حرف ادرتلی



متشابهه سه اند میم نون و او و حروفیکه الف در آن مندرج است ۲۱ حرفند الف  
 با تا ثا ح ا خ ا دال ذال را زا صاد ضاد ظا ظا فا قاف کاف لام و او ه ا یا ح و ح  
 سبعة منفصله ۷ اند ج م س ش ع غ ن و اما طبایع حروف طبایع عناصر  
 اگرچه است چنانکه قبل ازین چهار دایره مسطور گشت اکنون عمل و خواص هر یک از حروف  
 دیگر یابد خواص حروف ملفوظی از برای کویاشدن اطفال تکبیر کرده بگردنش بندد و برای  
 وقوف بر اسرار قلوب خلایق و حقیقت اشیا حروف مسطور نوشته و اسماء الهی استخراج  
 کرده در ساعت میمون و سرد سازد و باستقامت هر روز ده ملاومت نماید اثر در یابد  
 و دشمن دوست گردد خواص حروف مکتوبی از برای محبت اثر عظیم دارد و بنام  
 محبوب امتزاج کرده و زمام داده منقش نموده نگاهدارد و از هر دو حرف هر دو نام استخراج  
 نموده و سرد سازد و نقش نکه دارد اسرار مطلوب بدست آید خواص حروف مکتوبی  
 اگر کسی از دوست خود جدا شده باشد این حروف را تکبیر کرده بنام او نکه دارد و مطلوب برسد  
 خواص حروف ملفوظی برای همه مهمات دینی و دنیاوی مؤثر یافته اند از جعفر خافع  
 و خابیه معلوم کند خواص حروف لغوی برای ظاهر شدن حق و باطل شدن باطل  
 و هدایت یافتن و حصول علم ظاهری و باطنی و معرفت الهی و تنویر قلب اثر عظیم دارد  
 اما حروف ظلمانی برای کراه کردن شخصی از راه مؤثر است و حروف اذنا  
 از برای ظالمین از مرتبه اعلیٰ فرود آوردن مجرب است و اذنا با سفل السافلین اندازد  
 و تاثیر این حروف را بر مرتبه یافته اند که بهر اسمیکه حروفی از آن واقع آید قلت خیر و کثرت  
 شر ظهور یابد خواص حروف منقوطه را بفتوحات و اشراق قلوب عظیم یافته اند







خواص طباع  
عرو

ساقی

علم

خود

بر جدار یاد را خانه یاد را صد و ق نقش کند که تعویذ است و در هر اسم که این حروف  
بیشتر بود اثر مضرت و بیوفائی از مسمی مشاهده نماید خواص حروف ثانی  
برای محبت و جلب قلوب مؤثر است خواص حروف هوائی در تسلیط  
عشق و جلب قوت نطق و براندن و غیره متصرف دانسته اند خواص  
حروف مائیه بعد از و فتوحات و اصلاح افات زراعت و غیره مجرب است خواص  
حروف ثانی در عقد نوم و عقد لسان و تمییز اعداء و تخریب ابادی و امثال آن مقوی  
دیده اند ایضا در اصطلاح اهل جفر ب ت ث ن ک ل ط ظ لا جمله  
الف نامند پس این حروف فرع الفند ط و ظ را الف مستوره گویند و لا را  
الفین معطوفین و باقی را الف مسطوحه گویند ج ح خ س ز ع غ را جیم گویند  
ج را معروف گویند ح را عمیا گویند خ را نکاسر گویند و ذ را مخدوفه گویند  
ع و غ را شاخص گویند س و ز را زا گویند معروفه زاء مستنکره ن س ش  
ص ض ق را نون گویند م و ه را میم گویند م را معروفه و ه را مستنکره  
ایضا در اصطلاح حروف در علم تکبیر و جفر و تصرفات  
بدانکه حروف هر مختصر بر چهار قسمت کرده اند و درجه نام نهاده اند و اول  
دو به درجه داده اند و یک حرف آخر بر درجه رابع نهاده اند تا باعتدال  
حروف اسم طالب و مطلوب راست آید و بهر درجه خاصیت دیگر ظهور  
یابد و آن بدین نوع است که در این جدول در صفحه مقابل نموده میشود  
و هو هذا

که هر حشک  
سوزنده و  
برنده



کرم خشک سوزنده و برنده	ساز	درجه اول المشتغل بالموقة	درجه دوم لاياكل ولا يشرب	درجه چهارم المقيدة الباردة	فتمت درجات نار	
کرم تر را کنده و کشته و افرا شته	سما	مالا ينفع في البر ولا في الجور	الذي في الطيور والمنجبة	المضيد المهلك الباردة	فتمت درجات هوا	
سرد و ترانده و دارنده	سلا	العذب بالحلو	التيه الصافي	الوالد السوس	فتمت درجات ماء	
سرد و خشک ارنده و دا رنده	نساب	نساب النعيم	الرمال	السمة و نساب القوي	فتمت درجات بخر	
	النثر	اه	طم	فش	ذ	فتمت درجات ناري
	ب	بي	ين	صت	ض	فتمت درجات باردي
	ابر	جز	کس	قت	ظ	فتمت درجات آبي
	خالص	دح	لع	رخ	غ	فتمت درجات خاکی

ايضا تصرفات حروف بطالع بروج که اهل فن یافته اند در يابد حرف الف برای  
تأليف دل و کرمي محبت در وقت طلوع درجه اول از برج حمل بر تخته سرب هفت  
الف بنویسد و بخور عود کند و در زیر آتش دفن کند مؤثر يابد و نیز گفته اند که اگر



هزار الف در وقت مذکور یا در وقت طلوع عطار در ساعت مسعود بنویسید و بگوید  
 او بر حفظ از یاد کند حرف با برای ضد اعمال الف در وقت طلوع عا دقیقه  
 از دویسم درجه برج دلو بر پوست حمام نویسد و بخور کند مؤثر باشد حرف چیم  
 برای عقد اللسان در وقت طلوع سیوم درجه برج سفید بر کاغذ دایره بکشد و با  
 چیم بر محیط آن بکشد یکی بر دیگر نویسد و بگوید بخور کند و کمونی درختت بر این  
 فلفل کرد پنج شش دانگ جا باشد بر درخت و چون خام بود سبز رنگ باشد و چون  
 پخته شود سرخ کرد بعد از آن دایره را بموم گیرد و در زیر خاک دفن کند خاصیت یابک  
 حرف دال هم ضد الفست در وقت طلوع چهارم درجه جوزا دال بر آبکینه  
 سفید نویسد و بر ممر باد بیاویزد و بخور پاشن کند حرف ها محبت راست در وقت  
 طلوع پنجم درجه ثور شش ها بر پوست اهو نویسد و بر هفت دانگ فلفل و قدری  
 شکر در پیچد و در موم گرفته در استانه خانه مطلوب دفن کند و بخور غنبر کند  
 حرف واو آن نیز محبت راست در وقت طلوع ششم درجه اسد ۱۲ واو بر تخم  
 مس نویسد و در آتش دفن کند و بخور میدهد کند حرف زاعقد الرجال راست  
 و آنچه بدان ماند در وقت طلوع هفتم درجه جدی ۱۴ زا را بر کرباس نویسد  
 و بر پیچد و بر برك کافور سفید در کل گرفته در لب چاه دفن کند و پوست نارنج  
 بخور کند حرف حا عقد النور راست در طلوع هشتم درجه جوزا عا  
 حا بر خشت خام نویسد و شب بر بالای آتش گذارد و بر پوست بادام بخور کند  
 حرف طاعل او ضد الفست در طلوع نهم درجه عقرب ۱۹ طا بر برك



استغفار بنویسد و در آب چاه اندازد و بحبال لسان بخور کند حرف یا محبت <sup>است</sup>  
 وقت طلوع درجه دهم قوس ۲۱ یا بر پاراهن بنویسد و فقیه کرده بر وزن  
 زیت بیفزورد و سپند روس بخور کند حرف کاف عقد لسان راست  
 وقت طلوع بیستم درجه جوزا ۲۰ کاف بر کاغذ بنویسد و بچپیده در زیر زبان گیرد  
 یا در زمین دفن کند و بقسط بخور کند حرف لام محبت راست در وقت  
 طلوع قوس بی درجه ۱ لام بر سفال آب نارسیده بنویسد و در زیر آتش دفن  
 کند و بصندل بخور کند حرف میم محبت راست در وقت طلوع درجه ۱۴  
 جوزا ۱۲ میم بشکر بنویسد و با سپند بخور کند حرف نون ان نیز محبت <sup>است</sup>  
 در وقت طلوع درجه اول اسد بر پنجاه دقیقه هشت نون بر کاغذ بنویسد و بر وزن ریت  
 و فلفل و عسل در شیشه کند و در زیر آتش گذارد یا دفن کند و بشکر بخور کند  
 حرف سین عقد لسان راست در وقت طلوع درجه اول جوزا ۹ سین بر تخم مرغ  
 بنویسد و در خاک دفن کند و بلو مان بخور کند حرف عین محبت راست در وقت  
 طلوع اسد بیک درجه و ده دقیقه ۴ عین بر تخته نحاس بنویسد و در آتش دفن  
 کند و بصندل بخور کند حرف فا عقد الرجال راست در وقت طلوع سنبله  
 بیک درجه و هفت دقیقه ۹ فا بشانه کوسفند بنویسد و در کور کهنه دفن کند و فلفل  
 بخور کند حرف صاد عداوت را شاید وقت طلوع عقرب بیک درجه و سی ثانیه  
 بر پوست حمار ۹۰ صاد بنویسد و در آب اندازد و بر پوست جوز بخور کند ایضا  
 برای هلاک عدو در وقت بنوست شیر دایره بکشد و بیرون دایره ۱۰۰ صاد



بشکر ف بنویسد و درون دایره ۱۲ صاد و در وسط دایره صورت عد و ا قفا افتاد  
 نقش کند و صورت دیگر بر سینه او نشسته کار بدست چنانچه گو یا او را میکشد و نا  
 او و نام مادر او بر صورت عد و بنویسد و بر صورت نشسته نام عزرا ییل بنویسد که  
 و در بازار قصا بان در مدح دفن کند در اندک روزی خصم فنا شود  
 حرف قاف در سردیرا شاید در وقتی که درجه اول دلو طلوع کند بچهل دقیقه ۳۰  
 قاف بر کاغذ کبود بنویسد و در مهر باد او یزد و پیضه بخور کند حرف را عدالت  
 را مناسب بود در وقت طلوع عقرب بس درجه و هشت دقیقه ۹ را بر شانه کهنه بنویسد  
 و بظرف آب اندازد و بخورد بخور کند حرف شین همعداوت راست در وقت طلوع عقرب  
 به پنجم درجه و ده دقیقه ۹ شین بر کاغذ بنویسد و در آب اندازد و آفیون بخور کند  
 حرف ثا عقد الاسان را شاید در وقت طلوع جوزا بشش درجه و پنجاه دقیقه سی ثا  
 بر سفال آب ناپیده بنویسد و در زیر خاک دفن کند و بر عفران بخور کند حرف ثا  
 ضد اعمال الف بود در وقت طلوع عقرب به ششم درجه ۹ ثا بر کاغذ بنویسد و بمویر گرفته  
 در آب چاه اندازد و بکافور بخور کند حرف خا مد و متر شاید در وقت طلوع دلو به  
 درجه و چهل دقیقه بر صیر بنویسد و در مهبت باد بیاویزد و بخور کند حرف ذال ز  
 سردیرا شاید در وقت طلوع عقرب بر سفال آب نارسیده ۵۰ ذال بنویسد و در آب چاه  
 اندازد و با سفند بخور کند حرف ضا ان نیز سردیرا شاید در وقت طلوع عقرب به ۱۱  
 درجه ۹ ضا بر سفال بنویسد و در آب اندازد و بخور کافور کند حرف ظا عدالت  
 مناسب بود در وقت طلوع نه درجه دلو ۲۰ ظا بر کاسه نوشته باب بشوید و با بشه بخور  
 کند  
 حرف عین

حرف کافور



حرف غین هم عداوت را شاید بعل ملک کور

ایضا تصرفات و اعمال حروف مسطور بکتابت و قرائت در یابد حرف الف هر که  
 بامید پیش از تکلم ۱۰۰۰ بار بگوید یا نوشته با خود دارد از اهل جاه شود و اگر ۵۰۰ عدد  
 نوشته نگاهدارد عزیز گردد و اگر ۲۵۰ عدد نوشته بر کاسه چینی باز عفران بعد از آن  
 شسته مریض دهند شفا یابد و در چین کتابت یذکر یا رحمن و یا رحیم مشغول شود  
 آن حرف با بد نیت خلاصی محبوب ۵۰۰ بار بگوید خلاصی یابد و اگر ۴۱۰  
 نوبت در روز چهارشنبه در وقت غروب شمس نوشته بگوید خوراند در حفظ  
 افزاید و اگر چیزی فوت شده باشد نوشته با خود دارد و بجهت ایمنی از شر اعدا نوشته  
 با خود دارد و در وقت کتابت یا قیوم یا واحد بگوید حرف چیم اگر هفت بار در  
 روزی ۹۰۰۰ بار بگوید حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را در خواب زیارت  
 کند و اگر ۹۰۰۰ بار بر قدح نوشته بر بخوری دهک که بخورد شفا یابد و اگر در شب پنجشنبه  
 در وقت افزونی ماه ۱۸ جیم نوشته با خود دارد سحر و چشم زخم بر روی کار نکند و اگر  
 بمشک و زعفران بر حری سفید نوشته و پیچیده در موم گیرد و بر دندان گذارد اگر  
 حرامعاینه ببیند باید که نترسد و در وقت نوشتن یا باهری و یا زاکلی گوید  
 حرف دال اگر خواهد که دشمن را اواره کند باید که بوقت صبح پیش از تکلم یا لام  
 با مقابله کواکب ۷۰۰ بار بگوید و اگر هر روز ۱۰۰۰ بار بگوید بدولت رسد  
 و اگر به نیت امانت مال در روز شنبه وقت طلوع شمس ۷۳۱ بار نوشته در مسجد  
 جامع دفن کند در امان حق باشد باید که در وقت کتابت یا دیان یا خالق گوید



حرف ها اگر ۹۰۰ عدد نوشته با خود دارد خلق فرمان بردار او کردند حرف  
 واو اگر ۴۰۰ بار بگوید زبان خلق از بد گفتن او بسته گردد حرف زاء اگر ۵۰۰  
 بار بگوید از ترس ایمن بود و اگر ۱۰۰۰ بار نوشته با خود دارد در نظر هامهیب  
 کرد و اگر در روز جمعه ۱۲۰ بار نوشته با خود دارد زبان خلق بر او بسته گردد و در  
 حین کتابت یا رحیم یا مقید بخواند حرف هاء ۲۰۰ بار خواند و بر پشت خاک  
 پاک دمیده و بر دشمن افشاند دوست گردد حرف طاء از جهت ترس ظالمی هر صباغ  
 ۷۰۰ بار بگوید ایمن گردد و اگر در شب پنجشنبه ۷۰۰ بار نوشته با خود دارد بهیچ کس  
 دشمنانند و بوقت نوشتن یا حی یا قیوم بخواند حرف یا اگر ۷۰۰ بار بگوید از  
 خلق بی نیاز گردد حرف کاف اگر ۹۹ بار در روز جمعه وقت طلوع شمس نوشته  
 با خود دارد حاجات او بر آید و اگر نوشته در باغ یا گشت او یزد از موس و ملخ ضرر نیاید  
 و در وقت کتابت یا خالق یا محیط گوید حرف لام اگر بکسی طمع داشته ۷۰۰  
 بار بگوید و اگر در شب سه شنبه ۱۰۰ بار نوشته با خود دارد از جمله مهمات ایمن  
 گردد و در وقت کتابت یا احیا و یا اعلا گوید حرف میم اگر ۷۰۰ بار در شب جمعه  
 گوید حضرت رسالت صلی الله علیه و اله وسلم در خواب بیند و اگر در روز شنبه  
 ۱۳ بار نوشته در میان قرآن گذارد حاجتش روا گردد و در وقت نوشتن یا شکور  
 یا کلیم خواند حرف نون اگر ۱۸ مرتبه نوشته با خود دارد از پنهان اشکا  
 را شود و در وقت نوشتن یا عزیز یا جبار گوید حرف سین اگر هر روز  
 وقت پیشین ۷۰۰ بار و در سازد خلق فرمان بردار وی گردند و اگر نوشته بگردن



طفل بندد در سخن اید و اگر بروز عطار د ۳۰ بار در کاس میان حمام نوشته  
 و شسته بر سر هر یزد در نعت بروی گشاده کرد و در وقت نوشتن یا حمید یا عزیز گوید  
 حرف عین اگر ۲۰ روز هر روزی ۷۰۰ بار بخواند دشمن وی هلاک شود  
 و اگر بزرگ خیار تلخ ۳۰۰ مرتبه نوشته در خانه دشمن اندازد او را هلاک کرد و اگر در  
 روز جمعه ۱۰۰۰ بار نوشته بخود دارد هر کس محتاج کسی نکرد و در وقت کتابت  
 یا عظیم یا عجیب گوید حرف فایحه بر آمدن حاجات هر روز ۴۰ بار بگوید  
 و اگر ۱۰۱ بار نوشته بخود دارد از رخت ایمن کرد و در وقت نوشتن یا کلیم  
 یا کریم گوید حرف صاد اگر ۷۰۵ مرتبه نوشته در مصحف گذارد عزیز کرد  
 و در وقت نوشتن یا بکل یا نور گوید حرف قاف اگر هر روز ۲۰ بار بگوید  
 اسرار باطنی منکشف کرد و اگر ۲۰۰ بار بر کاغذ یا بر پوست اهو نویسد و بخود دارد  
 عزیز کرد و اگر در شب چهارشنبه نیم شب نوشته بخود دارد از مکر و هات خلاق  
 ایمن کرد و مقبول القول کرد و هنگام نوشتن یا شکور یا عزیز گوید حرف  
 ال اگر دینیه معلوم کند و نباشد ۷۰۰ بار در گوش خر و سوس سفید گوید هر جا که  
 دینیه باشد آنجا قرار گیرد حرف شین اگر خواهد بداند که حامله پسیر یا دختر است  
 و کرد ۲۰۰ بار بخواند در خواب ببیند که چه خواهد زاید و اگر بر نان نوشته بجامه  
 خوراند اسان بزیاید و از برای فتح الرجال در روز جمعه ۹۵ بار بمشک و زعفران بر  
 کاسه چینی نوشته بشوید و بخورد مطلب بفعل اید و اگر زن بسته باشد بر سر اندازد  
 و برای هر نیستی که باشد نوشته در قرآن گذارد و در وقت کتابت یا قهار یا قریب گوید



حرف تا اگر هر روز ۱۰۰۰ بار بگوید صاحب دولت شود و اگر ۱۰۰۰ بار نوشته با خود  
 عزیز کرد و اگر ۵۱۰ بار در روز سه شنبه در وقت رفال نوشته و بدیوار خانه آویزد  
 ثابت قدم ماند و اگر نوشته و شسته زن و شوهر بخورند در محبت افزاید و در چین  
 کتابت یاد ایه یا صمد گوید حرف تا اگر هر روز ۳۰۰۰ بار بر نیت محبوب بخواند  
 محبت پیدا اید و بهمین عدد نوشته زیر سر طفل گذاردن ترسند و اگر روز سه شنبه وقت  
 طلوع شمس ۵۳ بار نوشته با خود دارد معاندان مطیع گردند و اگر از مرتبه خود افتاده  
 باشد باز بداند مرتبه رسد و در چین نوشتن یا بار یا گیر گوید حرف خا اگر خوا<sup>هد</sup>  
 که از غایب خبر یابد بعد از نماز جمعه یا لام ۱۲۰۰ بار بخواند و بطرف غایب دمزد و اگر طرف مشخص  
 نباشد نوشته را در زیر سر گذارد در خواب ببیند و اگر نیم شب چهارشنبه بشک و در غفران<sup>۳۵</sup>  
 بار نوشته با خود دارد عزیز و محترم گردد و اگر مگ یون باشد آتش خلاص شود باید که در وقت  
 نوشتن یا حنان یا مئنان بگوید حرف ذال اگر دایم گوید با اهل خویش در امان  
 باشد و اگر ۷۰۰ بار نوشته با خود دارد بابشیرینی خواند و بخورد نزد مردم عزیز گردد و  
 اگر یک شب دو شنبه ۲۰۰ بار بنویسد و در بلغار بگوید کرده با خود دارد میان خلق  
 عزیز و محترم بماند و در وقت کتابت یا رحیم یا کریم گوید حرف ضاد  
 برای دفع جنون ۹۰ بار خوانده بد مک و نوشته بر مریض بندد بیهوش و عقل باز آید و  
 اگر بجهت محبت ۷۰۰ بار بگوید محبوب مطیع گردد و اگر ۱۱۹ عدد در شب جمعه بشک  
 و در غفران نوشته در زیر سر گذارد حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب  
 بیند و اگر شسته و بخورد دل او متور گردد و در چین نوشتن یا علی یا قُدُّوس گوید



حرف ظ برای محبت ۱۲۰۰ بار بمشك و زعفران نوشته باخود دارد و اگر در روز پنجشنبه  
 ۱۳۰۰ بار نوشته باخود دارد مشهور جهان گردد و در وقت کتابت یا محمود یا اگر نیمه گوید  
 حرف غین اگر هر روز ۱۰۰۰ بار بخواند و بجانب دشمن دمک مقهور کرد و اگر از برای  
 محبت ۹۰۰۰ بار بر پارچه کبریا نوشته نام خود و مادر خود و نام مطلوب و مادر  
 او بنویسد محبت پیدا کرد و اگر در روز چهارشنبه ۹۰ بار نوشته باخود دارد از حبس  
 خلاصی یابد و در وقت نوشتن یا مَلِكُ یا مُهَيْمِنُ گوید و باید که وقت وساعت حرف  
 اولین نکه دارد و حروف بروج و کواکب و اهل طالع را با حروف طالع خود را ملفوظی  
 کرده اسماء الهی بسته بخواند یا تکبیر و وفق کرده نزد خود نگاهدارد تا ثمره بسیار  
 یابد

ایضا در خواص حروف بسمه نقل است که مجموع حروف بسم الله الرحمن الرحیم که ۱۹  
 حرف است و در آن خواص عجیبت اگر کسی بساعت زهره نوشته باخود دارد  
 اسرار بر او منکشف شود و سحرها باطل سازد و در امان حق باشد و اگر در ساعت  
 زحل در مربع ۱۹ مرتبه ثبت کند و باخود دارد پیش اکابر با هیبت باشد و اگر  
 کسی ۹ حرف نورانی که در بسمه است و این است س ا ل ه ر ح م ن ی بنویسد و با  
 خود دارد یا باب شسته بخورد از رنجها شفا یابد و اگر در ساعت مریخ در مربع ۹ مرتبه  
 ثبت کند و باخود دارد همان فایده دهد و اگر کسی يك حرف ظلمانی که در بسم الله باشد  
 بنویسد و در زیر او نام خصم بنویسد و کرد او و ع سپین نوشته بدیوار قبله گذارد  
 آنکس غایب شود و محرب است اما باید در وقتی باشد که قمر در برج جدی باشد و



ساعت زحل بود و خسوف یا کسوف بود و اگر کسی ۱۸ حرف که در بسمله نیست نوشته در مقام دشمن دفن کند هلاک کرد و اگر مربع ۱۸ در ۱۸ و قی که قمر در عقرب بود ثبت کند و بمقام بلند او پزند دشمن از او بترسد و اگر کسی ۱۰ حرف غیر مکرر بسمله را نوشته با خود دارد از شر دشمن ایمن کرد و اگر مربع ۱۰ در ۱۰ نهاده با خود دارد روزی بر روی کشاده شود و سرافرازی یابد اما باید که در ساعت عطارد نویسد و اگر ۵ حرف نورانی که در بسمله نیست نوشته و دختر یا با خود بدارد بخت بسته بکشد و اگر در مربع هر چه گذارد همان خاصیت دهد و اگر ۱۳ حرف ظلماتی که در بسمله نیست برای جدائی در میان که قمر در سرطان بود بساعت عطارد بر پوست حمار نویسد بنام دوکس که خواهد و در مقام نمناک دفن کند در میان ایشان جدائی افتد و اگر کسی یک حرف ظلماتی بسمله را نوشته کرد ۹۹ ص بنویسد و در پشت او دو اسم ملک ملک نویسد و بصاحب در چشم بندد دشمن یابد و اگر کسی مجموع عدد بسمله ۷۸ در مربع ۴ در ۴ نهاده با خود دارد همه مهملات او را کرد و سحقی او با سانی مبدل کرد و از فقر ایمن کرد باید که بساعت شمس کند و اگر کسی ۱۸ حرف نورانی بسمله را نوشته با خود دارد کارهای صعب بر او آسان شود باید که بساعت مشتری مل کند و اگر در شکل ۱۸ در ۱۸ نهاده با خود دارد نزد خلائق عزیز و مکرّم باشد

ایضا در خواص بسمله نبی صلی الله علیه و آله فرموده که اسم اسم اعظم در بسمله است و ابن عباس از آن حضرت نقل میکنند که اگر کسی بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بگرداند الله تعالی از او هفتاد نوع از بلا و هکمه نبی ص فرموده که هر که یکبار بصدق بسمله بگوید حق تعالی



بهر حرفی ۴۰۰۰ حسنه او را بدهد و ۴۰۰۰ سیئه از او محو نماید و فرموده که  
 هر که بنویسد بسمه را و در کتابت او جهد کند که خوش نوشته شود بجهت تعظیم پیامبر  
 خدا کناهان او را عن ابن مسعود قال قال رسول الله ص من قال بسم الله الرحمن  
 الرحيم لم يبق ذنوبه وrote بعضی از اهل معرفت گفته اند که بسمه ۱۹ حرف است  
 و در بانیه دوزخ ۱۹ اند هر کس که قرائت کند بسمه را الله تعالی دفع کند از او  
 بهر حرفی يك زبانیه را و گفته اند که کناه بر چهار قسم است کناه من و زو کناه شب  
 و کناه اشکار و کناه پنهان و کلمات تسبیح نیز چهار است هر مؤمنی که بلفظ تسبیح  
 کند از روی اخلاص حق تعالی هر چهار قسم از کناهان او را بیامردند ایضا  
 منقول است که هر کرا حاجتی باشد سه روز ۴ شنبه و ۵ شنبه و جمعه روزه دارد و  
 اوایل روز جمعه غسل کند و مسجد رود و در راه تصدق کند بدانچه تواند و بعد  
 از نماز جمعه بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ إِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي  
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ إِسْمِ اللَّهِ  
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ وَأَسْأَلُ  
 لَكَ بِاسْمِكَ إِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي مَلَأَتْ عَظَمَةُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ إِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَنَتِ الْوُجُوهُ  
 وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَبْصَارُ وَحَلَّتْ مِنْهُ الْقُلُوبُ وَذَ  
 رَفَتْ مِنْهُ الْعُيُوبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاصْحَابِهِ وَأَنْ تَعْطِيَنِي  
 حَاجَتِي بَعْدَ إِزَانِ حَاجَتِ خُودِ رَا عَرْضِ نَمَائِدِ الْبَشَرِ وَاشْهُدْ وَأَنْخَضِرْتَ فَرْمُودِ



وَصِيَّتْ مُؤَنَدِ صَحَابِيٍّ اَلَا كَدَايِزِ اِيَكْسِي كَدَايِزِ اِيَكْسِي كَدَايِزِ اِيَكْسِي  
وَصِيَّتْ مُؤَنَدِ صَحَابِيٍّ اَلَا كَدَايِزِ اِيَكْسِي كَدَايِزِ اِيَكْسِي كَدَايِزِ اِيَكْسِي

حاجتی باشد بر کاعندی بنویسد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِیْلِ اِلٰی رَبِّهِ  
 اَجَلِیْلِ رَبِّ اِنِّیْ مَسْنِی الضُّرِّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ پس ان کاعند را در کتابه  
 اندزد و بگوید اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاِلٰهِ الطَّیِّبِیْنَ الظَّاهِرِیْنَ وَصَحْحَةِ الْمُرْتَضِیْنَ  
 اِقْضِ حَوَائِجِیْ یَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِیْنَ و ان حاجت بدل خود کند مانند حاجت او بر آید

وایضاً منقولست که هر کس ۱۲۰۰۰ بار بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بگوید و بعد از هر ۱۰۰۰ بار دو رکعت نماز بگذارد و حاجت خود عرض کند هم

چنین تا ۱۲ بام الله حاجت او روا شود و ایضا منقولست که هر که

بگفتن بسمله مداومت نماید موزی بر روی فراخ گردد و باطلش صافی شود

وایضا منقولست که بجهت فزای ظالم اگر کسی ۱۰۰۰ مرتبه بسمله و ۱۰۰۰ مرتبه

حمد له و ۱۰۰۰ مرتبه کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله و علی ولی الله و

۱۰۰۰ مرتبه بعد از آن صلوات بر پیغمبر و آل او فرستد ان ظالم فنا شود یا

منکوب کرد و شتر او مُندفع شود و ایضاً اگر کلمات امر بعد بسم الله را

در مربع ۴ در ۴ کج کند بصورتی که نموده میشود و آن را در پیش نظر خود

بکلاس دوسرا ان نظر کند و ۷۱ مرتبه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بخواند

و ۱۳۲ بار صلوات فرستد و حاجتی که دارد بخواند البتہ و اشود و ایضاً

هک که این مُرتب را با خود دارد برای باطل شدن سحر مُجرب است و در این مُرتب بجای



اعداد اسماء الله که موافق عددان خانه باشد ثبت کند بصورتی که مربع ۲ نوشته میشود  
 اثرش قوی تر باشد از بعضی از اکابر صوفیه منقولست که اگر کسی بطریق تکبیر و مظهر  
 نیز گویند کلمات اربعه بسم الله در مربع ۴ درج کند و آن را با خود نگاهدارد  
 که داده شود و از مکر نمازان و شیطان و همه بلیات ایمن شود و اگر این عمل را در وقت شرف  
 افتاب کند و آنرا بخور مناسب بسوزاند و معطر سازد و دایم با طهارت با خود دارد و  
 تعظیم او فر و نکذارد در خاصیت اثر او بالغ باشد بصورتی که مربع ۳ نوشته میشود و

مربع ۴ که عددی

و مضمر است

به همین خواص است

و ایضا

بجهت دفع حسی

مکرراً تجرید شود

است که هرگاه

بسم الله را بطریق

مربعی بنویسد

و در داخل آن

مربع بنویسد که

در مثال نموده

۲۸۹	۳۲۹	۴۴	۱۰۲
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
مُعِیَّد	سَمِیع	مُبْدِئ	دَیَّان
جَبَّار	حَق	وَالِی	
وَاسِع	رَازِق	مُجِی	عَدَل
عَلِیم	وَاحِد		
مُحِیط	عَادِل	سُبْحَان	شَوْر
	عَظُوف	بَاسِط	

۲۸۹	۳۲۹	۴۴	۱۰۲
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
۳۳	۲۸۸	۱۰۳	۶۵
۲۸۷	۳۲۷	۶۸	۱۰۴
۴۷	۱۰۵	۲۸۶	۳۲۸

۲۸۹	۳۲۹	۴۴	۱۰۲
۱۸۴	۲۶۲	۳۳۸	۲
۳۱۲	۲۸	۱۵۸	۲۸۸
۵۴	۳۹۰	۲۱۰	۱۳۲
۲۳۶	۱۰۶	۸۰	۳۶۴

۲۸۹	۳۲۹	۴۴	۱۰۲
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن
الرحمن	الرحیم	بسم	الله



میشود بنویسد حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ  
 یا حی لا تقربنی فلان بن فلان بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاِذَا دُرِّسَ رَحْمُومًا كَذَلِكَ  
 شفا یابد و صورت مُربع اینست و در نسخه دیگر بجای یا حی لا تقربنی انتهی الحماست  
 والسلام

حرفات حروف

در بیان حلیه حروف و عمل شرف و قصر  
 فوات حروف و شرایط عمل بدانکه وقتی که  
 جسم از عالم غیب بعالم شهادت روی نه  
 اولاً بروح و اسم بود و بهر حرف اسم او چند  
 مؤکلات مستخر و حافظ او باشند بامر الله  
 تعالی و شرایط عمل حروف لا دست کبشی



که در این علم حروف و تصرف او در اید اولاً باید که احتراز اکل گوشت و سیر و پیاز  
 و امثال اینها که اگر طاعت شنیدن بویهای گریه نداشتند پس باید که بخصمه  
 و مسواک مداومت نماید و ذایم با طهارت باشد و بنماز و تسبیح و ادکار و او را بر  
 وصلوات و استغفار مداومت نماید و زبان و دست از غیبت و ایدای مردم و سخن  
 چینی نکه دارد و نصیحت و شفقت بر خلق در بیغ ندارد و در وقت عمل ابتداء دو  
 رکعت نماز استجاره بخنور دل ادا کند اگر اجازه یابد شروع کند و الا ترک کند  
 زیرا که حروف خزانه علم و امر و سر و مراد و قدرت و اسما و صفات و افعال و ذات  
 الله تعالی است که یکشئی بی حرف صورت نریند که و اصل جمله حروف بحر و عربیه

بسم الله الرحمن الرحیم



اسماء متولد از این حروفند و از این حروف ۵ اسم تولد یافته

اللہ جمیل رحمت مؤمن نور و ازین ۵ دیگر اسماء

الهيئه دگر خارج صورت بگستند و اين اسما را استوار گردانيد

بدفع بلا و سحر بر تخته نقره نقش کند در کشف افتاب این

حروف فراوان از شرف او استعانت جوید و حروف این است ده الف ایستاده و نه

الف مسطوحه ودوالف مبسوطة ويك الف معطوفه والف مسطوحه ب ت ث

کتاب فی الف مبسوطه ط ظ والف معطومه وه لا وچیم هفتند اولاً  
حقیقه والوجه اولاً

دو جہم میں نہ ہونے والا ہے۔ وہ دو جہم کا ختم ہوا ہے۔ غرض کہ اس کا

یکی را متفرقه و آن را اولت دُوْتُم را مستنک و آن را است و نور

شش اند یکی نون متفرقه وان اولست و ه نون مستتکمه وان س ش ص ض ط ز است

وَمِيم دُوَانْدِ یَکِ مِیَمِ مُتَفَرِّقَه وَاَن اَوَلَسْتُ دُوِیْتُمِ مِیَمِ مُسْتَنَکَرَه وَاَن هَر اَسْتُ وَهَمِ

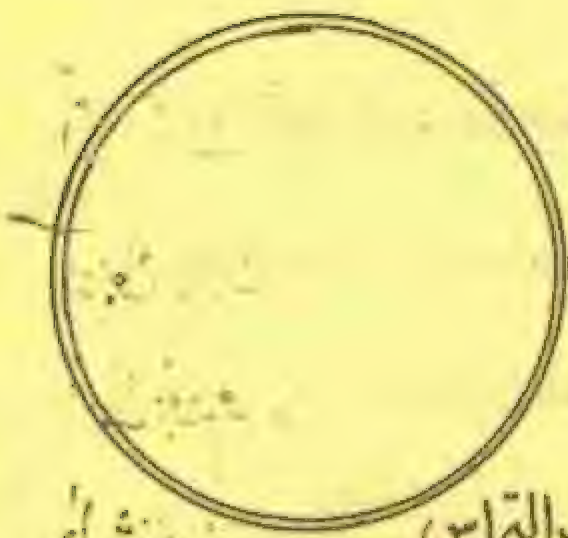
۱۴ الفست و ۷ جیم و سه ل و ۲ هم و ع و نون و این جلد ۳۲ حرفت بدین

ح	ح	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ن	ن	ن	ن	ن	ن	م	م	ر	ر	ر	ح	ح	ح	ح

این حروف را بمشک و زعفران و کلاب و شنکرف در سر و زیکشند و وقت طلوع شمس

مقدور بر این صورت شمسیه که در ظهر ورقه نموده میشود بر تخت زرین نوشته





و کاهلارد از برای دفع غضب و حلت رزق و دفع  
مضرت مجرب است و نظایرند را اینست  
والسلام

این مختصات در کتاب نبود حقیر سید جبه دار بجهت یادگار نوشت التماس  
دعا دارد

۱۴۰					۱۴۰				
۲۵۶	۱۳۷	۲۹۱	۱۳	۶	۱۳	۶	۱۳۱	۲۵۷	الله
الله	جمیل	رحمن	مؤمن	نور	جمیل	۲۹۶	۱۳۱	۲۵۷	الله
۲۵۱	۱۹۷	۲۱۶	۱۲۹	۱۴۰	۲۹۷	۲۵۳	۶۷	۱۴	۲۹۷
۲۷۹	۱۶		۳۱۱	۱۵۷	۲۵۴	۱۳۵	رحمن	۱۵	۶۱
۶۰	۲۷۱	۲۲۰	۲۳۶	۶۴	۱۶	۶۹	۲۵۵	۱۳۶	۲۹۴
۱۷۷	۱۹۶	۱۰۶	۲۰	۱۴۳	مؤمن	۲۹۵	۱۲	۷۰	نور



اما شرایط کتابت است که طهارت کامل یعنی ظاهری و باطنی حاصل کند تقرب و لسان  
و جوارح که اتصاف بصفات الله نتیجه این طهارت است و اگر کتابت که از اهل بیت تغییر بود  
اولی بود و الا قرشی بود که دخل عظیم دارد و با شخص متقی عالم عامل باشد بلکه اجازه از مرشد  
داشته باشد تا ملائکه اسما و حروف نزول کنند و کتابت نیت کند که ۱۰۰۰ سرور در خلوت  
باشد باید که جمله صفات جامع در هزار و یک مورد تمام کند و باید که در مقام مرتفع بنشیند  
که سفید و پاکیزه بود و سر کشوده و بر لب آب و سبزه باشد که این طریق اولی بود و اکمل حلا  
و طیب دارد و کم خفتن و کم خوردن و کثرت ذکر و بوقت کتابت جمعیت خاطر ملا حظہ نماید تا  
حروف اکثری که اهل بیتند بهم متصل نشود خصوصاً سه حرف اول باضلاع خانه نرسد و  
چشمهای حروف کشوده باشد و حک و اصلاح و غلط واقع نشود و نقاط غیر موصوله و کاف  
بی سواد و بی قصور بود و ساعت کتابت نیک بود و نظرات بخش نبود و قمر در حضيض و بال  
نباشد و در منازل منحوس نباشد و طریقه و تحت الشعاع نباشد و بخورات لطیفه اعلا و نورانی  
باید سوخت و از اشغال دنیا و تفرقه خاطر اجتناب باید نمود و بوقت کتابت هر صفحه ۲۸  
عزیمت آن باید خواند و عزیمت این است عزمت علیکم یا اسرار الموکلون بحرف  
الالف المکتوب فی اللوح المحفوظ و انتم مطلعون بسرّها المودع فیهما اسمعوا قولي  
واجیبوا دعوتي و اطیعوا امری بحق جمیع الکتب و الاسفار المنزل علی جمیع الانبیاء  
علیهم السلام این عزیمت صفحات الف است و در هر صفحه اسم آن حروف بگوید مثلاً  
در صفحه میم الموکلان بحرف المیم گوید و قس علی هذا و در هر روز جمعه و در هر روز  
شنبه و خسوف و کسوف کتابت نکند و در هر روز ۲ شنبه و ۵ شنبه صایه باشد و لباس



گریدانی

مفسر جامع

سَفید یا سبز پوشد و هر روز بخور کوب بسوزد و این کتابت از برای نفس خود کند و از برای پادشاه<sup>سَلَم</sup>  
 النفس نیز و ابود و بعضی کسان از برای خود نوشته اند و یکی نداده اند و در قبر خود دفن  
 ساخته اند و کتابت را باید که یقین کامل دارد و نیت خالص و رحیم بر خلق و امین و عادل و با  
 طاعت بود و هر روز طعام پنجه بدر و ایشان رساند و اگر تواند هر روز جانور بچل<sup>کند</sup>رها  
 تا اثرش برود پی پدید آید و فیض این کتابت بمردم خانه و شهر و اقلیم برسد غزل  
 جفر جامع گوید انی مخزن اسم بود: شرح این کچینه کو هر بنز ما بود: جمله اسماء صحیف  
 از لغات مختلف: با حکایت های غیبی سر بر خوانا بود: نسخه او در نظر کچینه ستر اله: دانش  
 او سر بر مفتاح مشکله بود: لفظ اسم اعظم حق با همه تفسیران: اندر و یابی که کنج  
 علم الاسما بود: چون همه اشیا از اسماء الهی قایمند: دانش اسرار او حل همه اشیا بود: کر صدق  
 دل طلب دارد بیابد عاقبت: هر که میخواهد بیابد بایدش جویا بود: چون بر عایت شرایط  
 مذکور کتابت و عمل کرده شود تسخیر این نسخه بمقتضای اعمال مذکور میسر شود هر این هیچ  
 مطلبی بخاطر نکند که بران قدرت نیفتد ۲ خط آماده است

و کفایت امور و عقد اللسان حاد و متمرکزین و کشف غیوب و حصول مراتب علوی و سفلی  
 و همه موجودات روحانی و تصرف در سیر کواکب اسمانی و غلبه بر اعدای دین مسلمانی و خلاصی  
 از عقوبت جاودانی و وصول بسعادت دو جهانی و طی مراتب درجات و افزائی مال و ملک و  
 لشکر و غالب شدن او بر دیگر سلاطین و غیره که در این مختصر ننکند و حصول همه مدعیات  
 از این کتاب بشرایط مقرر میسر گردد و بعضی کابران بر این نوع عمل کرده اند که از بیانات  
 مربع بیانات هر صفحه استخراج اسماء نموده عدد بیانات مذکور جمع کرده در مربع برده اند



و اسامی مستخرج بر حوال آن نوشته اند و بعضی از بیانات مذکور بقانون تکبیر استخراج کرده اند  
 و بعضی از چهار خانه وسط سطر اول و سطر آخر و چهار خانه وسط ضلع ایمن و ضلع ایسرینا  
 گرفته بتکبیر و غیره استخراج بچهار صفحه نوشته اند و عدد حروف استخراجیه مرتبی ثبت  
 نموده هم بدان صفحه بیک حرفی رقم کرده اند و بعضی دیگر هر صفحه که اسم خود پنداشت  
 اول بیوت شمرده مرتبی بدان موضع داده اند و حروف مستحصله که در حرف آخر هر خانه است  
 جمله را نظیر گیرند و تکبیر کنند و بر معنیات مطلع کردند و خلاصه اصطلاح معلمان  
 چنانست خصوصاً الفظ مواجه که انرا بسط ترفع گویند یعنی بجای صفر الف نویسند و  
 بجای الف با نویسند و بجای با چیم نویسند و بجای جیم دال الی آخر ابجد بنویسند و  
 غین را موقوف دارند و بسط ترفع بر سه نوعست اول بسط عددی دوم  
 بسط حرفی سیم بسط طبیعی اما بسط ترفعی عددی است که از ارتفاع حروف مطلوب  
 بجهت اعدادی که قائم است برایشان از اعداد ابجدی چنانکه عدد هر یک از آن حروف اکثر  
 درجه احاد باشد بعشرات برند و اگر در درجه عشرات باشد او را بد درجه مئات برند و اگر  
 درجه مئات باشد او را بد درجه الوف برند مثال خواستیم که اسم محمد را بسط ترفع عددی  
 بکنیم و از عدد آن تحصیل حروف نمائیم نظر کردیم در میم محمد ۴۰ بود بمات بردیم ۴۰۰ شد  
 حرف ساختم حاصل شد باز ح محمد که از احاد بود بعشرات بردیم ۴۰۰ شد و از او ف  
 حاصل آمد باز از میم ثانی محمد ت حاصل شد باز دال محمد را ترفع کردیم ۴۰۰ شد و از او  
 میم بحصول پیوست و مجموع حروف مستحصله از بسط ترفع محمد این است ت ف ت م  
 اما بسط ترفع حرفی عبارتست از برابر آمدن از ارتفاع هر یک از حروف ابجدی بحرف

۲۱۵

انواع  
 بسط



ما بعد بی فاصله مثال خواستیم که اسم محمد را بسط ترفع حرفی کنیم اولاً از برای میم محمد  
 ن او کردیم و همچنین برای حاطا و برای میم ثانی نون و برای دال ها او کردیم پس حرف  
 بسط ترفع حرفی اسم محمد این شد ن ط ن ه اما بسط ترفع طبیعی عبارت است  
 از ارتفاع حروف بحسب طبیعت چنانکه حروف خاکی را تبدیل کنند بحرف ابی و  
 ابی را بهوائی و هوائی را بنارپی و از نارپی بالاتر ترفع ممکن نیست پس حرف نارپی را  
 بحال خود گذارند مثال خواستیم که اسم محمد را ترفع طبیعی کنیم چون میم محمد التبی بود  
 او را بحال خود گذاشتیم و بواسطه حاء محمد را او کردیم و میم ثانی را نیز بحال خود  
 گذاشتیم و از برای دال جیم او کردیم چنین شد م ز م ج موافق دایره محققان  
 این در شرف از بسط ترفع طبیعی محمد حاصل شد والسلام

کلام ظاهر همیشه بر سه وجه بود وجه اول ترکیب باب کبیر یا صغیر چنانچه نظایر باب کبیر را  
 مع اسواس صد و سه و مؤخر بر وش تکبیر در هم نویسند و باب صغیر را همچنین پس ملحق  
 سازند و زمام ساخته تکبیر کنند و زمام باب کبیر اینست ی ال اب هت و ث  
 ن ج م ح ل خ ک د ق ذ ف ر غ ز ع س ظ ش ط ص ض و زمام باب صغیر  
 ا ب ج د ایست ت ا ش ب ر ج ق د ص ه و ع ز س ح ن ط م ی ل ک  
 و استخراج اسما و عمل بنوعی است که ذکر شد اینرا تاج میططرون الملک خوانند  
 و عهد دوم ترکیب باب کبیر است با باب متصل و روش امتزاج همان نوعیست که در  
 باب میططرون ذکر شد و زمام این باب اینست زمام باب کبیر اینست ی ال اب  
 هت و ث ن ج م ح ل خ ک د ق ذ ف ر غ ز ع س ظ ش ط ص ض و زمام



باب متصل نیست ی ب ه ت ن ث م ج ل ح ك خ ق س ف ش غ ص ع ض ظ ط  
 و استخراج این را کتاب مناجات خوانند و کجده سیمر ترکیب ۲۲ حرف باب صغیر  
 با ۲۲ حرف باب متصل که ۴۴ حرف باشد در ۱۰ سطور تکبیر وی زمام دهک  
 و زمام باب صغیر ت ا ش ب س ر ج ق د ص ه ف و ع ز س ح ن ط م ی ل ک  
 زمام باب متصل ی ب ه ت ن ث م ج ل ح ك خ ق س ف ش غ ص ع ض ظ ط  
 این را لوح ادم خوانند و تکبیر و استخراج بوضع مسطور است کلام رشف چنان  
 بود که حرف باب متصل اول رقم شود بعده حرف باب صغیر ملحق کند و زمام این  
 باب نیز ۴۴ حرف است زمام باب متصل ی ب ه ت ن ث م ج ل ح ك خ ق  
 س ف ش غ ص ع ض ظ ط زمام باب صغیر ت ا ش ب س ر ج ق د ص ه ف  
 و ع ز س ح ن ط م ی ل ک این را ضرب میطرون الملک خوانند و چون  
 این عمل ذکر همه بابها کرده شود تا آخر باب متصل بکلام سیرت باز کرد تاج زهره  
 و سیر اصف این برخیا است کلام غشب برد و وجه بود و کجده اول قسمی از باب صغیر  
 مستخرج و قسمی از حروف خارج باب صغیر بیرون او را چنانکه از ۱۰ باب تکبیر  
 وی از هر باب ۴ حرف خارج بکنند تا ۴۰ حرف شود و تکبیر وی بقاعده مک  
 کو را است و استخراج اسما چنانچه مسطور است این را هم تاج شیاق خوانند و کجده  
 دویتم از حروف داخل ابواب عشر ۴۴ حرف برداشته تکبیر کنند این را اسامی  
 بگرد و ماه نوشته خوانند کلام غشب این نیز برد و وضع است وضع اول  
 مستخرج از باب متصل اول حروف خارج ابواب عشره وی و این تاج ماقهر بود



وَضَعُ دُوَيْمِ حُرُوفٍ دَاخِلَةِ ابْوَابِ مَدِّ كُورِهِ اَيْنَ اِسْمِ بَرْدُورِ اِفْتَابِ نُوْشْتِهٖ حَتَّوَانْدُ  
وَتَكْبِيرِ وَاسْتِخْرَاجِ بِيَكِ وَضَعِ اسْتِ كَلَامِ اَزْوَارِ اَنْظَايِرِ بَابِ مُتَّصِلِ وَصَغِيرِ  
خَيْرِ دَامَانْظَايِرِ بَابِ مُتَّصِلِ اِذَا بِنَا مِصْطَطُرُوْنَ عِبْدُ الْمَعْبُودِ وَعِزُّ اِبْرَاهِيْلَ الْمَلِكِ  
خَوَانْدُ

جفر  
جفر

فصل ششم در جفر اخضر بدانکه این عمل برای متقیانست و جلب و طرد و تسخیر و غیره حصول  
همه مدعیات عالم عادل عامل را میسر است و بر عشار قسم منقسم است قسم اول  
از حضرت امیر المؤمنین و امام جعفر صادق علیهم السلام گرفته بود قدما اسم الطالب  
و آخر اسم المطلوب و این دستور است در همه قوانین جفر و این عمل از آن حضرت منقول  
است که بگوید کن اسم طالبرا بعد از خلالت سته مد کور و بگوید کن مطلقا بر ابطر ز مسطور و خلاصه نمود  
زمان ساختن تکبیر کن اگر عمل خیر بود و درجات باب فرد باشد درجه اول را الحاق کن  
تا فرد شود و استخراج اسماء الله بخارج سته الهیه بنوعی که اسماء اعوان و ملائکه بخارج  
عشر استخراج کن و بعضی اسماء اعوان را از تکبیر اسماء ملائکه استخراج نموده اند بخارج  
مد کوره و اسماء قسم از صد و ابواب ترکیب کن و اسماء مستخرجه اعوان و ملائکه را  
بچهار حروف و اسماء الهیه بهفت حروف ترکیب کن و اسماء طاهرات را در مَزْوجَاتِ رُوحِ  
ثانی و در مفردات فرد ثالث باعتبار مبدأ ترکیب کن و چون در آخر باب اسمی واقع آید  
که دو حرف یا که یا زیاده بود تمام آنرا از سطر ماقبل بردار یا ما بعد یا بهمان اکتفا کن  
بحسب نسبت و اسم ساز و اگر در اول سطر بود از آخر سطر ماقبل بردار و بعضی در  
مفرد سه درجه ترکیب کرده اند و سرعت اثر عمل را در محبت و فتوحات از هر وجه



شناختند و در عقود و انفصال از درجیات مفردة و ترویج و افراد از درجیات تمام معتبر است  
وز نام و عقود و انفصال و بعضی عکس کند تا مخرج باب بدین سند است مثلاً  
ملك و فاطمه را ز نام عکس میکنیم به نیت اتصال یا انفصال یا بغض یا ز نام عکس هشت  
حرف دیگر هشت سطر است اگر محبت خواهد ۱ دیگر ۱ و اگر بغض خواهد درجه آخر

م	ل	ک	ف	ا	ط	م	ه	الحاق کند تا فرد شود و در شکل را دیگر
م	ه	ل	م	ک	ط	ف	ا	بر کند تا مؤثر آید پس ابوابی که مخرج است
م	ا	ه	ف	ل	ط	م	ک	محل است حروف انرا بقدر امکان ترکیب
م	ک	ا	م	ه	ط	ف	ل	باید کرد و از دایره محققان اعراب باید
م	ل	ک	ف	ا	ط	م	ه	کرد و چون حرف اول اسم را جزم باشد
م	ه	ل	م	ک	ط	ف	ا	جزم باید داد که الساکن اذا حرك حرك
م	ا	ه	ف	ل	ط	م	ک	بالکسر و اگر دو حرف از یک جنس باشد ادغام
م	ک	ا	م	ه	ط	ف	ل	

باید کرد و لفظ آید دیگر اخرا اسمای مؤکل باید آورد و عدد ز نام را در مرتبگی ثبت  
باید کرد و مستخرجات را بر حول وفق باید نوشت و عزیمت را بر کرد تکبیر بر قم باید  
چنانکه ذکر شود و قراءت بعد از ابواب مکشره باید خواند و عزیمت کرد تکبیر بلسان عمل  
مرتب سازد عربیاً کان او اعجمیاً و باید که هر یک از اسماء اعوان موافق باشد  
ببریکی از مداخلات اسم طالب و اگر نباشد باسقاط و از دیاد نقط و حروف موافق سازد  
و بخور مناسب عمل سوزد و عمل را بپیزان ناب و یا بسند در حات طبایع ختم باید کرد و  
عزیمت اینست عزیمت علیکم یا ملائکه رب العزة یا فلان آئیل و اسمی ملائکه



تمام ذکر کند بحق خالق الخلق رب السموات والارضین واسم اعظم کویدان تسلطوا  
 علی هذه الاعوان واسماء اعوان را تمام ذکر کند بعده بگوید وانتم یا اعوان الملک و  
 اسامی اعوان تکرار کند و قسم دهد اسلب واجذب اجلب قلب و روح و جمیع جوارح  
 فلان بن فلان بحبته او غیره فلان بن فلان ان لم تجیبوا فسلط الله علیکم هذه  
 الملائکة واسماء ملائکه بحرف ندا تکرار کند من السماء باید یهم شواظ من نار و نخل  
 فلا تنصرون یضربون وجوهکم و اذ بارککم وان اجبت فلبشرکم الله یوم الحساب  
 الاتخافوا ولا تحزنوا و ابشروا بالجنة الی کنتم توعدون بارک الله فیکم وعلیکم  
 العجل ۳ الوحاس الساعة ۳ والسلام

۳۳۱

حضرت محمود

فصل هفتم در جفر محمودیه این جفران کشف فقیر است که در اربعین بصیقله مجاهده باو کج  
 سیند القاشده سؤال کردیم که نام این جفر چیست فرمود که جفر محمودیه فقر این عمل عامل  
 شد مجرب ترین مجربات یافت چون متوجه شوند معلوم خواهد شد و این جفر بر شش قسم است  
 قسم اول برد و طریق است طریقه اول عدد اسم طالب نویسد و تحت عدد حروف ملفوظ  
 ظی آن عدد در قمر زدند مثلاً عدد طالب ۴۲ که چهل و دو و اند و حروف ملفوظی او  
 با و میم است که عدد حروف ملفوظی او ۹۳ که نود و سه اند و حروف ملفوظی او چیم و صاد  
 و عدد آن ۱۴۸ که صد و چهل و هشت است جمله اقسام سه قسم حروف و سه قسم عدد شد  
 این شش را شش مداخل نامند بعده جمله حروف مکتوبی و ملفوظی را خلاصه نموده یکسطر کند  
 همچنین اسم مطلوب بر این بسط اعداد و الفاظ نموده خلاصه یکسطر نماید بعده هر دو سطر را  
 امتزاج داده یکسطر کند بعده از آن سطر نیز خلاصه کشیده یکسطر کند و حروف سطر را  
 بقسمت طبایع



به امت طبایع مفصل نویسد و حروف هر طبع را تکبیر کرده معرب کند و پس پشت اسم  
 طالب و مطلوب امت را جدا ده نویسد و آن شکل بعنصر ملحق نماید همچنین چهار شکل باید  
 که بطالع و ساعت موافق آید و سطر خلاصه مسطور را زمام کشیده بوقت موافق تکبیر کند  
 و کرد تکبیر عزیمت نویسد و عدد تکبیر بر پشت او و وفق بموافق کند و از عدد مذکور  
 چهار موکل و چهار اعوان و چهار جن بر آید بدین سند که اول از سطر مسطور  
 اسماء الهیه کشد و از عدد خلاصه سطر عدد آبی که پنجاه و یک بود طرح نموده باقی را  
 حروف کثیر بقلیل ترکیب داده باخر ایل آید موکل کرد و از عدد باقی ماند که غیر  
 آبی است عدد ۵۱ طرح نموده باقی را حرف بسته ایل خم سازد موکل دویم شود  
 بدین قانون چهار ملایکه بر آید و باقی عدد را چهار اعوان کند و بدین طریق از عدد باقی مانده  
 موکلات مسطور که غیر آبی است عدد ۷۰ است طرح نموده حرف بقانون  
 از جهت بسته باخر یون آید اعوان کرد و از عدد باقی مانده اعوان دویم کشد بدین  
 نحو چهار اعوان ترکیب کند باز عدد باقی مانده چهار اسماء جن استخراج نماید بدین  
 طریق که از عدد باقی مانده اعوان که بغیر یون بود عدد ۳۱ که عدد یوش است طرح  
 نماید و باقی را بسند ماضی حروف بسته باخر یوش ملحق سازد اسم جن صورت بند  
 بدین سند چهار جن شوند و قسم از حروف اول سطر یکسر بجلب تروح و طرد تفریق  
 لفظ بسته معرب سازد و بساعت موافق بطلوع و نزول آیام دیده تکبیر پیش خود نهاد  
 قرائت عزیمت بعد در حروف اول سطر و مدت آیام بسطور تکبیر بخواند و هر بار  
 بخور تازه کند و توهه مطلوب پیش دارد معمول بدست آید طریقۀ دویم



انست که از عدد ده کرد و اسم اسماء جن کشد و قسم بهرد و نام امتزاج داده معرب سازد و قسم  
دهک و از عدد دین سی و اسماء مؤکلات و قسم بقانون اجهت و چون از قرائت فارغ شود  
سوی یکسر نوی مطلوب کرده و بر و کور و اب پر کرده دارد و بمحافظتی که حروف

فلان ایئل فلان ایئل و نام ملائکه گویند علی هذه الاعوان فلان یون فلان یون و اسماء  
اعوان گوید و الاعوان علی هذه الجنان  
گوید و الجنان علی هذه العبد فلان  
بنت فلان حق سلط و سخر علی عزمت علیکم یا ملائکه رب العزة یا فلان ایئل  
یا فلان ایئل بحرف ندا تکرار کند بحق خالق الخلق رب السموات و الارضین و اسم  
اعظم گوید ان تسلطوا علی هذه الاعوان فلان یون فلان یون و اسماء اعوان تکرار کنند  
وانتم یا اعوان الملك یا فلان یون و بحرف ندا تکرار کنند بحق فلان قسم و سطر اول تکبیر  
لفظ بسته گوید و اسرعو الی هذه الجنان فلان یوش و انتم یا جان الاعوان یا فلان یوش  
بحرف ندا تکرار کنند بحق فلان قسم سطر تکبیر لفظ بسته گوید اسلبوا و اطلبوا و اجذبوا  
قلب و روح و جمیع جوارح فلان بنت فلان الی قلب و قالب و ارادت و اطاعت فلان  
بن فلان ان لم تجیبوا تسلط الله علیکم هذه الاعوان و نام اعوان گوید و انتم یا اعوان  
هذه الملائكة بغیر ندا گوید و انتم یا ملائکه رب العزة یا فلان ایئل و بحرف ندا



تکرات کند و بحق خالق الخلق رب السموات والارضین واسم اعظم کوید سلطوا علی  
 الاعوان المذکورین والاعوان علی الجان والجان علی الفلان بن فلان من السماء بآید  
 شواظ من نار و نحاس فلا تنصرون یضربون وجوهکم وادبارکم وان اجبت فبشرکم  
 الله یوم الحساب لا تخافوا ولا تحزنوا و ابشروا بالجنة الی الی کنتم توعدون بآید الله  
 فیکم وعلیکم العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳ بآید الله علیکم یا اکر واج واما  
 قسم دومی است که حروف اسم طالب و مادرش و مطلوب و مادرش را بسط ملفوظی نموده  
 و حروف اسمین را امتزاج داده اسماء الهی از ۹۹ نام موافق حروف یا اعداد اسماء قاصد  
 مقصود برآورد و از اعداد مذکور عدد اول ترک نموده و باقی را ترکیب بستند آخر و ایل را  
 هر یک کشت و از عدد باقی مانده که بغیر ایش است عددیون طرح نموده و باقی را حروف بسته  
 آخرش یون را رد اعوان کرد و اعوان را قسم حروف اسمین ترکیب داده معرب سازد و موکل  
 قسم اسماء الهیه دارد و عزیمت بندد بدین طریق یا فلان یا فلان اسماء الهیه ثواب  
 یتبسط هذا هذا الملك فلان ابیل علی هذه الاعوان فلان یون و سلط الاعوان  
 فلان یون علی الفلان بن فلان و نام مطلوب و مادرش کوید و الفلان بن فلان نام  
 مطلوب و مادرش سلط و سخر علی الفلان بن فلان و نام طالب و مادرش کوید و عزیمت  
 علیکم یا ملک فلان ابیل و اسم الهی کیرد بحق فلان و اسماء الهی تکرار کند سلط علی  
 هذا الاعوان فلان یون وانت یا اعوان الملك فلان یون اقسام علیک بحق فلان قسم  
 و هر دو نام طالب و مطلوب و مادر نشان ترکیب و اعراب کرده قسم دهد اسلب و  
 اکذب اجلب قلب و روح و جمع جوارح فلان بن فلان را لی قلب و روح و جمع جوارح

قسم سوم



فلان بن فلان لم تجب تسلط الله عليك هذا الملك فلان ايئل وانت يا ملك فلان  
ايئل اسماء الهيئه كويد بغير نكسلط على هذا الاعوان فلان يون فلان يون سلط على الفلان  
بن فلان والفلان بن فلان سلط وسخر على الفلان بن فلان من السماء بايد يهم شواظ  
من نار ونحاس فلان تنصير ان يضربون وجوهكم واذ بآركم وان اجبتكم فبشيركم الله  
يوم الحساب لا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التي كنتم توعدون بآرك الله فيكم  
وعليكم العجل ٣ الوحا ٣ الساعة ٣ بآرك الله عليكم يا رواح

## نقش مذکور بدین صورت است

اسم مطلوب و مادر	اسم طالب و مادر	اسم اعوان	اسم ملك	اسم الله	اسم الله	اسم الله	اسم الله
اسم مطلوب و مادر	اسم طالب و مادر	اسم اعوان	اسم ملك	اسم الله	اسم الله	اسم الله	اسم الله
اسم مطلوب و مادر	اسم طالب و مادر	اسم اعوان	اسم ملك	اسم الله	اسم الله	اسم الله	اسم الله
اسم مطلوب و مادر	اسم طالب و مادر	اسم اعوان	اسم ملك	اسم الله	اسم الله	اسم الله	اسم الله
اسم مطلوب و مادر	اسم طالب و مادر	اسم اعوان	اسم ملك	اسم الله	اسم الله	اسم الله	اسم الله

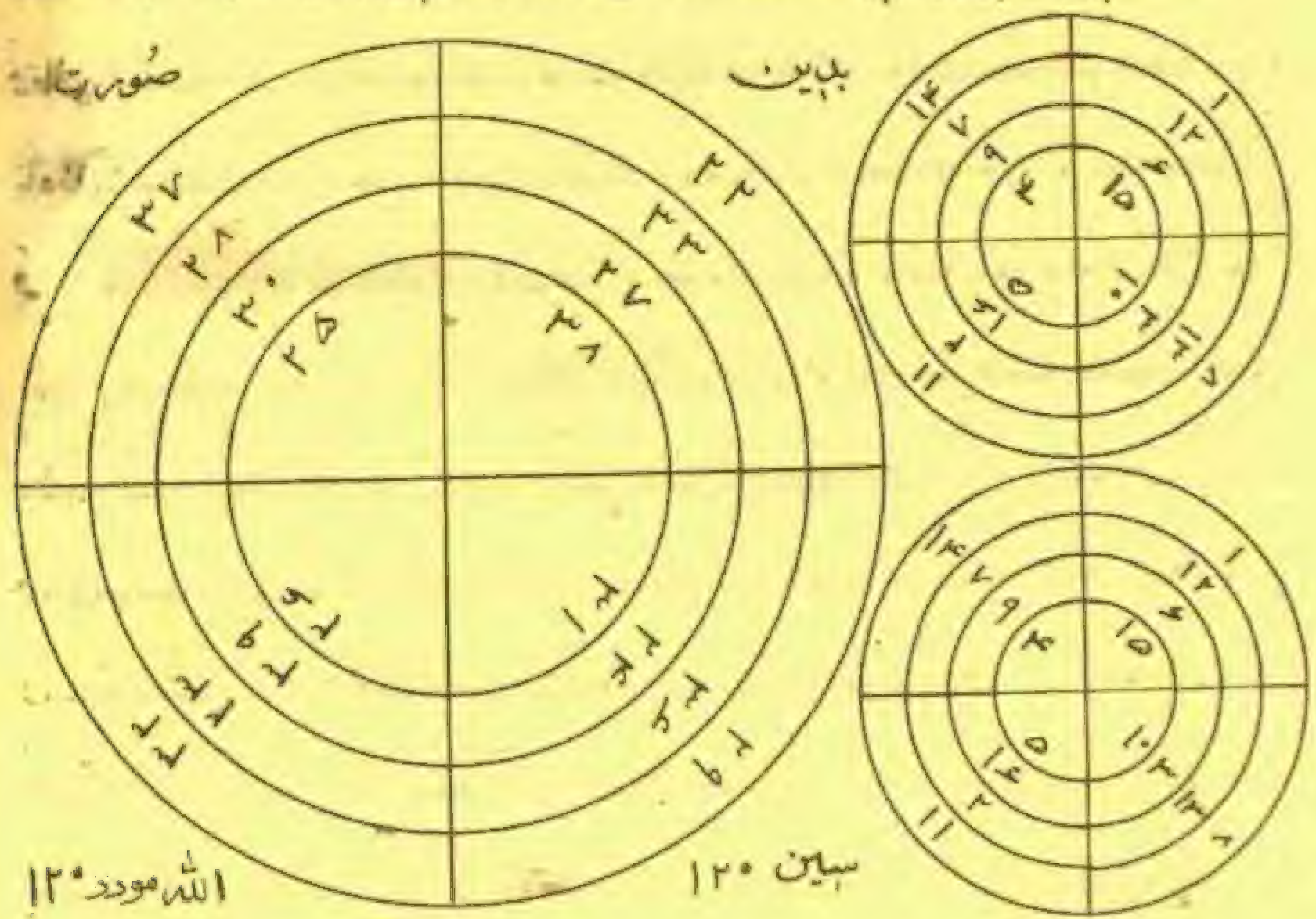


۲۶۲  
سحر نفس  
۶۳

فصل هشتم در تسخیر نفس خود از قول علی صوفی حکیم روحی است و آن بر سه قسم است قسم اول  
در تسخیر نفس خود چون سالك خواهد که نفس را مستخر سازد اول باید که اسم خود را تا بنه بطن تکبیر  
مکرر حرف پیر و ن او رکد که آن مرکز اسم نفس خود است بعد از آن مرکز اسم اعظم الهی بر آن رک  
بعد اسم نفس خود را با اسم اعظم قسم ساخته بداند بعد ه لوح نفس را مرتب نموده حرز خود  
سازد بدین مثال عدد ملفوظی اسم محمد ص میم ها میم دال عدده ۲۲۴ بطرح حرف  
اخر دال که ل است باقی حروف ۱۹۴ حروف ملفوظی قاف صاد دال عدده ۳۱۱  
بطرح حرف اول که ق است باقی ۲۱۱ حروف ملفوظی را یا الف عدده ۳۲۳ بطرح  
حرف اول که ر باشد باقی ۱۲۳ حروف ملفوظی قاف کاف جیم عدده ۳۳۵ بطرح  
حرف اول که ق است باقی ۲۳۵ حروف ملفوظی را لام ها عدده ۲۷۸ بطرح حرف  
اول که ر باشد باقی ۷۸ حروف ملفوظی عین ها عدده ۱۳۹ بطرح حرف اول  
که ع است باقی ۹ حروف ملفوظی سین ظا عدده ۱۳۰ بطرح حرف اول که  
س است باقی ۷۰ حروف ملفوظی عین عدده ۱۳۰ بطرح حرف اول که ع است  
باقی ۷ حروف ملفوظی سین و چون اسم محمد را یا هر اسمی که باشد تا بنه بطن تکبیر  
کنند چنانچه از اسم محمد مرکز او حرف سین پیر و ن امد که اگر باب دین و اهل یقین او را  
لیس میخوانند اینست مرکز محمد ص بعد از آن از حرف مرکز اسم اعظم استخراج کنند  
بدین نهج **اللَّهُ مُؤَدِّدٌ** عدده ۱۲۰ که بعد ملفوظی سین ۱۲۰ برابر است بعد از آن  
بر نفس قسم سازد بدین سَنَد و کرد عزیمت تکبیر نویسد **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**  
**اللَّهُمَّ اَسْأَلُكَ اَنْ تُخَيِّرَ لِي نَفْسِي مُؤَدِّدٌ بِحَقِّ سَيْنِ سَمِيعِيَّتِكَ يَا سَامِعُ سَمِيعًا مُطِيعًا**



بِحَقِّ یاسینِ اَجِبْ یَا رَبِّ هَذَا مُرَادِیْ یَا اَللّهُ بِحَقِّ یَسٍ وَالْقُرْآنِ الْحَکِیمِ بَعْدَهُ  
 اَزْ مَرْکُزِ حَرْفِ ع و س و ا ز ا س م اعظم نفس خود که مودر است لوح نفس را ثبت  
 داده و قسم نفس را اگر در بگرد لوح مرتب ساخته هر روز خود سازد چنانچه نموده میشود  
 بَعْدَهُ صاحب دعوت دگر اگر بعین قسم نفس خود را مَد و مَت نماید هرگاه دل زده شود  
 بَعْدَهُ این اسماء عظام را با اسم نفس خود بطریق سه رکنی مشغول شود بَعْدَهُ مُسْتَمِی را در  
 دِل ا م ا م خود ساخته و اسم نفس خود دگر پیش مُسْتَمِی بعجز تمام کند را بنید و چنین بگوید اَجِبْ  
 یَا رَبِّ سَخِّرْ لِی نَفْسِی یَا اَللّهُ بَعْدَهُ بَفِیضِ مُسْتَمِی نفس خود را مَر کزد اما نفس خود را بصو  
 ستهای عجیب غریب ببیند فاما اکثر نفس خود را بدو طریق بنماید اگر صاحب دعوت بسیا





&lt;&lt;۷

ذکر تسخیر اکرام با آنکه الله تعالی فرموده که وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي  
 وَقَالَ بَعْضُ الصُّوفِيَّةِ الرُّوحُ مَا يَجِيرُ بِهِ الْمَيِّتُ وَهَمَّ يَدِينُ مَعْنَى حَصَرِ عَيْشِي بِأَرْبَعِ رُوحِ اللَّهِ  
 نَامِدَ كَهْمَلِي اسْمُ حَيٍّ بُودَ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورَهُ وَأَوَّلُ مَا خَلَقَ الْقَلَمَ  
 وَأَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ مُرَادُ هَرِ سَهْ نُورِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَهْمَلِ  
 أَبُو الْأَكْرَمِ وَاحِسْتِ وَقَوْلُهُ ۳۰ أَنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًا وَلِبَطْنِهِ سَبْعَةُ أَبْطُنٍ أَحَدُ  
 بَطْنِهِ هُوَ التَّكْسِيرُ وَتَكْسِيرُ دُرِّ لَغَتْ شَكْسْتَنَ وَجَمْعُ كَرْدَنْتِ وَذَاتُ مُقَدَّسِ أَلُو  
 هَيْتِ دُرِّ كَمَالِ ظُهُورِ وَنَهَايَتِ خَفَاسْتِ پَسِ اسْمَاءِ عِظَامِ بِمَنَاسِبَتِ ذَاتِ بَصَفَتِ ظُهُورِ  
 وَاخْفَامِ تَصَفِّ كَرْدِ اِبْنِدِ مُوَجِبِ حُصُولِ مُرَادَاتِ پَسِ چُونِ خَوَاهِدِ كَهْمَلِ رُوحِ خُودِ رَا  
 مُسْتَحْ خُودِ سَا زِدِ أَوَّلِ اسْمِ خُودِ رَا بِأَثَارِ وَآثَارِ حَقَائِقِ حُرُوفِ تَا ۹ بَطْنِ تَكْسِيرِ كُنْدِ  
 بَعْدَهُ اَعْدَادُهُ تَكْسِيرِ حُرُوفِ رَاجِعِ كُنْدِ وَحَاضِرِ بِلَا رَدِ بَعْدَهُ اِزْجَمُوعِ اَعْدَادِ تَكْسِيرِ حُرُوفِ  
 مَعَ الْبَيِّنَاتِ پَرُونِ اَوَكْرَدِ وَاعْدَادِ رَاجِعِ سَاخْتِ اسْمِ رُوحِ خُودِ رَا اسْتِخْرَاجِ كُودِ بَعْدَهُ



۶۶

از اسم روح خود اسم اعظم استخراج کند و از اسم اعظم الهی لوح روح خود ساختن جز خود ساختن  
 بدین سند از اول حرف روح علی راء واو حاء عین لام یاء عدد ۴۳۸  
 بعده اعداد حروف مع البیّنات این حاء لام تاء عدد ۴۸۳ عدد حروف  
 ۹ جمع ۴۹۲ حرفه نصف و روح علی این تا نصب الروح بعده از ۴۹۲ از اسم  
 روح علی اسم اعظم استخراج کند این شد مقرب علیم جمع ۴۹۲ بعده از اسم اعظم  
 لوح روح را در سجود بر و کعبه خورشید مرتب ساختن جز خود کند بدین صورت

۲۳۸



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ سَخِّرْ لِي رُوحِي بِحَقِّ مُقَرَّبِ عَلِيمٍ أَحِبِّ يَا رَبِّ  
 هَذَا مُرَادِي يَا أَيُّهَا الرُّوحُ اطعني بِحَقِّ أَسْمَاءِ اللَّهِ الْعَظَامِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ بَعْدُ  
 صاحب دعوت ذکر اگر بعین تقسم روح مدومت نماید هرگاه که از اسم روح خود

دل زده شود بعهده

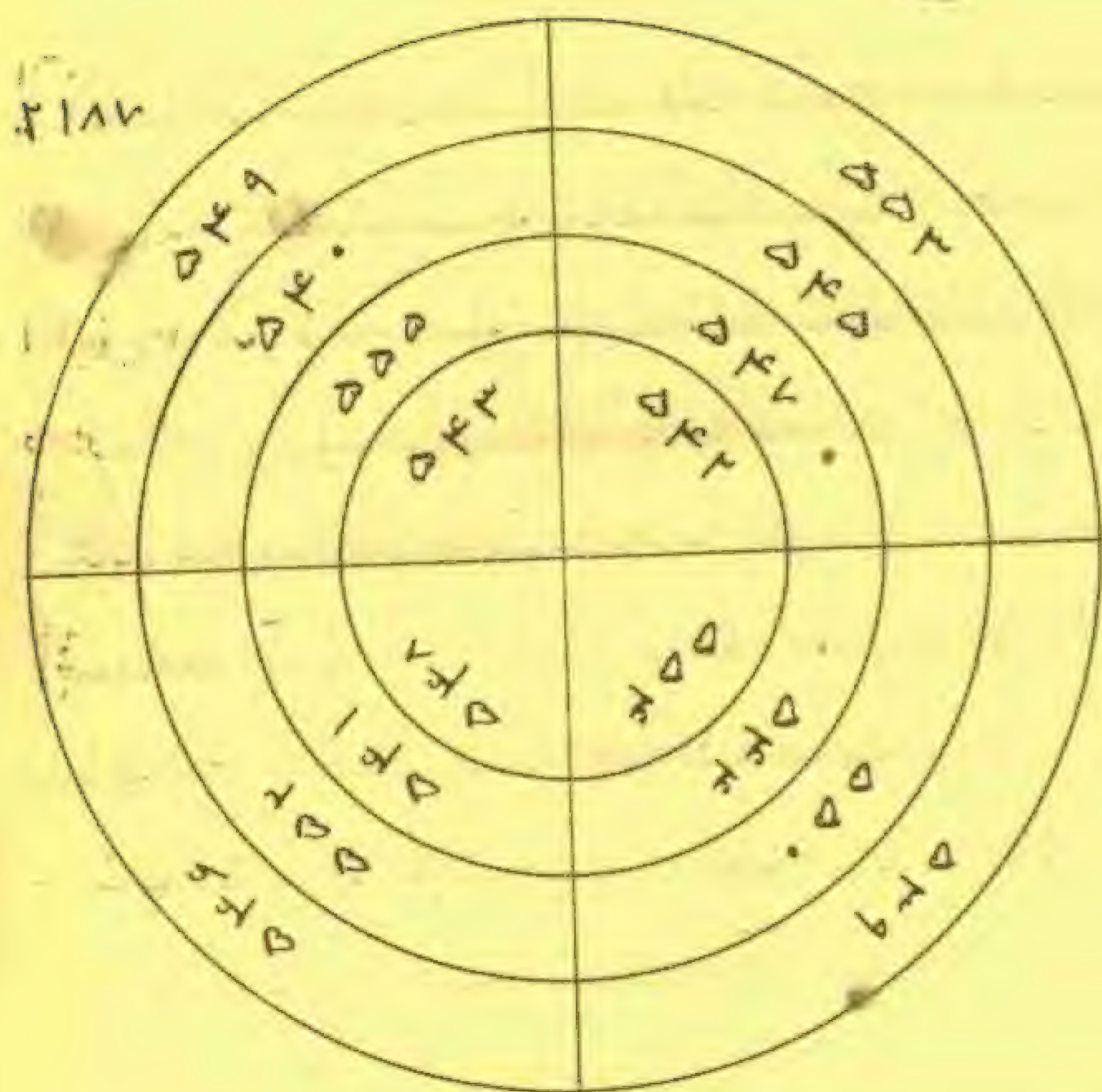


۷  
 دِل زده شود بَعْدَهُ اسم رُوح خُود را با سماءِ عظامِ مُسْتَحْرِجِ بَطْنِ سَه رُکْنِ مَشْغُولِ شُود اَمَّا اَسْم  
 رُوح را دِل زنگ بَعْدَهُ از دِل بَکَن رانَد که یا جَبْرِ پَیْل اَحْضَر رُوحِ تَاکِ دِل مَتَاثِر  
 شُدِه رُوح خُود مُسْحَر کَرْد و رُوح طایر و طیّ مکان دار دَسَالک را رُوی نماید  
 قَسَم سَیُوم دِل تَسْخِیر چُن اَسْم خُود اَکَر خُواهد که چُن خُود را مُسْحَر سازد اَوَّل  
 اَسْم خُود را با سَر اَر و اَثار حَقایق اَعْداد حُرُوف تا بِنَه بَطْن

تسبیح

علی	ع	ل	ی
بطن اوّل	۷۰	۳۰	۱۰
بطن ثانی	۱۴۰	۶۰	۲۰
بطن ثالث	۲۸۰	۱۲۰	۴۰
بطن رابع	۵۶۰	۲۴۰	۸۰
بطن خامس	۱۱۲۰	۴۸۰	۱۶۰
بطن سادس	۲۲۴۰	۹۶۰	۳۲۰
بطن سابع	۴۴۸۰	۱۹۲۰	۶۴۰
بطن ثامن	۸۹۶۰	۳۸۴۰	۱۲۸۰
بطن تاسع	۱۷۹۲۰	۷۶۸۰	۲۵۶۰
	۲۸۱۶۰		





بعدۀ مفتاحہ لوح جن اسم عفريت واسم ملك واسم اعظم بدین طریق استخراج کنند  
 مثلاً عدد مفتاحہ لوح جن این ۵۳۹ بطرح کھیج که ۳۱ باشد باقی این ۵۰۱  
 حرفه این ثا اسم عفريت یا ثا کھیج بعدۀ اعداد مفتاحہ لوح جن اسم ملك  
 استخراج کنند بدین طریق عدد مفتاحہ این ۵۳۹ بطرح ایل ۵۱ باقی این ۴۸۸  
 اسم ملك این یا ثا کھیج بعدۀ اعداد مفتاحہ که اینست ۵۳۹ اسم اعظم استخراج کنند  
 که این باشد رحیم الرحماء بعدۀ اسم عفريت واسم ملك واسم اعظم هر را قسم  
 اسم جن خود سازد بدین سند **بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَللّٰهُمَّ يَا رَبَّ اَنْتَ مَلِیْکُ**  
**بَدِیعُ سَخْرِ لِیْ جَنِّیْ اَجِبْ یَا مَنْ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَیْبِ لَا یَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ اَجِبْ**  
**یا نفحائیل**



۲۹  
 یا تَحَابُّیل هِیج یا ثاکه یج سخری جنی بحق رحیم الرجماء اسر عوا سر یعاً یا اکر و  
 الر والجنیه العفریت بحق خاتمه سلیمان ابن داود علی نبینا وعلیهم السلام  
 العجل ۳ الوحاس الساعه ۳ بعد ه صاحب عمل در دهان نبات  
 مصری گرفته و بر توافق اعداد و مفتاحه قسم مذکور را از دل خوانان و بخور کنند  
 و شاد و خندان خانه مفتاحه را با تمام پر کرده بد مرتفع بد مد بعد ه از مفتاحهای  
 لایقی و از مقابلهها و از مغلایقها و با مساحه لوح جن تمام اسماء را استخراج بکنند  
 چنانچه بالا نموده شد بعد ه لوح جن را در سعد سعود بر وجه خورشید مرتب  
 ساخته هر ز خود کنند نتیجه تمام در یابد بعد از ان اسماء عظام

اینجا است که در مملکتی دو قضیه واقع شود همان را و در مواضع بر او خبر رسد و این قول  
 نیز از باب تسخیرات معروض است پس سالک اول از این جهت جن خود را تسخیر میکند که  
 جن موکلست بر خیر و شر عالم و بر موز مکنونات و اسرار مخلوقات از بغضیات و نفقات



و قطعیات و مغیبات و عداوت و عقد اللسان و عقد النوم و احضار مطلوب و ستم

قاتل و قهرتیه و هلاکیه و غیران و حارمالا

خواب و هر چه مکروه و مبعو

ضست در یک طرفه العین

خیر میرساند و بخدمت

خود قایم میباشد

والسلام

این نسخه که نوشته شد از این کتاب تا اینجا تمام است  
در بعضی جاها که سفید مانده است بنویسند  
اول پاره شده و پاره پاره کاغذی بنویسند  
قد کفاف جاییش گذاشتند  
که از نسخه دیگری  
جایز شود

این نسخه که نوشته شد از این کتاب تا اینجا تمام است  
در بعضی جاها که سفید مانده است بنویسند  
اول پاره شده و پاره پاره کاغذی بنویسند  
قد کفاف جاییش گذاشتند  
که از نسخه دیگری  
جایز شود

۱۶۶				۷۴			
سید ملفوظی	سین	یا	دال	سید	س	ی	د
بطن اول	۱۲۰	۱۱	۳۵	بطن اول	۴۰	۱۰	۴
بطن ثانی	۲۴۰	۲۲	۷۰	بطن ثانی	۱۲۰	۲۰	۱
بطن ثالث	۴۱۰	۴۴	۱۴۰	بطن ثالث	۲۴۰	۴۰	۱۶
بطن رابع	۹۶۰	۸۸	۲۸۰	بطن رابع	۴۱۰	۸۰	۳۲
بطن خامس	۱۹۲۰	۱۷۶	۵۶۰	بطن خامس	۹۶۰	۱۶۰	۶۴
بطن سادس	۳۸۴۰	۳۵۲	۱۱۲۰	بطن سادس	۱۹۲۰	۳۲۰	۱۲۸
بطن سابع	۷۶۸۰	۷۰۴	۲۲۴۰	بطن سابع	۳۸۴۰	۶۴۰	۲۵۶
بطن ثامن	۱۵۳۶۰	۱۴۰۸	۴۴۸۰	بطن ثامن	۷۶۸۰	۱۲۸۰	۵۱۲
بطن تاسع	۳۰۷۲۰	۲۸۱۶	۸۹۶۰	بطن تاسع	۱۵۳۶۰	۲۵۶۰	۱۰۲۴
	۶۱۳۲۰	۵۶۲۱	۱۷۸۸۵		۳۰۷۲۰	۵۱۱۰	۲۰۴۴
		۸۴۸۲۶				۳۷۸۱۴	



$\frac{011}{2.44}$ 
 $\frac{011}{2.44}$ 
 $\frac{011}{2.44}$ 
 $\frac{011}{2.44}$ 
 $\frac{205}{1.24}$ 
 $\frac{205}{1.24}$ 
 $\frac{205}{1.24}$ 
 $\frac{205}{1.24}$

< V.

$\frac{011}{2.44}$   
 $\frac{205}{1.24}$   
 $\frac{205}{1.24}$

$\frac{205}{1.24}$ 
 $\frac{205}{1.24}$ 
 $\frac{205}{1.24}$ 
 $\frac{205}{1.24}$ 
 $\frac{205}{1.24}$ 
 $\frac{205}{1.24}$ 
 $\frac{205}{1.24}$

$\frac{205}{1.24}$   
 $\frac{205}{1.24}$

$\frac{011}{2.44}$   
 $\frac{205}{1.24}$   
 $\frac{205}{1.24}$

$\frac{011}{2.44}$   
 $\frac{205}{1.24}$   
 $\frac{205}{1.24}$

$\frac{011}{2.44}$   
 $\frac{205}{1.24}$   
 $\frac{205}{1.24}$

$\frac{205}{1.24}$   
 $\frac{205}{1.24}$

$\frac{205}{1.24}$   
 $\frac{205}{1.24}$

$\frac{205}{1.24}$   
 $\frac{205}{1.24}$   
 $\frac{205}{1.24}$

$\frac{011}{2.44}$ 
 $\frac{011}{2.44}$ 
 $\frac{011}{2.44}$ 
 $\frac{011}{2.44}$ 
 $\frac{011}{2.44}$ 
 $\frac{011}{2.44}$ 
 $\frac{011}{2.44}$

	۲۲۴					۹۲				
	دال	میم	طا	میم		د	م	ع	م	
$\frac{011}{2.44}$	۳۵	۹۰	۹	۹۰	۱	۴	۴۰	۱	۴۰	۱
$\frac{205}{1.24}$	۷۰	۱۸۰	۱۸	۱۸۰	۲	۱	۱۰	۱۴	۱۰	۲
$\frac{205}{1.24}$	۱۴۰	۳۶۰	۳۶	۳۶۰	۳	۱۴	۱۴۰	۲۲	۱۴۰	۳
$\frac{205}{1.24}$	۲۱۰	۷۲۰	۷۲	۷۲۰	۴	۳۲	۳۲۰	۴۴	۳۲۰	۴
$\frac{205}{1.24}$	۵۴۰	۱۴۴۰	۱۴۴	۱۴۴۰	۵	۴۴	۴۴۰	۱۲۸	۴۴۰	۵
$\frac{205}{1.24}$	۱۱۲۰	۲۸۸۰	۲۸۸	۲۸۸۰	۶	۱۲۸	۱۲۸۰	۲۵۶	۱۲۸۰	۶
$\frac{205}{1.24}$	۲۲۴۰	۵۷۶۰	۵۷۶	۵۷۶۰	۷	۲۵۶	۲۵۶۰	۵۱۲	۲۵۶۰	۷
$\frac{205}{1.24}$	۴۴۸۰	۱۱۵۲۰	۱۱۵۲	۱۱۵۲۰	۸	۵۱۲	۵۱۲۰	۱۰۲۴	۵۱۲۰	۸
$\frac{205}{1.24}$	۸۹۶۰	۲۳۰۴۰	۲۳۰۴	۲۳۰۴۰	۹	۱۰۲۴	۱۰۲۴۰	۲۰۴۸	۱۰۲۴۰	۹
$\frac{205}{1.24}$	۱۷۹۲۰	۴۶۰۸۰	۴۶۰۸	۴۶۰۸۰		۲۰۴۸	۲۰۴۸۰	۴۰۹۶	۲۰۴۸۰	
$\frac{205}{1.24}$	۱۷۹۲۰	۴۶۰۸۰	۴۶۰۸۰	۴۶۰۸۰		۴۰۹۶	۴۰۹۶۰	۸۱۹۲	۴۰۹۶۰	
$\frac{205}{1.24}$	۱۷۹۲۰	۴۶۰۸۰	۴۶۰۸۰	۴۶۰۸۰		۸۱۹۲	۸۱۹۲۰	۱۶۳۸۴	۸۱۹۲۰	

ع



$\begin{array}{r} 511 \\ \hline 511 \\ \hline 5621 \end{array}$ 
 $\begin{array}{r} 511 \\ \hline 511 \\ \hline 1533 \end{array}$ 
 $\begin{array}{r} 511 \\ \hline 511 \\ \hline 3577 \end{array}$ 
 $\begin{array}{r} 256 \\ \hline 256 \\ \hline 1792 \end{array}$ 
 $\begin{array}{r} 256 \\ \hline 256 \\ \hline 1792 \end{array}$ 
 $\begin{array}{r} 256 \\ \hline 256 \\ \hline 1792 \end{array}$

$\begin{array}{r} 511 \\ \hline 511 \\ \hline 5621 \end{array}$ 
 $\begin{array}{r} 511 \\ \hline 511 \\ \hline 3577 \end{array}$ 
 $\begin{array}{r} 511 \\ \hline 511 \\ \hline 1533 \end{array}$ 
 $\begin{array}{r} 256 \\ \hline 256 \\ \hline 1792 \end{array}$ 
 $\begin{array}{r} 256 \\ \hline 256 \\ \hline 1792 \end{array}$ 
 $\begin{array}{r} 256 \\ \hline 256 \\ \hline 1792 \end{array}$

$\begin{array}{r} 511 \\ \hline 212 \\ \hline 1022 \\ \hline 1022 \\ \hline 108332 \end{array}$

٢١٢				١١٠			
يا	لام	عين		ي	ل	ع	
١١	٧١	١٣٠	١	١٠	٣٠	٧٠	١
٢٢	١٤٢	٢٤٠	٢	٢٠	٤٠	١٤٠	٢
٤٤	٢٨٤	٥٢٠	٣	٤٠	١٢٠	٢٨٠	٣
٨٨	٥٤٨	١٠٤٠	٤	٨٠	٢٤٠	٥٤٠	٤
١٧٤	١١٣٤	٢٠٨٠	٥	١٤٠	٤٨٠	١١٢٠	٥
٣٥٢	٢٢٧٢	٤١٤٠	٦	٣٢٠	٩٤٠	٢٢٤٠	٦
٧٠٤	٤٥٤٤	٨٣٢٠	٧	٤٤٠	١٩٢٠	٤٤٨٠	٧
١٤٠٨	٩٠٨٨	١٤٤٤٠	٨	٨٨٠	٣٨٤٠	٨٩٤٠	٨
٢٨١٤	١٨١٧٤	٣٣٢٨٠	٩	١٧٦٠	٧٤٨٠	١٧٩٢٠	٩
٥٦٢٨	٣٦٣٥٢	٦٦٥٦٠		٣٥٢٠	١٥٣٦٠	٣٥٧٧٠	
١٠٨٣٣٢				٥٦٢٨٠			



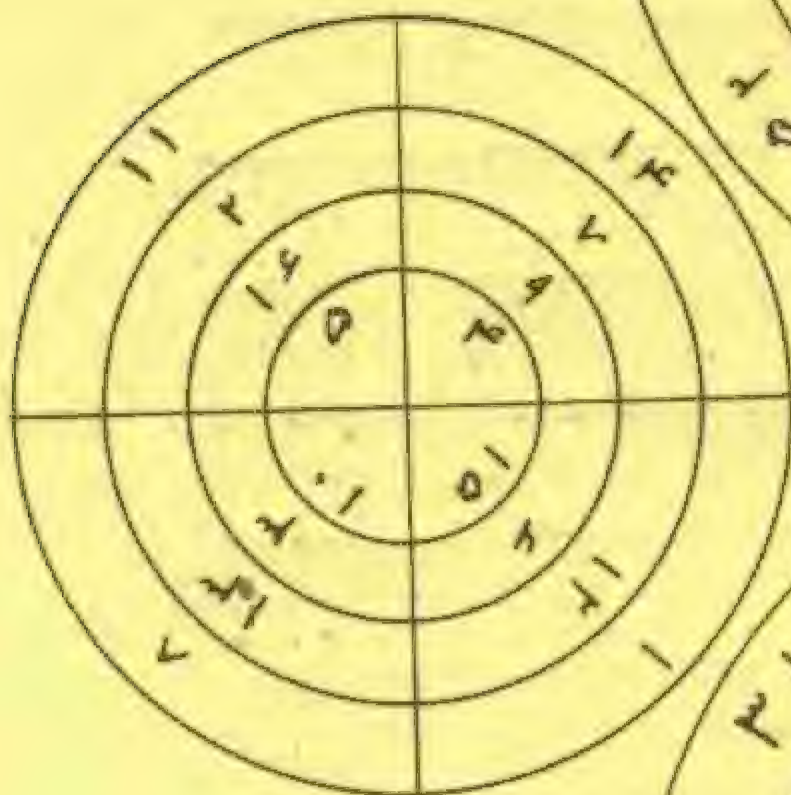
صورت فوق



عدداست ۵۶۲۱۰ ۲۷۲

۵	۱	۱	
۵	۵	۱	۱
۵	۱	۱	۱
۵	۶	۲	۱

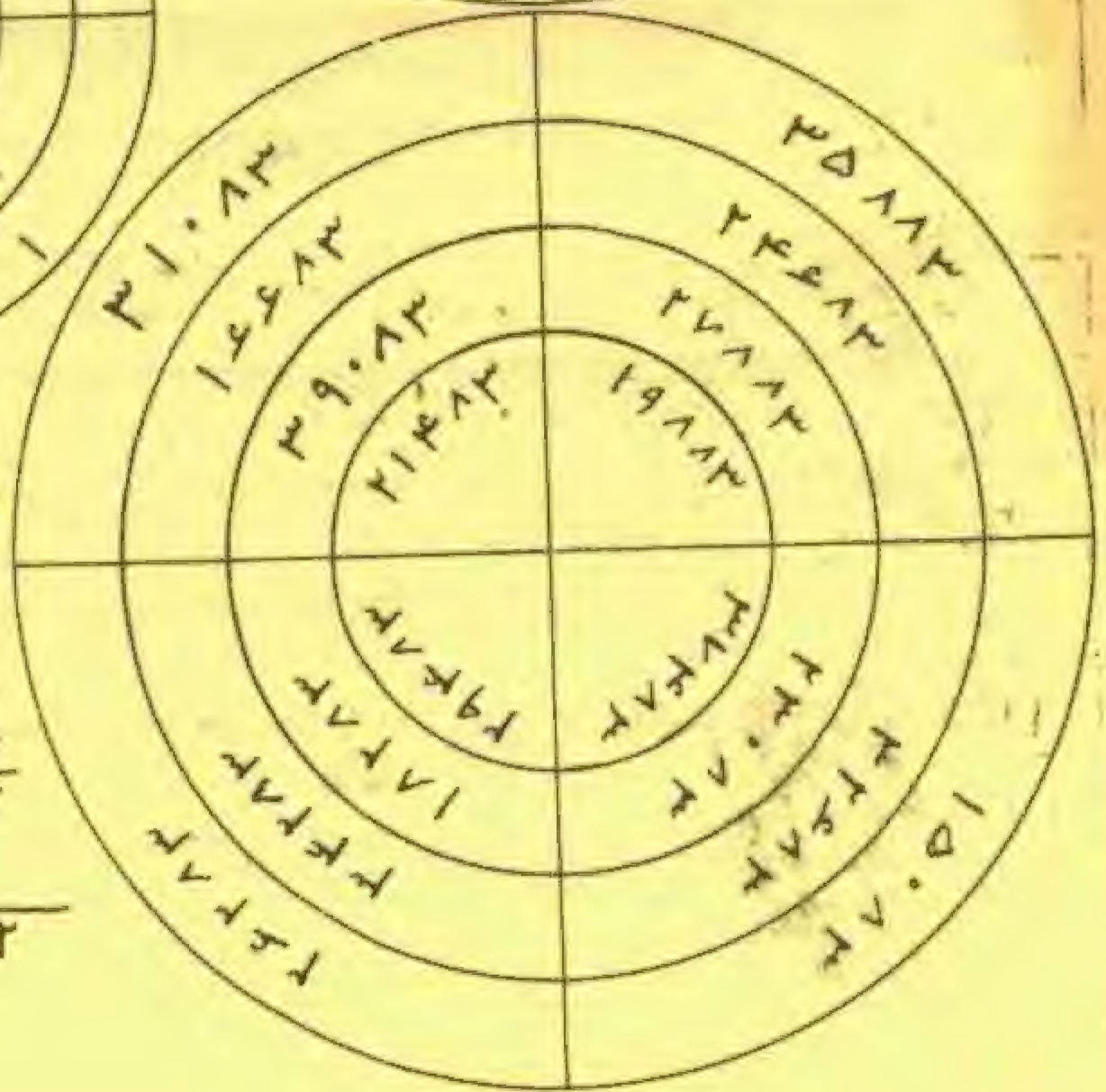
صورت رفاهاست



تمام عدد و فوق است

۱۰۸۳۳۲

۵	۱	۱	
۱	۰	۲	۲
۱	۵	۱	۱
۱	۰	۲	۲
۱	۰	۸	۳

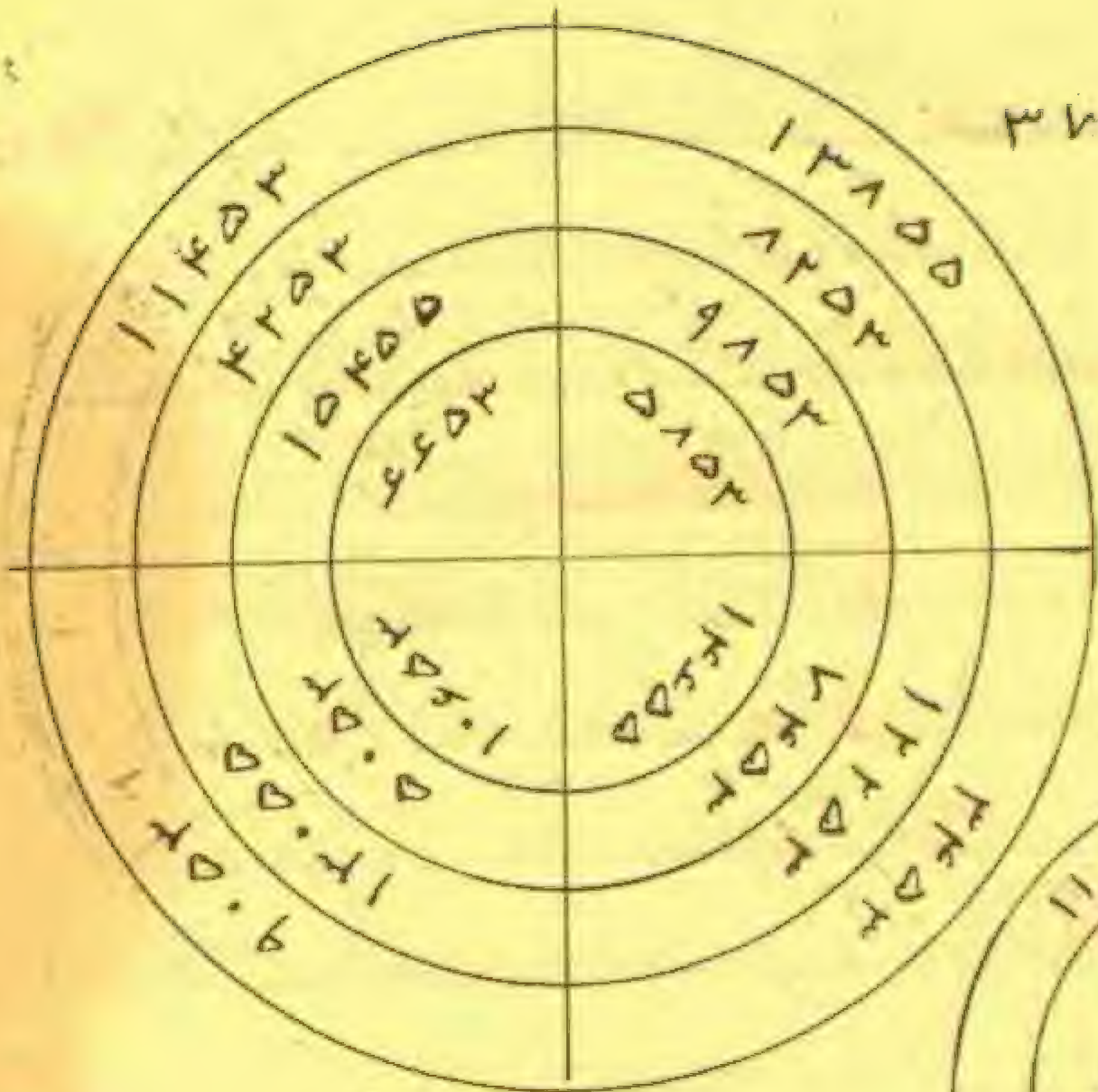




۳۷۳

عدد فوق ۳۷۸۱۴

۵	۱	۱
۲	۰	۴
۳	۵	۷
۳	۷	۸
۳	۷	۸

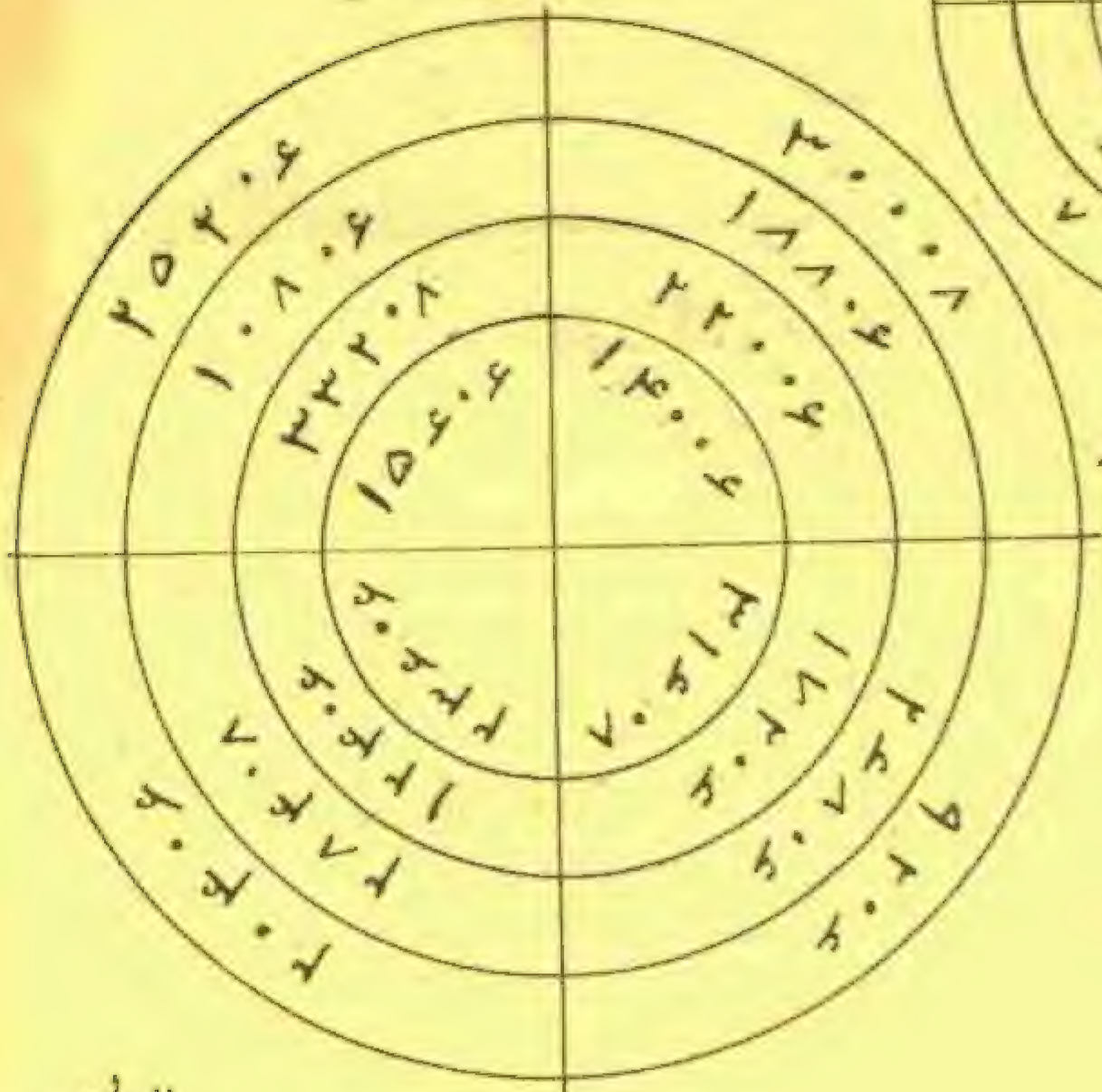


صورت سقا بلات



عدد فوق ۱۴۸۲۴

۵	۱	۱
۳	۰	۴
۳	۵	۷
۳	۷	۸
۳	۷	۸



یا قلم



نیم

وفق عدد

۴۷۰۱۲

۲۷۴

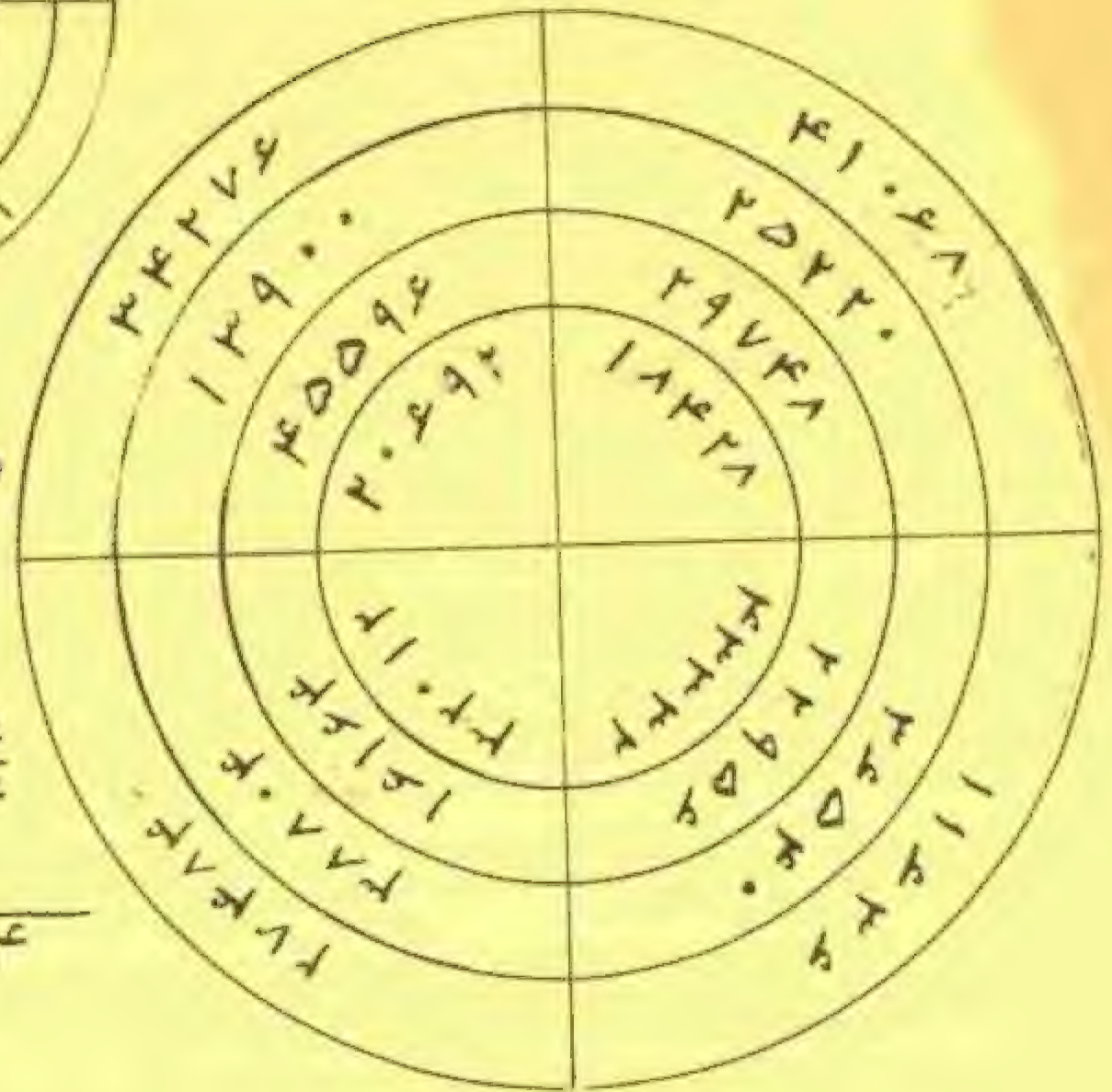
۱	۲	۳	۴	۵
۱	۲	۳	۴	۵
۱	۲	۳	۴	۵
۱	۲	۳	۴	۵



وفق عدد است

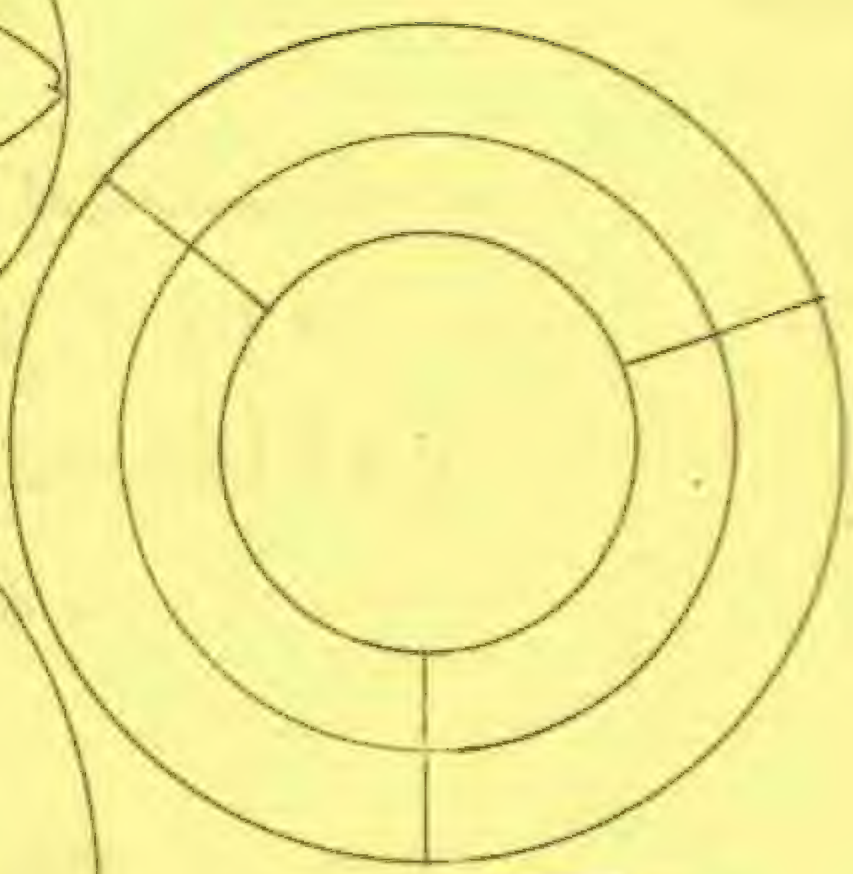
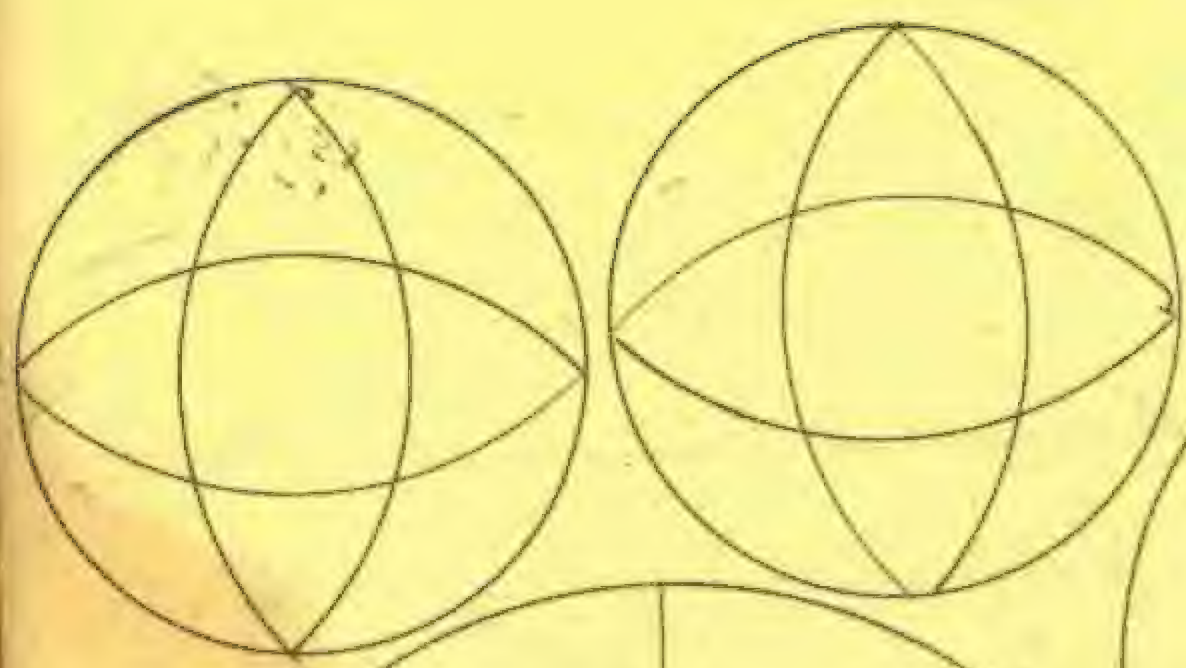
۱۱۴۴۴

۱	۲	۳	۴	۵
۱	۲	۳	۴	۵
۱	۲	۳	۴	۵
۱	۲	۳	۴	۵





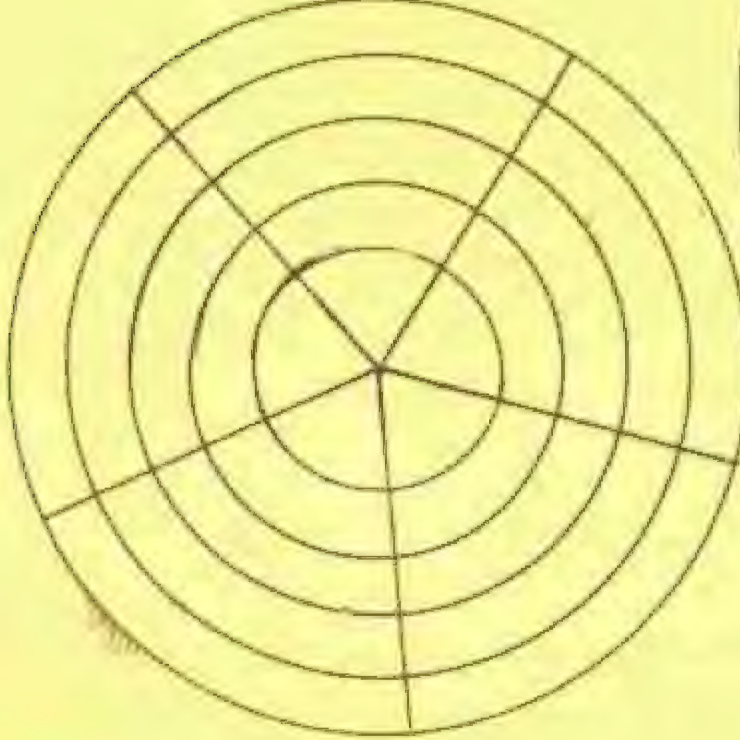
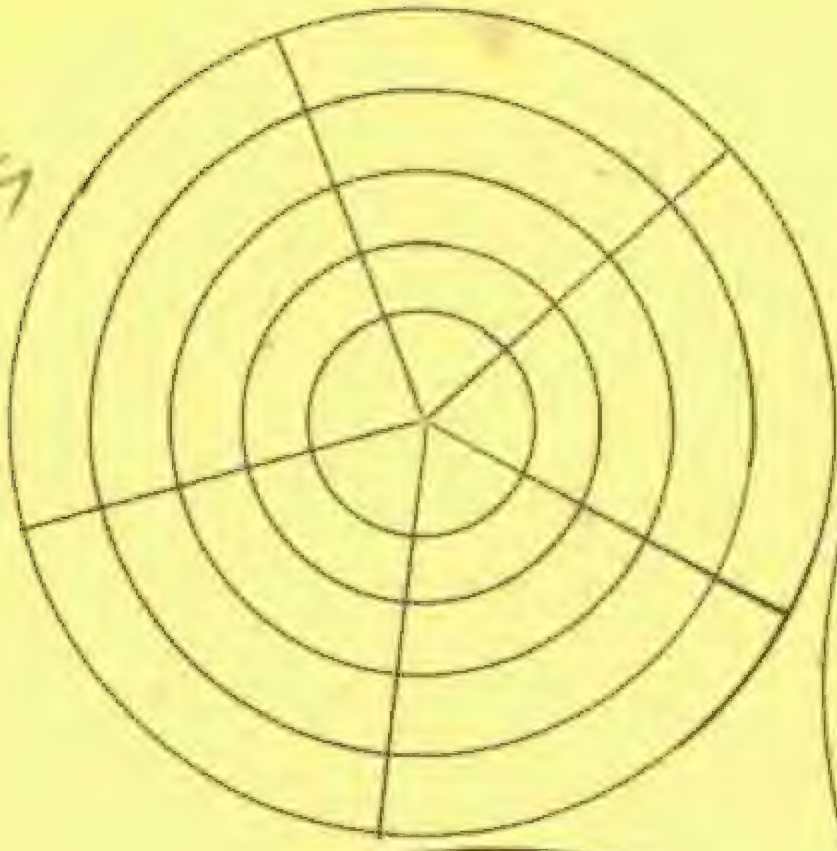
۲۷۵



یا علی اور ربی



۲۷۹





٢٧٨

$$\begin{array}{r}
 1041576 \\
 1024 \\
 \hline
 4194304 \\
 20961024 \\
 \hline
 1041576 \\
 \hline
 1073641124
 \end{array}$$

$$\begin{array}{r}
 1024 \\
 1024 \\
 \hline
 4096 \\
 1024 \\
 \hline
 1041576
 \end{array}$$

$$\begin{array}{r}
 1041576 \\
 1024 \\
 \hline
 3140728 \\
 20961024 \\
 \hline
 1041576 \\
 \hline
 1072693241
 \end{array}$$

$$\begin{array}{r}
 1024 \\
 1024 \\
 \hline
 3072 \\
 1024 \\
 \hline
 1041576
 \end{array}$$

مرتبة ١

مرتبة ٢

مرتبة ٣

$$\begin{array}{r}
 1073641124 \\
 1024 \\
 \hline
 42949296 \\
 2146483641 \\
 \hline
 1073641124 \\
 \hline
 1099011627776
 \end{array}$$

$$\begin{array}{r}
 1073641124 \\
 1024 \\
 \hline
 3221220472 \\
 2146483641 \\
 \hline
 1073641124 \\
 \hline
 1091437110902
 \end{array}$$

مرتبة ٤

$$\begin{array}{r}
 1099011627776 \\
 1024 \\
 \hline
 439804601104 \\
 2199023200002 \\
 \hline
 1099011627776 \\
 \hline
 1120199906142624 \\
 31
 \end{array}$$

$$\begin{array}{r}
 1099011627776 \\
 1024 \\
 \hline
 3291034113328 \\
 2199023200002 \\
 \hline
 1099011627776 \\
 \hline
 1124100390214141
 \end{array}$$

مرتبة ٥

$$\begin{array}{r}
 1120199906142624 \\
 337769972027172 \\
 \hline
 34902197112121344
 \end{array}$$

مرتبة ٥٥

$$\begin{array}{r}
 1120199906142624 \\
 1024 \\
 \hline
 337769972027172 \\
 220169913610241 \\
 \hline
 1120199906142624 \\
 \hline
 1101790604700004302
 \end{array}$$

مرتبة ٥٥٥

1	1
2	2
4	3
8	4



[illegible]
$$\begin{array}{r}
 \text{K E T . M Y} \\
 \text{A E K . .} \\
 \hline
 \text{I A O P I P A} \\
 \text{P V V A I Q P} \\
 \text{P V . K P O E} \\
 \hline
 \text{K . . . O Q E K A C . .}
 \end{array}$$

$\mu \cdot \cdot \cdot 09\epsilon\mu 1 \cdot \cdot$

$\mu \mu \mu \mu 1 \mu \cdot \mu$

$\cdot \epsilon \epsilon \epsilon \vee \epsilon \epsilon \cdot 1 :$

$\epsilon \epsilon \epsilon \vee \epsilon \epsilon \cdot 1 :$

$\cdot \cdot \cdot \cdot \cdot \cdot \cdot$

$\epsilon \epsilon \epsilon \vee \epsilon \epsilon \cdot 1 \cdot$

$\Delta 1$

$\epsilon \epsilon \epsilon \vee \epsilon \epsilon \cdot 1$

$\mu \mu \mu \mu 1 \mu \cdot \mu$

$\mu \cdot \cdot \cdot 09\epsilon\mu 1 \cdot \cdot$

$$\begin{array}{r} \text{K} \dots 092K1 \dots \frac{555V55 \cdot 1}{5} \cdot 1 \\ \hline \text{K} \dots 092K1 \dots \end{array}$$
[illegible][illegible][illegible]



$\begin{array}{r} ۲۴ \\ ۱۴۴ \\ \hline ۱۴۴ \\ ۳۵۴ \\ \hline ۳۴۵۴ \\ ۲۵۹۲ \\ \hline ۳۰۵۱۵۴ \dots \\ \hline ۳۰۵ \end{array}$ <p>قسمت بکرو</p>	$\begin{array}{r} ۲۲۳ \\ ۱۱۱۵ \dots \dots \dots \\ \hline ۱۱۱۵ \dots \dots \dots \\ \hline ۱۱۱۵ \dots \dots \dots \\ \hline ۵ \dots \dots \dots \\ ۱ \\ \hline ۳۰۵ \end{array}$ <p>یکصد و یازده هزار هزار و پانصد هزار عدد است کرو</p>	$\begin{array}{r} ۱۳۰۱ \\ ۱۳۰۱ \\ \hline ۷۱۴۱ \\ ۷۹۷۱۱ \\ \hline ۲۲۳ \\ ۱۰۰۱۱ \end{array}$ <p>دو کرو</p>
$\begin{array}{r} ۱۳۰۱ \\ ۱۵۴ \dots \\ \hline ۷۱۴۱ \\ ۵۵۴ \\ \hline ۱۰۴۴ \\ ۱۱۱۹۴۱ \dots \\ \hline ۱۱۱۵ \\ ۴۴۱ \dots \end{array}$ <p>قسمت بکرو</p>	$\begin{array}{r} ۲۲۳ \\ ۲۲۳ \end{array}$ <p>کرو</p>	$\begin{array}{r} ۳۵۴ \\ ۱۴۴ \dots \\ \hline ۱۰۱ \\ ۱۲۷۴۴ \dots \\ \hline ۲۴ \\ ۵۰۹۷۴ \\ \hline ۲۵۴۱۱ \\ ۳۰۵۱۵۴ \dots \\ \hline ۱۳۰۱ \\ ۲۴۴۴۱۴۱ \\ ۹۱۷۵۴۱ \\ \hline ۳۰۵۱۵۴ \\ ۴۰۰۰۵۹۴۱ \dots \end{array}$
$\begin{array}{r} ۲۲۰۱۱۲۷۴۱ \dots \\ ۲۲۰۱۱۲۷۴۱ \dots \\ \hline ۲۲۰۱۱۲۷۴۱ \dots \\ \hline ۲۲۰۱۱۲۷۴۱ \dots \\ \hline ۲۲۰۱۱۲۷۴۱ \dots \end{array}$ <p>کرو</p>	$\begin{array}{r} ۲۲۳ \dots \dots \dots \\ ۲۲۳ \dots \dots \dots \\ \hline ۲۲۰۱۱۲۷۴۱ \dots \end{array}$	$\begin{array}{r} ۱۳۰۱ \\ ۳۵۴ \\ \hline ۵۲۳۲ \\ ۴۵۴ \\ \hline ۳۹۲۴ \\ ۴۴۳۰۳۲ \\ \hline ۲۴ \\ ۱۱۵۲۱۲۱ \\ ۹۲۴۰۴۴ \\ \hline ۱۱۱۱۲۷۴۱ \\ \hline ۴۴۴۷۴۴۰۱ \\ \hline ۴۰۰۰۵۹۴۱ \dots \\ \hline ۲۴۰۰۳۵۷۱۱۱ \dots \end{array}$ <p>قسمت بکرو</p>
$\begin{array}{r} ۲۲۰۱۱۲۷۴۱ \dots \\ ۲۲۰۱۱۲۷۴۱ \dots \\ \hline ۲۲۰۱۱۲۷۴۱ \dots \\ \hline ۲۲۰۱۱۲۷۴۱ \dots \\ \hline ۲۲۰۱۱۲۷۴۱ \dots \end{array}$	$\begin{array}{r} ۲۲۳ \dots \dots \dots \\ ۲۲۳ \dots \dots \dots \\ \hline ۲۲۰۱۱۲۷۴۱ \dots \end{array}$	$\begin{array}{r} ۲۲۳ \dots \dots \dots \\ ۲۲۳ \dots \dots \dots \\ \hline ۲۲۰۱۱۲۷۴۱ \dots \end{array}$



Y M



Gar

...

... ..  
...

...

...

...

...

...

... ..  
...



$$\begin{array}{r} \text{PK} \cdot \cdot \text{POV} 111 \cdot \cdot \cdot \text{POK} \\ \hline \text{P} 1 \text{P} \text{P} \\ \text{P} \text{V} \text{P} \text{P} \\ \text{P} \text{P} \text{V} 1 \\ \hline \text{P} 1 \text{O} \text{O} \\ \text{P} 1 \text{P} \text{P} \\ \hline \cdot \cdot \text{P} \text{P} \text{V} 1 \text{P} \cdot \text{P} \text{P} \text{P} \cdot 1 \text{P} \\ \hline \text{P} 1 \text{P} \text{P} \text{P} \cdot \cdot \text{POV} 111 \cdot \cdot \cdot \\ \hline \text{P} \text{O} \text{P} 1 \\ \hline \text{P} \text{P} \text{V} 1 \\ \hline \cdot \cdot \text{V} \cdot \cdot 1 \\ \hline \text{V} \cdot \cdot 1 \cdot \cdot \cdot \end{array}$$

$$\begin{array}{r} \text{EV} 1 \cdot \text{EV} \text{P} \cdot \cdot \cdot \\ \hline \text{POK} \\ \text{P} \text{V} 1 \text{P} \text{P} \text{P} 11 \\ \hline \text{P} \text{P} 9 \cdot \text{P} \text{P} \text{P} \cdot \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 11 \text{P} \text{O} 1 \text{P} \text{P} \cdot \cdot \cdot \\ \hline 1 \text{O} \text{O} \cdot \text{O} \text{P} \cdot 1 \\ \hline 11 \text{P} \text{O} 1 \text{P} \text{P} \\ \hline \text{PK} \cdot \cdot \text{POV} 111 \cdot \cdot \cdot \\ \hline \end{array}$$

$$\begin{array}{r} \text{PK} \cdot \cdot \text{POV} 111 \cdot \cdot \cdot \text{O} \cdot \cdot \cdot \cdot \\ \hline \text{P} \text{P} \cdot \cdot \cdot \text{PO} \text{O} \\ \hline \text{P} 1 \\ \hline \text{PO} \\ \hline \text{P} 11 \cdot \cdot \cdot \end{array}$$

$$\text{K} 1 \cdot \cdot \text{V} 1 \text{O}$$

[illegible]

$\begin{array}{r} \text{PK} \dots \text{POV} 111 \dots \\ \underline{\text{PK}} \quad \underline{\text{PK}} \\ \dots \quad 11\text{V} \\ \quad \underline{9\text{E}} \\ \quad \cdot \text{P} 11 \\ \quad \text{P} 1\text{E} \\ \quad \underline{\quad} \\ \quad \cdot \text{P} 11 \\ \quad \underline{\text{PK}} \\ \quad \cdot \text{PK} 11 \end{array}$

$\begin{array}{r} \text{PK} \dots \text{POV} 111 \dots \\ \quad \quad \quad 1 \dots 1\text{K} 9 | \text{P} \dots \\ \quad \quad \quad \underline{\quad} \quad \text{PK} \\ \quad \quad \text{PK} \dots 09\text{EK} 1 \\ \quad \text{P} \dots \text{P} 91\text{PK} \\ \quad \underline{\quad} \\ \text{PK} \dots \text{POV} 111 \dots \end{array}$

$(\text{EEEVVEE} \dots)$   
 $\text{KE} \dots$

$\text{PK} \dots \text{POV} 111 \dots$

[illegible]



باب اول ایضا از اوایل کتاب شرف العلوم از قول محمود الحسینی الحامری القامری الشطانی  
 در مقسوم و آن پنج فصل است فصل اول در خواص کواکب و قبایل ایشان  
 واختلاف و موافقت و شرف و هبوط نیزین و بخورات و معمولات و منسوبات  
 ایشان بدان ایدک الله بهذا الاعمال و ادابه کداین عمل و بناء او از دانیال  
 پیغمبر و بعضی برانند که از حضرت ادریس پس هر دو پیغمبر برانند هر که منکر  
 باشد کافر است بنص خبر و علم نجوم خاصه از حکمای یونانست خصوصاً اسکندر  
 ذو القرنین که هر عملی که کردی بموافقت هفت کواکب کردی و پیغمبر ما صاعقه  
 بعلم هفت روزه کردی که بهفت کواکب تعلق دارد و الله تعالی عالم شهارت را  
 بحکمت هفت کواکب ظاهر کرد ایند گدان هفت آیامست باشماره خلق السموات  
 و الارض فی سته آیام و آن هفت ستاره بسبع صفات ذاتی نسبت دارند  
 و آن هفت کواکب زحل و مشتری و مریخ و شمس و زهره و عطارد  
 و قمر است و این هفت مد کور بهفت آیام بدین سند زحل برکشنبه  
 مشتری بر پنجشنبه مریخ بر سه شنبه شمس بر یکشنبه زهره بر جمعه  
 عطارد بر چهارشنبه قمر بر دو شنبه و این هر یک بتمام روز و مؤثر است  
 خصوصاً در اول ساعت مؤثر مطلق باشد و شب نیز انچنان بود بدین  
 سند جدول صفحه مقابل معلوم کرد ساعات هر وقت معلوم کرد بدانکه  
 روز مقسوم بر دوازده ساعت هر ساعت بکوچی مقسوم بود و شب نیز  
 بر دوازده کواکب مقسوم بود و در یکپاس سه کواکب آیند شمار او از اول



ساعت کواکبت که مرقوم میشود بترتیب اول و دوم کواکب چنانچه در این بیت  
نکاهدان تا بغلط نیفتد لمؤلفه زحل و مشتری و مریخی و شمس و زهره عطارد و قمر

زحل بیع للمال	مشتری قرض خواستن	مریخ فصل و سفر	شمس فصل و حج تمت	زهره حلی و حل	عطارد اخبار کردن	قمر تحويل و سفر	بار کواکب مذکور
مشتری ابتداء عمرها	مریخ غزا و حج	شمس ابتداء و یت	زهره عیش و دن	عطارد ابتداء و تعلیم	قمر دائره و خود	زحل بنای عمارت	بار کواکب مذکور
مریخ ترتیب استانچه	شمس طلب حاجت	زهره ترویج و دن	عطارد ادویه و الات	قمر رسول فرستادن	زحل عمارت کردن	مشتری مکاتبت	بار کواکب مذکور
شمس رویت حکام	زهره ابتداء عمرها	عطارد جدول کردن	قمر رسول فرستادن	زحل بنای عمارت	مشتری تجارت و سفر	مریخ صید و شکار	بار کواکب مذکور
زهره دن خواستن	عطارد سفر و تجارت	قمر ارسال رسل	زحل صحبت مشایخ	مشتری بنای مسجد	مریخ جدال و اسلحه	شمس رویت سلاطین	بار کواکب مذکور
عطارد ابتداء و تعلیم	قمر بیع و شرا	زحل مکر و حیل	مشتری تقلیل و تخو	مریخ فصل و فصل	شمس فصل و فصل	زهره مناحت	بار کواکب مذکور
قمر رسول فرستادن	زحل دائره و خود	مشتری طلب حقوق	مریخ حمایه و فرمان	شمس رویت ملوک	زهره زینت و تختن	عطارد تجارت و دن	بار کواکب مذکور
بار کواکب مذکور	بار کواکب مذکور	بار کواکب مذکور	بار کواکب مذکور	بار کواکب مذکور	بار کواکب مذکور	بار کواکب مذکور	بار کواکب مذکور

المثال روز پنجشنبه ۱ ساعت مشتری ۲ مریخ ۳ شمس یکپاس شد ۴ زهره  
۵ عطارد ۶ قمر دوپاس شد ۷ زحل ۸ باز مشتری ۹ مریخ سه پاس شد ۱۰  
شمس ۱۱ زهره ۱۲ عطارد چهارپاس شد و سیزدهم کواکب قمر است و آن



شب جمعه اول ساعت باشد که سلطنت دارد و مؤثر مطلق تمام شب بودیدن طریق  
 چهار پاس شب را در بیت مذکور از قمر بخوان بعد از دو ازانده ساعت سیزدهم  
 ساعت زهره که علی الصبح جمعه است تمام یوم سلطنت دارد و قس علی هذا  
 چون وقت ایشان در یافتی سنك ایشان در یاب رُحل سینه

مشتی زرد قام مریخ سرخ شمس زرد سرخ زهره سفید عطارد نیلوفری  
 قمر سبز اگر عمل کنی از این جدول عامل باش بروج رُوز عزیز و این جدول  
 در آن صفحه است  
 ایضاً در اختیار است

رُوز شنبه خوش بود بهر شکار رُوز یکشنبه عمارت و شمار در دوشنبه نیک دان  
 عز و سفر و زسه شنبه دان حجامت را اثر چهارشنبه بهر دام و خور و دست پنج  
 شنبه رُوز حاجت بُرد دست رُوز جمعه خوش بود بهر نگاه خواجگی گفت است از خیر و  
 والسلام



۲۸۳

$$\begin{array}{r} 1.47552 \\ 1.222 \\ \hline 314255 \\ 2.901.4 \\ \hline 1.47552 \\ 1.6154595 \end{array}$$

$$\begin{array}{r} 1.222 \\ 1.222 \\ \hline 3.441 \\ 1.47552 \end{array}$$

1	2	1	1
2	0	5	9
0	1	2	10

$$\begin{array}{r} 1.6154595 \\ 1.222 \\ \hline 3214932.11 \\ 2143291392 \\ \hline 1.6154595 \\ 1.95293547.1 \\ \hline 3211111.541.22 \\ 1.2192586.94.15 \\ \hline 11215.129151914 \end{array}$$

1	0	2	4	11
2	0	4	1	12
4	0	9	5	13
1	1	9	2	14
1	5	3	1	15
3	2	6	5	16
5	0	0	3	17
1	3	1	0	18
2	5	2	1	19
0	2	4	2	20

$$\begin{array}{r} 1.222 \\ 1.47552 \\ 1.6154595 \\ 1.95293547.1 \\ \hline 3211111.541.22 \\ 1.2192586.94.15 \\ \hline 11215.129151914 \end{array}$$

1	0	4	1	0	5	2	21
2	0	9	6	1	0	2	22
4	1	9	4	3	0	4	23
1	3	1	1	5	0	1	24
1	5	6	6	6	2	1	25
3	3	0	0	4	4	3	26
5	6	6	0	1	1	5	27
1	3	4	2	1	6	2	28
2	5	1	4	3	0	4	29
0	3	5	1	6	0	9	30

جمع مرتبه پنجاه و پنج

$$\begin{array}{r} 1.222 \\ 1.47552 \\ 1.6154595 \\ 1.95293547.1 \\ \hline 11215.129151914 \\ 11516955.47.0.0.4352 \\ \hline 11529215.45.5145975 \end{array}$$

1	0	6	3	6	4	1	1	2	4	31
2	1	4	6	4	1	3	5	4	1	32
4	2	9	4	9	5	6	2	9	5	33
1	5	1	9	9	3	4	0	9	2	34
1	6	1	6	9	1	5	9	1	1	35
3	4	3	0	9	6	3	1	3	5	36
5	1	6	1	9	4	6	5	6	3	37
1	3	6	4	3	1	9	0	3	4	38
2	6	4	1	6	6	9	0	5	4	39
0	4	9	6	0	0	1	1	1	1	40

جمع مرتبه شصت

1	0	9	9	0	1	1	5	2	6	6	5	41
2	1	9	9	0	2	3	2	0	0	0	2	42
4	3	9	1	0	4	5	0	1	1	1	0	43
1	6	9	5	0	9	3	0	2	2	2	0	44
1	6	0	9	2	1	1	5	0	4	4	1	45
3	0	1	1	4	3	6	2	0	1	1	1	46
6	0	3	5	1	6	4	4	1	6	6	5	47
1	4	0	6	3	6	4	1	1	3	0	0	48
2	1	1	4	6	4	9	6	5	1	0	5	49
0	5	2	9	4	9	9	0	3	4	2	1	50
1	1	2	0	1	9	9	9	0	5	1	4	51
2	2	0	1	6	9	9	1	1	3	5	1	52
4	0	0	3	0	9	9	5	2	6	3	6	53
9	0	0	6	1	9	9	2	0	4	6	4	54
1	1	0	1	4	3	9	1	0	9	1	1	55











فصل در دعوت حروف و کیفیت عمل بدانست بدانکه باید دانست که اصل حروف در احدیت  
بوده و در اعیان ثابت به چه صورت داشت و در ملکوت چه شد و در ملک چه قرار  
داشت بدانکه در احدیت شیون و در اعیان ثابت به صورت اسماء الهی و در ملکوت  
در ملک صورت حروف ۲۸ گانه که می بینی ۲۸ ملک اند  
بکند بحانه و تعالی حروف را بتمام اعضای آدم تقسیم نموده بحروف متشابهات  
و مفردات بدین طریق <sup>۱</sup> راس <sup>۲</sup> الله است <sup>۳</sup> و حاجبین <sup>۴</sup> او <sup>۵</sup> ف <sup>۶</sup> و <sup>۷</sup> عینین <sup>۸</sup> او <sup>۹</sup> ع و <sup>۱۰</sup> غ  
و <sup>۱۱</sup> وجه او <sup>۱۲</sup> ا <sup>۱۳</sup> ادین <sup>۱۴</sup> او <sup>۱۵</sup> د <sup>۱۶</sup> ذ <sup>۱۷</sup> و <sup>۱۸</sup> تفتین <sup>۱۹</sup> او <sup>۲۰</sup> فوق <sup>۲۱</sup> ت <sup>۲۲</sup> معکوس است و <sup>۲۳</sup> تحت <sup>۲۴</sup> او <sup>۲۵</sup> ب  
و <sup>۲۶</sup> عت <sup>۲۷</sup> او <sup>۲۸</sup> ج <sup>۲۹</sup> و <sup>۳۰</sup> صدر <sup>۳۱</sup> او <sup>۳۲</sup> م <sup>۳۳</sup> و <sup>۳۴</sup> حروف متشابهات <sup>۳۵</sup> ط <sup>۳۶</sup> ل <sup>۳۷</sup> س <sup>۳۸</sup> م <sup>۳۹</sup> و <sup>۴۰</sup> قلب <sup>۴۱</sup> او <sup>۴۲</sup> ه <sup>۴۳</sup> و <sup>۴۴</sup> و <sup>۴۵</sup> که <sup>۴۶</sup> هوا <sup>۴۷</sup> است  
که مذهب اکثر اسم اعظم است و سره وی <sup>۴۸</sup> ن <sup>۴۹</sup> و <sup>۵۰</sup> و <sup>۵۱</sup> کتفین <sup>۵۲</sup> او <sup>۵۳</sup> س <sup>۵۴</sup> و <sup>۵۵</sup> ش <sup>۵۶</sup> حروف متشا  
بهات او <sup>۵۷</sup> و <sup>۵۸</sup> که <sup>۵۹</sup> یغص <sup>۶۰</sup> و <sup>۶۱</sup> حم <sup>۶۲</sup> و <sup>۶۳</sup> عسق <sup>۶۴</sup> است و <sup>۶۵</sup> مرفقین <sup>۶۶</sup> او <sup>۶۷</sup> ر <sup>۶۸</sup> و <sup>۶۹</sup> دین <sup>۷۰</sup> او <sup>۷۱</sup> کی  
حروف متشابهات او <sup>۷۲</sup> ط <sup>۷۳</sup> و <sup>۷۴</sup> یث <sup>۷۵</sup> و <sup>۷۶</sup> و <sup>۷۷</sup> وسط <sup>۷۸</sup> او <sup>۷۹</sup> ح <sup>۸۰</sup> و <sup>۸۱</sup> و <sup>۸۲</sup> حروف متشابهات  
الله <sup>۸۳</sup> ر <sup>۸۴</sup> و <sup>۸۵</sup> نین <sup>۸۶</sup> یا <sup>۸۷</sup> هوا <sup>۸۸</sup> است بحروف <sup>۸۹</sup> ط <sup>۹۰</sup> س <sup>۹۱</sup> م <sup>۹۲</sup> و <sup>۹۳</sup> ظاهر <sup>۹۴</sup> او <sup>۹۵</sup> حروف متشابهات <sup>۹۶</sup> المص <sup>۹۷</sup> و  
ظه <sup>۹۸</sup> و <sup>۹۹</sup> قضیب <sup>۱۰۰</sup> او <sup>۱۰۱</sup> ث <sup>۱۰۲</sup> س <sup>۱۰۳</sup> و <sup>۱۰۴</sup> کنون <sup>۱۰۵</sup> و <sup>۱۰۶</sup> رکبتین <sup>۱۰۷</sup> او <sup>۱۰۸</sup> ص <sup>۱۰۹</sup> و <sup>۱۱۰</sup> وض <sup>۱۱۱</sup> و <sup>۱۱۲</sup> رجلین <sup>۱۱۳</sup> او <sup>۱۱۴</sup> ط <sup>۱۱۵</sup> و <sup>۱۱۶</sup> ظ  
پس هر حرفی را ازین حروف يك اسم اعظم است از اسماء الله که بدان حرف تعلق دارد  
هر که بتسبیح آن اسم مشغول شود بعد از دعوت آن بمطلوبی که دارد حروف اسم او  
باسر حروف اسم اعظم یکی باشد برسد و قواعدش چنانست که اسم اعظم حروف  
مثلاً الله که حرف او الف است و عدد او ۴ است و ترجمه او خدای سزای  
پرسشش و موکل او اسرافیل و خادم او قیدوش و برج او حمل و کوكب زحل  
منزل شریان  
نشره



[illegible]

و کو کب حرف

ایضاً اسماء ملائکه و موکلات کو اکب سبعة و طبایع اربعه در یابد

اسماء گواکب	اسماء موکلان	نامہی	قلامیم	ہوائی	قاقیمیم	ماہی	اماری	ترابی	بنیان
رحل	اکرقائیل	ا	اسرائیل	ق	عطرئیل	س	ہرائیل	ج	کلکائیل
شہری	بجزاد	غ	لومائیل	ی	سنکطائیل	ل	طاٹائیل	م	دو یائیل
میرغ	بہیبائیل	ھ	دوہرائیل	ص	اھجیائیل	ر	امواییل	ز	صرفائیل
شمس	کلیمنا	ط	اسماعیل	ع	لوحائیل	ث	میکائیل	ب	چہرائیل
زہرہ	اسمون	ح	تہکائیل	ظ	نوزائیل	ن	حولائیل	خ	سکائیل
عطارد	اسکی	ف	سرجائیل	ک	حروزائیل	و	اقتائیل	ت	عوزائیل
قمر	تعبیل	ش	ہمرائیل	ط	عطکائیل	د	دردائیل	ذ	اھرائیل

موکلات بیوج دوازدہ کی نہ بطریق اہل عرب

سراجیل	نور	شہاکیں	حوت	شہکیل	دلو	سراجیل	حمل	موکل	دوازہ
محکمائی	سنبہ	صصائی	عقرب	قمقائی	میزان	میزائی	اسد	موکل	زنیہ موکل
عزرائیل	جدی	سراجیل	سرطان	سطائی	جوزا	نعتائی	قوس	موکل	دوازہ



تفصیل حروف جمل کبیر و کواکب و بروج و منازل و اشیاء و اسماء اعظم و عدد اسم و ترجمه اسم و موکلات  
و جن و نتایج و بخارات در سه جدول نموده میشود جدول اول این است

جل کبیر	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی
اسم اعظم	الله	باقی	جامع	دیان	هادی	ولی	زکی	حق	ظاهر	سیر
عدد اسم	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰	۱۲۱	۱۲۲
ترجمه اسم	سزای پرست	پاینده	جمع کننده	دوست داور	راه نماینده	صاحب	پاک کننده	ثابت	پاکیزه	اساز کننده
موکلات حرف	اسرافیل	جبرئیل	کلکائیل	دورائیل	سرقائیل	ترقائیل	تکفیل	اسماعیل	سراکیتائیل	
جن حرف	قیدیوش	زیدیوش	نویوش	لجیوش	پلیوش	یویوش	پلیوش	یحیوش	یدیوش	بیوش
بروج حرف	حل	جوزا	سرطان	شعر	حمل	جوزا	سرطان	جدی	اسد	میزان
کواکب حرف	زحل	مشتری	مرئخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مرئخ
منازل حرف	شرطین	بطین	شریان	دبران	هقعه	هنعه	زراع	نشره	طرفه	جبهه
نتایج حرف	موالده	عظمت	محبت	عداوت	سموم	محبت	مودت	قطیعت	عقد الشهوت	فتح الرجال
بخارات حرف	عند	شکر شرخ	دار چینی	سندل سرخ	سندل سفید	کافور	عسل	مشک	شکر سرخ	کحل سفید
طبایع حرف	بابس	رطب	یابس	بارد	حار	رطب	یابس	بارد	حار	رطب

جدول دوم

جل کبیر	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ح
اسم اعظم	کافی	لطیف	ملک	نور	سمیع	علی	فتاح	صمد	قادر	مرتب
عدد اسم	۱۱۱	۱۲۹	۹۰	۲۵۶	۱۸۰	۱۱۰	۴۸۹	۱۳۴	۳۰۵	۲۰۲
ترجمه اسم	پند کننده	گرم کننده	پادشاه	روشن کننده	شنوای	بزرگ	کشاینده	بی عیب	قوانا	پکی ورنده
موکلات حرف	مراورائیل	طاواییل	دویائیل	خولاییل	هراییل	لویائیل	سرحاییل	الجماییل	عطراییل	اهوآکیل
جن حرف	قیدیوش	عیدیوش	صیجوش	قطیوش	دیوش	فلجیوش	فهیوش	صحیوش	فقدیوش	رهیوش
بروج حرف	عقرب	شدر	اسد	میزان	عقرب	سنبله	اسد	میزان	حوت	سنبله
کواکب حرف	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مرئخ	شمس	زهره	عطارد
منازل حرف	زبره	صرفه	عوا	سماک	غفر	ذبان	اکلیل	قلب	شوله	نعایم
نتایج حرف	عطف	زینت	محبت	عداوت	عقد شهوت	عقد بصیرت	قطیعت	الفت	عقد الرجال	مودت
بخارات حرف	کحل سرخ	پوست بید	آبی	سنبل	خوش بوئی	فلفل	بخور	بسباسه	برنج	کلاب
طبایع حرف	یابس	بارد	حار	رطب	یابس	بارد	حار	رطب	یابس	بارد

جدول سیوم



جدول سیئوم

جمل کبیر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
اسم اعظم	شفیع	تواب	ثابت	خالق	ذاکر	ضار	ظاهر	غفور
عدد اسم	۴۶۰	۴۰۹	۹۰۳	۲۳۱	۹۲۱	۱۰۰۱	۱۱۰۶	۱۲۱۶
ترجمه اسم	شفاعت کتند	قبول کنند	ثبوت کنند	آفرینند	یاد کنند	زیان دهند	پیدا کنند	امر زکات
موکلات حرف	هرا بیل	عزرا بیل	میکائیل	هکائیل	اسرائیل	عطکائیل	لوزائیل	لوحائیل
جنت عرف	شجیوش	تهیوش	تهیوش	خهیوش	ذلدیوش	ضحیوش	ظهیوش	غضیوش
برج حرف	فوس	دلو	حوت	جدی	قوس	دلو	حوت	جدی
کواکب حرف	قمر	زحل	مشتری	مرئخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
منازل حرف	بلده	ذابح	بلع	سعد سعود	اخبیه	مقدم	مؤخر	رشا
نبا ح حرف	عداوت	عقد النور	قاتل السموم	عطف	سموم قاتل	عقد الرجال	عداوت	عدم بصیر
جوارح حرف	عود	عنبر	عود	بنفشه	ریحان	کل زعفران	کل نیرین	قرنفل
طبايع حرف	حار	رطب	یابس	بارد	حار	رطب	یابس	بارد

و کوب حرف در مقصد حرف باید که اولاً تسخیر حرف بکند و بعد از آن بدعوتش در آید که گفته اند هر که تسخیر این حروف نکرده بدعوتش در آید عمل منقلب گردد و نتیجه معکوس دهد و چون این قواعد چنانچه باید و گفته شد خواهد شد رعایت نماید  
 فواید کلی یابد و چون همه حروف ۲۸ کانه را مسخر سازد با موکلات ملکی و حتی باید که تا ۲۸ روز و شب بتسخیر مداومت نماید و دعوت کند و در این مدت الا با یک خادم که تعهد احوال او از اکل و شرب و غیره کند تکلم ننماید و در خانه خالی بماند و لباس پاکیزه بنشیند و بعد به عمل خواندن این عزیمت تسخیر حروف شروع نماید و هر روز ۲۱۴ مرتبه بخواند و روز آخر سه عدد افزوده بخواند هر بار که عزیمت بخواند تازه کرد تا با تمام رسیدن این مجموع حروف با ملک و جن و انس

$$\begin{array}{r}
 ۲۱۴ \\
 ۲۸ \\
 \hline
 ۱۷۱۲ \\
 ۴۲۸ \\
 \hline
 ۵۹۹۲ \\
 ۳ \\
 \hline
 ۵۹۹۵
 \end{array}$$



صاحب دعوت کردند و آن ملکی که موکل است بر اعمال علم جفر و نیر نجات و روحانیات و  
زانیات غریبه و دعوتیه و فحشه و آنچه از قبیل محبت و دعوت بدیع الحجابست مدد نماید  
حق که موکل است بر اعمال علم جفر بفصیحات و قطعیات و افعال عداوت و عقد اللسان  
و عقد النور و عقد الرجال و سموم قاتل و قاتل سموم و هلاکیه و از این باب آنچه صاحب دعوت  
اماره داشته باشد بجا آورد بدلائل شبه محکم قادر مطلق و اگر کسی هر روز و هر روز و بعد از نماز  
صبح ۱۱ بار و بعد از نماز ظهر ۳۰ بار و بعد از نماز عصر ۳۰ بار با آداب مواظبت نماید از ابواب  
مقاصد بروی گشاده شود و اگر خواهد که عمل هر حرف از هر وف مفرده بدست آید یعنی با  
هر حرف با موکل و جزوی بتسبیح خود در آورد از این حروف ۲۸ کانه هر یک را که مطلقا و است  
نشان کند و از جدول معلوم کند چنانکه هر حرف و اعداد و ترجمه و اسم ملك و جن و بروج و کواکب  
و منزل و نتیجه و طبیعت و بخور و اقلیم و جهت و غیر آن از منسوبات و حالات چه بعضی از کوا  
کب و بعضی افراد و بعضی ظلماتی و بعضی نورانی و بعضی سبعة البطون و بعضی بطیئة  
البطون و بعضی غیر البطون از آنکه شایع این علم بنیاس است که در شرح نیاید و مقررات است  
که بمواظبت این علم حروف بشرایط آن قادر تواند بود بر امور دینی و دنیائی و کشف قلوب و  
صفای باطن و اطلاع بر مغیبات و مراتب کرامات و کشایش و زرق و حصول علم و مال و کمال  
و تسخیر جن و انس و ملك و کواکب و در شب تا سر بیدار چنانکه بر سر و شن و تعیین  
نوم و حیات و کیفیت مدت حیات هر کس همه اینها بسته به علم و تقوی است و اگر کسی اثر  
علم جفر و غیره خواهد باید که هر روز و زید بن عزیمت بمقتل اسامیان مشغول نماید و با حقیات  
تمام بخواند و يك موکل حرفی باموکل سماعی ضم کرده مسطور شود تا از عزیمت اثر بیشتر یا

انشاء الله



۸  
اِنشَاء الله وعزيمت جملة حروف مع موكلات واجبه ايفت لبسم الله الرحمن الرحيم  
اللهم اني اسالك بحق اسمائك الحسنى وصفائك العليا وبحق انبيائك المرسلين وملائكته  
القرابين وبحق خصايص هذه الحروف والظواهر المباركات وبيناتها وبركاتها و  
خاصياتها واسرارها واثارها ونوايعها وبحق اسمائك الاعظم الذي اذا دُعيت بحق  
حق عليك ان لا تحرم سائله وبحق حبيبك وسائلك الذي وصل الى نهاية المراد ان  
تسخر لي ارجاء الملائكة والجن والانس وان تقضى حاجتي وتبلغني مطلوبي برحمتك  
يا هو يا من هو الا الله الا هو يا من يحو الله ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب اقيم عليكم  
يا معشر الروحانيين التابعين بهذه الاسماء والحمد لهذه الحروف هيتمها لكثيرا من  
كثير من انت القوى الشديده هاهو برش مع ههيو برش مكنو هنع سبهلش ططعوج  
طاطوخ ياندر شمسنا ضحمت ططخليا طخ فاطر السموات والارض كنفيا ططخطا بكمكو  
ثيا هلع اليع هاهو مهيا وة سغوص تد كدت الجبال لعظمة اسمائه ههيو ههيو هذه  
القسم الذي طاعته على كل روح وبر وحاني وجسماني سخر والى خلايق الارض والسموات اسر  
عوا وانقدوا واجلبوا تهيج خلق الاول والاخر والظاهر والباطن بحق العهد الماخوذ عليكم  
من الانقياد فيما امركم به بعزة العزير او فوا بعهد الله اذا عاهدتم فلا تنقضوا الايمان  
بعد توكيدها وقد جعلتم الله عليكم كفيلة ياخذ هذه الاسماء من رتبكم بحق الذي ليس  
كمثله شيء وهو السميع العليم اللهم اني اسالك بحق اسمائك يا الله يا الله يا الله بحرمة  
الالف الهيئك اقسم عليك يا اسرافيل يا اسرافيل بحق الله العظيم ان تقضى  
حاجتي وبحق سيدك قيدوش يا باقي بحرمة الباء بدايتك اسالك اقسم عليك



يا جبرئيل بحق باقي لبقاء ان تقضى حاجتي بحق سيدك زبوش يا جامع مجرمه الجهم جلالك  
اسالك اقسم عليك يا كلنا بئيل بحق جامع الجمع ان تقضى حاجتي بحق سيدك زبوش  
يا ديان مجرمه الدال دليلك اسالك اقسم عليك يا دمر دابيل بحق ديان العباد ان تقضى  
حاجتي وبحق سيدك مجبوش يا هادي مجرمه الهاء هدايتك اسالك اقسم عليك يا دورا  
بئيل بحق هادي الخلاق ان تقضى حاجتي بحق سيدك بيوش يا ولي مجرمه الواو ولايتك  
اسالك اقسم عليك يا سرفتا بئيل بحق ولي الولاية ان تقضى حاجتي بحق سيدك بيوش  
يا زكي مجرمه الزاء زاكيتك اسالك اقسم عليك يا شرفا بئيل بحق زكي الظاهر ان تقضى  
حاجتي بحق سيدك بليوش يا حق مجرمه الحاء حيوتك اسالك اقسم عليك يا تنكفيل  
بحق حق الحقيقة ان تقضى حاجتي وبحق سيدك مجبوش يا ظاهر مجرمه الظاء ظهورك  
اسالك اقسم عليك يا اسماعيل بحق ظاهر الظاهرات ان تقضى حاجتي وبحق سيدك  
يد يوش يا يسير مجرمه الياء يسيرك اسالك اقسم عليك يا سراكيطا بئيل بحق يسير  
السرا ان تقضى حاجتي وبحق سيدك يا يهوش يا كافي مجرمه الكاف كفايتك  
اسالك اقسم عليك يا حر و زابيل بحق كافي الموسع ان تقضى حاجتي وبحق سيدك  
قد يوش يا لطيف مجرمه اللام لطيفك اسالك اقسم عليك يا طا طا بئيل بحق  
لطيف الالطف ان تقضى حاجتي وبحق سيدك عد يوش يا ملك مجرمه الميم ملكوتك  
اسالك اقسم عليك يا سروا بئيل بحق ملك الممالك ان تقضى حاجتي بحق سيدك صجيوش  
يا نور مجرمه النون نورانيتك اسالك اقسم عليك يا حولا بئيل بحق النور الانوار ان  
تقضى حاجتي وبحق سيدك قطيوش يا سميع مجرمه السين سميعتك اسالك اقسم عليك  
يا هو اكل



يا همو اكيل بحق سميع النداء ان تقضى حاجتي بحق سيدك فكحيوش يا اعلى حرمه  
العين علوك اسالك اقسم عليك يا ارمائيل بحق علي الاعلى ان تقضى حاجتي بحق سيدك  
فكحيوش يا فتاح حرمه الفاء فتحك اسالك اقسم عليك يا سر حماكيل بحق فتاح المقطع  
ان تقضى حاجتي بحق سيدك فتهيوش يا صمد حرمه الصاد صمد يتك اسالك اقسم عليك  
يا احمناييل بحق الصمد بلا شبه ان تقضى حاجتي بحق سيدك فكحيوش يا قادر حرمه  
القاف قدسك اسالك اقسم عليك يا عطا ييل بحق قادر القدير ان تقضى حاجتي بحق  
سيدك فقد يوش يا رب حرمه الراء ربو يتك اسالك اقسم عليك يا امواكيل بحق  
رب الاسراب ان تقضى حاجتي بحق سيدك فتهيوش يا شفيع حرمه الشين شفيعك  
اسالك اقسم عليك يا همراييل بحق شفيع المسفع ان تقضى حاجتي بحق سيدك شيخ يوش  
يا ثواب حرمه التاء ثوبتك اسالك اقسم عليك يا عزراييل بحق الثواب الثامرات  
تقضى حاجتي بحق سيدك تهيوش يا ثابت حرمه التاء ثبوتك اسالك اقسم عليك  
يا ميكايل بحق ثابت الصفات الثبات ان تقضى حاجتي بحق سيدك تهيوش يا خالق حرمه  
الحاء خليفك اسالك اقسم عليك يا مهكاييل بحق خالق الخلاق ان تقضى حاجتي بحق سيدك  
خهيوش يا ذاكر حرمه الذا ذكرك اسالك اقسم عليك بحق ذاكر الذكر ان تقضى  
حاجتي بحق سيدك ذا يوش يا ضار حرمه الضاد ضريك اسالك اقسم عليك  
يا عطا ييل بحق الضار الضري ان تقضى حاجتي بحق سيدك فكحيوش يا ظاهر حرمه الظاء  
ظهورك اسالك اقسم عليك يا لوزاييل بحق ظاهر المظاهر ان تقضى حاجتي بحق سيدك  
ظهوش يا غني حرمه الغين غنائك اسالك اقسم عليك يا لوزاييل بحق غني المغني



ان تقضى حاجتي بحق سيدك غصحيوش ان تسحر والى خلائق الارض والسموات وما فيها  
وان تجعوا بيني وبينهما واحضروا الكلمه ان الله من سليمان وانه يسلم الله الرحمن الرحيم  
الانقلوا على واتوني مسلمين يا اكر واح الطيبين الظاهرين المسخرين لهذه الحروف  
واسماء الحروف وهتجوا مظاهر الحق والانس وغيرهم وامروا الى مكاني وتعيثوني  
وتنصروني في تحصيل مرادى وتوكلوا على جلب جميع المحبوب والمقصود والنفع والرزق  
والخير والبركة وادفعوا عني جميع المضار بحق هذه الاسماء المباركة المقدسة وبحق  
الاسماء اوله واخره ال العجل العجل الوحاء الوحاء الساعة الساعة

بارك الله لنا ولكم ان الله رؤف رحيم والحمد لله رب العالمين

فايده واکر کسی همین عزیمت را بآتش حیوانی هر روز بعد از نماز صبح ۲۸ بار و بعد از نماز ظهر ۱۲ بار  
و بعد از نماز عصر ۲ بار و بعد از نماز مغرب ۴ بار و بعد از نماز عشا ۱ بار مداومت نماید متصرف  
کاینات گردد و اگر نتواند بعد از نماز صبح ۱۲ بار و بعد از نماز عصر ۲ بار بخواند همان اثر دهد  
و ایضا باید که این عزیمت را از نااهلان پوشیده دارد و از معاملات و مکاشفات کسیر اخبار  
دور نکند و اگر کسی خواهد که از این ۲۸ حروف یک حرف را تسخیر کند باید که بدین طریق عزیمت  
بکند بخواند **یسلم الله الرحمن الرحيم يا الله مجرمة الف الهيئتك اسالك بحق اسماء**  
**وصفائك ان تقضى حاجتي يا ايها الملوك الموكل على هذه الحروف اظاهروا عني وانصروني على**  
**حصول مرادى بحق لا اله الا هو اقسمت عليكم يا اسرافيل بحق اسم الله العظيم ان تقضى**  
**حاجتي بحق سيدك قيديوش انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون فسبحان**  
**الذي بيده الملكوت كل شيء و اليه ترجعون** بهر حرفی از محبت و مودت و بغض و عداوت

و غیره که خواهد



و غیره که خواهد بدین طریق عزیمت بسته عامل کرد و قراءت عزیمت بعد د اسم مطلوب و  
 اسم اعظم بخواند و بخور مناسب بسوزد مطلوب بدست آید و اگر کسی بجهت جلب  
 قلوب و زیادتى محبت بخواند باید که اول صورت مطلوب را بر کاغذ بنویسد و بر دیوار  
 سمت مشرق بچسباند بعد ه یک منخ نعل سب با هر يك در میان الف زند و این عمل در آن  
 وقت کند که روز کوب محبت بود و در ساعه او و قمر در آنها نر خود باشد تا مطلوب بحصول <sup>م</sup> آنجا  
 و اگر خواهد که دشمن را ناپیدا سازد صورت تشریطی مذکور بدیوار <sup>م</sup> مستوی بکشد  
 و حرف میم نوشته صورت سرخ نکارد و بد و چشم او منخ با هر يك زند و باید که کوب طالع بود  
 و قمر در منزل خود بود و این عزیمت بر منخ بعد در من کور بخواند و هر بار که میخواند بخور تازه  
 کند چون با تمام رسد در آن لحظه منخ زند هم در آن وقت با هر یکی چشم او در آید و اگر خلاصی  
 او را خواهد منخ را از آنجا بکشد و صورت را از دیوار جدا کند او خلاص شود و اگر بر نیت  
 بغض و عداوت خواهد باید که صورت خصم را بدیوار شرقی چسباند و حرف اعضای مطلوب <sup>م</sup> انشا  
 بنویسد و کوب حرف بجای خود در وقتی که قمر بجای خود یعنی منزل خود باشد يك منخ نعل سب  
 با هر يك میان حرف زند و این عزیمت موافق عدد اسم خصم و اسم اعظم بخواند و هر بار بخور تازه  
 کند بمطلوب برسد عزیمت اینست یا مَفَرِّقُ فِرَاقِ بَيْنَ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ كَمَا فَرَّقْتَ بَيْنَ النَّارِ  
 وَالْخَشْبَةِ وَفَرَّقْتَ بَيْنَ النُّورِ وَالظُّلْمَةِ وَاجْعَلْ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا لَا يَبْغِيَانِ وَكَلِمَةُ اِنْ  
 عمل آنست که هر وف مقصود را بگیرد و عزیمت بسته بجای اقص حاجتی مقصود را بر زبان  
 آورد و قراءت بعد د اسم مقصود و اسم اعظم کند و هر بار بخور تازه کند و چون با تمام رسد  
 عمل منخ بجا آورد در وقتی که طلوع کوب حرف مذکور بود و قمر در منزل خود باشد



وایضا از برای محبت و الفت و رضا علی که از حضرت ادب پس بم بار سطر و اسکندر بر سینه است  
بکند و آن چنانست که اول حروف طالع طالب را از دایره حکا و طالع مطلوب نیز از همان دایره جدا  
کانه بنویسد بعد هر دو حرف از نام طالب و مطلوب جدا کانه رقم زند چنانچه چهار سطر از اسمین  
و طالعین باشد بعد از آن حروف طالع طالب را با حروف طالع مطلوب امتزاج دهد یکسطر کند  
بعد هر حرف اسمین را امتزاج داده دویم سطر کند بدین سند که نموده میشود اول حرف  
اسم طالب دویم حرف اسم طالع مطلوب تا با تمام رسد و از هر اسمیکه حرف که شود بار حرف  
از سر گیرد تا هر دو حرف برابر شود همچنین حروف طالعین را نیز و کم و بیش را برابر کرده از  
دهد بعد هر دو حرف هر دو سطر را بطریق مذکور امتزاج داده یک سطر کند بعد چهار  
حرف سطر را اعراب از دایره حکا دهد بعد از جمله حروف سطر اسماء الهی برابر دو همچنین  
اسماء ملائکه برابر دو قسم بدین سند بندر اَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا فُلَانُ ابْنُ ابْنِ الْمَلَأَيْكَةِ الْاَعْظَمَ بِحَقِّ  
فُلَانِ اسْمَاءُ اللَّهِ اَنْ تَمُوْجُوْا مَحَبَّةَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ فِي قَلْبٍ وَفُوَادِ فُلَانِ بْنِ  
فُلَانٍ كَمَا ذُوْ حَيْثُ حُرُوفِ اسْمِهِ يَا سَمَهُ فَاَقْلِبُوْا قَلْبَهُ وَفُوَادَهُ بِمَحَبَّتِهِ الْعَجَل ۳ الوها ۳ السا  
۳ بحق فُلَانِ اسْمَاءُ اللَّهِ تَعَالٰی تکرار کند و این عمل بطالع وقت باید کرد و بمدد مناسب  
و بخور و هیثم مقید کند اگر عمل نوزانی بود بر هر بر سفید یک سطر مرکب کرده بود هر دو  
سطر فئله سازد و بر و بمشک و زعفران و کلاب بنویسد و اگر نیرانی بود بکرباس سرخ یا جامه  
که از مقبره باشد حروف جدا کانه بر که یا بشکر ف نوشته فئله ساخته در چلغدان گذا  
و بعل نوزانی فئله چهار تپ بچد و بعل نیرانی فئله را سر تر کند و روی چلغدان  
بسوی خانه مطلوب کند و بعل نوزانی چراغ مسین بود و روغن کا و با عسل آمیخته  
و بعل نیرانی



و بعمل نیرانی چراغ کهنه و سر و عن بر سر تلخ بسوزد و سطوت کسیر مقلوب کند و در عزیمت بجای  
لفظ محبت عداوت گوید و قراءت بعد در حرف سطر اول کند و در عمل نیرانی قبیله از میان  
است سر آتش گذارد و در نیرانی بعکس و عزیمت بخواند بکده حروف مرکب اعراب داده  
بخواند و در اعراب هر جا که دو جزم بهلوی هم افتد یکبار کسر کند و بخواند باید که وقت کوکب  
نکه دارد عزیمت نیرانی بدین سند بندد اَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا فُلَانُ اِيْمَلُ الْمَلَايِكَةَ الْعِظَامُ  
يَحْيٰ فُلَانُ اَسْمَاءُ اللّٰهِ تَعَالٰی اَنْ تَفْرُقُوْا بَيْنَ فُلَانِ بِنِ فُلَانِ بِنِ فُلَانٍ وَجَعَلُوْا  
عَدَاوَةً بَيْنَ فُلَانِ بِنِ فُلَانٍ فِيْ قَلْبٍ وَفُوَادٍ فُلَانِ بِنِ فُلَانٍ كَمَا فَرَّقْتَ حُرُوفِ اِسْمِهِ عَنْ اِسْمِهِ  
فَاَقْلَبُوْا قَلْبَهُ وَفُوَادَهُ بَعْدَ وَتَهُ الْعَجَلُ ۳ الِوَحَا ۳ السَّاعَةُ ۳ يَحْيٰ فُلَانُ اَسْمَاءُ اللّٰهِ تَعَالٰی  
و اما مزاج دو نام طالع هر دو اسم بر عکس کند یعنی از آخر حروف اسم سطر بندد و بخور بسوزد  
بخور نیرانی بود و قبیله بعد در حرف کند و هر روز يك قبیله بسوزد و ابتداء از روز عداوت  
کند و بعد از سوختن قبیله خاموش بنشینند تا قبیله تمام بسوزد و بر روز دویتم وقت مذکور عمل  
قبیله بجا آورد و بعضی همچنان شده است که هنوز قبیله اول تمام نشده مقصود سر وی داده  
است و بعضی را بدویم قبیله و بعضی بسیم الی نهایت قبیله بمقصود رسیده اند و بعضی  
دو موکل از طالعین و دو موکل سر حرف اسمین گرفته سو کنند اسماء الهی داده عامل میشود  
طریقه دویتم از هم عمل یونانیناز چون خواهد که عمل محبت کند از اول حرف از نام طالع  
و مطلوب و حرف اول از کوکب زهره یا مشتاقی که بمقصد محبت تعلق دارد بگیرد و باز دویتم  
حرف از هریك تا تمام حروف اسمین و کوکب و چون حرف کوکب آخر شود باز از سر گیرد  
و اگر عمل بغض باشد از حروف کوکب زحل یا میرنخ از دایره حکما بگیرد و جمله حروف



هر سه نام بطریق مذکور بکیر و حروفی که چار باشد منصوب کند و باین را مرکب سازد  
 بر کتب المجرور کند و با هر را مجز و مرکب کند و اعراب از دایره مذکور دهد مع بخوان کتب  
 مسطور در ساعت او و فقیله بعد حروف از کاغذ مسطور بمقام خلا نچراغ و در وین  
 معهود بکار برد و اگر کاغذ هر بری نبود بکاغذ مهره زده بمشک و زعفران و کلاب بنو  
 و قندری چاشنی شکر سرخ در آن فقیله کرده و فقیله را چهار ته پیچد و بالای آن پنبه نهد  
 پاک غلاف کرده روی فقیله بسوی خانه مطلوب کرده بسوزد و فقیله را از جانب سر آتش  
 و خود در برابر چراغ بنشیند و غزیت بخواند بعد حروف و بعد از اتمام غزیت حروف سطر  
 بخواند بعد حروف سطر و بعد نوری حروف ترکیب کرده بخواند و بعد نوری حروف جدا  
 گانه بعد مذکور بخواند و مطلوب را حاضر و آمده پندارد و اگر در اول فقیله حاضر نشود  
 حروف فقیله ای ساخته بشب یا روز بوقت معین عمل کند پیشک مطلب حاصل شود و  
 غزیت اینست اَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا اَكْرَاحَ الْعُلُوِيَّةِ وَالسُّفْلِيَّةِ بِكُلِّ اِسْمٍ حَاصِلٍ مِنْ تَكْبِيرِ  
 هَذِهِ الْحُرُوفِ مِنْ اَسْمَاءِ سَبْتَا وَ سَبْكُ وَالْهِنَا وَالْهَكْمُ وَمِنْ اَسْمَاءِ سَوَّ سَائِكُمْ مِنْ  
 الْمَلَا ئِكَةِ الْمَقَرَّبِينَ وَالْاَكْرَاحِ الْمُقَدَّسِينَ اَنْ تَعِينُونِي لِمَحَبَّتِهِ فَلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَ تَهْنِئَةٍ  
 اِلَى اِلَى اِلَى  
 طریقه دیگر که بعضی علماء بدان عمل کرده اند چون خواهد که  
 در میان دو کس محبت و الفت پیدا آید حروف نام طالب را مقدم نویسد و حروف نام مطلوب  
 مؤخر و زمام کند و بعضی میان هر دو نام اسم و دور نوشته زمام کنند و بر پیوند که چند  
 سطرند پس از آن سطور یک حرف اول و یک حرف آخر از تمام سطر ها بگیرد و این عمل را صد  
 مؤخر گویند و این صدر و مؤخر را یک سطر بنویسد بعد ترکیب دهد و اعراب از دایره

مذکور سازد



مذکور سازد بکده در ساعت زهره یا مشتری در روز یا در شب که آن کوکب در برج خود باشد  
و قمر به تثلیث یا مقارنه یا تسدیس بود مشغول گردند و سطر مسطور بر پایه هر یک از زکرها  
یا سفید نویسند و بخور کوکب بسوزد و بدویم حرف نام طالب و مطلوب نوشته فقیله بوقت  
مذکور بکار برد و سر و غن نور زکرها پسند مذکور است و عزیمت مذکور بعد در هر وقت سطر  
بخواند بکده سطر فقیله بعد مذکور بخواند گفته اند که هنوز فقیله تمام ننوخته باشد که <sup>مطلب</sup>  
حاصل شود و بعضی سطر تمام تکبیر بیک سطر نوشته سازند <sup>ایضاً</sup>

حکای یونان گویند که عدد اسم طالب و عدد اسم مادرش را نیز بحساب جل شماره کنند و ۱۲ و  
۱۲ طرح کند آنچه باقی ماند از برج اول بشمارد و بهر برجی که عدد تمام شود طالع او همان برج خوا  
هد بود و همچنین اسم مطلوب و مادرش را عمل نماید و حروف برج هر دو را بطریق ضابطه اول  
امتراج دهد و حرف اسم طالب و مطلوب را نیز امتراج دهد بکده حروف طالعین <sup>و اسمین</sup>  
امتراج بیک سطر کند و آن را اعراب از دایره مذکور دهد و فقیله را بعد در حروف بطرز مذکور  
راقم زند و بر آخر سطر خط کوکب کشد و در پشت فقیله اسمین را بنویسد و بر هر فقیله کلمات  
سطر بعد در حروف سطر بخواند و بد مذکور و بطرز مذکور بسوزد و طریق کتابت و ترکیب و غیره  
در اعمال قبل از این مذکور شده بدان عمل نماید و خطوط کوکب بعد از این مسطور خواهد شد  
ایضاً بعضی علماء و حکمای سلف بدین نوع عمل کرده اند که اسم طالب و مادرش را به  
حساب جل جمع کرده و طرح نموده برج بر آرد همچنین بطرح ۱۲ برج مطلوب کشد و طبیعت آن برج <sup>جد</sup>  
یابد که از کدام عنصر است و حروف هر دو عنصر را امتراج داده و حرف اسمین را هم امتراج  
داده بکده بیک سطر و فاسمین و عنصرین را امتراج دهد و بکاغذ مهره زده حروف را



مُرَكَّب نوشته و اعراب از دایره مزبوره دهد و فقیله و رغن و غایره بطرز مزبور ساخته و در  
 خلاصه ساخته تکبیر نماید و به پشت و فوق مربع بکشد و باید که عمل بر روز یکشنبه کند و این تکبیر را  
 اگر طالع مطلوب ناسی بود عمل تکبیر و فوق نکند که عمل ناسی فقیله است و اگر طالع مطلوب هوا  
 فی باشد عمل تکبیر و فوق کند و در باد بجل خلا آویزد و یا بازوی کبوتر بندد و اگر طالع مطلوب  
 مائی باشد شسته و در شیشه کند و بخوراند یا زیر آب روان دفن کند و اگر ترابی بود در  
 بازوی خود بندد و یا بالای آستانه مطلوب پنهان سازد تا اثر سرعت ظاهر شود و بعضی  
 گویند خلاصه و تکبیر و فوق نکند بلکه همان یکسطر را بنویسد و در پشت او اسمین را بنویسد  
 و بکار برد ایضا اسم طالب و مطلوب مع مادرشان بنویسد و حرف کوکب هر دو را  
 بنویسد و بطریق مذکور هر دو را امتزاج داده هر چهار را یک سطر کند و آن سطر را پیوسته نو  
 اعراب زند بعد چهار پاسه کاغذ اول خطوط کوکب مطلوب بزرگ کوکب نوید و برگردان  
 سطر معرب نوید و چهار صورت از موم بسازد و بخور کوکب بکار برد و سپینه صورت  
 کاغذ سطر بچیده و بموم اندود کند و یکی از آن چهار از بر آتش دفن کند و دیگر را  
 بیاد آویزد و سیوم را زیر آب دفن کند و اگر آب جاری بود بهتر باشد و چهار را  
 بخاک پنهان سازد و عزیمت آن کوکب که قبل از این مسطور است هفت بار بخواند و بخور  
 کند و در عمل سرعت نماید چنانچه در ساعت او عمل تمام شود و بعضی گویند که عمل  
 در شرف قصر و ساعت او کند و عزیمت قصر بخواند و عزیمت قصر اینست **يَا مُنِيرَ الْعَالَمِ**  
**مِنْكَ الْأَشْجَارُ نَامِيَةٌ لِثَمَارِهِ مَصْنُوعَةٌ أَنْتَ السَّعْدُ الْأَكْبَرُ وَالْكُوكِبُ الْأَزْهَرُ مِنْكَ نُورُ الْأَرْضِ**  
**وَضَوْءُ السَّمَاءِ مِنْكَ سَعَادَةُ الْمَسْعُودِينَ وَدَفْعُ الْبَلَاءِ وَتَحْلُّ وَمَا تَعْقِدُ الْخُوسُ وَتَدْفَعُ الشَّرَّ**  
 این نسخه را تا



این نسخه را تا همین جا نوشته بودند ان شاء الله که عزیمت تمام است یا آنکه باقی دارد باید <sup>حفظ</sup> ملا  
شود والسلام

در معرفت سمت رجال الغیب در هر روز از روزهای ماه بدانند که در باب مکاشفات  
و اصحاب مغیبات چنان دانسته و تجربه کرده اند که الله تعالی عالم را مفوض کرده است بوجود  
آبدان و اخیار و اوتاد و قطب و غوث و عماد که ایشان را رجال الغیب گویند و در عالم تقیاً  
قیامت متصرفانند و بجهت مصالح و نظام عالم در بحر و بر حاضرانند و طی الامراض کنند  
بقدرت الله تعالی و اطراف جهان را بقدر و مرغوش مشرف گردانند و هر روز از روز  
های ماه در جهتی از جهات باشند و بجمع جهات نظر افکنند و مدد باهل عالم رسانند پس  
هر وقتی از اوقات که مهمتی پیش آید از سفر یا جنگ یا اعمال باید که پشت بجانب ایشان کنند  
یا بچپ و یا راست چنانکه کسی تکیه بر چیزی کند و از ایشان مدد طلبند و عزیمتی که بعد از این مدن  
کوه میشود بخوانند پس متوجه مطلب شوند که البته بر آن مطلب مظهر و فیروز گردند و  
طبق سیر ایشان در جهات هشت گانه بدین نفع است که نموده میشود و در این پست مذکور

در میان مشرق و جنوب باشند	اطبوا که	در مشرق باشند	دببال الط	در میان شمال و مشرق باشند	و کاح	میشود عدد دسی حرف
در جنوب باشند	ع یا الو			در شمال باشند	ع یا ح	اشاره بپیروزی است
در میان جنوب و مغرب باشند	س یا ط الد	در مغرب باشند	ی مد الد	در میان مغرب و شمال باشند	ه یا ک	در یابد و نگاهدارد
						در آن روی صفحه است



اینست بیت کنجع ناشم کنجع شتم کنجع باشم کنجع اشتم یا در مشرق پیل سوار و  
ایسان طاوس سوار و در شمال اسب سوار و بروایتی شیر سوار و در نیرت سبک سوار  
و در جنوب اسب سوار و در اکئی ستر سوار و بروایتی کاو سوار باید که در وقتیکه <sup>جبه</sup> ضرورت  
امری یا علمی شوند ایشان را بروی خود نیاورند ایضا اگر کسی هر روز این عزیمت  
سجالات لغیب را در حالتی که ایشان را پس پشت خود کرده باشد ۸ بار بخواند و بهر وقت که  
بامر مدد طلبد امداد و معاونت از ایشان در یابد بدین سنگ روز شنبه و وقت پیشین  
روز یکشنبه در وقت صبح روز دوشنبه میان ظهر و عصر روز سه شنبه در وقت  
چاشت روز چهارشنبه در وقت عصر روز پنجشنبه در وقت زوال روز جمعه  
در وقت شام مقصود و مطلوب او بحصول انجامد باید که با وضو باشد و رو به سمت ایشان کرده  
این عزیمت را بخواند بعد از آن پشت بطرف ایشان کند بطریقی که تکیه بر جایی زنند و  
بمطلوب متوجه شوند و عزیمت اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ عَزَّمْتُ عَلَيْكُمْ يَا رَبَّ جَا  
اللّٰهِ غَاثِقُ لَوْجِهِ اللّٰهِ رَاغِبُ قُلُوبِكُمْ لَا فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا عَلَى اللّٰهِ وَاللّٰهِ  
بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ اَنْتُمْ فِي الْمَشْرِقِ اَوْ فِي الْاَيْسَانِ اَوْ فِي الشَّمَالِ اَوْ فِي الْبَلَابِثِ اَوْ فِي  
الْمَغْرِبِ اَوْ فِي النَّيْرِتِ اَوْ فِي الْجَنُوبِ اَوْ فِي الْاَكْنَى يَا نَقَبَاءَ يَا حُبَابَاءَ يَا رُقَبَاءَ يَا اَخْيَارَ يَا اَبْدَ  
يَا اَوْنَادُ يَا غَوَاثُ يَا قُطُبُ يَا عَمَدَ اللّٰهِ سَحْمُ اللّٰهِ تَعَالَى اَعِيشُوْنِي بِقُوَّتِكُمْ وَاَجِيبُوْنِي بِدَعْوِ  
تِكُمْ وَاَنْظَرُوْنِي بِنَظَرَتِكُمْ وَاَفْتَحُوْنِي بِفَتْحِكُمْ وَاَمْدُدُوْنِي بِمَدَدِكُمْ وَاَنْصُرُوْنِي بِنُصْرَتِكُمْ  
وَاَعِيسُوْنِي بِقُوَّتِكُمْ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا رَجَالَ الْغَيْبِ بعد از آن  
۳۴ نوبت این اسم را بخواند یا سَلَامُ تَسَلَّمْتَ بِالسَّلَامِ وَالسَّلَامُ فِي سَلَامٍ سَلَامُكَ يَا

و بگوید دست



و یکف دودست دمیده بتمام اندام فروداورد  
 ایضا برای طلب مقصود نشت  
 بدان جانب کرده این تسبیحات را بطریقی که مذکور خواهد شد هر روز ۳۵ بار بخواند  
 و از تسبیح عروج و نزول و چهاردهم و بیست و هشتم ملاحظه آید در اول تا پانز  
 یا ظاهر اظهرنی غناء او غیر ذلک مع ظهور هلالک یا ظاهر و روز دویتم  
 تا تمام بود این تسبیح را هر روز بخواند یا مزید زدنی غناء او غیر ذلک مع  
 از یاد هلالک و اعرجی غناء او غیر ذلک مع عروج ایامک یا مزید و بروز  
 بد بخواند یا نام تمی غناء او غیر ذلک مع اتمام بدیرک یا نام و بروز سلخ ما  
 بخواند یا خفاء قمر یا محق محق غنی فقرا او غیر ذلک بر عکس مقصود مع انما  
 بدیرک و انساح غنی فقرا مع انسلاخ ایامک یا محق و در ایام خفاء یاد و روز یاسه  
 روز بخواند یا خفی خفی فقرا او غیر ذلک مع خفاء قمر یا خفی و بروز هلال  
 یا غر ماه همان تسبیح اول را بخواند که انشاء الله در روز اول یاد و یتم یا سیوم مقصد  
 بحصول رسد و این فقر بسیار تجربه کرده و بمطلب رسیده است ایضا اگر کسی  
 سی اسماء بسی روز ایام ماه هر روز یک اسم را ۱۰۰ بار بخواند البته بمراد دل برسد  
 و اگر از برای مقصود معین آغاز کند کوکب مقصود را نظر کرده از اسماء آن کوکب شروع  
 کند و بعد از هر صد اسم مقصودش را بر زبان آورد و اگر تاخیر بیند باز آغاز کند که  
 انشاء الله تعالی تاد و یتم و سیوم زود مقصودش را انجام یابد و اگر مداومت نماید در هر  
 کاسی نصرت و فتح یابد بشرطی که بامداد در حال الغیب بخواند یا بعد الفجر یا بعد الظهر  
 یا بعد المغرب آغاز کند و اگر روزی نکند و ۱۰ بار بخواند مؤثر آید و اگر ماه به ۲۹ روز



افتد اسم اخير را پشت هلال بخواند و ۲۸ اسم بطالع هفت کوكب كه قبل از اين بحروف ابیات در  
 دایره محقق و مسطور شد و مرقوم میشود و داعی هفت کوكب را باید كه هر روز ملاومت نماید و تسبیح  
 هر کوكب كه كند اسماء آن كوكب بغیر ۴ ماه بساعت آن كوكب آغاز نماید و بطریق ویر در هر آن روز  
 كه غره افتد اسماء آن روز را پیشوا سازد و دیگر آنرا تابع آورد عامل بجمع صفات الهی موصوف  
 کرد و اگر هر روز هر کوكب را هر روز بطالع آن كوكب بخور مناسب بکار برود زود تر مؤثر آید  
 و اگر بطرزد دعوت مع شرایط و آداب دعوت و موكلات اسماء چهار كونه بخواند سریع الاجابت  
 گردد و باید كه حصار كوكب كه بعد از این مذکور میشود نكند و در خواست عمل جلالی باشد و خواه  
 جمالی و یا مشترك فایده از عمل معلوم خواهد شد و هر كوكبی بچهار اسم منسوبست و دو اسم  
 بوحدت و ذات اسماء رُحل یعنی روز شنبه **يَا إِلَهَ الْأَلِهَةِ الرَّفِيعَ جَلَالَهُ يَا إِلَهَ يَا بَارِيَّ**  
**النُّفُوسِ يَا مِثَالَ خَلَامِنَ غَيْرِهِ يَا بَارِيَّ يَا جَامِعُ تَجَمَّعْتُ بِالْجَمْعِ وَاجْتَمَعْتُ فِي جَمْعِ جَمْعِكَ**  
**يَا جَامِعُ يَا دَائِمُ يَا فَنَاءً وَلَا زَوَالَ مُلْكِهِ وَبَقَائِهِ يَا دَائِمُ** اسماء مشترک یعنی روز پنجشنبه  
**يَا هَادِي تَهْدَيْتَ بِالْهُدَايَةِ وَالْهُدَايَةِ فِي هُدَايَتِكَ يَا هَادِي يَا وَاحِدُ**  
**الْبَاقِي أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرَهُ يَا وَاحِدُ يَا زَيْنُ تَزَيْنْتَ بِالزَّيْنَةِ وَالزَّيْنَةِ فِي زِينَتِ**  
**زِينَتِكَ يَا زَيْنُ يَا حَمِيدُ الْفِعَالِ ذَا الْمَنْ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِالطُّفَةِ يَا حَمِيدُ** اسماء مخرج  
 یعنی روز سه شنبه **يَا ظَالِعُ تَطَّلَعْتَ بِالطَّلُوعِ وَالطَّلُوعِ فِي طُلُوعِ طُلُوعِكَ يَا ظَالِعُ**  
**يَا سِيرُ تَسِيرُتَ بِالسَّيْرِ وَالسَّيْرِ فِي سَيْرِ سَيْرِكَ يَا سِيرُ يَا كَبِيرُ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا تَهْتَدِي**  
**الْعُقُولُ لَوْصِفِ عَظَمَتَهُ يَا كَبِيرُ يَا طَيفُ تَلَطَّفْتَ بِاللُّطْفِ وَاللُّطْفِ فِي لُطْفِ**  
**لُطْفِكَ يَا طَيفُ** اسماء شمس یعنی روز یکشنبه **يَا مُبْدِيُ الْبَرَاءِ يَا مُعِيدُهَا بَعْدَ فَنَائِهَا**  
 بقدر سبب



يَقْدِرُ بِهِ يَا مُدَيُّ يَا نَصِيرُ تَنْصُرْتِ بِالنُّصْرَةِ وَالنُّصْرَةُ فِي نَصْرَةِ نَصْرَتِكَ  
يَا نَصِيرُ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ وَرَازِقُهُ وَرَاحِمُهُ  
سُبْحَانَكَ يَا عَلَّامُ الْغُيُوبِ فَلَا يَفُوتُهُ شَيْءٌ مِنْ عِلْمِهِ وَلَا يَوُدُّهُ مِنْ حِفْظِهِ إِلَّا  
اسْمَاءُ زَهْرِهِ يَعْنِي رَوْزَجُهُ يَا فَتَّاحُ تَفَتَّحْتَ بِالْفَتْحِ وَالْفَتْحُ فِي فَتْحِ فَتْحِكَ يَا فَتَّاحُ  
يَا صَدُّ مِنْ غَيْرِ شَبِيهِ وَلَا شَيْءٍ كَمِثْلِهِ يَا صَدُّ يَا قُدُّوسُ الظَّاهِرِ مِنْ كُلِّ سُوِّ  
فَلَا شَيْءَ يُعَارِضُهُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ يَا قُدُّوسُ يَا رَحِيمُ كُلِّ صَبِيحٍ وَمَكْرُوبٍ وَ  
غِيَاثُهُ وَمَعَادُهُ يَا رَحِيمُ اسْمَاءُ عَطَارٍ يَعْنِي رَوْزَجُهُ شَبِيهِ يَا شَاهِدُ تَشْهَدُ  
الشُّهُودَ وَالشُّهُودُ فِي شُهُودِ شُهُودِكَ يَا شَاهِدُ يَا ثَامُ فَلَا تَصِفُ إِلَّا لَسُنَّ كُلِّ  
كَتَبٍ جَلَالِهِ وَمُلْكِهِ وَعِزِّهِ يَا ثَامُ يَا ثَابِتَ ثُبُوتِ ذَاتٍ فِي لُصْفَاتٍ مَعَ الْأَسْمَاءِ وَالْأَفْعَالِ  
يَا ثَابِتُ يَا خَالِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكُلِّ إِلَهٍ مَعَادُهُ يَا خَالِقُ اسْمَاءُ قَمَرٍ  
يَعْنِي رَوْزَدُ شَبِيهِ يَا ذَاكَ تَذَكَّرْتَ بِالذِّكْرِ وَالذِّكْرُ فِي ذِكْرِ ذِكْرِكَ يَا ذَاكَ يَا ضِيَاءَ  
الضُّمِيرِ مِنْ كُلِّ مَعْرِفَةٍ يَا ضِيَاءَ يَا ظَاهِرُ تَظَهَّرْتَ بِالظُّهُورِ وَالظُّهُورُ فِي ظُهُورِ  
ظُهُورِكَ يَا ظَاهِرُ يَا غِيَاثِي عِنْدَ كُلِّ كَرْبَةٍ وَنَجِييَ عِنْدَ كُلِّ دَعْوَةٍ وَ  
مَعَاذِي عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ وَيَا رَجَائِي حِينَ تَنْقَطِعُ حِيلَتِي يَا غِيَاثِي اسْمُ وَحْدَتِ  
يَا وَاحِدُ تَوْحِيدَاتِ الْوَحْدَةِ وَالْوَحْدَةُ فِي وَحْدَةٍ وَحْدَتِكَ يَا وَاحِدُ اسْمُ  
ذَاتِ يَا اللَّهُ الْمُحْمَدُ فِي كُلِّ فِعَالٍ وَالسَّلَامُ



